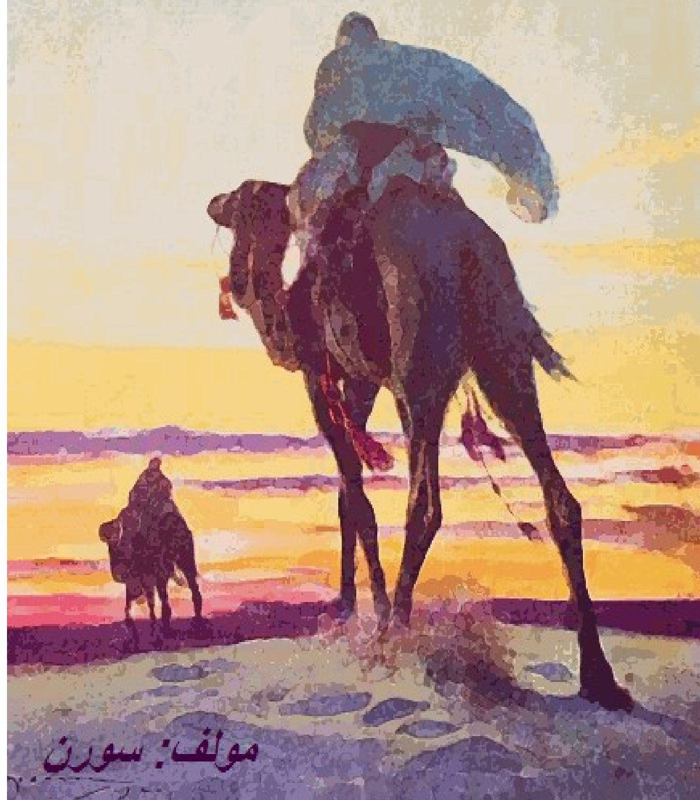
چرا ادیان
به وجود آمدند



مولف: سورن

تقدیم به
نیکا دختر نوجوان ایران که بیرحمانه به دست نیروهای سرکوبگر لباس شخصی اسلامی به قتل رسید



تقدیم به
فرخنده دختر نوجوان افغان که در آتش جهل مشتی نادان در شهر کابل زنده سوزانده شد



و تقدیم به دختران و زنان ایران
که قربانی جهالت و نادانی سران
مذهبی جمهوری اسلامی گشتند

برای آنهائی که معنای واقعی کلام خدا را کشف کردند
برای انسان های آزاده که طبیعت خدا را دوست دارند
برای انسانهائی که همنوع خود را دوست می دارند



مولف: سورن By: Suren

سال ۲۰۲۲ میلادی برابر با ۱۴۰۱ شمسی
344 194 192 226 80 152 320 30 16
تصاویر تزیینی از : wp clip art

مقدمه

شاید کمتر کتابی در جوامع مختلف وجود داشته باشد که از یک منظر جدید, اصول اسلام و آموزه های دینی را نقد کرده و سپس توصیه نماید که برای حفظ اعتقاد دینی مردم, روحانیون اسلامی در جهان باید یک صدا در مورد کتاب قرآن و آموزه های مذهبی دست به اصلاحات عمیقی بزنند مخصوصا کتبی که در مراکز اسلامی و حوزه های علمیه مبنای تدریس می باشد. این شاید عقلانی ترین چاره موجود است که چهره اسلام را از هر گونه آلایش موجود پاک نماید و آثار سو دشمنی و بدبینی به آیین اسلام را در نزد افکار عمومی بین الملل اندکی بزداید.

بر همه اندیشمندان و متفکران واضح است که اصولا در این برهه از زمان به هیچ وجه امکان زدودن دین و مذاهب گوناگون از جوامع دنیا وجود ندارد چرا که اصول مذهبی هزاران سال است که در میان مردم و در دل و جان آنان ریشه دوانیده و از نسلی به نسل دیگر منتقل گشته است. بنابراین جوامع اندیشمند, انسان های با عقاید گوناگون باید مذاهب مخصوصا دین اسلام را به عنوان یک امر بدیهی پذیرفته و سعی در تشویق رهبران مذهبی نسبت به اصلاحات لازمه نمایند.

بر منتقدان و مخالفان دین اسلام پوشیده نیست که بیش از یک میلیارد نفر پیرو این آیین می باشند. آیا می توان به کلی دین اسلام را نفی کرد و آن را از جوامع مسلمانان بیرون نمود؟ آیا به جز اصلاح مفاد کتب اسلامی راه عاقلانه تر دیگری وجود دارد؟ در این نوشتار دلائل زیادی ذکر گردیده که چرا کتب مذهبی اسلام باید مورد نگرش مجدد قرار گیرند و منابع درسی و آموزشی مذهبی به شیوه عقلانی قابل قبول و منطبق با حقوق و کرامت والای انسانها چه زن و مرد به طور یکسان در عصر جدید بازخوانی و اصلاح گردد.

این یک حقیقت محض است که عالمان و روحانیون اسلامی امروزه در بدترین شرایط ممکنه بسر می برند و انگشت شماتت و سخنان تند بسیاری به سوی آنان نشانه رفته است. روحانیون بسیاری از اخلاق, کردار ناهنجار و افراطی معتقدان به اسلام شکایت و شکوه دارند و بسیاری نیز در سکوت بسر می برند و جرئت اظهار نظر ندارند. باید سکوت شکسته و راه چاره جستجو شود تا این معضل را بتوان درمان نمود.

در این کتاب سعی بر این شده که نقاط ضعف کتب و آموزه های اسلامی در حد لازم مورد نقد قرار گیرد و از گفتار و نوشته های محققان و نویسندگان اسلامی و تاریخی نیز کمک گرفته شده است.

بیزن عبدلکریمی, استاد فلسفه دانشگاه در تهران:
ما نمی‌توانیم با اندیشه‌های عقلانیت فقهی گذشته با جامعه امروز برخورد کنیم.

خانم صبا کرد افشاری, زندانی سیاسی در زندان قرچک: *خشونت علیه زنان وضعیت نامناسب تغذیه و کمی غذا, مسئله انباشت زباله, تهویه هوا, سرویس بهداشتی آلوده, مواد شوینده بسیار اندک و دهها مورد دیگر از معضلات و مشگلات زندان قرچک است. پرونده تلنبار شده بسیاری بدون رسیدگی در قفسه ها خاک می خورد.*

احمد کسروی مولف کتاب تاریخ مشروطه:
آنان (روحانیون شیعه) معتقدند اگر بیگانگان به کشور هجوم آوردند چون جلوی روضه خوانی و عزاداری را نگرفتند پس اشکالی بر آنان نیست. ما باید مشروطه را از گزند این جماعت حفظ نماییم و شیعه را رها نماییم ایرانیان ایرانی هستند و ایرانی زندگی خواهند کرد.

احمد توکلی, از تشخیص مصلحت نظام و نماینده اسبق مجلس اسلامی
کشور به مرحله فساد سیستماتیک رسیده است.

سید کمال حیدری, استاد حوزه علمیه در شهر قم:
مشگل این است که علمای امروز تنها با فقه می خواهند پیش بروند و جامعه نمی تواند آنرا بپذیرد.

عبدالفتآح خدمتی, مفسر اسلامي:
غیر از اسلام دین دیگری پذیرفته نخواهد شد زیرا این آخرین نسخه ادیان است، آیا می شود تلفن همراه آخرین سیستم در بازار باشد و ما بخواهیم تلفن ده سال پیش را خریداری کنیم؟ بنابراین آخرین دین و مدرن ترین دین و مورد پسند خدا، دین اسلام است چون که بعد از همه ادیان دیگر آمده است.

پیام خدا از دل طبیعت:
وجود طبیعت یک سرمشق برای انسان است اگر بذر گیاه در محیط سالم رشد کند به ثمر خواهد نشست و میوه خواهد داد مشروط به اینکه خاک و کود مناسب و آبیاری صحیح داشته باشد. انسان نیز به همین گونه است یک طفل نوزاد در یک محیط سالم رشد و تربیت انسانی خواهد داشت در غیر این صورت کج رفتار و در آینده یک عنصر نامطلوب برای جامعه خواهد گردید.

ارسطو, فیلسوف یونانی:
تنها یک خیر وجود دارد که دانش است و یک شر که جهل می باشد.

فهرست...

علل پیدایش مذاهب

آرامگاه و معابد زرین

علل پیدایش مذاهب در جهان و تاثیر آن بر جوامع از آغاز تا کنون چه بوده است؟

از همان ابتدای آفرینش کاملا مشهود بوده که انسان های اولیه در ابتدا نمی دانستند چگونه زندگی و حوائج خود را برطرف نمایند, اما بعد از مدتی با استفاده از پدیده آتش یا ابزارهای اولیه برای شکار حیوانات توانستند راه زندگی را برای خود هموار کنند. بحث وجود ادیان و کتب آسمانی هنگامی آغاز شد که دهها هزار سال از زندگی غارنشینی انسان اولیه سپری و دوران تازه ای از زندگی اجتماعی شروع شده بود که آغازگر حوادث و فراز و نشیب هائی در جوامع گردیده است.

مردم درشرایطی و به گونه ای می زیسته اند که برای بعضی ها این تصورات به وجود آمده بود که نیاز مبرم به هدایت افراد است به عنوان مثال از نقطه نظر اخلاقی و روابط عاطفی باید اقداماتی انجام شود که سد راه بحران های اجتماعی و سبب کاهش ناهنجاریهای جامعه گردد.

از طرفی چون حاکمان وقت توجهی به مسائل اخلاقی شهروندان نداشتند و بیشتر در پی حکمرانی و برآوردن امیال شخصی بوده اند. بدین گونه بود که اساس و تولد پیامبران و راهنمایان بشر به وجود می آید که ظاهرا در آن دوران اقدامی هوشمندانه بوده چرا که قوانین مدنی و اخلاقی به صورت امروزی وجود نداشت و یا اینکه رسوم غیر عقلانی

قبیله ای که بر جمیع زندگی افراد احاطه داشته که در واقع ضد اجتماعی بوده اند.

بسیاری از ادیان و مکاتب فلسفی در گذشته های خیلی دور ظهور کردند آورندگان آنها بعضا به صورت مصلح بودند و ادعائی نداشتند که از جانب خدا رسالت داشتند به طور مثال می توان از آیین زردتشت نام برد که قدمت تاریخی طولانی داشته و در کشور پهناور ایران ترویج شده بود. همچنین آیین های قدیمی دیگر از قبیل هندوئیسم در سرزمین هندوستان, دائوییسم و مکتب کنفوسیوس در چین باستان یا بودائیسم درمناطق آسیائی که از سوی مصلحین تبلیغ و به مردم عرضه شده بود.

اما برخی از اقدامات اصلاح طلبانه ادیان بعدها توسط اصحاب و پیروان پیامبران به انحراف کشیده می شود. آنها به جای اینکه مردم را فقط به یک اصل و خدای واحد هدایت و در جهت تبلیغ بنیان های اخلاقی گام بردارند اغلب همراه و موافق حاکمان مستبد گردیده و با ساخت معابد, کلیسا های متعدد, مسجد ها ظواهر دین را حفظ اما در جهات معکوس گام بر می دارند. آنها همچنین با ساختن آرامگاه های پر زرق و برق برای رهبران مذهبی که عملی اصراف گونه بوده و به این طریق جایگاههای پرستش برای کسب درآمد به کار گرفته می شود که در نهایت میلیون ها تن از پیروان آیین های مذهبی به عنوان زائر و به مناسبت های گوناگون هدایا و پول های سرشاری را روانه قبور تقدیس شده می کنند.



از جمله مکان های زیارتی که پا را بسیار فراتر از جایگاه زهد و رهبانیت گذاشتند می توان نمونه های بسیاری را در شهرها ی دنیا مشاهده نمود و اگر بخواهیم از این آرامگاه های مقدس نام ببریم خود مثنوی یک کتاب خواهد شد که به چند تا بسنده می کنیم. یک نمونه آرامگاه آیت اله روح اله خمینی در شهر تهران است که ساختمانی بسیار مجلل و با معماری پرزرق و برق اسلامی ساخته شده است.
کارشناسان و معماران هزینه ساخت این آرامگاه را بالغ بر ۲ میلیارد دلار تخمین زده اند.

درشهر کربلا یکی از حرم مقدسین به نام امام حسین تنها بیش از صد میلیون دلار طلا در تزیینات آن به کاررفته است که سالانه میلیون ها نفر به عنوان زوار به آنجا مسافرت و مقادیر فراوانی پول و هدایا به مسئولان زیارتگاه می دهند.
نمونه دیگر در شهر مشهد که مدفن امام رضا در استان

شرقی ایران است که که مشابه ساخت و ساز در شهر کربلا را دارد. مشهد در سال پذیرای میلیون ها نفر است که اکثرا هدایا و پول به مسئولین آرامگاه می دهند.

معبد دندان بودا با گنبدی از طلای خالص در سنگاپور که هرساله تعداد فراوانی به عنوان زائر و توریست به دیدن آن می روند فقط دریکی از قسمت های بنا بیش از ۳ تن طلا به کارگرفته شده است.

البته نباید کتمان کرد که مسافرت های مردم تحت عنوان زائر به این شهرها استفاده های اقتصادی برای مردم و کسبه محلی دارد و دولت های استانی در این گونه شهرها از بابت سفرهای مردم نیز سود کسب می کنند.

در جنوبی ترین ایالت هند معبدی به نام پادمانا وجود دارد که چندین میلیارد دلار جواهر در دل خود جای داده است معبد مذکور یکی از بناهای مقدس مردمان هندو مذهب است.
آیین هندو قدمتش بیش از دو هزار سال و کتاب مذهبی به نام ودا veda دارند.

 معبد هارماندیرصاحب از دیگر معابد طلائی که ویژه مردم سیک در ایالت پنجاب هند است که مساحت بزرگی دارد و در ساخت آن نزدیک به ۶۰۰ کیلو طلا استفاده شده است. از این معبد روزانه دهها هزار نفر زائر با تحفه و هدایا دیدن می کنند.

همانطور که ملاحظه می کنید نفس عمل برای همه زیارتگاهها چه برای مسلمانان و یا هندو ها و دیگر ادیان یکی می باشد. همه زوار, خدا را در بطن این زیارتگاهها صدا می کنند و تقاضای آمرزش و بخشش دارند, بخشش برای

اعمال بد که اغلب مرتکب می شوند و فکر می کنند با توسل به این زیارت خانه ها گناهانشان از سوی خدا بخشیده خواهد شد.

در سناریوی دیگر زواری نیز وجود دارند که با صرف هزینه های بسیار از جمله پرداخت نذورات, پول, جواهر خواهان زندگی آسوده بهشتی در آن دنیا می شوند چون که ملایان, رهبران دینی در سخنرانی ها و در کتب دینی به صراحت می گویند که دعا و نیایش و ادای نذر از بار گناهان شخص می کاهد و در آن دنیا روانه بهشت و زندگی جاودانه خواهند داشت.



زائران مذهبی و مراسم قربانی

هرساله میلیونها نفر از مسلمانان برای زیارت خانه خدا و شرکت در مراسمی موسوم به حج به شهر مکه واقع در عربستان می روند. براساس آمارهای منتشر شده از عربستان به طور متوسط نزدیک به ۳ میلیون نفر در مراسم

فوق الذکر شرکت می کنند. غیر ازسفر زائرین خانه خدا, قریب به ۶ میلیون نفر دیگر هرساله برای زیارت دیگر ابنیه اسلامی و قبور مقدس مسلمانان به عربستان مسافرت می کنند.

در اثنای سفر حج, زائرین موظف هستند که هر کدام یک قربانی به خانه خدا ارائه دهند که معمولا یک راس گوسفند است. دولت سعودی که درضمن نگاهبان و اداره کننده خانه کعبه است هرساله چندین میلیارد دلار درآمد از بابت زوار خانه کعبه و دیگر شهرها از قبیل مدینه کسب می کند.

در رابطه با قربانی کردن گوسفندان در مراسم حج بر طبق آمار و اخبار منتشر شده تا اواخرسال ۲۰۱۰ شیوه موثری برای تخصیص گوشت های گوسفندان قربانی شده برای مصرف وجود نداشته است و بسیاری از لاشه های گوسفندان منهدم می شده اند.



یکی از دلائل انهدام لاشه گوسفندان, درجه گرمای بالا و عدم سردخانه های کافی بوده که بتواند گوشت حیوان

قربانی را در دمای مناسب نگاهداری نماید. منتقدین بر این نظرهستند که می توان راه حل بهتری برای این موضوع پیدا کرد که اساسا از قربانی کردن حیوانات جلوگیری شود اما متاسفانه با توجه به مقررات اسلامی, ارائه هر گونه اندیشه خارج از مذهب اسلام ممنوع و پذیرفته نمی شود.

در راستا و در چهارچوب قوانین اسلام حتی علمای مذهبی نمی توانند خارج از عرف عمل کرده و شیوه بهتری برای این گونه مسائل ارائه دهند که جایگزین قربانی شود.

در رابطه با زوار مسیحی که بیشتر مربوط به کلیسا است درآمدهای حاصله به مراتب خیلی بالا می باشد. البته آمار رسمی دراین میان وجود ندارد ولی کارشناسان عقیده دارند که اکثر مسیحیان بین ۱ تا ۲٫۵ درصد از درآمد خود را به کلیسا اختصاص می دهند که مطابق آمار منتشر شده فقط در امریکا این مبلغ نزدیک به یکصد میلیارد دلار در سال است. به عنوان مثال کلیسای معروف عیسی مسیح در ایالت یوتای امریکا با داشتن ۱۶ میلیون عضو, بالغ بر دویست میلیارد دلار دارائی و ثروت دارد.

در قوانین مذاهب اسلامی مخصوصاً شیعه مواردی به نام خمس وزکات وجود دارد که توسط روحانیون از مسلمانان و پیروان دین گرفته می شود. مقدار دریافتی خمس به معنای یک پنجم درآمد شخص می باشد. خمس در دیگر مذاهب اسلامی از جمله سنی ها در حال حاضر نباید گرفته شود. قوانین خمس متعلق به زمان گذشته و مربوط به جنگ‌ها بوده است که بین مسلمانان و دیگر ملل صورت می گرفته و در صورت کسب پیروزی فرمانده سپاه اسلامی موظف بوده یک پنجم از غنائم جنگی بدست آمده را برای خلفای اسلامی ارسال نماید تا به مصرف امور مسلمانان برسد و

بقیه را بین سپاهیان و سربازان تقسیم نماید.

زکات نیز بر اموالی تعلق می گیرد که مسلمانان معمولاً از بابت تولید بدست می آورند به عنوان مثال عمل کشاورزی را می توان از این دسته نام برد. اساساً امروزه می توان گفت که مصارف خمس وزکات در دست روحانیون است و هرگونه که بخواهند در آن دخل و تصرف می نمایند.

همچنین شنیده می شود که از پول های هنگفتی که روحانیون شیعه کسب می کنند اندک مقداری صرف مصارف امور خیریه می شود که آنهم قابل تردید است و ملایان ترجیح می دهند بیشتر صرف هزینه های خود و اطرافیان و در پاره ای امور مدرسه‌های دینی و پرداخت حقوق به دانش آموزان یا طلبه های اسلامی و افرادی که در دایره تشکیلات یک روحانی است گردد.

در رابطه با مسائل زکات نویسنده مشهور ایرانی احمد کسروی چنین می گوید: زکات و مال امام مالیات اسلام بوده است, اسلام یک حکومتی داشته که سپاه می‌گرفته و یا حکمران و قاضی می گمارده و شحنه و شرطه برمی‌گزیده و یک کشور بسیار بزرگی را اداره می‌نموده و در برابر آن از مردم, مال امام و زکات می‌گرفته است. اما اکنون که حکومت واحد اسلامی برافتاده و هر توده و نژادی از مسلمانان خود را جدا گردانیده و یک حکومت نژادی بنیاد گزارده‌اند و مالیات به دولت‌های خود می‌پردازند دیگر نیازی به پرداخت زکات و مال امام وجود ندارد.

ناگفته نماند که علاوه بر درآمد های کلان روحانیون شیعه ایران از بابت خمس و زکات, آنان نیز از بودجه های دولتی استفاده می کنند و صدها گروه از روحانیون تحت نام و گروه

های مختلف مبالغ هنگفتی از صندوق دولت هرساله دریافت می نمایند.

کلیه درآمد های روحانیون که در بالا به آن اشاره گردید از بابت آن هیچگونه حسابرسی و یا مالیات به دولت ها ارائه نمی گردد و همانطور که بیان شد آنان از صندوق دولت نیز مبالغی دریافت می کنند که با توجه به کثرت گروه های مذهبی (۵۴ گروه) مجموعاً وجه های پرداخت شده در ارقام بسیار بالا می باشد. در حقیقت به جای اینکه مبالغ فوق صرف توسعه و عمران کشور شود این گونه صرف مسائل بی اهمیت می گردد.

مطابق اظهارات مقامات دولتی در ایران فقط در سال ۱۳۹۸ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۹ میلادی, سهم ملایان از بودجه دولتی مبلغی برابر با ۵۰۰ میلیون دلار بوده است که هر ساله افزایش می یابد. برطبق آمارهای منتشر شده بودجه فوق در سال بعد با یک رشد ۲ درصدی به ۵۱۰ میلیون دلار ارتقا یافته است.

در رابطه با نذورات و بنابر اظهارات متصدیان ستاد علای عتبات خارج از کشور تا کنون بیش از ۱۵۰ پروژه بازسازی و گسترش قبور امامان شیعه در خارج از ایران صورت گرفته است و این در حالی است که اقتصاد کشور در چند دهه اخیر دچار کمبود و نقصان فراوانی بوده و مردم با گرانی های سرسام آور و بی سابقه ای مواجه شده اند.

تخصیص بودجه های کلان به روحانیون مذکور در حالی صورت گرفته که بودجه سازمان محیط زیست کشور نزدیک به ۲۵ میلیون دلار بوده است آنهم در دورانی که کشور های مختلف برای محیط زیست باید سرمایه های بیشتری تخصیص بدهند

چرا که در رابطه با این امر معضلات و بحران هائی در اقصی نقاط جهان به وجود آمده است که اگر به زودی فکر اساسی نشود خطرات بسیاری مردم نقاط جهان را تهدید خواهد نمود و سرزمین ایران از این قاعده نیز مستثنی نمی باشد.

در این کتاب قصد نداریم که ساخت و ساز معابد, مساجد و یا کلیساها را زیر سئوال ببریم بلکه نظر بیشتر به آن است که تشریفات و اشرافیت و اسراف گری را نقد کنیم اینکه چرا عبادت گاه و پرستش گاهها, آرامگاههای مجلل با نمای طلا و جواهرات پرخرج ساخته می شود و میلیون ها نفر دراین اماکن مبالغ هنگفتی پول و هدایا به گردانندگان ابنیه ها اهدا می کنند و همه این مسائل در بحبوبه ای صورت می پذیرد که بر طبق برآورد کارشناسان سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای مدافع حقوق بشر صد ها هزار تن در داخل همین کشور ها بر اثر فقر و بعضا گرسنگی جان می سپارند.

البته لازم به توضیح است که هنرمندان بسیاری در طیف گسترده و دایره هنری خود در ساخت و ساز ابنیه های مذهبی و هنری شرکت می کنند که برای اشاعه فرهنگ یک ملت شاید ضروری قلمداد شود و هرکدام می تواند میراث گرانبهائی برای شناخت یک ملت و کشور باشد اما اینکه برخی از ساخت و سازها مخصوصاً از نوع مذهبی اش وسیله ای شود برای اشاعه خرافات و یا خالی کردن جیب مردم علاقمند که شیفته مذهب هستند و نیز هیچگونه نظارتی بر درآمد و هزینه های آن وجود ندارد قابل تامل و سئوال برانگیز است.

در رابطه با مساجد در ایران متاسفانه باید اذعان نمود که استفاده صحیح و اصولی که در راستای منافع مستمندان و فرودستان باشد از این گونه اماکن نمی گردد و اغلب به

پایگاه هائی در جهت تحکیم حکومت های فاسد گشته اند.

حتی اگر در خارج از موضوع ادیان به جوامع نگاه بکنیم, شرح ساخت و ساز های کاخ های افسانه ای در گوشه و کنار این جهان پهناور خود به تنهائی مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد که شامل کاخ های اشرافی ثروتمندان یا کاخ های شاهان و امپراطوران دنیا است.

اگر تاریخچه هر کاخ بزرگ و باشکوه را بخوانید متوجه خواهید شد که هر کدام حاصل میلیارد ها دلار هزینه و زحمات شبانه روزی هزاران کارگر بوده که اکثرا بدون حقوق و یا با دستمزد بسیار ناچیزی به کارهای طاقت فرسا گمارده می شدند. اغلب این ساخت و ساز های افسانه ای صد ها سال وقت برای آن صرف شده است که باعث حیرت خوانندگان و پژوهش گران گردیده است. به عنوان نمونه ساختمان کنونی موزه لوور در پاریس که زمانی محل زیست شاهان فرانسه بوده است دست کم ۷۰۰ سال تحت ساخت و ساز بوده است و بعضی کارشناسان معماری می گویند حتی در قرن بیستم توسعه ساختمانهای موزه لوور تمامی ندارد و هیچ وقت به پایان نمی رسد.

اگر به روسیه سفر کرده اید شاید از شهر سن پترزبورگ نیز دیدن کرده باشید که پر از بناهای باشکوه و کاخ های سلاطین تزار می باشد. در ساخت بناهائی نظیر قصر کاترین در شهر سنت پترزبورگ صدها کارگر جان خود را از دست دادند چرا که حاکمان تزاری فشار بیش از حد به سازندگان بناها وارد می آوردند و در نتیجه کارگران در اثر کارهای طاقت فرسای شبانه روزی جان می باختند.

نویسندگان در ستایش از کاخ های افسانه ای مطالب بسیار

می نویسند و خیل بازدیدکنندگان در مقابل آن همه زیبائی و جلال سر مبهوت و متحیر می شوند و شاید کمتر بدانند که در پس پرده ساخت این گونه ابنیه ها جان هزاران بیگناه گرفته شده است.

انقلاب مشروطه ایران

احمد کسروی یکی از مخالفان سرسخت روحانیون در ایران بود. او در عین حال مخالف سرسخت ملایانی بود که سعی داشتند با خرافات مذهبی فکر و روح مردم را مسموم سازند. او که شاهد زنده وقایع مشروطه و کارشکنی ملاهای عصر خود بود در کتاب تاریخ مشروطه که به جرأت می توان می گفت جامع ترین و مستند ترین وقایع تاریخ اواخر قاجاریه است حوادث و دوران سختی را که مردم ایران متحمل شدند وقایع نگاری می کند. او از جنبش مردم تبریز می نویسد که چگونه در مقابل تجاوز روسها به آذربایجان مقاومت کردند تا قیام ملی ستارخان و باقرخان و مجاهدت های مردم تهران و شهرستانها که بر علیه مستبدین و عوامل محمد علی شاه قاجار مبارزه و جان خود را فدا کردند.

کسروی پس از سپری شدن دوره رضاخان در مقطعی به نخست وزیر وقت مرتضی قلی بیات نامه ای می نویسد و از مذهب شیعه سخت انتقاد می کند. او می افزاید که مذهب شیعه با خود, با دانش, با تاریخ, با زندگانی و حتی با اسلام ناسازگار است و پس از همه اینها با مشروطه با زندگانی, دموکراسی که ما با خونریزی و فداکاری های بسیار بدست آوردیم به مقابله برخاسته است.

کسروی می افزید ما صد ایراد به این مذهب داریم ولی اشکال ما بر سر همان بخش اخیر یعنی ناسازگاری با

مشروطه می باشد. او همچنین می نویسد همه می دانند که در کیش شیعه حکومت حق امام است جز او هر کس دیگری به حکومت برخیزد غاصب و جابر و قاجر است و پیروان او همه گناهکارند. باور روحانیون شیعه در این است که همه خلفا چه در بغداد یا مصر و پادشاهان در ممالک اسلامی همه غاصب بوده اند. اینان معتقدند در ایران شاهان غاصبند, مالیات دادن به آنان حرام است, سربازی رفتن حرام است, خلاصه هر چه بیرون از دستگاه روحانیت است حرام می باشد. حکومت حق امام غائب یعنی امام زمان است و چون او از نظرها غائب است پس حق روحانیت شیعه می باشد. آنان معتقدند اگر بیگانگان به کشور هجوم آوردند چون جلوی روضه خوانی و عزاداری را نگرفتند پس اشکالی بر آنان نیست. او در انتهای نامه اش به نخست وزیر می نویسد ما باید مشروطه را از گزند این جماعت حفظ نماییم و شیعه را رها نماییم ایرانیان ایرانی هستند و ایرانی زندگی خواهند کرد.

در رابطه با حوادث تلخ مشروطه می توان به ماجرای بانک روس اشاره کرد که در کتاب تاریخ مشروطه چنین آمده است , یک قطعه زمینی در کنار یک گورستان متروکه و در نزدیک بازار کفشدوز ها وجود داشته است که بانک روس قصد داشته در آن ساختمان بسازد. در آن عهد مجتهدی به نام عبداله بهبهانی در مخالفت با این مسئله برخاسته اما شیخ فضل اله نوری با دریافت ۷۰۰ تومان زمین مذکور را که گویا وقفی بوده است به روسها واگذار می کند. بهبهانی به بانک اعتراض نموده و آنها نیز رونوشت قباله را که به امضای فضل اله نوری رسیده بوده برای او ارسال می کنند.

 چند روز بعد به تحریک بهبهانی یک روضه خوان به نام محمد واعظ به روی منبر رفته و فریاد وااسلاما سر داده اینکه اموات

مسلمین توسط کافرها تخریب گردیده است. او مردم را تهییج نموده و جهت خواندن فاتحه به گورستان هدایت می کند. از آنسو, کارگران ساختمانی با انبوه جمعیت مواجه می شوند فرار را بر قرار ترجیح داده و متواری می گردند. جمعیت به طرف ساختمان نیمه کاره هجوم برده و آنرا ویران می سازند و بانک به محض اطلاع از حادثه درخواست بیست هزارتومان خسارت از دولت وقت می نماید که مظفرالدین شاه دستور می دهد پول مذکور از خزانه دولت پرداخت شده و به این ترتیب غائله را می خواباند.

در ایران تاریخ مشروطه گواه بسیار خوبی است از کسانی که سنگ و داعیه رهبری مذهبی ملت را می زده اند ولی در عمل بر علیه حقوق مردم برخاستند و با مستبدین و بدخواهان مشروطه همدل و همکار شدند که از آن جمله می توان شیخ فضل اله نوری را نام برد که بعدها توسط مشروطه خواهان به دار آویخته شد. درواقع بیان این حقایق تلخ صحه بر گفتمانی است که در متن این مطالب آمده و اشاره به انحراف پیروان مذاهب نموده است اینکه چگونه دین و آیین پیامبران دستمایه هوی و هوس اینان قرار می گیرد و ملتی را به تباهی می کشاند.

این بسیار درد بزرگی است دینی که مردم عامی ناگزیر و محکوم به تبعیت از افکارسرکردگان مذهب هستند و تقلید کورکورانه از آنان می کنند اما نمی توانند عملکرد رهبران مذهبی شان را مورد انتقاد قرار دهند.از این منظر مردم باید آگاهی و بینش خود را نسبت به مسائل جامعه ارتقا دهند و با مطالعه کتب گوناگون چه از طریق کتب چاپ شده یا دیجیتالی دانش و آگاهی خود را نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی و تاریخی بالا ببرند. اما متاسفانه بر طبق آمارهای منتشر شده از منابع گوناگون میزان سرانه مطالعه

در ایران حدود ده دقیقه در روز می باشد و اکثریت مردم ایران علاقه چندانی به مطالعه نشان نمی دهند. ارسطو فیلسوف مشهور یونانی می گوید: تنها یک خیر وجود دارد که دانش است و یک شر که جهل است.

مافیای ایتالیا و باور های مذهبی

به احتمال زیاد با کلمه مافیا آشنا هستید و اولین تصویری که در ذهن تان به وجود خواهد آمد اعمال خشونت, دزدی, آدم ربائی, قتل و جنایت از طرف اعضای سازمان مافیا می باشد. شاید نیز تعجب کنید که بگوئیم در ابتدا هدف از تشکیل مافیا به راه اندازی باندهای تبهکاری نبوده بلکه گروهی از خیرخواهان و مصلحان در جامعه در اندیشه آن بودند که با قدرت نمائی از حقوق مظلومین دفاع نمایند.

شاید واژه کوزا نوسترا Cosa Nostra برایتان آشنا باشد یک انجمن سری در شهر سیسل ایتالیا در قرن نوزدهم شکل گرفت که هدفشان دفاع از اقشار ضعیف جامعه بود. آن زمان افراد قدرتمند, خان سالارهای متعدد بسیاری بودند که حقوق زیردستان و فرو دستان را رعایت نمی کردند و ظلم و تعدی نسبت به آنان روا می داشتند.

اهداف نیک بنیان گذاران مافیا چه شد که بعد از یک قرن تبدیل به یک سازمان مخوف گانگستری گردید که امروزه پرچمدار قتل و جنایت و یک رشته اعمال خلاف در جوامع بعضی از کشورها گردیده است. به نظر کارشناسان وقتی که اصول و قوانین مبتنی بر افراد باشد نتیجه اش آن می شود که به مرور زمان با روی کار آمدن اشخاص تبهکار گروه هائی نظیر مافیا نهایتا مبدل به یک تشکیلات فاسد می گردند.

در این رابطه دین و نهاد های مذهبی نیز از این دایره مستثنی نمی باشند و اگر از اصول و ضابطه های روشن و شفاف و مدون پیروی نکنند و در زیر ذره بین نهاد های دیگر جامعه و قوانین و تشکیلات دادگستری نباشند غایتا به همان سرنوشت شوم مافیا مبدل خواهند گشت.

در شهر ناپل ایتالیا باندهای مافیائی از جمله گروهی به نام کومورا در سال ۲۰۰۸ وجود داشتند که کاسب‌ها را تهدید و از آنان اخاذی می کردند. یکی از افسران پلیس در مقابل چشمان حیرت زده خبرنگار سئوال کننده گفته بود که تعداد بسیاری از مردم عضو باند های زورگیری مافیا هستند. وقتی که ۷۰ در صد جوانان بیکار باشند طبعیی است که باندهای خلاف کار روز به روز گسترش یابند.

در گذشته روابط تبهکاران ایتالیائی با کلیسا بسیار حسنه بوده به طوریکه قبل از صرف غذا به دعا و نیایش پرداخته یا قبل از اجرای اعمال خلاف به کلیسا می روند و به دعا و نیایش می پردازند و از عیسی مسیح طلب آمرزش کرده و از خداوند برای نعمت هایش تشکر و سپاسگزاری می کنند, اما ساعتی بعد برای ارتکاب جرم و جنایت روانه محلات و خیابانها شده و باعث تخریب و یا قتل شهروندانی می گشتند که از باج دادن به آنها خودداری می کردند.

شهروند دیگری اظهار می کرد که حتی دولت های محلی خود بخشی از باند مافیا می باشند. خبرنگار دیگری از تجربه های خود در شهر ناپل تعریف می کرد که در حدود صد باند خلاف کار وجود دارند که شهر را بین خود تقسیم کرده اند.

در فاصله سالهای ۲۰۰۰-۲۰۱۰ میلادی تعدادی از کسبه ها که از دادن باج به خلاف کاران خود داری کرده بودند به طرق

گوناگونی به قتل رسیدند. فساد آنچنان در سیستم و ساختار حکومت ها در ایتالیا ریشه دوانیده بود که نیروهای انتظامی و قضات ایتالیا نیز نمی توانستند حریف این جنایت کاران گردند. این موضوع به کرات در طول دهه ها خود را نشان داده بود که چگونه باند های جنایت پیشه در اکثر ارگان های شهری حضور فعال دارند و تصمیم های مفید افراد مصلح را خنثی می کنند.

تعجب در اینجاست که مسئولان شهری ناپل به خوبی از این واقف بودند که گروه های مافیا از چه کسانی تشکیل شده است اما قدرت آن را نداشتند که علیه آن‌ها اقدام نمایند اگر چه افراد پاکدل بسیاری در کشور همیشه وجود داشته اند که در مقابل این جنایت کاران بایستند که از جمله می توان حادثه قتل یک قاضی خوشنام ایتالیائی را ذکر کرد.

در مه ۱۹۹۲ میلادی یک قاضی شرافتمند به نام جووانی فالکون و همسرش و ماموران اسکورت او در یک توطئه انفجار مرگبار جاده ای در پالرموی سیسیل به قتل رسیدند. به این طریق مافیا با این گونه اعمال جنایتکارانه که در طول دهه ها انجام داده بود اسطوره مقدسی را که در قرن پیش از خود ساخته بود برای همیشه از بین برد.

خدا از دید ادیان و مذاهب

مصلحان اگر واقعا می خواستند که مردم را هدایت کنند می بایستی تمام توجه خود را به یک خدای واحد معطوف می نمودند و مردم را از روی آوردن به پدیده هائی که نماینده اشرافیت هستند منع می کردند و امکانات و پول های نذورات جمع آوری شده را صرف بهبود زندگی مردم فقیر می کردند. امروزه اگر به وضعیت جغرافیائی کشور ها نگاه کنید با

خیل انبوه معابد و کلیسا ها و مساجدی مواجه می شوید که میلیون ها دلار فقط صرف تزیینات در آن شده است.

مطلب مهمی که روحانیون صاحب نظر اسلامی همواره دیگر مذاهب از قبیل هندو و بودا و ادیان مشابه را مورد انتقاد سخت قرار داده اند این است که پیروان ادیان فوق با ساخت مجسمه های سمبولیک مرتکب گناه می شوند و از خدا پرستی بدور هستند و تنها آیین و مذهب اسلام است که در بعد خداپرستی عمل کرده و از پرستیدن بت و مجسمه دوری می کند.

اینکه فقط مذهب اسلام خدا را پرستش می کند و ادیان دیگر در گمراهی بسر می برند اشتباه محض است و در عمل با واقعیت ها همخوانی ندارد. در این باره سعی می شود که گفتارهائی با شواهد و ادله در متن کتاب بیان شود.

آیین ها و مذاهب گوناگون اگر چه باهم متفاوت هستند اما تماما به یک نتیجه ختم می شوند. پیروان آیین هندو را عقیده بر آن است که دنیا و هرچه که دال برخلقت است توسط خدایان کوچکی بوجود آمدند و اینان تحت امر خدائی بزرگتر قرار دارند که در صدر همه است.

یکی از خدایان کوچکتر در مذهب هندو به نام خدای طب است که وظیفه اش در قبال پیروان این بوده که آنها را به دانش طب و دارو مجهز کند. از خدایان اصلی آیین هندو می توان شیوا را نام برد که در نظر هندو ها خدای بزرگ و خالق هستی و پدیدآورنده مرگ است.

پیروان شیوا خانه اش را در کوهی به نام کایلاش می دانند که در کشور تبت واقع در غرب چین واقع شده و پیروان آیین

هندو, بودا و دیگر آیین های مشابه در آسیا برای زیارت به آنجا می روند. از شیوا مجسمه های سمبولیک بسیاری در معابد هند وجود دارد که هندو ها آنرا پرستش می کنند. در واقع هندو ها به معنای عام بت پرست نمی باشند بلکه خدائی را می پرستند که قدرت مافوق بشری دارد و سررشته حیات و مرگ در دست اوست.

اگر به مذاهب اسلامی نگاه بکنیم در آن خدای واحدی است که خانه ای مقدس در عربستان دارد و هرساله در ماه مشخصی پیروان آیین اسلام به زیارتش در شهر مکه می روند. همچنین پیروان ادیان اسلامی و مسیحی و یهودی عقیده بر فرشتگانی آسمانی دارند که از جمله می توان جبرائیل فرشته رابط بین پیامبران و خدا را نام برد. در واقع می توان وجه تشابهی بین این فرشتگان و خدایان کوچک مذاهب هندو را نام برد که هر دو دارای قدرت مافوق بشری هستند و در عین حال تابع یک خدای بزرگتر می باشند.

مصلحان جامعه و رسالت آنان

 در طی قرون متمادی عده ای خود را به نیابت از خدا معرفی می کردند که رسالت پیامبری را بر عهده دارند و ادعا می نمودند که حاوی پیام های سعادت آمیز برای مردم هستند.

 بر اساس پیش فرض هائی که در اینجا از آن صحبت می شود می توان اظهار داشت که داعیه پیامبری بر خلاف قانون آفرینش است چرا که اگر خدا در اندیشه هدایت بشر به صورت ارسال رسول و کتابت بوده می بایستی از همان ابتدای خلقت و یا زمانی که انسان خواندن و نوشتن آموخته به این امر دست می زده آنهم به طریقی هوشمندانه که مورد قبول همگان باشد نه اینکه به واسطه نقل و قول از

اشخاص و به صورت دست نوشته و یا کتابهائی که بعدها منتشر شود که در آن بعضا مباحثی وجود دارد که بر خلاف حقوق انسان و بعضا مغایر با اصول و بنیان واقعی خلقت است.

در رابطه با آیین اسلام پیامبر از وجود فرشته ای به نام جبرییل خبر می دهد که واسطه او و خدا بوده است. این سئوال پیش می آید که چرا خداوند توسط فرشته جبرییل اقدام به رسالت مستقیم نکرده است که می توانسته پیشبرد و قابلیت بهتری داشته باشد. بنا به تعریف مذاهب اسلامی جبرییل توان و قدرت مافوق بشری داشته است بنابراین او قادر بوده که در هر گوشه از جهان حضور پیدا کند و پیام خدا را به مردم برساند. درواقع یک موجود ماورای زمینی که دارای نیروی ماورا طبیعه بوده خیلی بهتر می توانسته رسالت پیامبری را به مورد اجرا قرار دهد.

اینکه آیین خدا فقط در یک گوشه از جهان و در یک جزیره انعکاس یابد و بقیه نقاط جهان از آن بی خبر باشند قابل تامل و سئوال برانگیز است و از این رو است که در طول تاریخ مذاهب دنیا از جمله اسلام همیشه دربرابر پرسش و سئوال های گوناگون نتوانسته اند به درستی جوابگو باشند.

در واقع ادیان تشکیل شده در دوران تمدن بشری که هرکدام بر ضد ادیان و پیروان دیگر عمل کرده اند هرگز نمی توانسته جزو رسالت خداوند بوده باشد. در حقیقت اگر ما به قدرت مشیت الهی و آینده نگری اش معتقد باشیم می توانیم ادعا کنیم که خداوند اقدامی در جهت ارسال رسولان دینی انجام نداده چرا که می دانسته تعدد ادیان و پیامبران گوناگون منجر به ظهور جنگ و خونریزی بین پیروان ادیان خواهد شد و با علم به این مسئله مسلما از ارسال متعدد پیامبران

خودداری خواهد کرد. این مورد که خدا رسولان متعددی ارسال کرده زیر سئوال می رود چرا به یک پیامبر بسنده نشده تا احکام و مسائل دین برای همگان یکسان باشد تا از تشتت و اختلاف عقیده جلوگیری و تحت نام ادیان گوناگون به مال و نوامیس مردم دنیا تجاوز نشود. بنابراین با توجه به علم پروردگار از حوادث آتی و با عنایت به هوشمندی و آینده نگری خدا, بعید است که رسالت پیامبران به شیوه ای که تا کنون مرسوم بوده واقعیت داشته باشد.

بنابراین با توجه به رسالت پیامبران که در طول هزاران سال رخ داده اگر کمی واقع بین باشیم متوجه می شویم که کثرت پیامبران و رسولان در دنیا به جای اینکه صلح و خوشبختی به ارمغان بیاورد در بسیاری باعث تفرقه و جدال بین مردم دنیا گشته است. به شهادت تاریخ در طول هزاران سال صد ها جنگ مذهبی رخ داده است که چنین رخدادهایی بر خلاف نیت و خواست خدا بوده که دنیا و طبیعت زیبایش را برای رفاه و سعادت مردم به وجود آورده است.

با توجه به بصیرت خداوند و اینکه از حوادث آینده مطلع می باشد هرگز اقدامی در جهت خلاف مصالح بشر انجام نداده و دعوی پیامبران و آیین های مختلف که سرانجام نیکی در دنیا نداشته نمی توانسته خواست خدا باشد و انتصاب پیامبران از سوی خدا نبوده بلکه این انسان های هوشمند بوده اند که ایده و نظر خویش را در قالب رسالت و رهبری مردم با هدف اصلاح بشر تبیین و به مردم عرضه نموده اند.

روحانیون اسلامی در باب صد ها سئوال که از آنها در مسئله رسالت و آمدن پیامبر و وحی آیات الهی می شود چندان پاسخ قانع کننده ای نمی دهند و هر پاسخ آنها خود سئوال دیگر را مطرح می سازد و این چرخه همچنان ادامه دارد.

بنابراین چگونه می توان موردی را پذیرفت که توضیح چندانی برایش میسر نمی باشد و یا نمی توان بیش از یک حد معینی برای آن پاسخ داد.

با توجه به مسائل مطرح شده بالا ممکن است پرسش شود آیا سخنان پیامبران مبنی براینکه از جانب خداوند رسالت داشته حقیقت نداشته است؟ در پاسخ باید گفت اگر پیامبران وقایعی را در رابطه با ملاقات با خدا اظهار کرده اند به طور قطع تعبیراتی بوده که در ارتباط با خواب و در رویا بوده است.

اکثر پیامبران اشخاص مصلحی بوده اند و خواسته اند که رویاها و آرزوهای خود را در ارتباط با مردم جامعه عمل بپوشانند و از آنجائیکه آنها نمی توانسته اند به سادگی و سهولت اصلاحات مورد نظر خود را به مردم بقبولانند بنابراین با انتصاب خود از جانب خداوند تلاش کرده اند تا گفتارشان در جامعه مقبولیت بیشتری داشته باشد مخصوصا اینکه جوامع بشری در هر عصری همیشه تحت تاثیر تفکراتی قرار دارند که به نحوی با نیروهای نامرئی گره می خورند و پیامبران با آگاهی از این موضوع سخنان خود را با ذکر اینکه از جانب خدا است به مردم ارائه می کردند.

پاسخ دوم در مقابل این پرسش که آیا پیامبران به مردم دروغ کفته اند؟ باید گفت اصولا از نقطه نظر پدیده های خواب شناسی, افراد اگر بر روی مسائلی بیش از حد تمرکز کنند به احتمال یقین در آن زمینه با خواب و رویا مواجه خواهند شد. این مسئله ممکن است که به شخص القا شود اینکه در مسیر فکری که قدم گذاشته شاید نیروهای فراتر از انسان با افکار او همگام و همراه هستند(در فصل بعدی به این موضوع بیشتر و جامع تر خواهیم پرداخت). پیامبران با در

نظر گرفتن این مسائل پیام های خود را به خدا نسبت داده تا در جامعه بیشتر و بهتر مقبول واقع شود و در واقع ملاحظه می کنیم که تاثیر آن نیز بسزا بوده است.

به عنوان مثال محمد در بنیان گذاری آیین اسلام و در کوتاه مدت پیروان بسیاری پیرامون خود به وجود می آورد که با حمایت آنان توانست اهداف خود را در سراسر شبه جزیره عربستان جامعه عمل بپوشاند. اما روش های محمد که به گونه های مختلف از جانب پیروان دین دنبال شده به تدریج دچار کژروی و انحطاط گردیده و سبب بحران های اجتماعی در روابط انسانها گشته است. همانگونه که قبلا اشاره و بیان گردید اصولا هر مرام و مسلک سیاسی و یا مذهبی که دارای قدرت و اعتبار می شود اگر تحت نظارت و کنترل آحاد جامعه نباشد در غایت به انحراف خواهد رفت و این موضوع از سوی جامعه شناسان به اثبات رسیده است.

انسان و رویاهای صادقانه

اصولا هر انسان مصلح و خیرخواهی وقتی به روابط و نقصان های جامعه خویش اندیشه بسیار می کند این پدیده ها در خواب و یا رویای او نیز تاثیر پذیر است. دانشمندانی وجود داشته اند که در حل و فصل پژوهش و تحقیقات خویش روزها و ماهها در تفکر بسر می برده اند و بعضا رویاهای در ارتباط با تفکرات خود داشته اند.

از آنجائیکه مغز در هنگام خواب نیز فعال است چه بسا که منشا راه حل هائی می شود که محقق را راهنما می شود. در این باره می توان از مندلیف کاشف جدول تناوبی در علم شیمی نام برد که رویای او در خواب کمک کرد تا تحقیقاتش را تکمیل کند.

بنابراین مسأله رویا و الهام تنها منحصر به محمد نبوده است و افراد بسیاری وجود دارند و هستند که در مورد مسائلی که مد نظرشان است اندیشه بسیار کرده و بعضا پاسخ خود را به صورت الهام گونه دریافت می کنند که این باز بر می گردد به قدرت ضمیر ناخودآگاه که می تواند تحت تدابیری در راستای منافع شخص عمل کند به عنوان نمونه در طول تاریخ ما همه کم و بیش در خواب با مسائلی مواجه می شویم که اغلب آنها ناشی از افکار روزمره است.

اغلب مفسرین مذهبی, گونه ای از خواب دیدن را رویای صادقانه می نامند. برخی خواب را به این گونه تعبیر می کنند که انسان وقتی موضوعی را به صورت عمیق می اندیشد معنایش آن است که تحولاتی در زندگی شخصی و یا در رابطه با جامعه روی داده است که او را مشوش و نگران کرده و مایل است که برای آن چاره ای بیندیشد و در اوقات خواب ممکن است که در باره آن تحولات رویائی را تجربه کند که برایش نیز سئوال برانگیز باشد.

گاهی اوقات خواب و رویاهای اشخاص متاثر از تمرکز انسان بر روی یک مطلب بخصوص می باشد که در طول روز استمرار می یابد. به عنوان مثال می توان از فردی مثال زد که دغدغه اصلی اش این است که چگونه از وزن اضافه بدن بکاهد و یا شخصی دائم به موطن خود فکر می کند و در افکار خود وضعیت والدین و یا فرزندانش را مرور می کند که مدت هاست از آنها بدور است.

مغز انسان به طور ۲۴ ساعت فعالیت دارد, زیگموند فروید محقق معروف اتریشی بر این عقیده بود که مغز انسان در طول شب مشغول پردازش اطلاعاتی است که در طول روز با آن ها مواجه شده است. محققان بر این باورند که دیدن رویا

در خواب در ارتباط با ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه است که بخشی از ساختمان مغز است.

حافظه موقت در ضمیر خودآگاه قرار گرفته که محدود است و حافظه دائم در ضمیر ناخودآگاه می باشد که نامحدود است. شایان ذکر است وسعت حافظه نامحدود در انسان به نحو عجیبی بالا می باشد و اگر در مقام مقایسه برآییم قدرت پردازش و حافظه مغز انسان از یک کامپیوتر مدرن امروزه هزاران برابر بیشتر می باشد.

همانطور که در بالا ذکر شد قسمت هائی از مغز به نام ضمیر خودآگاه و ناخود آگاه تقسیم شده است به عبارت ساده تر ضمیر خودآگاه دارنده اطلاعاتی است که انسان از آن آگاه است و می داند که در طول روز چه فعالیت هائی انجام داده و یا شاهد چه رویدادی بوده است. بخش ضمیر ناخودآگاه جایگاه آن دسته از آرزوها و نیات انسان است که در ذهن خودآگاه تحقق پذیر نباشد و یا ممکن است که در آینده صورت پذیرد و آن هم مستلزم فراهم شدن بسترهای لازم است.

در مورد حافظه موقت همانطور که از نام آن پیدا است اطلاعات برای زمان کوتاهی در آن جای می گیرد و ممکن است بعد ازساعاتی و یا روز بعد بکلی از ذهن پاک شود مثل دریافت یک شماره تلفن از فردی که همه ما به طور یقین آنرا تجربه کرده ایم. اطلاعات موجود در حافظه موقت طی فرایندی به بخش حافظه دائم منتقل می گردد اما مستلزم آن است که فرد راه دست یابی به حافظه دائم را بداند که یک نمونه اش استمرار و تکرار کاری است.

شایان ذکر است که ضمیر ناخودآگاه در مغز همانند یک

کامپیوتری است که دستوراتی نیز از قبل در آن به طور دائم ثبت شده است به عنوان مثال کارهای روتین و دائمی بدن مانند سیستم تنفس دائم که حتی در خواب نیز ادامه دارد و در بیهوشی دچار وقفه نمی گردد.

یک فرد ماشین نویس کامپیوتر را در نظر بگیرید بدون اینکه به حروف الفبا روی کی بورد کامپیوتر بنگرد با دیدن یا شنیدن کلمات شروع به تایپ می کند. یک نوازنده اکوردئون را در نظر بگیرید که انگشتانش لاینقطع دگمه ها را لمس و صدای موزون آن به فرم یک آهنگ موسیقی شنیده می شود. این پدیده ها همان عمل روتین است که در مورد تنفس دائم بدن گفته شد و در حافظه دائم ثبت شده است و اجرای آن هرگز فراموش نمی گردد مثل این می ماند که یک فایل file یا پرونده را در قسمت حافظه دائمی دیسک کامپیوتر وارد کنید که برای همیشه آنجا وجود دارد و هر وقت اراده کنید می توانید به آن دسترسی داشته باشید جز مواردی که دیسک دچار آسیب شود .

حافظه دائم در ضمیر ناخودآگاه واقع شده که اطلاعات و دستورالعمل های بسیاری را می تواند در خود جای دهد و اغلب افرادی که دارای هوش سرشاری هستند قابلیت استفاده از ذهن ناخودآگاه را بیش از دیگران برخوردارند. شما ممکن است شنیده باشید افرادی هستند که دارای حافظه قوی می باشند و در میان مذهبی ها اشخاصی نیز وجود دارند که تمام آیات قرآن را که بیش از شش هزار است در حافظه دائم خود ثبت کرده اند که به هیچوجه پاک نخواهد شد و در هنگام قرائت بدون مشکلی آنرا بیان می کنند همانند فرد باسوادی که فی البداهه می تواند هر سخنی را که در ذهن خود دارد بروی کاغذ بنویسد.

مغزدر طول شب دست به سلسله فعالیت هائی می زند که یکی از آنها انتقال اطلاعات مربوط به وقایع در طی روز است. همچنین می توان از بررسی اطلاعات ضبط شده قبل در بخش ضمیر ناخودآگاه و انتقال بخشی از آن به قسمت ضمیر خودآگاه نام برد و دراین پروسه است که حوادث خواب و رویا نیز رخ می دهد.

ارسطو فیلسوف یونان باستان می گوید: رویا یک پدیده ای است که تابع قوانین ذهن بشری است, فعالیت روحی شخصی که به خواب رفته است.

قبل از زمان ارسطو همیشه اینطور تصور می شده که رویا یک الهام خدائی است.

بعد از وفات پیامبر اسلام افرادی وجود داشته‌اند که آیات قرآن را از حفظ داشته‌اند زیرا که امکان کتابت در زمان او وجود نداشته و یا اکثرا از سواد خواندن و نوشتن محروم بوده‌اند اما در هنگام شنیدن مطلبی می توانسته اند آنرا در حافظه دائم خود بسپارند. عثمان خلیفه مسلمانان هنگامیکه در نظر داشت آیات قرآن را جمع آوری و به صورت مکتوب منتشر کند از حافظان آیات قرآن درخواست کمک نمود.

بسیاری در گفتار ها و مقالات یا کتاب های خود اظهار نظر می کنند که قدرت درک مغز انسان بسیار بالا است و حتی گفته می شود مغز انسان در حال حاضر فقط از ده درصد توانائی خود بهره می برد. در این زمینه فرضیه انیشتین نیز وجود دارد مبنی بر اینکه قوه درک انسان در این جهان پهناور جزئی و بسیار کوچک است و این به منزله آن است که حداکثر قدرت مغز انسان بنا بر دلائل ناشناخته فعال نمی باشد.

همانگونه که قدرت و درک یک مورچه نسبت به اطراف خود اندک و شناختش در همان محدوده جغرافیائی است نسبت درک ما انسانها نیز از این جهان پهناور و بی نهایت بسان درک همان مورچه از اطراف خود است. بنابراین واضح است که ما انسانها دقیقا نمی دانیم از کجا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت و سرنوشت پس از مرگ دقیقا به چه طریق خواهد بود.

ملت ها در ادوار گذشته آنان که اندیشمند تر بودند هر کدام بینش متفاوتی نسبت به تولد و مرگ در دنیا داشته اند و با دید گوناگونی فرضیه هائی مطرح کردند. دانشمندانی نیز بودند که با محاسبات ریاضی تعریف های خاص خود از دنیا را مطرح کردند که در کل توسط دیگر دانشمندان عصر جدید تایید شدند اما در جزئیات هنوز ابهامات زیادی مانده و امروز نیز با وجود پیشرفت های خارق العاده در زمینه ریاضیات, علوم طبیعی هنوز معماهای بسیاری در موجودیت انسان وجود دارد که کشف نشده است. برخی می پرسند آیا انسان پس از مرگ دفتر زندگی اش به پایان خواهد رسید؟ این سئوالی است که در ذهن بسیاری وجود دارد و انسانها از بدو پیدایش همیشه در جستجوی پاسخ بوده اند اما ذهن کنجکاو آنان را عده ای با خلق داستانها پر کردند و به این ترتیب بود که فلسفه دین و افسانه های آفرینش به وجود آمد چرا که روح سرکش و جستجوگر و کنجکاو انسان نیاز داشت که به نحوی آرامش پیدا کند و از این رو خلا فکری انسان تا حدودی پر گردید.

در ارتباط با راهنمائی و هدایت بشر شکی در این نیست هر انسانی که به علم و دانش مجهز باشد می تواند راهنمای دیگران باشد و نمونه های بارز آن امروزه در دانشگاه ها و مراکز علمی, مطبوعات, اهل رسانه مشهود و مسلم

است. اما این که این پدیده را افرادی ولو هوشمند و عاقل بخواهند منحصر به خود و قدسیت به آن ببخشند و دیگران را بنده خود نمایند بر خلاف روح و ذات خدا و خلقت لایتناهی است و بسیاری معتقدند که آفریننده این جهان در قبال این همه عظمت هیچکس را حتی ملزم به پرستش خدا نکرده است.

در این راستا طبیعی است که سیر تاریخی پیامبران و رسالت آنان برای هدایت بشر و اصلاح جامعه منحصر به یک یا دو نفر نبوده و در طی قرون متمادی افراد زیادی در این راه گام برداشته اند بعضی در رسالت خویش موفق و بعضی ناموفق بوده اند. به عنوان مثال می توان از کیش و آیین مزدک و مانی نام برد که از سوی رقبای دیگر مذهبی مورد سرکوب قرار گرفتند و این خود ادله ای بر این است که تمامی مذاهب و ادیان چه در گذشته یا حال که در طی هزاران سال پیروانی به دنبال خود داشته بطور کامل از اندیشه و تفکر بشر حاصل شده است. سخن اینکه اگر اراده خداوند براین مطلب بود که رسولانی به زمین بفرستند می توانست یک فرمان, یک کتاب واحد برای بشریت تعیین نماید تا به این ترتیب این همه تناقض و دشمنی و کینه ادیان نسبت به یکدیگر وجود نمی داشت.

خدا, دین و سرنوشت انسانها

البته این تفکر که خداوند در نهایت یک دادگاه عدل بر پا کند می تواند به عنوان یک نظریه قابل قبول باشد اما اینکه به چه کیفیت و چگونه می تواند جامعه عمل بپوشد برهیچکس آشکار نیست و ترفند های بهشت و حوریان نار پستان و جهنم سوزان با افعی و مارهای غاشیه و از این دست صرفاً خیال پردازی و ساخته و پرداخته عده ای از جمله ملاهای

مذهبی بوده است که خواسته اند با ایجاد ترس و هراس, بشر را از ارتکاب اعمال خلاف باز دارند اما همانطور که گفته شد این مسائل به انحراف کشیده و سبب گردید که ملایان بسیاری از خلوص نیت مذهبی مردم سواستفاده و در جهت اغراض شخصی بهره برداری نمایند.

این تفکر که به جائی رسیده ایم که می توانیم پی ببریم انسان در چه جایگاهی است می توان آن را به نوعی حکم عقل نامید و در دین اسلام نیز به حکم عقل اشاره شده است اینکه اگر در مسائلی درمانده شدید و دین جوابگوی شما نیست به حکم عقل رو بیاورید و متاسفانه این مطلب به کلی از جامعه مسلمین مخصوصا جوامع شیعه مذهب رخت بربسته است.

بسیاری معتقدند سرنوشت بشر از ابتدای خلقتش به خود او واگذار شده و خداوند در تصمیمات بشر هیچگونه دخالتی ننموده است و صرفا با خلقت اعجاب انگیز طبیعت راه درست را برای او هموار نموده است که راهنمائی بسیار روشنی برای همگان است تا در مسیر صحیح گام بردارند.

در واقع خدا با خلقت دنیای با عظمت و طبیعت سبز و موجودات گوناگون خواسته است که انسان در آنها سیر و تفحص کند و به کشفیات نائل و رازهای ناشناخته را برملا سازد تا در راه بهبود زندگی بشر به کار گرفته شود. تمام این عالم بر اساس اصول و قواعد مدون و نظم یک پارچه تدوین و تعیین گردیده است و از آنجائیکه قوانین خلقت و آفرینش در یک راستای اصولی بنا گردیده اند همانند رشته های زنجیر به حلقه دیگری وابسته است. انسان با هر کشفی راهش برای معمای بعدی هموار می گشته است و این سلسله مسائل همچنان ادامه داشته و از نسلی به نسلی دیگر

منتقل گشته تا به امروز رسیده است.

عده ای ممکن است اعتراض کنند به اینکه نگاشتن این گونه مطالب در افکار عده بسیاری اشفتگی ایجاد می کند و حتی باعث می شود که افراد بیشتری با علم به اینکه اعمال خلاف ضد بشری مجازاتی در آخرت ندارد در فکر ارتکاب جرائم باشند. در جواب باید گفت آن عده ای که شما از آن سخن می گویید قبل از این نوشتار نیز وجود داشته‌اند و اعمال ضد بشری مرتکب گردیده اند دلیلش هم وجود بسیاری از آنان در جوامع گوناگون است که هرگز به خود زحمت خواندن هیچ کتاب را نداده و یا پند و اندرزهای دیگران را ناشنیده گرفته و اعتقادی نیز به مجازات های اخروی ندارند. وانگهی امار و ارقام جرم و جنایت ها که هر روز در صفحات مطبوعات اعلام و منتشر می گردد علت و عوامل آن از منظر اجتماعی و روان شناسی باید مد نظر گرفته شود مثلاً اینکه اگر عدالت اجتماعی برقرار باشد و تبعیض و ظلم که بستری برای رشد خلاف کاران است برچیده شود تعداد بسیاری از ارتکاب خلاف اجتناب خواهند کرد.

شر و پلیدی در همه ابعاد خلقت وجود دارد, بدن انسان دارای باکتریهای مفید و مضر است, سلول های سرطانی ویروس ها و در کنار آنها گلبول های سفید که وظیفه شان محافظت از سیستم بدن است. همین منظر را در زندگی انسانها شاهد هستیم افراد مجرم و جنایتکار آدم های خوب و رئوف و دلسوز اینها همه در زندگی انسانها وجود دارد. بنابراین آنگونه که روحانیون بر آن پافشاری می ورزند بودن یا نبودن دین و مذهب در زندگی انسانها نمی تواند عامل بازدارنده قوی باشد. وجود قوانین مدنی به مراتب می تواند در جامعه بهتر و سازنده تر عمل کند زیرا بر خلاف دین یکسویه به جامعه و مردم نمی نگرد.

در رابطه با حقوق بشر و انسان دوستی باید چاره اندیشی کرد باید با اعمال درست و انسانی که توسط متولیان جامعه چه مذهبی و یا ملی و دولتی انجام می شود این مهم را به جامعه ثابت کنیم همانطور که خداوند اراده کرده انسانها در خلقت یکسان هستند و هیچ برتری به جز مسائل دانش و علوم نسبت به هم ندارند تا شاید اندکی از تبعیض, فقر, فلاکت, آدم کشی ها که بعضا تحت لوای دین و مذهب نیز انجام می گردد کاسته شود.

یک بحث و جدالی که اساسا بین دو گروه خداباور مذهبی و غیر خدا ناباور صورت می پذیرد این است که خداباور مذهبی معتقد است خداوند موجودات را آفریده, پیامبرانی برای هدایت آنها با کتاب ارسال کرده و راهی که پیامبران تعیین کرده اند بایستی پیموده شود و بعد هم در آخرتی که نیز وجود دارد به حساب افراد رسیدگی و مجازات و یا پاداشی در خورمناسب اعطا می شود.

گروه خدا ناباور نیز در مخالفت می گویند خدا اصلا چرا انسان را آفریده که بعد مجبور شود عده ای را به خاطر گناهان و رعایت نکردن مسائل شرعی و مذهبی مجازات کند مگر نه اینکه ادعا می شود خداوند از قدرت شگرفی برخوردار است و در ضمن به حوادث آینده نیز آگاهی و اشراف کامل دارد. بنابراین خلق انسان های گناهکار و یک جامعه بی اخلاق توسط خدا عقلانی و قابل فهم نیست.

خیلی از خداباورها که می توان آنها را جزو دسته سوم نامید اعتقاد چندانی به پدیده مذهب و بهشت و جهنم ندارند و معتقدند اساسا خداوند با خلقت این طبیعت شگرف, دانائی و قابلیت خویش را به اثبات رسانده چطور می تواند مرتکب اعمال خبط گردد و مخلوق خویش را در شرایط ناخواسته و

دشواری قرار دهد که بعضا مرتکب گناه گشته و بعد او را به خاطر آن مجازات نماید.

موریس مترلینک نویسنده مشهور بلژیکی در کتاب دنیای پس از مرگ می گوید:من خدا را نمی توانم ببینم زیرا همه ما در وجود او هستیم.

این گفته مترلینک انسان را به تفکر وا می دارد آیا واقعا ما بخشی از جز کوچک خدا هستیم همانطور که یک نطفه یا یک سلول یا قلب در بدن که بخشی از انسان است و بعد انسان ها در روی کره زمین و اینکه زمین خود بخشی از منظومه شمسی است و ایضا منظومه جزئی از کهکشان و بعد همه در دنیای بی نهایت بزرگ و سرانجام در وجود یک پدیده ای که آیا می توانیم آنرا خدا نامید؟

مترلینک می افزاید این جهان و دنیای بزرگ در ابتدا ذره ای بیش نبوده و در اثر رشد و تکامل به این عظمت رسیده است همانگونه که یک نطفه کوچک در فیل تبدیل به حیوان بزرگ خواهد شد. این اسرار خلقت است که در همه موجودات و دنیا به یکسان عمل می کند.

اغلب فیزیکدانان معتقد بر این هستند که جهان کنونی در اثر انفجار (بیگ بنگ) به وجود آمده است و معتقدند اجسام و اجرام در کیهان کنونی در ابتدا به صورت یک ذره کوچک بوده و بعد ها منبسط و بزرگتر و حجیم تر گردیده است.
مترلینک همچنین در بخشی دیگر از کتاب خود می نویسد: مرگ آغاز تولدی دیگر است به محض اینکه این دنیا را ترک کنیم ارتباط ما با آن قطع می شود چون که جسم و مغز ما می میرد اما اینکه بگوئیم به کلی از بین می رویم این امری محال است اما شکل انسانی ما از بین خواهد رفت و

همچنین درد و آلام و رنجها نیز پایان می پذیرد و در جهان دیگر هر چه که باشد بهتر از این دنیا خواهد بود.

و اما پیدایش زمین و دیگر اجرام سماوی و کهکشان های بی شمار که بر طبق فراگرفته ها و علم و دانش امروزی بر اساس یک چرخه منظم و هوشمند طراحی شده این سئوال را در ذهن خیل افراد متصور می سازد که چرا خالق این همه شگفتی ها از ارائه یک راهنمائی و مرجعی که هوشمند و قابل قبول باشد خودداری ورزیده است.

در پاسخ می توان اظهار کرد که در واقع راهنمائی صورت گرفته است و آنهم به طریقی شگفتی آور که در جسم انسان و روح طبیعت وجود دارد . در حقیقت انسان با استفاده از هوش و استعداد ذاتی که در مغز وجود دارد از پدیده های اطراف طبیعت خود درس های لازمه را باید فرا بگیرد و راه و روش زندگی روزمره خود را بر اساس قانون طبیعت که ساخته دست توانای خالق است منطبق سازد.

در این قسمت خالی از لطف نیست که نقطه نظرات تعدادی از افراد را منعکس کنیم که در رابطه با دین و خدا و در فضای مجازی منتشر شده است

۱- من فکر میکنم بشر به جای خدا باید دین را مورد بررسی قرار دهد و دانشمندان ثابت کنند که ادیان فرستاده خدا نیستند. اگر عده ای دوست دارند باور بکنند خدایی هست خدای بدون دین ضرری به کسی نخواهد رساند ولی وقتی یکی میگوید در دین من خدایی هست که میگوید بگیر و بکش این خطرناک می شود. دلیل این همه دین و مذهب افرادی هستند که کارشان فروش دین و خداست و به این وسیله برای خود قدرت, ثروت, شهرت کسب می کنند.

۲- یک جمله برای اثبات وجود خدا وجود دارد و آن این است جهان که عمری چند ده میلیاردی دارد مولفی برای آن است که آن مولف خداوند است. نرم افزار کامپیوتری ویندوز که ماحصل صدها هزار ساعت کار بشر است در مقیاس بسیار و عظیم و جهانی اش می شود خلقت دنیا و بشر که خالقی به نام خداوند دارد.

۳- اگر خدا نیست پس ماده و انرژی جهان هستی چه گونه به وجود آمده؟ می گویند جهان در اثر انفجار بزرگ بیگ بنگ به وجود آمده است. اگر چنین است انفجار چگونه می تواند سبب خلق ماده و انرژی شود؟ قانونی در فیزیک وجود دارد که می گوید ماده و انرژی نه خلق می شوند و نه از بین می روند بلکه از حالتی به حالت دیگر تبدیل می شوند. حالا سوال این است که اگر خالقی وجود نداشته پس انرژی اولیه بیگ بنگ از کجا آمده است؟

۴- درباره خداشناسی و حرفهایی که در این باره زده می شود معتقدم که شناخت خدا از قدرت درک و فهم و مغز انسان خارج است. ما از بدو تولد تا لحظه مرگ در جهان مادی زندگی می کنیم، هر چه که در این دنیای مادی می بینیم و احساس می کنیم توسط حواس پنجگانه تبدیل به سیگنالهائی به مغز منتقل می شود. مورچه ای را در نظر بگیرید که در زیرزمین زندگی می کند. این مورچه از لحظه تولد تا مرگ در مکان زیرزمینی زندگی کرده و تصور می کند که جهان همین دنیای کوچک زیرزمین است. مغز کوچک و ساده و محدود او قادر نیست که دنیای بیرون و کائنات و یا علم و فن آوری ساخت بشر را بفهمد. به عنوان مثال آیا می توان کامپیوتر را به این مورچه توضیح داد؟ بنابراین همان طور که مورچه قادر به درک دنیای خارج از دنیای محدود خودش نیست، انسان هم قادر به درک دنیای غیر مادی و یا خدا

نیست. البته مغز انسان نسبت به مورچه بسیار پیشرفته تر است ولی مسلم است که برای آن هم محدودیت هایی وجود دارد.

۵- در پاسخ به آنهائی که می پرسند خدا چگونه به وجود آمده است باید گفت که تجربیات و درک ما انسانها بر پایه این دنیای مادی است. خدا مادی نمی باشد و قوانین مادی شامل حالش نمی گردد. ما هیچ تصور و درکی از دنیای غیرمادی نداریم. می خواهم بگویم که این سوال که "خدا چه گونه به وجود آمده" اساسا نادرست باشد.

۶- من نظرم بر این است که انسان قوانین ریاضی و فیزیک را درست نمی کند بلکه کشف می کند لذا وجود این قوانین منشاء اش همان کسی هست که خدا نامیده می شود.

۷- راستش را بخواهید اگر به تعاریفی که ادیان از خداوند و داستان آفرینش میکنند دقت و تفکر کنید به هیچ جواب و توجیه قانع کننده ای نمی رسید در واقع توضیحات کتابهای آسمانی بدرد مردمی که در همان زمان می زیسته اند میخورد. البته معتقدم که محمد پیامبر قصدی بجزء اصلاح جامعه خود نداشته است.

۸- بعضی از ادیان خود را نسبت به دیگر مذاهب برتر می دانند به عنوان مثال دین اسلام را عقیده بر این است که پیروان سایر ادیان باید به خاطر اینکه آیینی غیر از آیین ما را پذیرفته اند خراج و مالیات پرداخت کنند ادعائی که در عصر حاضر به هیچ وجه پذیرفته نمی باشد. با توجه به صفات حسنه خالق انسانها نمی توان تصور کرد که چنین اندیشه ای از خدا باشد و آن را به عنوان حق انحصار به یک آیین خاص اهدا نموده کرده باشد.

۹- من معتقدم که انسان پس از مرگ به یک دوره دیگر زندگی که برایمان ناشناخته است گذر می کند همانطور که این جهان پهناور میلیونها سال است که به وجود آمده و مدام در حال گسترش و تغییر است. شاید آن انسان های ماورای زمینی که با ابزار فوق پیشرفته وجود دارند و گاهگاهی اخباری از آنان منتشر می گردد که در سیاراتی بسیار دور از ما زندگی می کنند مقصدی از زندگی بعدی انسانها باشد.

۱۰- برای من این سئوال همیشه در ذهنم وجود داشته و تا کنون جواب روشنی برای آن پیدا نکرده ام اینکه چرا آنچنان شباهت های بسیاری بین دین اسلام و یهود وجود دارد مثلا اینکه هر دو خوردن گوشت خوک را منع کرده اند, معتقد به حجاب مخصوص پوشاندن موی سر زنان هستند, گذاشتن ریش و منع تراشیدن آن, هردو نماز می خوانند و نحوه اجرای آن در حرکات تقریبا شباهت به هم دارد. دیگر اینکه هر دو خود را فرزندان ابراهیم می دانند, همچنین پیروان دو دین در انتظار یک ناجی به سر می برند. پیروان هر دو دین به آیین ختنه اطفال پسر معتقد و به آن عمل می کنند, یهودیان با ذکر شالوم علیخم و مسلمانان سلام علیکم ابراز احترام می کنند.

(در رابطه با نظر شماره ده در این باره ویل دورانت تاریخ نگار مشهور به بعضی از شباهت های دو دین اسلام و یهود در کتاب خود نیز اشاره کرده است و در قسمتی می افزاید که دستورات غذائی و بهداشتی یا غسل و تیمم در اسلام دقیقا از دین یهود اقتباس گردیده است)

۱۱- من معتقدم علم هنوز بسان جنین تازه رشد کرده می ماند و راه درازی را باید طی نماید که تکمیل شود و اینکه افرادی با اتکا به علم کنونی و نظریه هائی می دهند که می

خواهند زندگی انسانها را محدود به همین دنیا بکنند من نمی توانم موافق این مسئله باشم چون این علم هنوز ناقص است و کامل نیست.

۱۲- من به زندگی پس از مرگ خیلی معتقدم و آن را از دل طبیعت دریافتم. درختان در طول سال برگ ریزان دارند و در فصل بعدی زنده گشته و دارای برگ های سبز جدید می شوند اینها همه برای من موید مرگ انسان و حیات نو چه در این دنیا و جهان دیگر است.

۱۳- ملایان در ایران بزرگترین تاجران تاریخ بشریت هستند. انها کالاهایی را به مردم میفروشند که هرگز کسی ندیده و نخواهد دید و زمان تحویلش نیز بعد از مرگ است.

۱۴-در ایام قدیم اینترنت و فیلم و موسیقی و ماهواره و یا تفریح و سرگرمی نبود و به جای آن عده ای شروع به ساختن داستان های خدا و فرشته و روح و جن و پری و حور و شیطان و بهشت و جهنم کردند تا ملت سرگرم بشوند و سازندگان این قصه ها هرگز تصورش را نمی کردند تا هزاران سال بعد افسانه هایشان طرفدار داشته باشد.

۱۵- معتقدم که خداوند دنیا را بر اساس نظمی قرار داده و اگر مشگلی است نتیجه کوته فکریهای بشر هست که ریشه در جهالت بشر دارد. دین اسلام مشگلی ندارد اما در طول تاریخ, متعصبین مذهبی باعث مشکلات بسیاری شدند مثل مناقشات بین شیعه و سنی که بنظرم احمقانه است و نتیجه آن ظهور حیواناتی چون داعش بوده و خلاصه بهتر است که در فهممون از دین اسلام تجدید نظر کنیم .

۱۶- من نظرم بر این است که انسان پس از مرگ به دنیای

جدیدی وارد می شود که در حال حاضر بر آن احاطه ندارد و نمی داند به چه شکل است و هنگامی آن را درک می کند که پا در آن نهد. دلیل سخن من نیز شکل گیری جنین در داخل شکم مادر است که برای مدتی در آن زندگی می کند و از دنیای خارج هیچ تصوری ندارد تا آنگاه که از بطن مادر خارج گشته و وارد دنیای جدیدی شود. موضوع جنین و خارج شدن از آن شاید به منزله یک پیام ماورای زمینی باشد که سرنوشت انسان پس از مرگ چگونه خواهد بود.

۱۷- من معتقد به خدا نیستم چون وقتی که از یک روحانی پرسیدم جهان را چه کسی خلق کرده است در پاسخ به من گفت خداوند آن را خلق کرده و من پرسیدم خدا را چه کسی به وجود آورده پاسخ داد خدا وجود دارد و نیازی به خالق ندارد و من گفتم با توجه به استدلال شما من نیز می گویم پس موجودی به نام انسان که وجود دارد نیاز به خالق ندارد.

۱۸- من به خدا ایمان دارم و افرادی که به خدا باور ندارند نظرشان برای خودشان قبول است . علت بوجود آمدن خداناباوری بیشتر آنهائی هستند که خودشان را وکیل خدا تصور می کنند و از طرف او نظر میدهند و فتوا صادر میکنن و حتی اگر لازم بدانند به اسم خدا آدمکشی میکنند. من توصیه ام به این وکلای متعصب مسلمان این است که اگر واقعا باور دارید که خدا وجود دارد و خیلی هم بزرگ است پس احتیاجی نیست که شما انسان ناچیز از او دفاع کنی خودشان لازم بدانند اینکار را انجام می دهند.

۱۹- من فکر می کنم افرادی که مدعی پیامبری شدند منحصر به محمد یا عیسی و موسی نبوده و دهها نفر دیگر هم این ادعا را در گذشته داشته اند. در همین عصر اگر شما جستجو کنید متوجه می شوید که افرادی نیز ادعای پیامبری

می کنند و بعضی هاشون نیز طرفدارانی دارند اما زیاد مطرح نیستند چون که برای خیلی ها ثابت شده اصولا پیامبری یک موردی خود ساخته است و خواسته اند که به نحوی طبقات مختلف مردم را رهبری کنند همانطور که شاهان و حاکمان وجود داشته اند. خداوند اگر قصد ارسال پیامبر داشت به یکی بسنده می کرد مثلا موسی که در آن اوائل ظهور کرد می توانسته کفایت کنه و نیازی نبود که خدا دو تا پیامبر عیسی و محمد را بعدا بفرستد. اگر ما معتقد به این باشیم که خداوند دانا و حکیم است و بر همه چیز مسلط است بنابراین دنیا را با پیامبرهای متعدد مواجه نمی کند چون که می داند آشوب به پا می شود و در حقیقت همانطور نیز شده و پیروان این ادیان قرن ها با همدیگر به جنگ و ستیز پرداخته اندکه همین مسئله ثابت می کند خدا هیچ پیامبری برای هدایت مردم نفرستاده است.

پژوهش گران دینی

صدیقه وسمقی یک وکیل و پژوهشگر دینی متولد ایران است. او تحصیل کرده دانشگاه است و درس فقه و حقوق اسلامی را به پایان رسانده است. خانم وسمقی تاکنون تالیفاتی در باب مذاهب منتشر کرده است که از آن جمله می توان مسیر پیامبری را نام برد.

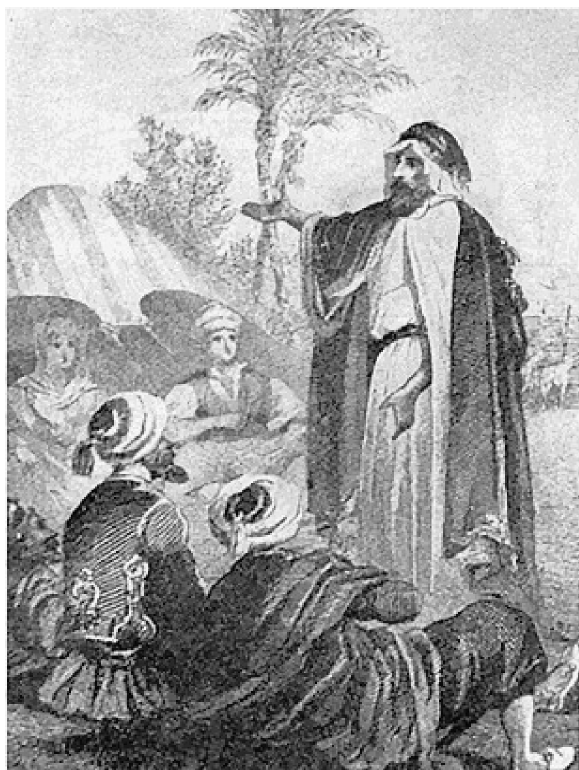
خانم وسمقی در این کتاب از زاویه و دید تازه ای به مذاهب دنیا نگریسته است. او می گوید: هزاران سال است که بشر بر این باور بوده که نوعی رابطه آسمانی بین خدا و پیامبران بوده اما علیرغم آن هیچگونه رستگاری آنطور که بیان و ادعا گردیده به وجود نیامده است اگر چه آنان مدعی اند در برهه ای از زمان باعث فرهنگ سازی در مردم شده اند.

او نتیجه گرفته که پیامبران نهادهائی بر ساخته از انسان

است چرا که هدایت های آسمانی شامل همه در کره زمین نبوده و آموزه های دینی پیامبران به درد جوامع انسان نمی خورد و انسان‌ها را بسیار محدود کرده است. وسمقی به چندی از آیات قرآن اشاره می کند که در آن حقوق زنان نادیده گرفته شده, دست سارق را قطع و زنان گناهکار را به شلاق محکوم می کند. صدیقه وسمقی می گوید: که او خداباور است اما اعتقادی به این ندارد که خدا با پیامبران رابطه برقرار کرده است. صدیقه وسمقی در سال ۱۹۹۶ به اتهام فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی به پنج سال زندان محکوم گردید.

شیخ علی دشتی که بعدها در زمان خود به مقام سناتوری مجلس نائل آمد صاحب تالیفات عمده ای بود که از آن جمله کتابی به نام ۲۳ سال در نقد تاریخ صدر اسلام نوشته است. او در این کتاب می گوید: قرآن فرستاده خدا نیست بلکه سخنان محمد و ناشی از وجدان خوب او بوده ا ست.

او معتقد بود که محمد ایده های خود و دیگر افراد را جمع آوری و در قالب آیات قرآن برای هدایت مردم در شبه جزیره عربستان تبلیغ و عرضه کرده است. علی دشتی در تشریح نام کتاب, به بیست و سه سال دوران نبوت محمد اشاره نموده است. او اعتقاد داشت که خدا بزرگ‌تر از آن است که بخواهد به جزئیات زندگی محمد و همسران و صحابه و یا دشمنانش بپردازد.



علی دشتی از یک خانواده روحانی در کربلا و در سال ۱۲۷۷ متولد شد. او تحصیلات حوزوی را در کربلا به اتمام رسانید و بعد به ایران آمد. شفق سرخ از جمله نشریاتی بود که علی دشتی در ایران به چاپ رسانید. او کلام رک و صریحی داشت و ضمن انتقادات از سردار سپه (رضاخان) خدمات او را نیز ارج می نهاد. علی دشتی حتی قبل از سال ۱۳۵۷ نیز برای نگارش این کتاب به زندان افتاده بود.

علی دشتی در کتاب بیست و سه سال با مهارت و استادی دلیل نزول آیات قرآن را به چگونگی وقایع دوران نبوت محمد ارتباط می دهد. او در کتاب خود تشریح می کند که چگونه در پی هر گونه اتفاق و رویداد یا جنگ و نزاع, محمد بلافاصله آیه ای را از قول خداوند بر اصحابش می خواند و آنها را بیش از پیش مشتاق و مطیع می نماید.

او برای انکه بتواند بر مردم تاثیر مطلوب را ببخشد برای هرحرکت و کردار مردم که تشخیص می دهد خطا هست آیه ای بر آنان جاری می سازد . به عنوان نمونه اصحاب و دوستان و مردم مکه و مدینه که به دیدن او می رفتند بر خانه او وارد می شدند و ساعتها می نشستند بدون اینکه قصد رفتن داشته باشند و محمد گاهی از آنها با غذا پذیرائی می کرد.

زنان محمد از این امر شکوه داشتند و حتی خود او از این بابت ناراحت بود اما نمی توانست بی محابا به آنها اعتراض کند و او با نزول آیه ای به شرح ذیل این مسئله مهم را با هوشمندی حل نمود.
سوره احزاب آیه شماره ۵۳
یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یوذن لکم الی طعام غیر ناظرین انده و لکن اذا دعیتم فادخلوا فاذا طعمتم فانتسروا ولا مستانسین حدیث ان ذلکم کان یوذی النبی فیستحیی منکم و الله لا یستحیی من الحق.

ای مومنان وارد خانه پیامبر نشوید مگر با اذن او برای غذا و به انتظار ننشینید و اگر داخل شدید و غذا خوردید متفرق شوید و در منزل به وقت گذرانی و صحبت مشغول نشوید چرا که پیامبر از این اعمال ناراحت می شود اما او شرم می کند که به شما بگوید اما خداوند از گفتن حق شرم ندارد.

در جای دیگر اگر چه محمد سواد نداشت ولی می توان به جرئت گفت که از تمام سیاست مداران دوران خود باهوش تر بوده است. او در مواجهه با مخالفانش زمانی عقب نشینی می کرد و در منازعه با روسای قدرتمند قبیله قریش با آنان به صلح و مصالحه می پرداخت اگر چه یار دیرینه او عمر این موضوع را درک نمی کرد و خشمگین می گشت.

محمد اگر اقتضا می کرد به وسیله یارانش حتی دست به ترور افراد نیز می زد او با هوشیاری بسیار تمام این وقایع را به صورت خلاصه در قالب آیات به مردم ارائه می کرد و
اکثریت مردم بدون هیچ مخالفتی آیات او را با پشتوانه الهی می پذیرفتند. به عنوان مثال او در یکی جنگها بر علیه قبایل یهود نخلستان آنها را از بین برد عملی که در آن روزگار بسیار مذموم شمرده می شد او بعد از این واقعه آیه ای از سوره الحشر را به این شرح نازل کرد
ما قطعتم من لینه او ترکتمو ها قایمه علی اصولها فباذن الله و لیخزی الفاسقین
اگر شما نخلی را قطع کنید یا آن را سر پای نگاه دارید خدواند شما را مخیر می کند ولی قطع آن برای مجازات فاسقین است.

در بخشی از کتاب, علی دشتی در باره عایشه همسر پیامبر صحبت می کند اینکه آیاتی وجود دارد که اتهام های وارده بر عایشه را نفی می کند. آیات فوق موقعی نازل شده بود که عایشه از نظر اخلاقی به ناپاکی متهم شده بود.
در یکی از سفر های محمد عایشه از قافله عقب می ماند یکی از اصحاب پیامبر به نام صفوان او را یافته و بر ترک شتر به کاروان می رساند. عده ای از جمله حسان بن ثابت بر عایشه تهمت می زنند و از آن سو محمد نیز بر عایشه نامهربانی کرده اما او از این موضوع بسیار مکدر می شود.

بعدها با پا درمیانی تنی از اصحاب پیامبر موضوع فیصله می یابد و محمد بدگمانی اش نسبت به عایشه نیز برطرف می گردد.

در رابطه با حکایت بهتان بر همسر پیامبر باید اساسا گفت آیا این عقلانی است که خالق این دنیای بی کران باید به موضوع خصوصی زنان محمد وارد شود و آیه هائی نازل کند؟ اینها و دهها مورد دیگر مواردی بوده که علی دشتی در موردشان بحث کرده است و علمای اسلامی را در جوابگوئی و پاسخ حیران و بی پاسخ نموده است.

علی دشتی بعدها به جرم تالیف کتاب مذکور که در سال ۱۹۷۳ میلادی نوشته شده بود از سوی حکومت جمهوری اسلامی محکوم به اعدام گردید. دشتی در سال ۱۳۶۰ قبل از اجرای حکم اعدام در سن ۸۴ سالگی به علت کهولت سن دربیمارستان فوت می کند.

برخی از تئورئیسین های اسلامی که با جمهوری اسلامی نیز همگام هستند تا حدودی همسو با علی دشتی آیات قرآن را نوعی رویاهای صادقانه می نامند. از جمله اینان می توان مهدی خزعلی فرزند آیت اله خزعلی و دیگری عبدلکریم سروش را نام برد که این آخری نظریه اش در رابطه با نزول و ظهور آیه های قرآن مقداری جنجال برانگیز بوده است.

سروش گفته بود که پیامبر صرفا نمی تواند سخنان خدا را منتقل بدهد و نمی توان این مورد را به دلائل بسیاری به خدا نسبت داد. آنچه در قرآن آمده است صرفا بیان خواب و رویاهای پیامبر بوده است که در حقیقت می توان آنرا به عنوان رویاهای صادقانه تلقی نمود. سروش حتی پا را فراتر نهاده و در تبیین نظریه خویش در باره نزول آیات می گوید:

قدر مسلم اگر بهاالله بگوید که من از جانب خدا مامور شده ام و پیروان او هم بگویند که دلیل نبوت او گفته اش است طبیعی است که مخالفان بگویند صرف اظهار نمی تواند دلیل بر درستی کلام باشد.

سروش در واقع به طور غیر مستقیم همین ادله را در باره محمد نیز روا می داند و صرفا گفته محمد که من از جانب خدا مامور شده ام دلیل قانع کننده ای نمی تواند باشد و از این رو متوسل به آیاتی گردیده که خود منشا نزول آن بوده است. سروش هر چند به صراحت نمی تواند این موضوع را بیان کند و در جای دیگر از سخنانش می گوید: که ما قصدمان انکار نمودن نبوت محمد نیست. او به این وسیله نوعی عمل تقیه به کار می برد تا از خشم افراد متعصب مذهبی و مجازات احتمالی مقامات مذهبی جمهوری اسلامی در امان باشد.

البته عده ای نیز معتقدند که سروش به این مسئله واقف است که کلام های منتشر شده در قرآن نمی تواند با عقل بشر امروزه در تطابق باشد. بنابراین او با علم به این موضوع است که نظریه رویاهای صادقانه یا رسولانه را به عنوان راه برون رفت از این وضعیت مطرح کرده است وضعیتی که به واسطه سئوالات و تردید های مردم علی الخصوص دانشجویان روشنفکر در جامعه اسلامی امروز ایران به وجود آمده است.
در رابطه با مطالب مشروحه بالا می توان اینگونه نوشت که اعلام نبوت نمی تواند صحت داشته باشد و عبدالکریم سروش در پاسخ سئوالات بی شمار دانشجویان ناگزیر از پاسخ هائی بوده مبنی بر اینکه محمد در طی روز به مسائل جاری مردم فکر می کرده و در شب هنگام خواب آیه هائی متناسب با تفکرات روز قبل بر او نازل می گشته است.

یکی از استادان حوزه علمیه شهر قم در استان مرکزی ایران به نام سید کمال حیدری که برای مدتها با تلویزیون تحت پوشش جمهوری اسلامی همکاری می کرده است اخیرا در یک تغییر و چرخش نظراتی متفاوت از قبل نمود که بسیار قابل تامل می باشد. در این مورد به قسمت تفسیر های گوناگون علمای اسلامی مراجعه نمایید.

پیامبران دین

علمای اسلامی ادعا می کنند ۱۲۴ هزار پیامبر تا کنون بروی زمین ظاهر شده اند تا به هدایت بشر بپردازند. در این باره باید گفت قدیمی ترین تمدن روی کره زمین که می توان روی آن حساب کرد حدود ۵ تا ۷ هزارسال قبل از میلاد است و اگر بخواهیم تمدن بشری را از موقعی به رسمیت بشناسیم که فرهنگ زبان و سخن گفتن رایج شده بایستی جلوتر و به حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد اشاره شود.

با گذشت حدود دو هزار سال از میلاد مسیح به عبارتی تمدن بشری بین ۵۵۰۰ سال قبل شکل گرفته است که تشکیل ادیان بایستی در فاصله این دوران به وجود آمده باشد. حال اگر این تعداد پیامبر اشاره شده در بالا را تقسیم بر عدد ۵۵۰۰ کنیم با یک رقم عجیب ۲۲ پیامبر در هر سال دست پیدا می کنیم.
در این رابطه, شماری از تعداد پیامبران درکتاب قرآن آمده است که در حدود ۲۶ نفر است. همچنین بین علمای اسلامی بر سر تعداد پیامبران اختلاف نیز وجود دارد که پاره ای آنرا ۸ هزار نفر و یا در جای دیگری عدد ۳۱۳ نفر را بیان کرده اند. بنابراین با توجه به مندرجات کتاب و روایات که بعضا متناقض همدیگر می باشند و با توجه به عدد ۱۲۴ هزار پیامبر و عدم همخوانی آن با محاسبات زمانی ذکر شده در

بالا مشخص می شود که این ارقام صرفا از بعد تبلیغات دینی بیان شده و اصولا هیچ پایه و اساس درستی ندارد.

دعوای ادیان مختلف که در فصل هائی از روزگار جریان داشته و به تبع آن نیز کشتارهای وحشتناکی رخ داده است برسر چیست؟ مگر نه آن است که هر یک ادعا می کنند قانون دین و آیین من درست و آن که متعلق به شماست سندیت ندارد و غلط است .

اساساً چه شد که پیروان ادیان ابراهیمی در طول صد ها سال با هم به جنگ و ستیز پرداختند و یا همدیگر را تکفیر کردند. همین الساعه که این سطور نوشته می شود مذاهب مختلف شیعی, سنی, وهابی, سلفی, حنفی در صدد نفی یکدیگر هستند مخصوصاً که فضای مجازی نیز امکانات گسترده و رایگانی نیز در اختیارشان قرار داده است. به نظر بعضی از کارشناسان اسلامی یکی از دلائل اختلاف و ستیز با یکدیگر قرائت های گوناگون از اساس دین است.

اما پاره ای از کارشناسان غربی می گویند بیشتر دعواها و جنگ و جدال قومیت های مذهبی دینی بحث همان منافع بوده است که در طی قرون سبب جنگ های بی شمار گشته است یعنی اینکه علل و علت آن بر سر منافع آب و خاک و یا مال و ثروت بوده و گسترش دین و مذهب بهانه ای بیش نبوده است. در این راستا می توان از حمله اعراب به ایران نام برد که در زمان خلافت عمر بن خطاب رخ داد.

امپراطوری ساسانیان در ایران در پی اختلافات فاحش داخلی بسیار تضعیف شده بود و اعراب مسلمان علاوه بر تصرف بخشی از خاک ایران توانستند ثروت سرشاری از غنائم جنگی برای خود بدست بیاورند.

در سال ۶۳۷ هجری قمری شهر تیسفون پایتخت یزدگرد شاه ساسانی به تصرف اعراب مسلمان در آمد. اعراب تحت حکومت عمر در سلسله جنگ هائی که با ایرانیان داشتند توانستند پس از چهار سال شهر را فتح و کاخ مدائن را تسخیر نمایند و ثروت بسیار عظیمی را نصیب خود کنند.



در طی صد ها سال هر کدام از مذاهب قرائت و فهم خود را از اصول دین طوری بنا گذاشته اند که در خیلی از مباحث با هم در اختلاف هستند و پیروان آن‌ها نیز به همین ترتیب رویه رهبران خود را دنبال کرده و به منازعات نیز دامن زده اند.

بحث هائی وجود دارد اینکه در یک مقطع از زمان که بشر در حالت تکاملی اش بوده کما اینکه هنوز هم است چرا باید به یکباره متولیان دین اسلام مسئله ختمیت را عنوان کنند در حالیکه سیر تکاملی انسان از نقطه نظر دانش و مذهب پایان نپذیرفته است و اندیشه های نو نیز به همان میزان باید راه ظهورش باز باشد و منحصر به یک دین و مذهب نباشد.

همین مسئله انحصار در طول تاریخ باعث شده که نزاع و ستیز بین ادیان اسلامی و دیگر مذاهب به وجود آید چرا که

رهبران و پیروان آیین اسلام برطبق باورهای خود از کتاب قرآن و روایات اسلامی می گویند که دین اسلام دین نهائی است و دیگر ادیان باید در مقابل اسلام سر تعظیم فرود آورند و هیچ آیین و مذهب دیگری نباید در صحنه اجتماع وجود داشته باشد.

حجاب زنان در تقابل با تندروهای مذهبی

مسئله حجاب زنان از بدو تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران همواره بحث برانگیز بوده. در کتاب قرآن اشاره واضح و روشنی نیز به امر حجاب نگردیده و ازاین رو علمای مذهبی سخن واحدی در این زمینه ندارند اما در سال ۱۳۵۹ آیت اله خمینی بر خلاف وعده هایش حجاب را اجباری اعلام کرد و دستور داد که از ورود زنان مخصوصا کارمندان بی حجاب به موسسات و ادارات جلوگیری نمایند. علیرغم واکنش منفی و تظاهرات زنان موضوع حجاب به تدریج قانونی و عدم اجرای آن مجازات های شلاق و جریمه یا زندان را در پی داشت.

بعداز مدتی مقامات جمهوری اسلامی نهادی به نام گشت ارشاد را تاسیس نمودند که زیر نظر نیروی انتظامی و مقامات قضائی به فعالیت های مخرب بر علیه بانوان اقدام نمود. این نهاد دختران و زنانی را که به زعم آنان بد حجاب هستند دستگیر کرده, زندانی می کنند آنها را به حبس های طولانی و یا در خوش بینانه ترین وضع به جریمه های نقدی کلان محکوم می کنند.

موارد بیشماری بیش آمده که ماموران گشت ارشاد به ضرب و جرح زنان پرداخته ماموران مرد زنانی را که مقاومت می کنند (بر طبق قوانین اسلام مرد نامحرم نباید زن نامحرم را لمس کند) با خشونت روی زمین کشانیده و در خودروهای

مخصوص حبس می کنند. در این باره متاسفانه گزارش های بی شماری منتشر شده که منجر به زخمی شدن یابستری شدن زنان در بیمارستان گشته اند.

در یکی از حوادث تلخی که در روز ۲۲ شهریور سال ۱۴۰۱ در تهران رخ داد مهسا امینی دختر جوان کرد سقزی که به تهران سفر کرده بود توسط گشت ارشاد دستگیر و بعد از برخورد وحشیانه ای که با او می شود پس از سه روز در بیمارستان فوت می کند. پزشگان دولتی در پی درگذشت او اظهار می کنند که او سابقه بیماری مغزی داشته است. در هر صورت مطلبی که مسلم و مشهود بوده این است که یک دختر سالم در سفر با متروی شهر بوده چند ساعت بعد از دستگیری کالبد بی جان او در روی تخت بیمارستان قرار می گیرد.



در پی اعلام درگذشت مهسا و پیام های سخیف مقامات انتظامی و قضائی جمهوری اسلامی در این باره, مردم شهرستان های ایران از جمله تهران و سقز واکنش سخت نشان می دهند و با حضور در خیابان های شهر اقدام به تظاهرات و شعار گوئی بر علیه رهبران نظام از جمله علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی می کنند.

در این رابطه همچنین عده زیادی از شهروندان ایرانی که نسبت به تضییع حقوق خود توسط سیستم های فاسد اداری و قضائی جمهوری اسلامی و گرانی های سرسام آور و بدی معیشت اقتصادی ناراضی هستند به مردم پیوسته و شعارهای خشمگینانه علیه مقامات اسلامی سر می دهند. آنها حتی صریحا فریاد زدند که مذهب و دین باید به مساجد برگردد و در سیاست دخالتی ننماید.

تنی چند از هنرمندان سینما و ورزشکاران از جمله علی کریمی بازیکن قدیمی فوتبال که طرفداران بسیاری دارند نسبت به قتل مهسا واکنش نشان داده و اعتراض می نمایند. حکومت در پاسخ همچنان بر طبل بی تفاوتی می کوبد و معترضین را وابسته به خارج و سیا, موساد می داند و دو خبرنگار زن که عکس گزارش مهسا را چاپ کرده بودند بازداشت و زندانی می گردند.

تظاهر کنندگان به ویژه دختران نوجوان و زنان که وجود چشمگیری در تظاهرات داشته اند اغلب آنها با برداشتن روسری از سر خود واکنش های معنی داری به مقامات جمهوری اسلامی نشان می دهند که باعث عصبانیت مقامات مذهبی اسلامی گردیده از این رو ضمن اعلام پیام های آزار دهنده خواستار سرکوب بیشتر توسط ماموران امنیتی می شوند.
نیروهای انتظامی از جمله بسیج و نیروهای لباس شخصی (منتسب به ارگان های امنیتی به ویژه سپاه که مخفیانه تاسیس شده که گفته می شود در حدود سی میلیون تومان حقوق در ماه دریافت می کنند) به سرکوب مردم می پردازند و از آنجائیکه تظاهرات و هم بستگی با مرگ مهسا به اکثر شهرهای ایران سرایت کرده بود در نتیجه در چهار هفته اول تظاهرات نزدیک به ۲۰۰ نفر کشته و عده زیادی مجروح و یا

توسط نیروهای امنیتی دستگیر و زندانی می شوند. در این رابطه همچنین رژیم اسلامی نسبت به دستگیری دهها تن از خبرنگاران می پردازد که نسبت به پوشش خبری مهسا امینی و چگونگی فوت او اقدام کرده بودند.

رسانه ها و روزنامه و هفته نامه های غربی این بار بر خلاف گذشته نسبت به پوشش خبری اهتمام بیشتری می ورزند و در نتیجه عده بسیاری از مردم دنیا با مردم معترض به ویژه زنان اعلام همبستگی کرده و نام مهسا امینی نزدیک به ۳۰۰ میلیون بار در رسانه های اجتماعی به ویژه توییتر تکرار و درج می گردد. ایرانیان مقیم خارج همچنین در واکنش به قتل مهسا امینی و اعتراض به عملکرد جمهوری اسلامی در قبال زنان تظاهرات عظیمی در بیش از یکصد شهر دنیا از جمله در شهرهای اسلو, پاریس, لندن, استهکلم, واشنگتن, کلن, تورنتو, برلین و استانبول بر پا می کنند.

همچنین در کنار این حوادث تلخ می توان دهها قربانی دیگر از جمله نیکا شاکرمی ۱۶ ساله از تهران و سارینا اسماعیل زاده از استان البرز را نام برد که هر دو به طرز مشکوکی در جریان تظاهرات از بلندی سقوط کرده و کشته می شوند. حادثه مرگ نیکا شاکرمی از آنجائیکه مشکوک است که ماموران امنیتی جمهوری اسلامی به طرز عجیبی دخالت نموده و جنازه او را بدون موافقت خانواده اش در روستائی بدور از زادگاهش دفن نمودند. بعدها روشن شد که نیکا در یک تعقیب و گریز به وسیله ماموران امنیتی اسلامی از پشت بام به پایین پرتاب و در دم جان سپرده است.

همچنین قربانی دیگر امیرحسین بساطی نوجوان ۱۵ ساله کرمانشاهی بود که به مدت یک هفته مفقود شده بود و بعد از اینکه ویدئویی از جسد تیر خورده و خون آلود او منتشر می

شود خانواده اش با کمال ناباوری از قتل او توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی مطلع می گردند.

در حادثه ای غم انگیز تر در چاه بهار یکی از فرماندهان انتظامی به نام سرهنگ ابراهیم کوچکزائی در اوائل شهریور به یک دختر نوجوان ۱۵ ساله روستانی به عنف تجاوز جنسی می کند. این حادثه متاثر کننده را تعدادی از امامان جمعه از جمله مولوی عبدالحمید و امام جمعه راسک نیز تایید می کنند و از مقامات قضائی خواستار عدالت خواهی می شوند.

مردم زاهدان در اعتراض به این واقعه دردناک در روز جمعه ۸ شهریور پس از ختم نماز جمعه به راهپیمائی پرداخته و اعتراض می کنند اما آنها با پاسخ سخت ماموران حکومتی مواجه شده که با تیراندازی و بنا به قولی با استفاده از هلی کوپتر مردم معترض شهر را به گلوله می بندند و ده ها نفر را کشته و زخمی می کنند که در اینمورد مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان به شدت به حکومت اسلامی اعتراض نمود.

جمهوری اسلامی در هراس از همه جانبه بودن اعتراض های مردم به قطع اینترنت و مسدود کردن رسانه های اجتماعی از قبیل اینستاگرام و واتس آپ اقدام می کند جائی که این رسانه ها به ویژه اینستاگرام منبع کسب و کار بیش از ۵۰۰ هزار نفر می باشد.

رویدادهای بالا در شرایطی رخ می دهد که مقامات جمهوری اسلامی در گذشته شاهد تظاهرات گسترده ایرانیان به ویژه در سال های ۱۳۸۸, ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ بوده اند که در حوادث و شورش های ۱۳۹۸ بنا به گزارشات منتشره دولتی نزدیک به

۳۰۰ نفر و گزارش های غیر دولتی حدود ۱۵۰۰ نفر توسط نیروهای انتظامی و بسیج و لباس شخصی های حکومتی به قتل رسیدند. برطبق آمارهای منتشر شده از شورش های مردم در مهر و آبان ماه ۱۴۰۱ نزدیک به سیصد نفر جان خود را از دست می دهند.

بر طبق اظهارات مقامات گذشته از جمله علی هاشمی معاون سابق وزارت اطلاعات و کمیته امنیت تشخیص مصلحت, افراد لباس شخصی عموما از میان اراذل و اوباش انتخاب می گردیدند که در محلات به جرم چاقو کشی و مزاحمت جلب می شدند. سپاه پاسداران با استفاده از این افراد در یک مقطعی ۳ گردان تشکیل داده بود که با سرپرستی سردار حسین همدانی فرمانده سپاه تهران در سرکوب معترضان به خصوص سال ۱۳۸۸ استفاده کرده بود. به این ترتیب بر طبق شواهد بدست آمده از جمله فایل های موجود صوتی نیرو های لباس شخصی از اعضای رسمی سپاه پاسداران هستند که در سرکوب مردم نقش بسیاری دارند. حسین همدانی در کوران دخالت های نظامی جمهوری اسلامی در حادثه ای مشکوک در سوریه به قتل میرسد.

باید اضافه شود که ماموران لباس شخصی در بعضی از محله های تهران به آزار و اذیت ساکنین از جمله شکستن شیشه های منازل, آسیب به اموال سرسرای عمومی آپارتمان ها همچنین آسیب به اتومبیل و عربده کشی می پردازند. در این باره گزارش هائی از شهرک اکباتان و چیتگر منتشر گردیده است.

در مورد مسئله حجاب که یکی از چند دلائل عمده اعتراض در شورش های اخیر بوده امیر حسن ترکاشوندی در کتاب

خود تحت عنوان حجاب شرعی در عصر پیامبر می گوید: مشهور است که عمر بن خطاب نسبت به حجاب زنان بسیار حساس بوده و بر عکس پیامبر که موضع خاصی نسبت به پوشش زنان عصر خود نداشت اما عمر سخت گیری های فراوانی نسبت به این امر از خود نشان داده است. عمر حتی عقیده داشته که زنان باید خانه نشین باشند و کمتر خارج شوند و بر همین اساس رای و عقیده او در تالیف و تفسیر آیات قرآن موثر واقع شده و از این بابت به انحای مختلف در محدود کردن زنان اقدامات شدید صورت می گیرد. در این زمینه حتی جاعلان حرفه ای برای خشنودی عمر در زمان حکومتش حدیث های جعلی مطابق سلیقه او درست می کردند.

واقعه جالبی در مورد عمر گفته شده اینکه پیامبر با تعدادی از زنان قبیله قریش گفتگو می کرده و صدا و هجمه زنان بسیار بلند تر از محمد بوده است. در این لحظه عمر از کنار آنان عبور می کند و پیامبر به عمر اجازه داده که در محفل او وارد شود. در این هنگام زنان به محض مشاهده او روی گرفته و در پشت پرده رفتند. محمد رو عمر کرده و می گوید زنان به محض شنیدن صدای تو مبادرت به حجاب کرده و پشت پرده رفتند.

عمر در پاسخ به پیامبر می گوید: سزاوار تر این است که از تو بترسند و بعد رو به زنان کرده و با صدای عتاب آمیزی می پرسد چرا از رسول خدا نمی ترسید ولی از من هراس دارید؟ زنان در جواب می گویند تو از رسول خدا تند خو تر و خشن تر هستی در این لحظه محمد عمر را وادار به سکوت می کند و به او می گوید آنقدر تند نروید.

در رابطه با اجرای قوانین نهی از منکر در اسلام که به نوعی

می توان مساله حجاب را مرتبط با آن دانست افراط گرائی بسیاری از سوی تندرو های مذهبی جمهوری اسلامی جامعه را دچار التهاب و تنش کرده است. در این رابطه مثال مهسا امینی و موارد های بیشماری را می توان ذکر نمود.

اخیرا ویدئو های بسیاری در فضای مجازی منتشر شده بود اینکه افراد مذهبی با فحوای کلامی زشت و منحط می خواهند آداب اسلامی را به دیگران گوشزد نمایند و یا در حالتی دیگر یک زن محجبه در جلوی اتومبیل و در وسط خیابان دراز می کشد تا به شخص راننده مسأله نهی از نهی از منکر را یادآوری کند. مقامات مذهبی و روحانیون و افراد تندروی مذهبی بی توجه به مسائل اصلی منکرات در جامعه اسلامی از جمله اختلاس و سواستفاده های مالی فراوان در کشور (در این باره به فصل ایران متلاطم مراجعه کنید) به گونه بالا که شرح داده شد ساده لوحانه عوام فریبی می کنند.

در مورد خشونت های گسترده ای که از سوی ماموران امنیتی حکومت اسلامی منتشر می شود خانم صبا کرد افشاری یک زندانی سیاسی در زندان قرچک می گوید:

خشونت علیه زنان, وضعیت نامناسب تغذیه و کمی غذا, مسئله انباشت زباله, تهویه هوا, سرویس بهداشتی آلوده, مواد شوینده بسیار اندک و دهها مورد دیگر از معضلات و مشکلات زندان قرچک است. پرونده تلنبار شده بسیاری بدون رسیدگی در قفسه ها خاک می خورد. بازدید های نمایشی توسط بعضی از مسئولان انجام می شود بدون اینکه به شکایات بیان شده رسیدگی شود. پرونده سازی و تهمت علیه زندانیان وجود دارد مخصوصا افرادی که قوه بیان و صدای رسا دارند که سعی می کنند مسائل و مشکلات

درونی زندان را به هر طریقی به بیرون از زندان برسانند. جلوگیری از صحبت و مکالمه بین زندانیان به طور ملموسی در زندان قرچک توسط ماموران اجرا می شود.

این مسائل اسفناک در حالی اتفاق می افتد که دولت های جمهوری اسلامی از جمله دولت اخیر یک بودجه ۶ هزار میلیارد تومانی برای زندان های خود اختصاص داده است که این مبلغ بر طبق کارشناسان اقتصادی معادل ۴ برابر بودجه و اعتبارات تخصیص داده شده برای دانشگاههای ایران است.

خانم صبا کرد افشاری که در سال ۱۹۸۸ به اتهام مخالفت با حجاب اجباری دستگیر گشته بود در دادگاهی به ۲۴ سال زندان محکوم می شود. مقامات امنیتی جمهوری اسلامی همچنین مادر صبا افشاری را به همین اتهام دستگیر و به دو سال حبس محکوم نمودند و اخیرا دادگاه اسلامی نیز برایش اتهام ترویج فحشا زده که در نتیجه برای او ۱۵ سال زندان در پی داشته است.

متاسفانه در طی قرون, پیدایش مذهب و آیین ها نیز بر این منوال بوده که با تثبیت قوانین غیر مدنی و قرون وسطائی باعث آزار و اذیت خیل جامعه گردیده اند که مسئله حجاب و ارگان هائی از قبیل گشت ارشاد یک نمونه کوچک از این دست هستند که مدعی شده اند ما در پی نهی از منکر و تثبیت دین و اخلاق در جامعه می باشیم.

سقراط حکیم و فیلسوف معروف یونانی گفته بود که داشتن اخلاق ربطی به دین ندارد و اخلاق مبحثی مستقل از دین است و دین داران در جهت خلاف این می گویند که اخلاق خوب به خاطر بودن دین است و اگر دین نمی بود اخلاق خوب وجود نمی داشت به عبارتی اینگونه می توان تعریف

کرد که اگر دین نمی بود جامعه از بی اخلاقی نابود می شد.

اما باید در برابر این گونه نظرات گفت که در طول هزاران سال, تاریخ شاهد جنایت و ظلم های فراوانی بوده که به نام دین بر مردم روا گشته است که به پاره ای از آنها در این کتاب اشاره شده است.

در رابطه با محدودیت هائی که جوامع مذهبی برای شهروندان خود وضع کرده اند حرف و حدیث بسیار است. حکومت جمهوری اسلامی قوانین چندی از جمله پوشش اسلامی یا حجاب برای زنان را وضع کرده است که در طول سالها با مخالفت عده زیادی از بانوان در ایران مواجه شده است. قوانین مذکور نه تنها توسط شهروندان ایران باید رعایت گردد بلکه شامل افراد خارجی می شود منجمله توریست هائی که برای بازدید به ایران مسافرت می کنند.

همانگونه که جمهوری اسلامی در حفظ رعایت حجاب زنان بسیار جدی و کوشا است اما در محیط کارخانه هایش موارد ایمنی مدونی وجود ندارد و قادر به ایجاد شرایط ایمنی کار برای خانم ها نمی باشد. زنان در هنگام کار با حفظ حجاب و پوشش روسری و مقنعه های بلند باید خود را از خطر تصادم با ماشین آلات مصون و جان خود را حفظ کنند. در این باره این گزارش دردناک اخیرا منتشر شده است.

مرضیه کارگر جوان سمنانی به خاطر حفظ حجاب جان خود را از دست داد. بر طبق گزارش خبرنگاران, مقنعه یا روسری پوشش او آنچنان بوده که به دستگاه گیر می کند و او را با خود به درون ماشین کشیده و بلافاصله کشته می شود.
اما مقامات و ملایان جمهوری اسلامی به کرات در تبلیغات و در رسانه ها گفته اند که حجاب برای زنان مصونیت به بار

می آورد.



شهروندان ایرانی در طول روز با جریمه های نقدی و اخطارهای پی درپی و یا توسط گشت های شبانه روزی مواجه و متوقف میشوند. آنها در معابر و خیابانها بانوان را متوقف کرده و در بعضی مواقع اگر مخالفتی مشاهده نمایند با خشونت رفتار نموده و آنها را دستگیر و به مراکز انتظامی می برند.

از جمله محدویت هائی که موجب سلب آزادی های فردی شده است می توان از قوانین خود ساخته در امر ورزش زنان نام برد که در برخی از رشته های ورزشی اجازه شرکت در میادین بین المللی را ندارند که از جمله می توان ورزش دوچرخه سواری را نام برد.

قانون حجاب در ایران در شرایطی اجرا می گردد که بین ملایان اسلامی در این کشور بر سر آن اختلاف است. این اختلاف از آنجا ناشی می شود که در کتاب مذهبی مسلمانان قرآن در باره پوشش موی زنان گفتاری به صراحت بیان نشده است. در قرآن صرفا به کلمه پوشش اشاره گردیده است که بیشتر اشاره به اندام و بدن زنان است. در این باره سوره احزاب آیه ۵۹ اشاره بسیار روشنی به مسئله حجاب زنان دارد.

در رابطه با اجرای قوانین شریعت مخصوصا مسئله حجاب که این روزها بسیار بحث برانگیز و در غایت باعث شورش هائی در سراسر ایران گردید روزنامه نگاران بسیاری هستند که با لحن آرام, انتقاد گونه نسبت به اجرای این قبیل احکام اسلامی اعتراض می کنند آنها معتقد هستند که ظواهر امربیشتر مد نظر مقامات اسلامی است تا شریعت عدالت پیشه که آن نیز مدت هاست از جامعه ایران رخت بربسته است.

مهدی نصیری سردبیر سابق کیهان تهران در این رابطه این چنین می گوید: بحمدالله مسئولان نظام یک مشکل شرعی را حل کردند و آن این که عده‌ای نیروی ویژه خانم را به استخدام گرفته‌اند تا اگر خواستند زنی را بغل کنند و در داخل اتومبیل ون پرتاب کنند و یا موهایش را بکشند و با مشت بر سرش بکوبند و یا با او دست به یقه شوند، مرتکب لمس بدن زن نامحرم نشده باشند! عمق فهم اتاق‌های فکر نظام از احکام و اهداف شریعت همین قدر است و احکامی چون حرمت انسان، ممنوعیت تحمیل دین، آزادی بیان، آزادی اعتراض به حاکمان و خیل مسائل دیگر جایی در اتاق فکری آنان ندارد. باید گفت این شریعت قدرت مدار استبدادی حاکمان اموی و عباسی است و نسبتی با شریعت رحمت و مودت و آزادیخواه و عدالت جوی نبوی و علوی ندارد.

در دیگرسایر کشور های اسلامی از قبیل ترکیه, مصر, تونس , لبنان و یا ممالک آسیا یا افریقا قوانین حجاب اجباری نمی باشد و شهروندان مسلمان و یا غیر مسلمان می توانند از آزادی پوشش متناسب با جامعه برخوردار باشند.حتی عربستان که که در آن قانون حجاب اجباری بود اخیرا آن را نیز لغو کرده اند .عربستان اخیرا قدم های بیشتری در مسائل آزادی کاهش محدویت ها به ویژه در مورد زنان برداشته است.

نکته ظریفی در باره رعایت حجاب در عهد عثمانی نقل شده بود که در بعضی از روستاها هنگامی که به مرغها دانه غذا پخش می کردند چنانچه خروسی ظاهر می گشت زنان بلافاصله صورت خود را می پوشاندند اگرچه این گونه اتفاقات دیگر وجود ندارد اما نشان دهنده آن است که تعصبات مذهبی می تواند کاهش یابد به شرطی که علما و روحانیون , قوانین اسلامی را تعدیل و اصلاح کنند. آنچه که مسلم است اصلاحات این چنینی هرگز لطمه ای به اصول دین نخواهد زد بلکه آن را در نزد بسیاری مقبول تر خواهد نمود.

در مقطعی از دوران پیشین, علمای وقت دوچرخه سواری زنان را مذموم می شمردند. آنها دوچرخه را مرکب شیطان می نامیدند اما امروزه کمتر روحانی در دنیا می توان یافت که هنوز صاحب چنین عقیده ای باشد(متاسفانه ملایان جمهوری اسلامی ایران هنوز به این امر معتقد هستند و اجازه نمی دهند که زنان در کوچه و خیابان به دوچرخه سواری بپردازند).

موردی که در باره دوچرخه بیان شد می تواند مثال خوبی باشد از اینکه افکار انسان قابل تغییر و رو به تکامل است و بالطبع قوانین و اندیشه های مذهبی نیز می تواند دگرگون شود چرا که عمدتا به وسیله علما و روحانین و یا صاحب نظران دینی در گذشته برای اصلاح جوامع تدوین گشته است.

سازمان یونسکو مطابق قرار دادی که با اکثر کشور های عضو سازمان ملل دارد طبق سندی که به تایید اکثریت کشورها رسیده است است اعضا را ملزم به رعایت این سند می نماید. این سند که به نام 2030 معروف است متأسفانه

در سال های اخیر از سوی مقامات جمهوری اسلامی نادیده گرفته شده است و آنرا در نهایت باطل اعلام کرده اند. این سند به وضوع اعلام می دارد که کشور ها باید در برابری جنسیتی و فرصت های اجتماعی برابر برای زن و مرد, حقوق بشر و رفع تبعیض از اقلیت ها اقدام نموده و تلاش لازمه را در جهت اجرای این سند بنمایند.

دین و آداب اسلامی

در رابطه با کتب منتشره درباره مذهب عده ای را عقیده بر این است که اصولا نشرکتب مذهبی می تواند در یک دوره معینی مورد استفاده قرار گیرد و بعد از مدتی باید به کنار گذاشته شود و یا در آن تجدید نظر شود چرا که مندرجات آن در یک دوره زمانی خاص و برای افراد عصرخود کارساز است و مطالب آن برای انسانهای پیشرفته امروز قابل قبول نیست و به همین دلیل است که افراد بیشماری در مخالفت با آن هستند و مفاد کتب مذهبی مورد قبول این دسته از مردم نمی باشد.

همچنین اگر به مخالفت افراد صاحب نظر با کتاب‌ها و احادیث مذهبی توجه و به تاریخ رجوع کنیم افراد و گروهائی وجود داشته‌اند که در این باره بحث و مناظره می کرده‌اند منجمله در عهد مامون یکی از خلفای دوران سلسله عباسی گروهی تحت نام معتزله وجود داشته‌اند که آزادانه در امور مذهبی به بحث و جدال کلامی می پرداخته اند. از نظر گروه معتزله احادیث اسلامی از اصالت برخوردار نبوده و عقل و خرد را بر روایات اسلامی ترجیح می داده‌اند.

در حقیقت آزادی بیان و عقیده در آن زمان نیز به نحو قابل قبولی وجود داشته است و عالمان و دانشمندان بسیاری از سراسر جهان در عصر خلفای عباسی بوده اند که در رابطه با منطق و فلسفه و علوم عقلی مشارکت می کردند که اساس مذهب و باور آنان تطبیق دین و عقل بوده است.

جرجي زيدان در همین رابطه در صفحه ۲۱۳ جلد سوم از کتاب تاریخ تمدن اسلام چاپ قدیم و در صفحات ۵۵۶ چاپ جدید نیز اشاراتی نموده است که شرحی از آن در بالا آمد.

مطلبی که در مورد بعضی از احکام اسلام مورد مناقشه و بحث است مسائل خمس و زکات است اینکه مردم باید از درآمد خود یک پنجم آنرا به ملایان بدهند و یا در مورد زکات که از محصولات کشاورزی بین ده تا بیست درصد به عنوان زکات دریافت شود. این دریافتها در جای و مکانی صورت می گیرد که دولت ها به عناوین مختلف از مردم مالیات اخذ می کنند بنابراین بسیار واضح و مشهود است که این گونه احکام می بایستی حذف گردند و در مطابقت با زندگی و احوال امروز مردم باشد. اما متاسفانه روحانیون شیعه با ترفند های گوناگون اصرار بر دریافت زکات دارند کما اینکه شعارهائی بر روی دیوار در روستاهها و شهرها دارند که هر گاه زکات پرداخت نشود چهارپایان می میرند. در واقع مردم مخصوصا کشاورزان را غیر مستقیم با این حربه می ترسانند اگر زکات پرداخت نکنند با مرگ احشام روبرو مواجه خواهند شد.

روحانیون جمهوری اسلامی معتقد هستند که هر حکمی که در گذشته از طرف آیات عظام اسلامی یا امامان وقت صادر شده است بر قوت خود تا ابد باقی است و تفاوتی نمی کند که شرایط زمان چگونه باشد و باید در هر زمانی به مورد اجرا در آید اما به این امر توجهی نمی شود که این اصل

تغییر ناپذیر مخالف اصول کرامت انسانی و آزادی و حق انتخاب انسانهائی است که دراین زمان زندگی می کنند. در این مورد بعضی از علمای شیعه عقاید دیگری دارند و اظهار می کنند که فقه گذشته اساسا قدرت و یارای آن را ندارد که نیاز های جامعه امروز را جوابگو باشد.

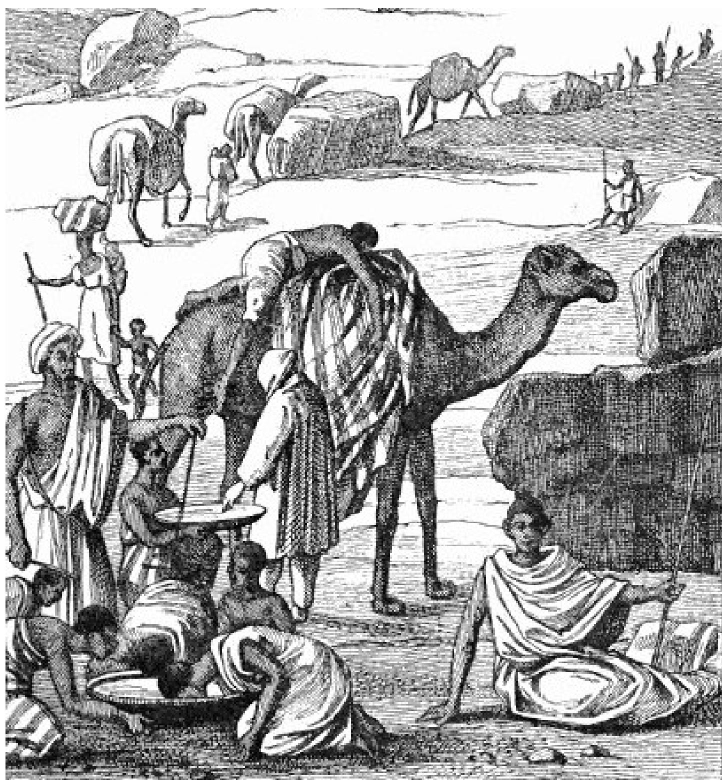
با توجه به این مسائل است که علمای کنونی مذهبی مخصوصا اسلام باید در احکام قدیمی تجدید نظر کنند و به اصطلاح آنرا به روز نمایند و این یک حقیقت انکار ناپذیر است که دیر یا زود بهتر است که جامعه عمل بپوشاند.

جالب است که نظر سید کمال حیدری استاد حوزه علمیه در شهر قم را نیز بخوانیم که به گونه ای دیگر خواستار بازنگری در قوانین اسلامی می شود. حیدری می گوید: به اعتقاد من وقتی که دین از جانب خدا نازل شده معنی ندارد که آنرا اصلاح کنیم بلکه باید فهم و قرائت خودمان را از دین اصلاح نمائیم. حیدری هوشمندانه این اتهام را که او مخالف دین اسلام است با گفته بالا رد می کند. اخیرا تعدادی از علمای مذهبی شهر قم سخنرانی های حیدری را مورد نکوهش قرار داده و بعضا او را تکفیر نمودند.

قرآن, کتب مذهبی و منتقدین آن

عده ای از علمای مسلمان معتقد می باشند که کتاب مذهبی قرآن بعد از دو قرن از زمان محمد نگاشته شده است و در بسیاری از موارد در باره محتویات آن اختلاف نظر وجود داشته است چرا که افراد گفته ها را براساس شنیده ها نقل قول می کرده اند و سرانجام به صورت کتابت در آمده است که مورد قبول همگان نیست.

 به عنوان نمونه, کتک زدن زنان, وعده انواع عذاب و مجازات های شدید وحشتناک که در قرآن درج گردیده اساسا مورد شک و تردید بسیاری می باشد چرا که از نظر عقلانی نمی تواند امروزه به کار گرفته و اجرا شود. همانطور که قبلا گفته شد اساسا چرا خداوند باید فردی را خلق کند و او را در معرض امتحان قرار دهد و بعد از مردود شدن بر او مجازات و عقوبت های آنچنانی اعمال کند در حالیکه این برخلاف منطق و شعور خالق دنیای شگفت انگیز می باشد.از جمله نقایصی که مخالفین ادیان ابراز می دارند منحصر بودن محیط قابل بحث در قرآن است که فقط به شبه جزیره عربستان



بسنده کرده است و فضای سخنان و جملات مطرح شده در کتاب از این محدوده فراتر نرفته است در حالیکه میلیون ها نفر در کشور های دور دست مثل چین و مغولستان وجود داشته اند که هیچ سخنی از آنان به میان نیامده است و یا هیچ گونه نقدی نسبت به فرهنگ و سنت های این اقوام انجام نشده است در حالیکه می دانیم بعضی از اقوام مغول خونریز ترین مردمان عصر خود بوده اند و سنت های آنان خشن ترو بدوی تر از فرهنگ اعراب شبه جزیره عرب بوده که قرآن در باره آنان صحبت کرده است.

این گفته ها از انجائی بیان می شود که علمای اسلامی مدعی هستند قرآن یک کتاب فراگیر و مربوط به همه اقوام است در حالیکه اینگونه نیست و حتی در بعضی از آیات قرآن نیز آمده است کتاب برای اعراب و به زبان عربی آورده شده است.

سخنان متفاوت و مطالب بسیاری در مورد قرآن و سایر کتابهای مقدس مسلمانان و مسیحیان نوشته و نشر گردیده است از جمله در زمان حکومت عباسیان مخصوصاً خلیفه مامون که آزادی عقاید در سطح بالاتری در دوره او وجود داشته بحث اینکه قرآن و یا تورات هر دو مخلوق هستند جنجال زیادی به پا کرده بود اگرچه مردم زیر بار این سخنان نمی رفتند. منتقدین قرآن اظهار می کردند که قرآن مخلوق است و دیگران نیز می توانند بهتر از آن را به مردم عرضه نمایند.

در باره کتاب قرآن ادعا می شود که نظیر کتابی همانند آن خلق نشده است و هیچ فردی نمی تواند همانند آنرا به وجود آورد. در باره این ادعا باید اذعان کرد که گوینده راست می گوید هیچ کس واقعاً قادر به ایجاد چنین کتابی نخواهد

بود و اگر کسی اظهار کند کتابی نظیر قرآن در دست دارد باید یک نسخه کپی شده از قرآن باشد.

اما مسأله اینجاست که این مبنا در مورد تمام کتابهائی که تا کنون منتشر شده است صادق است. به عنوان مثال کتاب مشهور بینوایان اثر ویکتور هوگو را در نظر بگیرید هیچ فردی نمی تواند آن را به وجود آورد و اگر چنین ادعائی مطرح شود باید از کتاب بینوایان کپی کرده باشد. بنابراین هر کتاب و اثری به اصطلاح خارجی unniqe یا منحصر به فرد می باشد و این مسئله منحصر به قرآن نیست و شامل هر کتابی می تواند باشد.

مصلحان و پیامبران دنیا در هنگامیکه که مطالب و عقیده های خود را عرضه می کرده اند آنگونه نبوده که فی البداهه آنرا به صورت نوشته و مکتوب در آورند بلکه سخنان پیامبر در حافظه بعضی از اصحاب حفظ می شده و از فردی به فرد دیگر منتقل می گشته است. این مسئله از آنجا ناشی می شده است که اغلب مصلحین و پیامبران دارای سواد خواندن و نوشتن نبوده اند حتی اطرافیان آنان نیز از علم سواد بی بهره بوده اند و تمام مباحث و صبحت ها به صورت شفاهی نقل می شده است. بنابراین این اندیشه قوت می گیرد اینکه در زمانی این اندیشه ها به صورت مکتوب ظاهر می شود که از مرگ مصلحان و پیامبران سالها گذشته و پیروان و دوستداران درجمع آوری و تدوین آن اندیشه ها کوشیده اند ولی هیچ تضمینی وجود نداشته که آن نقل و قول ها تا چه اندازه به افکار و دغدغه های مصلحین و پیامبران نزدیک بوده است.
موضوع دیگری که درباره کتاب قرآن واضح و آشکار است نحوه نوشتاری آن است که بسیار ابتدائی و فاقد هر گونه نظم دستور زبان و انشای روان است. دلیل این امر می تواند این

باشد که جامعه آنروز از قدرت کافی سواد و دانش برخوردار نبودند هیچ مدرسه یا دانشگاهی وجود نداشته که افراد بتواند کسب تحصیل کنند تا کتاب در خور با انشای درست بنویسند.

در زمان اعراب جاهلیت و زندگی بدوی وجود داشته است و بعضا مردم از نظر تهیه قوت روزانه نیز دچار مشگلات بوده اند. آن‌ها زندگی بسیار محقرانه و ابتدائی داشته و بدیهی است که در آن دوره و در محیط زندگی اعراب این امکان وجود نداشته که نویسندگان چیره دست در عرضه کتاب و علوم زمانه خود داشته باشند. در آن دوران در جامعه اعراب, تحصیل علوم منحصر به اغنیا و افرادی خاص بوده که فقط در بعضی از شهر های بزرگ‌تر وجود داشته که آن هم نیز مراکز حاکمان عرب بوده است.

کتب دینی و آیین ها با توجه به خشونت و جنگ های قومی و مذهبی در گذشته و در چنان جو و شرایطی نگارش شده است و بی دلیل نیست که سرتاسر نوشتارهای این کتابها حاکی از قهر, غضب, آتش دوزخ و خشونت کلامی است.

بنابراین به کارگیری کتب فوق در مدارس مذهبی و حوزه های علمیه اشتباه محض است و تدریس آنها به دانش آموزان طلبه نتایج ناخوشایندی در پی داشته است که از جمله می توان رویش گروه های تروریستی القاعده, طالبان, داعش, الشباب را نام برد که تماما از کتابهای مذهبی که مروج خشونت, تروریسم, آدم کشی هستند الهام گرفته اند.

البته بر طبق متون تاریخی می توان از شعرا در جامعه آنروز نوشت که صرفاً هنر شعر گوئی فی البداهه داشته‌اند که آنهم بیشتر در هجو یا له افراد و اشخاص مشهور آنزمان بوده

است و توانائی نگارش را نداشته اند. در آن سطح حتی آنهائی که نیز اندک سوادی داشته‌اند صرفاً منحصر به فراگیری ذهنی بوده و می توانسته اند گفتار بزرگان مخصوصا آیات کتاب محمد را در ذهن خود جای داده و از همین رو بوده که بنا به نقل چندی از اصحاب پیامبر, عثمان یکی از خلفای راشدین توانسته با مشگلات بسیار افرادی را که حافظ بخشی از آیات بوده گرد آوری و محتویات ذهنی آنان را به صورت مکتوب در آورده و در این نقل و انتقال ها بدیهی است که هیچوقت آن کلام های واقعی که از زبان محمد نقل شده نمی توانسته به طور کامل به صورت مکتوب درآورده شود و مسلماً دارای تغییراتی در متن و فهم نیز بوده است.

بنابراین قابل درک است که نوشتارهای مکتوب شده کتاب قرآن آنهم به صورت ابتدائی فاقد انشای روان بوده البته در این مورد نمی توان به نویسندگان قرآن ایراد گرفت چرا که دیگر کتب اولیه از این گونه اشتباهات نیز مستثنی نبوده اند.

 در بسیاری از آیه های قرآن از خشم خدا صحبت می شود که اصولا نسبت دادن صفاتی مثل خشم و از این قبیل کلمات به خدا نمی تواند صحت داشته باشد چرا که این گونه صفات مختص انسان و جانوران می باشد.

منتقدین همچنین از آوردن سوره حمد که در اول کتاب است آن را در زمره یکی از دلائلی می دانند که قرآن کلام بشر است چرا که خطاب به خداوند نوشته شده و نمی تواند کلام خدا باشد.

در آیه ای دیگر از سوره انعام نوشته شده به مشرکان دشنام ندهید مبادا آنها نیز به خدا دشنام دهند. مطرح کردن این موضوع از سوی خدا نمی تواند عقلانی باشد خدائی که

گفته می شود به شیطان آن همه آزادی داده تا هر عملی که می خواهد بر ضد انسانها انجام دهد.

در سوره بقره آیه ۲۸۲ صحبت از شهادت دو مرد است اینکه اگر یک مرد کم بود دو زن را برای آن جایگزین نمایند. اصولا خدا که عدل و انصاف زیبنده اوست چگونه می تواند تبعیض بین بندگان خود قائل شود و حق مرد را دو برابر زن بداند و این موضوع را می رساند که دید و بینش نسبت به حقوق زنان بسیار ظالمانه بوده چرا که در جوامعی می زیسته اند که قوانین همیشه توسط مردان تنظیم و تدوین می گشته و زنان از کمترین حق برخوردار بوده اند کما اینکه امروزه نیز علمای اسلامی در مسئله ارث سهم زنان را نیم سهم مرد تعیین نموده اند.

در سوره احزاب آیه شماره ۵۰ از آزادی پیامبر برای ازدواج با زنان متعدد و داشتن کنیزان بی شمار صحبت می شود در این مورد نقل است که تنی چند از همسران پیامبر به او اعتراض می کنند و او چندی بعد آیه ۵۲ را نازل می کند که ناسخ آیه شماره ۵۰ است به عبارتی آیه ۵۰ منسوخ می گردد و بحث ناسخ و منسوخ در کتاب قرآن از این جا ناشی می شود. آیات فوق همراه با ترجمه در پایین آمده است.

آیه ۵۰ و ترجمه آن
یا ایها النبی انا احللنا لک ازواجک اللاتی آتیت اجورهن و ما ملکت یمینک مما افا الله علیک و بنات عمک و بنات عماتک و بنات خالک و بنات خالاتک اللاتی هاجرن معک و امرا مومن ان و هبت نفسها للنبی ان اراد النبی ان یستنکحها خالصه لک من دون المومنین قد علمنا ما فرضنا علیهم فی ازواجهم و ما ملکت ایمانهم لکیلا یکون علیک حرج و کان الله عفورا رحیما

ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده ای حلال کردیم و کنیزانی را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران عمویت و دختران عمه هایت و دختران دایی تو و دختران خاله هایت که با تو مهاجرت کرده اند و زن مؤمنی که خود را داوطلبانه به پیامبر ببخشد در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد این ازدواج از روی بخشش ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما نیك می دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و خدا همواره آمرزنده مهربان است
آیه ۵۲ و ترجمه آن
لا یحل لک النسا من بعد و لا ان تبدل بهن من ازواج و لو اعجبک حسنهن الا ما ملکت یمینک و کان الله علی کلی شی رقیبا
از این پس دیگر جایز نیست که زنان دیگر داشته باشید و یا آنان را با همسران خود تعویض کنید هر چند زیبایی آنها برای تو مورد پسند افتد به استثنای کنیزان و خدا همواره بر هر چیزی مراقب است.

همانگونه که در مطالب بالا آمده است خداوند در مسائل خصوصی محمد وارد می شود و در مقطعی نیز تصمیم اش را در باره نکاح محمد با زنان متعدد عوض کرده و حقی را که به او عنایت کرده بود از او سلب می کند. در بالا اشاره شد که محمد به دلیل تمایل با ازدواج بیشتر از سوی زنانش مورد نکوهش قرار می گیرد و او در روز بعد آیه ۵۲ را نازل می کند.

از نقطه نظرات کارشناسان, نزول آیه و منسوخ کردن آن بسیار شک برانگیز است اینکه خدا با آن بینش گسترده ای که دارد چگونه دچار اشتباه شده و آیه ای را به نحو نسنجیده بر محمد نازل کرده است و در آیه بعدی آنرا اصلاح نموده است!

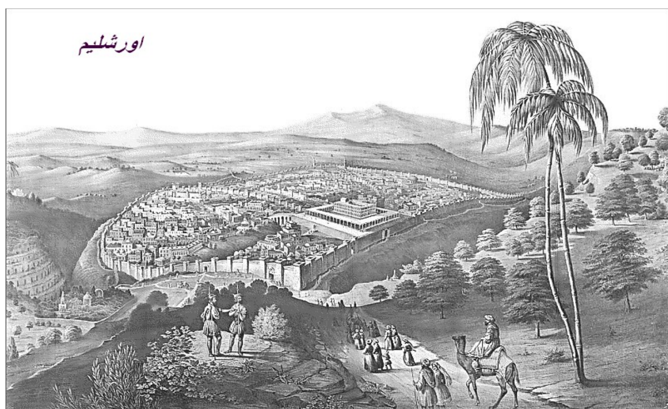
در این رابطه بهتر است سخنی از موریس مترلینک نویسنده مشهور بشنویم که می گوید: اگر خداوند در وسط کار نقشه و رای خود را تغییر دهد ناشی از نادانی خداست در حالیکه خداوند دانا و توانای مطلق است.

در واقع این مطلب خیلی واضح و شفاف است که خداوند هرگز دچار خطا نمی شود و آیه های فوق نمی تواند کلام خدا باشد.در رابطه با آیه های بالا که درج گردید همچنین باید به مورد کنیزان نیز اشاره ای کنیم که برده داری یا داشتن کنیز در آن زمان امری معمول بوده و توانگران می توانسته اند هر تعداد که بخواهند غلام و کنیز از بازار برده فروشان خریداری نمایند. همچنین بردگان مرد یا غلامان و کنیزان زن را معمولا در جنگها و حمله سربازان جنگ طلب به شهرهای مغلوب با زور و عنف به دست آورده و به تاجران و دلالان مربوطه می فروخته اند. اینکه خدای بزرگ واژه کنیز را در کتاب قرآن به وضوح و صریح عنوان و از آن به عنوان حق مشروع مردان یاد کرده است اساسا نمی تواند منتسب به پروردگار باشد و خدا همانطور که گفته شد چنین تبعیض ظالمانه ای را در حق مخلوق خود روا نداشته است و این بندگان خدا بوده که بر خلاف نیات پروردگار عالم چنین قوانینی را تصویب و به مورد اجرا گذاشته اند.

از جمله مواردی که می توان در بیانات کتاب مسلمانان تامل کرد عدم هماهنگی بخش هائی از کتاب قرآن با دیگر قسمت ها است. در کتاب تصریح شده است که برای هر قومی مطابق با زبان و گویش خاص خود رسول فرستاده شده است در حالیکه این مسئله به جز در بخش اسلام و مسیحیت, یهود یا زرتشتیان در ایران برای دیگر اقوام ملل به معنای کامل انجام نگردیده و در تاریخ مدارکی دال بر این موجود نیست که تمامی اقوام روی کره زمین پیامبر و کتاب

آسمانی خدا را دریافت کرده اند که می توان به عنوان مثال کشور باستانی چین را نام برد و اگر مکاتب و عقایدی وجود داشته است بیشتر از جانب فلاسفه آن دوران بوده است که آنهم مورد تایید روحانیون اسلامی نمی باشد. در قرن هفتم به بعد پدیده دینی بودا ظهور می کند که در کنار فلسفه قدیمی کنفوسیوس جوامع فکری دوران باستانی چین و ممالک آسیائی را تسخیر می نماید.

در این باره اگر به سوره فصلت آیه شماره ۳ مراجعه کنیم آمده است که و ما ارلنا من رسول الا بلسان قومه
که معنای آن به این شرح است: ما برای هر قوم پیامبر به زبان خودشان فرستادیم و یا در جای دیگر در سوره الشعرا آیه ۱۹۵ آمده است که جبرییل کتاب را فقط به زبان عربی نازل نموده است و هیچگونه زبان دیگری ذکر نشده است.
بنابراین اگر به گفته کتاب قرآن بسنده کنیم این دعوت برای ساکنان نواحی عربستان و به زبان عربی بوده و شامل حال دیگر اقوام نمی شده.محمد به خاطر مقتضیات شغلش



تجربیات و سفر های متعددی به قلمرو رومیان و دیگر اقوام از

جمله شهرهای شام و بیت المقدس (اورشلیم) داشته و به خوبی واقف بوده است که اقوام یهود و مسیحیت و یا زرتشتیان هر کدام مذهب جداگانه و پیامبر خاص خود را داشته‌اند و قبل از اسلام پا به عرصه ظهور گذاشته اند و او لزومی ندانسته که به حریم آنان پا نهد و آنان را دعوت به اسلام نماید معذالک در اثر پافشاری همراهان و بر خلاف اصول اولیه کتاب او از دیگر اقوام از جمله ایرانیان می خواهد که به اسلام روی آورند که ارسال نامه به خسرو پرویز پادشاه ایران و عدم پذیرش نامه از آن جمله بوده و این سر آغاز عصر جدیدی است که منازعات و خصومت های بسیاری را در آنروزگار برای مردم جهان رقم زده و جانشینان پیامبر مخصوصا خلیفه عمر ابن خطاب که اصرار بر توسعه و جهانگشائی داشتند به مرور زمان پس از تدارکات بسیار تهاجم های خود را به شرق و غرب از جمله مهمترین کشور آن زمان یعنی امپراطوری ایران و روم آغاز نمودند.

در موضوع فهم و درک متون قرآن مسئله ای که مورد سئوال می باشد این است که علمای اسلامی عقیده بر این دارند تفسیر آیات کتاب باید توسط روحانیون انجام شود به این معنا که افراد معمولی صرفا با خواندن کتاب ممکن است که تفسیر و برداشت غلطی از مفاهیم آن داشته باشند.

بنابر این با توجه به اینکه روحانیون اسلامی این اجازه منحصر به فرد را برای خود قائل هستند که می توانند معنا و کلام قرآن را درک و تفسیر نمایند چرا اصلاحاتی در کتاب مقدس برطبق موازین عقلی و حقوق انسان ها به عمل نمی آورند.

البته در بعضی از آیات قرآن از قبیل سوره البقره آیه ۱۰۶ به طور تلویحی اشاره شده است که می توان تغییراتی در کتاب انجام داد و این مطلب از سوی علمای اسلام که

جانشین پیامبر هستند می تواند قابل اجرا باشد.

سئوالی که در ذهن خیلی ها به وجود آمده است این است که اساسا چرا متن آیات قرآن باید بدان گونه باشد که برای فهم آن نیاز به تفسیر و توجیه باشد چرا با الفاظ ساده قابل فهم نگاشته نشده است و چرا روحانیون و علما که در مذاهب اسلامی وجود دارند هرکدام تفسیری غیر از دیگری دارد و چرا پیروان مذهبی همواره هزاران سئوال در باره درک و فهم آیات بکنند و مفسرین پاسخ های گوناگون به آنان بدهند. در این باره به نمونه ذیل توجه نمایید.
جمله لا اکراه فی الدین قسمتی از آیه ۲۵۶ سوره بقره است که از سوی مراجع اسلامی به چندین نوع مختلف تفسیر گردیده است.

۱- در پذیرش دین اجباری نیست.
۲-در پذیرش بخش هائی از دین اجباری نیست.
۳- فقط درباره اهل کتاب است. (منظور یهود و مسیحی)
۴- درباره همه کفار است.
۵- فقط در باره عده ای از انصار بوده است.
۶- اکراهی در دین وجود ندارد و معنای اکراه بسیار وسیع‌تر از اجبار است هر چند که اجبار را نیز به همراه دارد.

همانطور که در تفسیر های بالا مشاهده گردید آیه مربوطه در بالا (لا اکراه فی الدین)به نحو بارزی دچار تناقض های شدید در تفسیر و ترجمه است که از سوی روحانیون اسلامی ارائه شده است.

به طور متوسط در بیش از ۲۵۰ آیه از کتاب قرآن در باره مجازات کافران, آنان که تکذیب کننده قرآن هستند وجود دارد سخنانی که در باره آنها باید بسیار تامل نمود که از جمله به

آیه ۲۵۷ از سوره بقره می توان اشاره نمود که به شرح ذیل است:

آنان که کافر شده اند، طاغوت ولی و رهبر شان است که آنها را از روشنی به تاریکي‌ها میکشد. اینان جهنمیانند و همواره در آن خواهند بود. یا اینکه در سوره آل عمران آیه ۸۵ آمده و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین که به عبارتی معنی اش آن است که هر قومی غیر از اسلام اگر دین دیگری اختیار نماید از زیانکاران می باشد. این تفاسیر از کتاب قرآن در حالی بیان می شود که از اقوال مختلف ادیان ابراهیمی (از قبیل یهود, مسیحیت, اسلام) در قرآن نام برده شده و حتی از کرامت های این پیامبران نیز در کتاب مسلمانان یاد شده و نیز نقل شده که پیامبر عیسی به فرمان خداوند قبل از اینکه به صلیب کشیده شود به آسمان برده شد بنابراین پیروان مسیحی یا یهودی چگونه می توانند از جمله کافران یا زیانکاران باشند؟



یکی از بدیهیات و مسلمات یک کتاب پرهیز از جملات تکراری در نوشتار است که در قرآن مندرجات آن بارها تکرار شده است که اگر بخواهیم این مورد را اصلاح نماییم شاید تعداد صفحات کتاب به نصف و کمتر تقلیل یابد. همچنین عدم نظم و پراکندگی مطالب است که خواننده با یکبار خواندن پی به آن خواهد برد.

روحانیون و علمای اسلامی در پاسخ به این ابهامات جواب های قابل قبول ارائه نمی دهند چرا که از دیدگاه آنان قرآن یک کتاب پذیرفته و قابل قبول است که ازجانب خدا آمده است و هرگونه شکی در باره آن مجاز نمی باشد. بنابراین برای شنیدن پاسخ های منطقی تر در باره کتاب باید به مراجع و افرادی مراجعه کرد که بی طرف باشند و درضمن به اصول مذاهب وکتب دینی آشنائی داشته باشند.

محمد علی امیر معزی استاد دانشگاه در فرانسه اخیرا کتابی به نام قرآن مورخین در فرانسه به چاپ رسانده است که تفسیر و اظهار نظرهای پژوهش گران و متفکرین و مورخین غرب در آن آمده است. از جمله این پژوهش ها نظراتی است مبتنی بر اینکه قرآن پدیده ای نیست که توسط یک فرد به وجود آمده باشد بلکه حاصل تفکر گروهها یا چند نفر است که در یک برهه از زمان نگاشته شده است.

دانشمندان غرب از قرن نوزدهم شروع به پژوهش و مطالعه در باره قرآن نمودند. آنان معتقد بودند که آنچه در کتاب‌ها و متون اسلامی آمده با همدیگر در تعارض می باشند و اختلافات بسیاری در آن‌ها مشاهده می شود چرا که هر کدام منتسب به گروه و فرقه های گوناگون اسلامی بوده که بینش خاص خود را نسبت به دین اسلام داشته اند .

آن‌ها همچنین معتقد هستند که ادبیات یهود و مسیحیت در پیدایش قرآن بسیار مؤثر بوده است. به اعتقاد آنان نوشتار و مطالب قرآن به صورت پاره پاره است و اجزای آن در سراسر کتاب پخش شده است و متون در نهایت منظم نمی باشد و یا اینکه دلائل نزول آیات قرآنی منحصر به یکی یا دو تا نیست بلکه دهها می باشد و این موجب برانگیختن سئوالات و شبهات بسیاری گردیده است .

امیر معزی در ادامه سخنان خود در باره کتاب می گوید: مثلاً مواردی داریم اینکه در بعضی از آیات قرآن شراب به عنوان نوشیدنی بهشتی قلمداد شده و در آیه دیگری شراب حرام اعلام گردیده و این دقیقا یک نقض آشکار در مندرجات قرآن می باشد.

در یک عهدی صحبت از ۵ جلد مختلف از کتاب قرآن بوده که این را از قول کتابی به نام المصاحف نقل کرده‌اند که در این باره جنگ و جدال بسیاری مابین مسلمانان وجود داشته که در قرن اول هجری قمری رخ داده است. در مقاطعی مابین قبائل اسلامی جنگ های داخلی رخ داده و این حوادث تا چند قرن بعد نیز ادامه داشته و یا در دوران بنی امیه و دوران بنی عباس که هر کدام نیز بر ضد دیگری عمل کرده اند. دوران و عصر یاران پیامبر و با خلفای بعد از آن تماماً با کشتار و جنگ داخلی همراه بوده است.

در آن دوره از زمان و با توجه به فضای ملتهب آن موقع بوده که کتاب قرآن شکل گرفته و از همین روست که در جای جای قرآن ما مطالب زیاد آکنده از خشونت می یابیم. در متون قرآن کلمات و جملات بسیاری پیدا می شود که دارای ریشه های عبری و یا مسیحی است مثل کلمه حج که عبری است و یا کلمه آیه که عربی نیست و به زبان

سریانی است که به معنای تکه می باشد. حتی اسم کتاب یعنی قرآن نیز سریانی است و از قریانا آمده است که به معنی کتاب دعا است.

اصولاً چرا یک کتاب مذهبی آنچنان باید تقدیس شود که عده ای به خاطر عدم تقدیس آن تهدید به قتل شوند یا مورد آزار و اذیت لسانی و جانی گردند. شخصی که کتاب را نقد می کند و به خاطر نقدی که دارد نباید مورد حمله افراد متعصب مذهبی واقع شوند. این بر خلاف اصول انسانی است که بعضی از رهبران مذهبی فتوای قتل منتقد را صادر می کنند و این دستورات با هیچ عقل و منطقی سر سازگاری ندارد و بر خلاف اصول و ارزش های انسانی است.

بنابراین آنچه که بعد ها تحت کتب مقدس از جمله قرآن منتشر شده است با آنچه که درابتدای ظهور آیین و مذهب مربوطه بوده تفاوت هائی وجود دارد و این تفاوت ها ناشی از اندیشه های متفاوت افراد دست در اندر کار تدوین و نشر کتب مذهبی بوده است که اغلب آنها در تعارض با یکدیگر بوده اند.

اغلب کتب مذهبی که بر پایه افکار و اندیشه های ملایان در گذشته بوده با توجه به میزان سواد و دانش آن دوران نشر گردیده و در آن زمان با توجه به بافت فرهنگی جوامع كارايي داشته اما برای جوامع پیشرفته امروز دیگر آن قابلیت را ندارد و مطابق بر اصل تکامل که اشاره بر آن شد مندرجات کتابهای مذهبی فوق نیز باید بازنگری شده و ایراد های اصولی آنها حذف و به عبارتی تکامل یابند.

مذهب و قدرت سیاسی

یکی از صفات ناپسند انسان داشتن روحیه جاه طلبی است. حب جاه و مقام گاهی فرد را تا سر حد جنون رسانده و برای رسیدن به آن حتی حاضر است که جنایت کند. این پدیده همانند مال پرستی می تواند بسیار مخرب باشد و سرنوشت خیلی از افراد را درجهات منفی رقم بزند. ازجمله مواردی که می تواند جلوی این خصلت ها را سد کند بودن نظم و قانون و بستر دمکراسی در جامعه می باشد چون این تنها راه موجود در دنیا است که می تواند از پیشروی اینگونه کژی ها در میان سیاستمداران و صاحبان قدرت جلوگیری نماید.

اینکه عامل دین و مذهب می تواند جلوی این خصلت منفی انسانها را سد کند, اشتباه محض است چرا که تجربه نشان داده است که وقتی قدرت و حکومت در دستان مذهبی ها بوده است برای حفظ قدرت خود نه تنها حقوق اولیه انسان را زیر پا گذاشتند بلکه خیل از آنها را به جرم های واهی ضد دین از میان برداشتند. از تجربه های تلخ می توان به مثال های حکومت روحانیون در عصر رنسانس در اروپا و تشکیل حکومت اسلامی در ایران در قرن جاری اشاره نمود.

آیت اله خمینی هنگامیکه در ایران بر مسند قدرت تکیه زده بود گفته بود: حفظ نظام از اعم واجبات است دروغ گفتن و حتی شرب خمر نیز واجب است اگر در جهت حفظ نظام اسلامی باشد. اما ایشان نکته مهمی را که فراموش کرده و یا نخواسته بگوید این بوده که حفظ یک دولت امین و درستکار اسلامی از اعم واجبات است و در جائی که این خصوصیت از او ساقط شود مردم تکلیفی در حفظ آن نخواهند داشت.

با توجه به این سیاست های اسلامی است که روحانیون اگر اراده کنند می توانند منشا تغییرات بسیار بزرگی در احکام اسلامی شوند که از اساس غلط و گمراه کننده بوده است.

در دوران حکومت های روحانیون, تمایل به سیر قهقرائی و عصر جاهلیت از ارکان قوانین حکومتی بوده است که این مسئله سد محکمی در برابر آزادی های اجتماعی و پیشرفت علم و اقتصاد به شمار می آمده. هنوز خاطره جنگهای مذهبی قرن پانزدهم بین پروتستان و کاتولیک های مسیحی در فرانسه از اذهان جوامع خارج نشده که بیش از سی سال به طول انجامید.

در سالهای ۱۵۶۲ و بعد از آن پیروان مذهب پروتستان با کاتولیک ها به مدت دهها سال در فرانسه جنگیدند. علیرغم متارکه های متعددی که با دخالت بعضی از بزرگان فرانسه انجام گردید طرفین به بهانه های گوناگون با هم در ستیز و نبرد بودند از جمله جنگ در رابطه با ازدواج مارگو از خاندان سلطنتی مربوط به شارل نهم پادشاه فرانسه درسال ۱۵۷۲ بود که منجر به قتل دهها هزار پروتستان گردید. این واقعه خونین ترین واقعه مذهبی در کشور فرانسه را رقم زد.

ویل دورانت محقق و نویسنده کتاب مشهور تاریخ تمدن در قسمتی از کتاب خود به این موضوع اشاره می کند که در مقطعی از دوران و زمانی که کلیسا قدرت مطلقه در اروپا بوده قوانین عجیبی را برای کارگزاران خود از قبیل کشیش و راهبه ها وضع کرده بودند.

از جمله یکی از این قوانین عدم ازدواج خادمان کلیسا بود اینکه هر کشیش یا راهبه حق ندارد متاهل باشد. لازم به توضیح است که هم اکنون نیز این قانون پا برجا می باشد اما

شاخه های دیگر مسیحیت مثل پروتستان و ارتدکس ها از این قوانین تبعیت نمی کنند.

امروز کلیسا به جایگاه خود برگشته جایگاهی که بر اساس آن وظیفه اش ارشاد و هدایت مردم است در مقایسه با آنچه در قرون وسطی انجام می داد و آن نیز به دلیل قدرت بی ضابطه ای بوده که در اختیار داشته است و اکنون اگر آن دوران وجود ندارد به دلیل آن است که در پی انقلاب ها و تلاش های مردم اروپا کلیسا از قدرت مطلقه خود خلع گشته است.

اساسا خداوند در خلقت و آفرینش مرد و زن را به گونه ای آفریده است که هر دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند و بدون هرکدام زندگی و خلقت معنائی ندارد. معلوم نیست که تفکرات قانون گذاران رهبران کلیسا بر چه معیارهائی استوار بوده که به بدیهی ترین نیاز بشر اصلا توجه نکرده است.
صرف نظر از اینکه قوانین مذکور باعث چه حوادث و ماجراهائی در مسائل جنسی گردید اصولا مسئله منع ازدواج باعث نقض یکی از اساسی ترین حقوق انسان است و همین موضوع را می رساند که کلیسا درک درست و صحیحی از مفاهیم آفرینش نداشته است.

در سال 1950 اداره کننده گان کلیسای کاتولیک بیش از 200 هزارکودک را مورد آزار جنسی قرار داده است. این گزارش دهشت آور اخیرا در فرانسه در ماه اکتبر 2021 منتشر گردید. در بخشی از گزارش ۲۵۰۰ صفحه ای به این مسأله غم انگیز استناد شده بود که متأسفانه مقامات کلیسای کاتولیک از این مسائل آگاه بوده‌اند و هیچ اقدام عاجلی در جهت جلوگیری و سواستفاده های خدمتگزاران و خادمان کلیسا به عمل نیاورده اند.

در دوران شکوفائی و قدرت اسلام بعد از پامبر, انتخاب خلیفه اسلامی از واقعیات آن عصر بوده که چندین قرن تداوم داشته است. یکی از بدیهی ترین وجه آن در انتخاب خلیفه مسلمین وجود اعیان و بزرگان حکومتی بوده است که آنان نقش عمده ای در انتخاب خلفا داشته اند.

شرایط آن زمان با توجه به اینکه جامعه اسلامی در ابتدائی ترین وضع از نظر تحصیل و سواد و یا شعور سیاسی بوده بدیهی است که عموم به هیچوجه اجازه یا قدرت انتخاب خلیفه را نمی توانسته داشته باشند و این نقش به اصحاب قدرت محول شده بود. اما امروز در قرن بیستم که ملت ها در عرصه علم و تحصیل شکوفا گشته اند و می توانند در مسائل سیاسی و انتخاب حکومت ها شرکت داشته باشند اینکه یک حکومت اسلامی از نوع خلافت بخواهد قد اعلم کند بسیار عجیب و غیر قابل قبول است و متاسفانه این حادثه درکشور ایران اتفاق افتاده و موضوع ولایت فقیه که در واقع شکل دیگری از خلافت است دهه هاست که در صحنه سیاست ایران حضور دارد و عملا مخالف دموکراسی و انتخابات آزاد در عرصه اجتماعی می باشد. از آنجائیکه نظام ولایت فقیه اصرار بر اجرای قوانین کهنه اسلامی دارد باعث شده که کشور در عرصه اقتصادی نیز عقب بماند و عموم مردم همچنان شرایط بسیار وخیمی را داشته باشند.

در تاریخ جنگ ها اگر به گذشته برگردیم در دوران حکومت های خلفای چهارگانه یا راشدین, اعراب مسلمان در اوائل قرن ششم میلادی آغازگر جنگ های مذهبی بودند که هدف و مقصود گسترش سرزمین های تحت سلطه و تبلیغ دین اسلام بود. جنگ های سلطه طلبانه اسلامی در زمان ترکان مسلمان سلجوقی ادامه پیدا کرد و تسخیر سرزمین های روم شرقی و همچنین جنگ با صلیبیون را منجر شد.

صلیبیون که از ترکیب چند کشور اروپائی بودند جهت پس گیری سرزمین های از دست رفته امپراطوری روم شرقی (بیزانس) به مدت چندین قرن با مسلمانان در جنگ و ستیز بودند. در جنگهای صليبي بين مسيحيان و مسلمانان, انگیزه مذهبی نیز حاکم بود اینکه معراج پیامبر مسیح در سرزمین مقدس(اورشلیم) صورت پذیرفته و یا اینکه مامن معراج پیامبر مسلمین محمد بوده است



بعدها در ادامه منازعات, حکومت های مسلمان عثماني با تهاجم های بی سابقه به سرزمین های اروپا باعث استمرار جنگ های بیشتری شدند. تمام این نزاع های تاریخی یا به انگیزه های مذهبی یا نژادی و قومی و یا توسعه طلبی صورت پذیرفته است.

حکومت های عثمانی در طول زمامداری خود بیشترین تهاجم توسعه طلبی و قوم گرائی را برای اقوام دیگر به ارمغان آوردند که از آن جمله می توان از نسل کشی بخشی از مردم ارامنه نام برد. همچنین منازعات و جنگ های اعراب مسلمان و اقوام یهود از سالهای ۱۹۵۰ به این سو به شدت تحت تاثیر باورهای مذهبی این دو گروه یعنی مسلمانان و یهودی ها بوده است و هنوز نیز ادامه دارد.

ویل دورانت در تاریخ تمدن در صفحات ۲۰۶۸ اشاراتی درباره قتل عام اقوام یهود در سال ۱۹۰۵ توسط صلیبیون تندرو دارد که در میانه جنگ دوم صلیبی علیه مسلمانان قرار داشتند. دشمنی مسیحیان در جنگ های صلیبی دامنگیر یهودیان نیز گردیده بود که بیشترین دلیل آن عمده فعالیت های اقتصادی و رباخواری توسط بازرگانان یهود بوده است. در گذشته رفتار اغلب سلاطین روم نیز با یهودیان اغلب آغشته به خشونت بوده است.

از دیگر دلایل جنگ علیه یهودیان مساله ای بود که اقوام یهود در طول تاریخ خود را قوم برتر خدا می نامیدند. از سوئی دستورالعمل های مذهبی یهود از جهاتی در موقع اجرا با مناسک مذهبی مسیحیان تداخل پیدا می کرد که متناقض همدیگر بودند اگر چه روسای مذهبی مسیحی بیشتر اهل تعامل با یهودیان بودند اما سلسله مناصب پایین تر اغلب به روش خود که خشونت طلبی به همراه داشت خصمانه با

اقوام یهود رفتار می کردند.

صلیبیون نیز درنبردهائی که بر علیه مسلمانان در بعضی از نقاط اروپا و یا آسیا داشتند در هنگام پیروزی محدویت های بسیاری بر علیه مردم مسلمان ایجاد می کردند حتی در بعضی موارد نسبت به تخریب مساجد اقدام می نمودند و البته این گونه حکایات نیز در میان مسلمین رایج بوده و در هنگام فتح و پیروزی نمازخانه و کلیساهای مسیحیان نیز مورد تخریب قرار می گرفت.

بخشی از تاریخ اسلام با جنگ های خونین ثبت شده است. پیامبر اسلام جنگ های متعددی با یهودیان انجام داد که در تاریخ به آنها اشاره شده است. در این جنگها محمد به جز یکی در بقیه پیروز در آمده است. علیرغم اینکه در قسمت هائی از قرآن اشاره گردیده که باید با پیروان دیگر مذاهب مدارا نمود اما پیامبر اسلام پس از موفقیت هایش با یهودیان ستیزه جوئی می کرده در حالیکه اکثر قبایل یهود در ابتدای اسلام با پیامبر صلح و عهد نامه دوستی بسته بودند و حتی یهودیان همپای دیگر ساکنین در مدینه از محمد خواستند که به این شهربیاید و دشمنی تعداد معدودی از یهودیان با او نمی بایستی شامل تمام قبایل یهود و سبب اختلافات عمده بین پیروان هر دو مذهب گردد که متاسفانه تا به امروز نیز ادامه داشته و تمام کینه توزی بین مسلمانان و یهود ریشه در گذشته دارد

جرجی زیدان نویسنده شهیر لبنانی الاصل که مسیحي بوده است در کتاب معروف خود به نام تاریخ تمدن اسلام جلد یکم فصل دعوت اسلامی درباره دعوت مردم مدینه از پیامبر چنین می نویسد:
یهودیان و اهل مدینه که با مردم مکه رقابت داشتند طبعا

خواهان آن بودند که آیین تازه (اسلام) در مدینه منتشر گردد و پیامبر به آن شهر باز آید تا عربها به جای رفتن به مکه برای سیاحت و تجارت به مدینه بیایند.

بعد ها محمد موفق به تسخیر و فتح مکه گردید و اولین اقدامی که او انجام داد به خانه کعبه مراجعه کرد و بت های موجود در خانه را ویران ساخت



در همین راستا پیروان شیعه اسلامی بعد از گذشت صد ها سال هنوز ندای جنگ سر می دهند. یکی از ملایان مشهور شیعه در ایران به نام علم الهدی در پیام های نماز جمعه شهر مشهد در رابطه با دول اروپا و امریکا این چنین می گوید: مردم بدانید که آمریکا و اروپا یک جریان استکباری استعمارگر است و همه جهان این واقعیت را فهمیده است و تقابل با آمریکا و اروپا، تقابل با ظالم است و باید با آن جنگید. شهر مشهد از دیگر شهرهای مذهبی است که که در شرق کشور ایران واقع شده است.

در محافل تندروی اسلامی از این دست نقطه نظرات که بعضا به صورت فتوا منتشر می گردد بسیار وجود دارد که به بعضی از آن‌ها در این کتاب اشاره شده است.

تحت تعالیم برخی از ملایان تندرو اسلامی, پیروان متعصب دست به اقدام‌های ضد انسانی می زنند که از آن جمله می توان به حادثه بمب گذاری یکشنبه عید پاک در کلیسائی واقع در کشور سری لانکا اشاره کرد که منجر به قتل ۲۷۰ نفر گشت. حادثه مشابه دیگری که در فیلیپین رخ داد و در آن نزدیک به ۲۰ نفر کشته شد. در فیلیپین بیشترین ظن به گروه تروریستی ابوسیاف بود که در پیروی از سیاست های گروه تروریستی اسلامی القاعده رفتار کرده. گروه تروریستی القاعده معتقد به اجرای احکام صدر اسلام می باشد.

گروه تروریستی ابوسیاف که از ایدئولوژی اسلامی تندروها تبعیت می کند در سال 1991 پایه گذاری گردید. آنها در پی آرمان های خود مبنی برتشکیل حکومت اسلامی در فیلیپین دست به اعمال خشنونت آمیز بسیاری زدند که از جمله آدم ربائی و حمله به توریست های خارجی بود.

از دیگر حملات مشابه به کلیساها دو مورد بود که در سال ۲۰۱۷ توسط گروه تروریستی داعش در کشور مصر رخ داد که در نتیجه نزدیک به ۴۵ نفر کشته شدند. مورد دیگری در اوائل سال ۲۰۲۱ و در اندونزی اتفاق افتاد که تعداد ی زخمی به همراه داشت. در مورد آخر گفته می شود که اسلام گراهای افراطی و مرتبط با گروه ابوسیاف که در جنگل های اندونزی پنهان گشته اند عامل این حمله بوده‌اند.

از دیگر گروه های تروریستی می توان گروه الشباب را نام برد که در کشور سومالی فعالیت مخربانه دارند. این گروه در آخرین حرکت تروریستی شان در سومالی باعث مرگ دهها تن گشتند.

گروه تروریستی داعش به رهبری شخصی به نام ال ابوبکر بغدادی تاسیس یافت که برای مدتی در چند استان کشور عراق حکومت بلامنازعه داشت و باعث قتل, آدم ربائی بسیاری از شهروندان عراقی گشتند که از آن جمله می توان به سرنوشت زنان و دختران قبیله ایزدی اشاره کرد که چندین سال تحت اسارت این گروه بودند. گروه داعش از این زنان به عنوان برده جنسی استفاده کرده و حتی بین اعضای گروه خرید و فروش می کردند. این گروه علیرغم ضربه جبران ناپذیری که از ائتلاف کشورهای غرب و عربی خورده هنوز به صورت پراکنده در عراق و افغانستان به اعمال تخریبی و بمب گذاری ادامه می دهند.

ویل دورانت تاریخ نویس مشهور در صفحه 2232 تاریخ تمدن از قول رهبران مذهبی کلیسا چنین می نویسد کلیسا در قرن یازدهم فروش اسرای مسیحی به مسلمانان را منع کرده بود و درعین حال ایرادی ندانست که از مسلمانان و یا از آنهائی که هنوز مسیحی نشده بودند اسیر گرفته و مورد

تجارت قرار بدهند.

همانطور که قبلا اشاره گردید چندین عامل مهم در برافروزی جنگ ها موثر بوده اند که عامل مذهب از مهمترین رکن بوده البته در کنار آن عوامل توسعه طلبی همیشه در خلق و خوی انسانها وجود داشته و از همین رو در گذشته کشورهای متجاوز طالب قلمروی بیشتری بوده اند.

امروزه می توان این توسعه طلبی را به روش های هوشمندانه تری ملاحظه کرد که توسط قدرت های بین المللی به طرق گوناگون به اجرا در می آید که شرح آنها نیاز به یک کتاب دارد و از حوصله این مطالب خارج است.

اگر تاریخ جوامع قدیم را مطالعه کنیم متوجه خواهیم شد که مقدار سواد و درک مردم عادی از مسائل زندگی در حد بسیار ابتدائی بوده هر چند پیامبران آن دوره ها اغلب به واسطه سیاحت و یا تجارت با همسایگان از حیث فهم و دانش نسبت به مردمان اطراف خود برتری داشته اند.

درقرن ۱۴ میلادی و قبل ازآن کلیسا ها قدرت یکه تاز و مافوق در جوامع اروپائی بودند به عبارتی حرف اول و آخر در زندگی مردم را آنها می زدند. روحانیون افراطی مذهبی در اداره جامعه دست برتر را داشته و در تعیین قوانین مورد نظر خود بسیار صاحب نفوذ بودند و در جزئی ترین زندگی مردم دخالت داشتند. دوره رشد و پیشرفت های چشمگیر از زمانی شروع شد که قدرت روحانیون در جوامع دنیا کاهش یافت و علوم از الهیات فاصله گرفت و رابطه انسان با خدا دیگر منحصر به کلیسا نبود.

این دوره پیشرفت و آزادی از آن به نام رنسانس یاد می

شود که بحث بسیار گسترده ای است. در دوره رنسانس مردم جهان شاهد توسعه چشمگیر در صنعت و آزادی اندیشه و بیان به صورت چاپ کتب و نشریات گسترده در اروپا بودند.

اصولا روحانیون چه در آیین مسیحت یا اسلام در مراکز علمی خود محدویت های فراوانی دارند آنها هرگز نمی توانند از یک چهارچوب معین که رهبران دینی برایشان معین نموده خارج شوند. برهمین اساس است که اکثریت دروس مراکز علمی روحانیون به ویژه اسلامی منحصر شده به یک سری مسائل پیش پا افتاده راجع به پوشش, نوع لباس, نحوه غذا خوردن, نحو شستشوی بدن و مسائلی نظیر اینها که به نحو غیر عادی در کتب بیان میشود و این احکام بعضا بهانه ای شده که در زندگی مردم مداخلات بسیاری کنند همانند مساله حجاب که در بالا حکایت هایش درج شد.

در واقع روحانیون و استادان مراکز علمی روش های عملی موثری برای اداره جامعه ندارند و به همین دلیل است که حکومت اسلامی ایران با بیش از چهل سال حاکمیت, ناتوان از ارائه برنامه های مدون برای اداره کشور باشد برنامه هائی که بتواند امور اقتصاد کشوررا به خوبی اداره کند و سرمنشا رشد و رفاه برای مردم باشد.

یکی از روحانیون حوزه علمیه به نام آیت اله علوی در باب اقتصاد اسلامی می گوید: اینکه بیاییم ادعا کنیم که اقتصاد سوسیالیستی یا سرمایه داری و یا اسلامی داریم این سخن درستی نیست. اینکه اسلام به عنوان نمونه بخواهد تورم اقتصادی را پایین بیاورد یا انکه دستور العمل جراحی های پیشرفته داشته باشد و یا در زمینه رشد اقتصادی راه حل داشته باشد مگر در این زمینه ها چه مقدار آیات و یا

روایات اسلامی وجود دارد؟ علوی می افزاید, اینها نظریات تجربی است که باید توسط اهل فن بررسی و اجرا گردد چون که اسلام یا پیامبر نیامده است که به مردم طب عرضه نماید و یا اینکه بگوییم او در جای ابوعلی سینا نشسته است, پیامبر اسلام آمده است که ارزش های معنوی و اخلاقی جامعه را بالا ببرد.

جوامع متزل اسلامی

در دوران مهاتما گاندی که هندوستان تحت ید امپراطوری انگلستان بود اکثریت مردم در کسب استقلال متفق القول بودند. صد سال به طول انجامید که سرانجام هندوستان در سایه تدابیر مدبرانه و استقلال طلبانه رهبران ملی موفق به کسب استقلال از دولت های فخیمه انگلستان شد. بعد از استقلال, اختلافات مذهبی مانع از اتحاد و یک پارچگی هندوستان و منجر به چند پاره شدن کشور گردید و درنتیجه دو کشور پاکستان و هندوستان جدا از هم تشکیل شدند.

علیرغم این جدائی اختلافات مذهبی فروکش نکرد و اگر در گذشته در قالب یک کشور وجود داشت اختلاف ها اینک توسعه یافته تر شد به نحویکه چهار جنگ بین پاکستان و هند را باعث گردید. نتیجه اینکه سومین جنگ در سال ۱۹۷۱ منجر به تشکیل کشور جدیدی به نام بنگلادش گردید.
درطول اختلافاتی که بین دو کشور هند و پاکستان وجود داشت آن‌ها به سمت تولید سلاح های کشتار دست جمعی پیش رفتند و حتی در پاره ای تهدیدات سایه شوم جنگ اتمی نیز بر سرهر دوکشور بود.

جنگ سال ۱۹۹۹ میلادی به بهانه منطقه کشمیر صورت پذیرفته و هنوز این دعوا و نزاع به قوت خود باقی است چرا

که پاکستان عقیده دارد کشمیر مسلمان باید به پاکستان ملحق شود و هند بر خلاف آن در صدد جلوگیری از این اقدام پاکستان است. نتیجه این نبردها بارها در موارد بسیاری به خونریزی و قتل بسیاری از طرفین انجامیده که اگر به درستی در آن تامل شود مذهب و دین عامل مهمی درجنگ و ستیز بین دو کشور بوده که روزگاری مردمانش با هم زندگی می کرده اند اگرچه دردوران قبل از استقلال نیز جدال و ستیز بین پیروان مذاهب اسلام و هندو در بین بوده است.

رهبران نهضت هندوستان به ویژه مهاتما گاندی معتقد بودند که بین همه اقشار مختلف هند چه مسلمان یا هندو باید اتحاد حاکم باشد. گاندی اصلا به فرقه گرائی متعقد نبود و عقیده داشت او هم مسلمان و هم هندو است.

بعضی را عقیده بر این است که خواست محمد علی جناح رهبر مسلمانان هند و به عنوان یکی از رهبران نهضت در کنار گاندی و نهرو مبنی بر جدائی از هند شاید عمل صحیحی بوده چرا که مسلمانان با کیش و آیین هندو نمی توانستند سازش داشته باشند. به عنوان مثال یکی از دلائل این فرضیه تخریب مساجد مسلمانان در هند است که یک نمونه اش در سال ۱۹۹۱ درشهر آیودیا بود که در حدود ۲ هزار نفر از مسلمانان به قتل رسیدند. از آنسو در پاکستان که موسس آن محمد علی جناح بود واقعه معبد هندوها در ایالت خیبر که مورد حمله دوباره مسلمانان واقع شد و در سال ۲۰۲۰ رخ داد. این معبد که هرساله مورد بازدید پیروان هندو قرار می گیرد اخیرا به دستور مقامات پاکستان مورد بازسازی قرار گرفته است. پاکستان در سال ۱۹۴۷ از هند جدا شد و دو کشور در یک زمان استقلال و رهائی خود را از حاکمیت انگلستان جشن گرفتند.

متأسفانه چه در هند یا پاکستان افراد بسیاری وجود دارند که به واسطه کج فهمی از دین و مذهب باعث مشکلات فراوانی برای دولت های متبوعه خود گشته اند. کینه و دشمنی بین پیروان ادیان در هر مناسبت و بهانه جلوه های بسیار خشن خود را نشان می دهد.

در اوائل دسامبر ۲۰۲۱ در پنجاب پاکستان یک کارخانه دار سریلانکائی به دست عده ای از افراد خشمگین به طور وحشیانه ای به قتل می رسد. مهاجمان به قتل او اکتفا ننموده و جسد او را نیز آتش می زنند. اتهام و گناه این مرد نگون بخت آن بوده که پوستر هائی از پیامبر اسلام را پاره کرده است. همکاران مقتول اظهار کردند چنین ادعائی صحت نداشته و او صرفاً پوسترهای پیامبر اسلام را به آن دلیل جمع آوری کرده است چون می خواسته اصلاحاتی در بنای ساختمان انجام دهد. همکاران مرد مقتول می افزایند اگر او چنین اندیشه های ضد پیامبر داشته پس چگونه مدت یازده سال در پاکستان دوام آورده و زندگی کرده است.

در گزارشی دیگر که رسانه‌ها آنرا منتشر کردند مردی به اتهام توهین به زیارتگاه سیک ها در ایالت پنجاب هند به قتل می رسد. او که ظاهراً می خواسته به کتاب مقدس سیک ها در معبد دست بزند نگهبانان او را دستگیر می کنند و پس از آن به طرز مشکوکی به قتل می رسد.

در دسامبر ۲۰۲۱ بنگاه خبرپراکنی بی بی سی در یک گزارشی به نقل از منابع خبری در هند اعلام داشت که رهبر گروه موسوم به هندوتوا که نارسینگهاناند نام دارد اخیر مردم هند را دعوت به کارزاری علیه مسلمانان اقلیت نموده است. شخص مذکور صریحا گفته است که مسلمانان را باید به قتل رسانید چون تحریم اقتصادی کار نخواهد کرد و شمشیر و

فشنگ جواب خواهد داد. چندین نفر دیگر از احزاب هندو از قبیل ماهاسابها خواستار چنین اعمال ضد بشری شده ا ند. اعلام و تبلیغ پاک سازی قومی از جانب شخصیت های هندو موجب نگرانی عمیق مسلمانان در هند و پاکستان شده است.

در رابطه با اظهارات خشونت آمیز, پلیس ایالت اوتاراکند می گوید: در پی تشکیل چنین جلسات حزبی, جهت رسیدگی به آن تشکیل پرونده داده است. حزب حاکم بر حکومت هند به نام بهاراتیا که دولت ناندرا مودی را شامل می شود چندین سال است که با تصویت چند قوانین ضد مردم مسلمان باعث تقویت چنین افکاری در میان جامعه هندوان گشته است. خبرهای گزارش شده و تفسیر هائی که در مطبوعات می شود به نظر می رسد احزاب وابسته به ناندرامودی سعی بر این دارند که ملی گرائی هندوئیسم را در جامعه چند ملیتی هند شدت بخشند و این خود ممکن است سبب تنش و درگیرهای قومی بیشتری در هند گردد.

از این دست حکایات و وقایع اسفناک مثال های بسیاری می توان زد و در بسیاری موارد انیکه چگونه یک عده ای به خود اجازه می دهند که فراتر از قانون عمل کنند و خودسرانه فردی را بر اساس اتهام واهی به قتل و بعد جسد او را به آتش بکشند آنهم در بیداری عصر رسانه‌های اجتماعی و عصر آگاهی, عصر علم و دانش و در عصری که صد ها مکتب و بینش مذهبی در میان مردم وجود دارد.

اگر بانیان به وجود آوردن مذاهب در گذشته سعی شان بر آن بوده که مردم را مهار کنند متاسفانه بعدها به علت عدم وجود قوانین مدون, اختلافات مذهبی رشد کرده ست. اینکه عده ای به خود اجازه می دهند در جهت تعصبات دینی

دست به قتل افراد بزنند ناشی از آن است که در دین و کتابهای مربوطه بعضا افکار انحرافی وجود دارد که می تواند به نحو مستقیم و غیر مستقیم باعث ناهنجاریها و جنایات گردد و به همین دلیل است که افکار و نوشته های اینچنینی باید محو و اصلاح گردند.

مگر نه این است که همه ادیان بر اخلاق تکیه می کنند پس چگونه است که پس از گذشت هزاران سال از ترویج آیین های مذهبی پیروان آن‌ها دست به جنایات علیه دیگر همنوعان خود می زنند. این گونه معضلات موجود در کشورهای جهان سومی نشان می دهد که افکار و اندیشه های پیامبران بعدها دستخوش تغییرات فاحشی گردیده و رهبران دینی نیز آنگونه که باید نتوانسته یا نخواسته اند افکار مذهبی مثبت و انسان ساز را ترویج نمایند و در نتیجه پیروان آیین های مذهبی به جای گفتگو و مباحثه دست به کشتار همدیگر زنند.

متأسفانه تلاش و کوشش بانیان و پیامبران دین از جمله محمد در عمل به هدر رفته است و پس از گذشت هزاران سال نتایج تلخی به بار آورده است. تلاش معماران دین به بیراهه رفته است چون که رهرویان و پیروان آن در عمل به راه های افراط گرائی قدم برداشته اند و هم‌اکنون نیز شاهد ترویج افکار مخربی هستیم که در غالب گروه های افراطی از قبیل داعش, القاعده, طالبان, بوکو حرام, الشباب و دهها گروه وابسته به اسلامی هستیم که در سراسر جهان عرضه اندام می کنند و با اقدام های تروریستی گوناگون امنیت جهانیان را به خطر انداخته اند.

در این رابطه متأسفانه پاکستان نیز بستری برای گروه های افراطی شده که دائم رو به قهقرا رفته‌اند و اندیشه هائی را

در سر می پرورانند که جانشینان پیامبر در سر داشتند و با کشور گشائی و توسعه طلبی جنگ های خونینی را به مردم جهان تحمیل نمودند. گروه های طالبان در پاکستان علاوه بر داشتن مدارس تندروی مذهبی گاهی اوقات شهروندان را نیز مورد حمله های کینه توزانه خود قرار می دهند که از جمله می توان حمله مرگبار به یک مدرسه در شهر پیشاور که منجر به مرگ ۱۳۵ دانش آموز بی گناه گشت و یا ترور ملاله دختر شجاع پاکستانی که بعدا با کمک پزشگان از مرگ نجات یافت.

جوامع اسلامی امروزه در کشورهائی نظیر پاکستان, سودان , عراق, لبنان و یمن با تشکیل گروه های افراطی مذهبی نه تنها به دولت متبوعه خویش کمک نمی کنند بلکه باعث مشگلات و تنش های سیاسی بسیاری نیز می گردند و توجه به آن ندارند که دیگر افراد جامعه که از آیین و مذهب ثالثی تبعیت می کنند تشویق به عمل متقابل شده که در نهایت سبب درگیری های خونین بین گروهها را باعث می شود کما اینکه در این باره اتفاقات بسیاری رخ داده است.

کشور های جهان سومی در قاره افریقا نیز همیشه شاهد جنگ های قومی و قبیله ای بوده است که در این باره مثال های فراوانی می توان آورد.

در سال ۱۹۹۴ در پی افزایش تنش بین پیروان دو قوم در کشور رواندا و در یک حرکت ناگهانی و به مدت چند ماه قریب به یک میلیون نفر از پیروان قوم توتسی توسط قوم هوتو قتل عام شدند. اگر چه ریشه این درگیریها مذهبی نبود ولی نشان دهنده آن است که حتی قومیت گرائی همانند مذهب گرائی می تواند عامل فاجعه در کشورهای عقب مانده شود. نکته تاسف آور در این قتل عام وحشتناک خونسردی و عدم

دخالت جامعه بین المللی مخصوصا سازمان ملل بود که این را می توان یک لکه ننگی در تاریخچه این سازمان به رهبری پطرس غالی دبیر کل وقت سازمان ملل دانست.

در رابطه با عمل کرد سازمان ملل مخصوصا شورای امنیت باید اذعان نمود که یکی از متوحش ترین قوانین این سازمان داشتن حق وتو برای ۵ عضو سازمان ملل است که هر گونه انگیزه مثبت را از جامعه ملل گرفته است. هر یک از این اعضا که حق وتو دارند اغلب در تضاد با یکدیگر نیز می باشند و اجرای مفاهیم حقوق بشری را عملا از سازمان ملل سلب کرده اند.

باب ری سفیر کانادا در سازمان ملل متحد می گوید: با گذشت ۷۷ سال از تاسیس سازمان ملل متحد, قدرتمند ترین ارگان این سازمان ملل یعنی شورای امنیت عملا ناکارآمد است و این به دلیل داشتن حق وتو برای تعداد معدودی از اعضای شورا می باشد. امروز ما شاهد اسفناک ترین وضعیت در باره پایمال شدن حقوق بشر در ایران و اوکراین هستیم. به دلیل نقش مخرب روسیه هر گونه تلاش در جهت حل قضایای اوکراین عملا نافرجام مانده است.



آیا هرگز از خود پرسیده اید چرا با وجود بیش از ۵۷ کشور اسلامی در حال حاضر، هیچ کشور دمکراتیک و یا پیشرفته علمی و صنعتی در جهان اسلام وجود ندارد؟ دلیل آن چیست چه موانعی بر سر کار است که کشور های اسلامی از لحاظ گوناگون محتاج کشورهای غربی هستند؟ از محصولات کشاورزی گرفته تا ابزارآلات صنعتی و تکنولوژی های تلفن و مخابرات تا تجهیزات مدرن پزشگی را باید با پرداخت های کلان وارد کشور کنند. آیا غیر از این است که جامعه یک کشور برای دستیابی به آمال و آرزوهای مدرن جهان کنونی باید دست به کار و کوشش زند افکار علمی جامعه خود را توسعه دهد و دانش و علوم را در میان مردم خود تشویق و گسترش دهد از اتلاف وقت جلوگیری نماید و سرمایه های فکری را تقویت نماید! اگر این جامعه مورد نظر بخواهد پیرو عده ای باشد که جز دعا و خرافه گرائی هنر دیگر ندارند و کتب و دست نوشته های آنان هیچ اثری در پیشرفت جامعه ایجاد نمی کند طبیعی است که پیشرفت و توسعه علمی و صنعتی در خواب و رویا هم میسر نمی شود .

اندیشه های کهنه را علمای دین در جامعه هرروز و هرشب تکرار می کنند چه در کلام و یا در کتب که چاپ و منتشر می کنند و یا به صورت مناظره و گفت و گو های تلویزیونی نمایش می دهند که این مورد اخیر در کانال های تلویزیونی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بسیار مشهود و نمایان می باشد. در افکار عقب افتاده ملایان متاسفانه هیچگونه سخن از علم و ترقی وجود ندارد هیچ نشانی از توسعه جامعه در آن وجود ندارد و متاسفانه به هیچوجه پذیرا نمی باشند که افکار و اندیشه های آنها مطابق با جامعه امروز نیست, همخوانی ندارد و نمی تواند گره ای از انبوه مشگلات مردم را باز کند.

کشورهائی از قبیل سودان, نیجریه , سومالی همیشه درگیر

جنگ های قبیله ای بوده اند که در طی دهه ها صد ها هزار تن جان خود را از دست داده اند. متاسفانه دولت های فاسدی که بر این گونه کشور ها حکمفرمائی می کنند باعث گردیده که نتوانند سیستم و چهارچوب سالمی جهت رشد جوامع خود به وجود آورده و باعث فقرزدائی شوند که عامل مهمی درایجاد جنگ های قبیله ای و قومی بوده است.

نیجریه با دویست و ده میلیون جمعیت و یک اقتصاد متکی به فروش نفت و به عنوان هشمین صادر کننده در سال متجاوز از پنجاه میلیارد دلار درآمد نفتی دارد. ساختار این کشور مذهبی است و بیش از پنجاه درصد مردم تابع دین اسلام و نیم دیگر مسیحی و دیگر اقلیت های قومی و مذهبی می باشند. در کشور نیجریه درصد بالائی از مردم در زیر خط فقر هستند و بسیاری از شهروندان شکایت از گرانی و ضعف آموزش و همچنین بیکاری دارند. فساد سیستماتیک در این کشور مدتها ست که نهادینه شده است و اجازه نمی دهد که عدالت بر جامعه حاکم شود و فقر را با توجه به درآمد قابل توجه نفتی ریشه کن سازد.

از سال ۱۹۶۰ که نیجریه به استقلال رسید مقامات این کشور هنوز نتوانسته اند یک سیستم بهداشتی فاصل آب و دفع زباله برای شهروندان خود فراهم آورند. در اکثر معابر عمومی فاضل آب در سطح کوچه‌ها روان و انبوه زباله ها در نقاط مختلف شهرها همه را به ستوه آورده است به طوریکه عفونت های تنفسی یکی از معضلات رایج در این کشور است. وضعیت رقت بار مسکن مردم و زندگی در کلبه های پوشالی و خانه هائی که با لوازم اسقاطی ساخته شده از جمله مسائل چشمگیر شهرهای نیجریه می باشد.
این کشور در سالهای اخیر نیز درگیر مبارزه با گروه های

تروریست اسلامی از جمله بوکو حرام بوده است. سازمان تروریستی بوکوحرام با استفاده از ضعف مسئولان شهری دختران خردسال و بی گناه مدارس را می ربایند تا در جهت اغراض پلید جنسی مورد سواستفاده قرار دهند. ارتش بی کفایت و فاسد نیجریه حتی قادر به دفع و سرکوب گروه های تروریست از قبل بوکوحرام نمی باشد.

Sandra Agnebor یک خانم شهروند نیجریه ای است که در شهر لاگوس زندگی می کند او که همسر و فرزند دارد می گوید: بی توجهی های دولت مرکزی باعث نشده که ما نسبت به همنوعان خود که دارای مشگلات بسیاری هستند بی تفاوت باشیم. ساندرا از این بابت, خود دست به کار شده و با کمک بعضی از دوستان و نهاد های خیریه در داخل کشور یک نهاد آموزشی برای دختران و زنان در شهر بوجود آورده است.

ساندرا می گوید: من با مشگلات و سنگ اندازی های بسیاری مواجه شدم اما به هیچوجه دلسرد نشده و علیرغم تخریب محل کارم باز فعالیت کردم. بیشترین هدف من این است که در پی زنان و دخترانی باشم که قربانیان عوامل تبه کار بوده اند و یا معتاد به مواد مخدر هستند. او بنیان گذار و مجری آموزشگاهی معروف به نام لیدی مکانیک است که به دختران در رشته های برق و تعمیرات موتورهای خودرو و ژنراتور برای شش ماه آموزش می دهد تا بتوانند مستقل و برای خود درآمد زائی نمایند.

کشور سودان که بیش از ۲۵ سال تحت رهبری عمر البشیر روزهای سختی را گذرانده بود در جریان جنگ های داخلی کوشیده بود که دست به پاکسازی قومی آنهم از نوع غیر عرب بزند. عمرالبشیر همچنین مردم و کشور را به پیروی از

قوانین شریعت سنتی اسلامی مجبور نمود و در این راستا سودان کانون و مامن امنی برای اسلام گراهای افراطی تروریست از قبیل القاعده گشت.

عمرالبشیر به دلیل جنایات جنگی که در جریان جنگ های داخلی مرتکب شده بود حکمی از سوی دادگاه بین المللی لاهه برای دستگیری او صادر شد. از سوئی دیگر مقامات جمهوری اسلامی ایران حمایت های بسیاری از عمرالبشیر و اقدامات ضد بشری او انجام داده بودند. عمر البشیر که با عملکرد کودتای نظامی به روی کار آمده بود سرانجام در سال ۲۰۱۹ با یک کودتا توسط ارتش برکنار و زندانی گردید.

در همین رابطه باید به پدیده مهاجرت شهروندان کشور اسلامی و جهان سومی نگریست که کعبه آمال خود را در کشور های غربی می جویند. مهاجرت بسیار شهروندان باعث شده است که ضربه سنگینی به برنامه توسعه سازی کشور های جهان سومی وارد گردد و نخبگان سیاسی و اقتصادی مجبور گردیده اند که از خانه و کاشانه خود چشم بپوشند و به کشورهای پیشرفته مهاجرت و اندوخته های دانش خود را در اختیار کشور های غربی قرار دهند. دانش نخبگان می توانسته در کشورهای موطن به کار گرفته شود اما این امر متاسفانه محقق نشده و دلیل مهم عدم وجود بسترهای لازم دمکراسی, عدالت, تبعیض بوده. همچنین فساد گسترده سیستماتیک در کشور های متبوعه عامل دیگری برای مهاجرت نخبگان است.

اگر چه پدیده مهاجرت از زمان کشف سرزمین امریکا سرعت بیشتری به خود گرفت و درطول ۲۰۰ سال تاسیس امریکا افراد زیادی به این کشور مهاجرت کردند اما دلائل عمده آن را می توان صرفا در مسائل اقتصادی دانست.

طبق آمارهای رسمی سازمان ملل متحد (آی او ام) و بنا به دلائل مختلف تعداد مهاجرین و پناهندگان از ۸۴ میلیون در سال ۱۹۷۰ به ۲۷۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است که بیش از سه برابر رقم بوده است که عمدتا از کشورهای افریقا, آسیائی بوده اند.

اگر در نظر داشته باشیم که پدیده مهاجرت را از نظراقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک اندکی عمیق تر بررسی نمائیم باید سی سال به عقب برگشت. از سال ۱۹۹۰ با فروپاشی کمونیسم شوروی و آزادی نسبی مردم, کشورهائی که تحت سلطه رژیم های وابسته به کمونیسم قرار داشتند به تدریج تسلط خود را بر امور از دست دادند و نهایتا منجر به روی کار آمدن دولت هائی با گرایش نسبی به غرب گردید.

به روی کار آمدن دولت های غرب گرا که بعضا با موارد دمکراسی خواهی نیز همراه بود باعث گردید که سیل مهاجرت شهروندان اروپای شرقی به سوی غرب تسهیل شود و کشور های غربی نیز با توجه به دلائلئ که می توان از آنها حقوق بشر, دمکراسی, نیازهای انسانی را نام برد دروازه های کشور را با سخاوتمندی بر روی مهاجران گشودند.

پیرو مهاجرت هائی گسترده ای که به سوی غرب انجام گرفت شهروندان ساکن کشور های جهان سوم به ویژه مسلمان نشین که دارای مشگلات حاد اقتصادی و قوانین ظالمانه بشری بودند از پدیده مهاجرت استقبال فراوان به عمل آوردند و به طوریکه آمار و ارقام نشان می دهد بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ نزدیک به سی میلیون نفر مسلمان فقط در کشور های اروپائی زندگی می کنند که از میان آنان فرانسه, آلمان, انگلیس و ایتالیا بیشترین جمعیت

مسلمان را به خود اختصاص داده است. در قاره امریکای شمالی این رقم بین هفت تا هشت میلیون مسلمان برآورد شده است که عمدتا در ایالات متحده امریکا و کانادا مستقر شده اند.

تنها در کشور فرانسه بیش از ۳ میلیون مسلمان زندگی می کنند که اکثریت آنان از ازنیجریه, تونس و مراکش هستند. در کشور آلمان نیز نزدیک به ۳ میلیون مسلمان وجود دارد که عمدتا از کشور های ترکیه, عراق, بوسنی, مراکش و ایران آمده اند. برطبق آمار و گزارش های سازمان ملل متحد بیشترین افراد که بنا به دلائل قومی و یا نژادی و یا مذهبی مجبور به ترک کشورشان شده اند سوریه با رقمی معادل ۶ میلیون, فلسطین ۵ میلیون, سومالی ۲/۵ میلیون, افغانستان ۲/۵ میلیون, یمن ۲/۲ میلیون, نیجریه ۲/۲ میلیون, حبشه ۲/۱ میلیون, سودان ۲/۱ میلیون, عراق ۲ میلیون و ایران ۱/۵ میلیون در جدول مهاجرین و پناهندگان قرار دارند. البته ذکر ارقام بالا تماما به معنای آن نیست که پناهندگان از وضع و زندگی مطلوبی برخوردار هستند به عنوان مثا ل می توان از شهروندان سوری نام برد که بیش از ۳ میلیون از آنها در کمپ های ابتدائی روز و شب را بسر می کنند.

در کنار آمار بالا همچنین باید از شهروندان بنگلادش نام برد که بیش از ۵ میلیون از آنان در کمپ های موقت بسر می برند و در واقع می توان گفت بی خانمان و در وضعیت فلاکت باری زندگی می کنند. کشورهای سوریه, افغانستان, سودان, سومالی و فلسطین در صدر کشورهای اسلامی قرار دارند که تعداد بسیاری از شهروندان آنها بنا به دلائل جنگ و خشونت مجبور به ترک کاشانه خود گشته اند. مسلمانانی که درطی نیم قرن گذشته وارد کشور فرانسه شده اند از آنجائیکه اکثریت آنها فاقد هرگونه تخصص در

زمینه های شغلی بوده اند به سختی توانسته اند که در کشور میزبان زندگی خود را بهبود ببخشند و زندگی معیشتی آنان دچار کاستی های فراوانی بوده است.

در کنار مسائل فوق افکار افراط گرایانه اسلامی و سواستفاده مبلغان دینی مبنی بر ترویج قوانین شریعت اسلامی و عدم پذیرش آن از سوی سیاستمداران و دولت ها باعث تنش های بسیاری در جامعه شده که بعضا به صورت تظاهرات خشونت آمیز ظاهر گشته و از میان آنها افرادی نیز مرتکب قتل و ترور های کور در جامعه فرانسویان شده اند.

بر طبق آمار های رسمی منتشر شده از سوی مقامات جمهوری اسلامی بیش از دو میلیون نفر از مردم افغانستان به دلائل متعددی از جمله جنگ و فقر به ایران پناهنده گردیده اند. سازمان ملل در سال ۲۰۱۹ این آمار را در حدود یک میلیون نفر برآورد کرده است که این شامل آن دسته از افغان ها که فاقد کارت اقامت هستند نمی گردد.

بر طبق آمارهای غیر رسمی میزان پناهندگان و افرادی که به نحو غیر قانونی در ایران مشغول به کار و زندگی هستند حدود دو و نیم میلیون نفر تخمین زده می شود و حتی در مواردی ادعا شده که پس از سلطه مجدد گروه تروریستی طالبان بر افغانستان در سال ۲۰۲۱ صد ها هزار نفر دیگر به صورت مخفیانه به ایران مهاجرت کرده اند.

حدود یک پنجم پناهندگان افغانی در ایران کودکان هستند که در میان خانواده های خود زندگی و به مدارس دولتی می روند. ثبت نام کودکان افغان در گذشته با مشکلات فراوانی به همراه بوده و در یک سال اخیر با کوشش فعالین خیرخواه گشایشی در امر تحصیل آنها فراهم گردیده است.

قدر مسلم این است که عده زیادی نیز در داخل افغانستان به واسطه فقر و فلاکتی که از زمان سلطه شوروی بر این کشور حاکم گشته بود جذب نیروهای افراطی مذهبی طالبان و یا القاعده گشته و این مسئله تاثیر بسیار بدی بر امنیت افغانها و از جمله کشور همسایه ایران و جهان گذاسته است که باعث تولید و گسترش مواد افیونی مثل تریاک و ارسال به کشور ایران و منطقه خاورمیانه و حتی اروپا و امریکا گردیده است.

امریکا نیز بعد از بیست سال حضور در افغانستان نتوانست ثبات و امنیت را به این کشور باز گرداند و پس از سلطه دگر باره تروریست های مذهبی طالبان به ناچار کشور را ترک کردند و این خود دلیل محکمی از مهاجرت های بیشتر شهروندان افغانستان به ایران و دیگر نقاط دنیا می باشد.

اگر گذارتان به کشور افغانستان افتاده و به شهرهای مرزی سفر کرده باشید شاهد کارهای کولبری کودکانی خواهید بود که با دستان کوچکشان بارهای سنگین را حمل کرده و در نوار های مرزی افغانستان دائم در رفت و آمد هستند. قاچاقچیان با اطمینان به اینکه ماموران مرزی توجه زیادی به رفت و آمد کودکان ندارند با پرداخت وجه اندکی دستمزد از این کودکان سواستفاده کرده و آن‌ها را به کارهای سخت کولبری وا می دارند. در سلسله گزارشاتی که اخیرا منتشر گردیده است بعضی از این کودکان برای رفت و آمد در نوار مرزی در زیر کامیون و تریلی ها مخفی شده تا بتوانند سریعتر بار خود را به مقصد برسانند و متأسفانه تعدادی از آنان نیز دچار شکستگی دست و پا و در مواردی به مرگ منجر شده است.

اینها و هزاران سئوال دیگردر جوامع اسلامی وجود دارد که

نمی توان برای آن پاسخ ارائه داد مگر اینکه دیدگاه مردم مخصوصا علما در این جوامع فقیر تغییر یابد. دیدگاه آنان به دین و تبعیت از قوانین و سنت های کهن که هیچگونه چاره ساز نمی باشد باید عوض شود باید خود را از آن چنبره و قید و بندهای مذهبی نجات دهند. افکار گذشته و پیشینیان خود را به فراموشی بسپارند و راه بهتری را در پیش بگیرند.

مردم باید کتاب بخوانند باید درس بخوانند باید شور و مشورت آزاد بکنند و روزنامه های آزاد داشته باشند و سئوال کنند و پاسخ درست بشنوند و دهها باید دیگر تا جامعه بتواند حرکت نوینی آغاز کند که منجر به ریشه کن کردن فقر ذهنی و تغییر معیشتی در جامعه گردد.

یک جامعه نمی تواند ثابت و سکون بماند, آب یک رودخانه نمی تواند در یکجا بماند در غیر اینصورت همانند یک منبع راکد تبدیل به مرداب خواهد شد.

این پیام خدا است این پیام دین واقعی است این پیام طبیعت است و این نشان خدای توانا در آفرینش زمین که به مردم می گوید که چگونه حرکت آب, شاداب و باطراوت رو به جلو روان است و هرگز به عقب نخواهد رفت. در واقع خدا با این مثال طبیعت زنده آب روان در جویبار و رودخانه ها به ما درس زندگی می دهد که ما انسانها همیشه باید رو به جلو و پیشرفت برویم و برگشت به عقب معنا ندارد همانگونه که قوانین هزاران سال قبل نمی تواند جوابگوی نیازهای جامعه امروز بشری باشد.
با نگرشی ساده به این دنیا متوجه می شویم که کشور های اروپائی و امریکای شمالی چقدر در صنعت و اقتصاد ملی رشد کرده اند که به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای اسلامی و یا به اصطلاح جهان سومی نیستند.

با یک ارزیابی و بر اساس متون و کتابهائی که در سراسر جهان منتشر گردیده است درمی یابیم که مذهب افراطی یکی از علل عمده عدم پیشرفت, عدم دمکراسی و عدم وجود دولت های ملی بوده است که در کنار اینها عوامل اختلاف های قومی را نیز می توان برشمرد و اضافه نمود. ملت های این جوامع معضلات و تنگناهای حقوق بشری, محدودیت های ناشی از مذهب و ناعدالتی های قوم گرایانه را به سختی تحمل میکنند و بسیاری از آنان ترجیح می دهند که به کشور های توسعه یافته مهاجرت کنند جائی که کمتر معضلات قومی و مذهبی امکان خودنمائی دارد.

دراغلب روایات اسلامی, ملایان معتقد به قضا و قدر بوده اند. برداشت و تفسیر بسیاری از آنان این است که سرنوشت مومنان از جانب خدا قبلا تعیین شده است و مسلمان را از آن گریزی نیست. بنابراین تفاسیر, بسیاری از مومنان انگیزه ای برای خود نمی بینند که در جهت کسب علم و دانش تلاش به عمل آورند چون بر طبق روایات اسلامی قضا و قدر تاثیری در سرنوشت آنان ندارد.

بسیاری از تحلیل گران سیاسی و نظامی اظهار می دارند که بعضی از کشور ها وقتی در مقام دفاع از مسلمانها بر می آیند دچار تناقض های وحشتناکی می شوند .به عنوان مثال می توان از حکومت جمهوری اسلامی در ایران نام برد که از یک سو حمایت های مالی وتسلیحاتی بی شماری از گروه و شبه نظامی های فلسطین در مبارزه با اسرایل می کنند و از سوی دیگر در سوریه با دخالت خود و با دفاع از گروهی در مقابل گروه دیگر باعث کشتار بیشتر مسلمانان در جنگ های داخلی می گردند که سبب سیل مهاجرین سوری به کشورهای همسایه گردیده است.

حکومت بشار اسد به دنبال حوادث هائی که در منطقه خاورمیانه به نام بهار عربی رخ داده بود نه تنها در صدد جذب گروه های مختلف سیاسی و مذهبی در کشور برنیامد بلکه با بازداشت و قتل های سیاسی سبب گردید که خیل مردم بر علیه او قیام کنند و در نتیجه این کشور دچار جنگ داخلی گردد که بسیاری از آنان از خانه و کاشانه خود آواره گشتند. در همین راستا دولت بشار اسد با سیاست های غلط خود باعث گردید که کشورهائی از جمله روسیه و ترکیه و جمهوری اسلامی مداخله سیاسی و نظامی در منطقه داشته باشند. هرج و مرج سیاسی و نظامی که در منطقه تشکیل شده بود نیز سبب ایجاد گروه های تروریستی از قبیل داعش گردید که به همراه دیگر گروه های مشابه از جمله القاعده در منطقه فعال شده و شیرازه کارها به هم ریخت به طوریکه بعد از ده سال از شروع منازعات که در سال ۲۰۱۱ شروع شده بود بیش از سیصد هزار نفر کشته و قریب به هفت میلیون مسلمان آواره گشته اند.

با شرایطی که هم اکنون حاکم شده امیدواری برگشت مردم سوریه به کشور وجود ندارد چرا که از سوئی تمام زیربنا و ساختار های کشور در اثر جنگ نابوده شده و از طرفی دخالت های روسیه, جمهوری اسلامی و ترکیه باعث افزونی مشکلات گردیده و از طرف دیگر جامعه بین المللی نیز در چاره آن ناتوان و درمانده است.

تفسیر های گوناگون علمای مذهبی

بعضی از اندیشمندان و متفکران در باره دین اسلام می گویند برداشت و فهم یک متفکر از دین متفاوت با برداشت دیگری است و هر فرد تفسیر گوناگونی از آموزه های اسلامی دارد. حتی موافقان دین, آیات و حجج اسلامی نیز

بعضا تفسیر های گوناگونی از آیه های موجود در قرآن دارند.

سئوال این است که چرا مندرجات و اساس آموزه های دین اسلام اینگونه متفاوت برداشت می شود و تناقض در آن بسیار است؟ برخی از منتقدان می گویند در عصر شکوفائی اسلام در هر برهه و زمانی علما و موافقان دین هر کدام با توجه به میزان سواد و درک خود اضافاتی بر احکام دین می افزوده اند و برای مقبولیت بیشتر آنها را به اصحاب یا حتی خود پیامبر نسبت می دادند.

با توجه به این شواهد احتمال بسیار است که کتاب قرآن در یک دوره زمانی که تدوین می شده علمای وقت به آن نکاتی افزوده و یا از آن حذف کرده‌اند که اینک به صورت کنونی در آمده است. ما شاهد هستیم که مندرجات قرآن برای حتی مفسران به روشنی قابل فهم نیست و هر یک برداشتی متفاوت از آن داشته و منتشر می نمایند کما اینکه در این مورد مثال روشنی (لااکراه فی الدین از آیه ۲۵۶) در صفحات قبل آورده شد. یک نوشته یا کتاب در باره هر مطلبی که باشد باید روشن و آشکار و بدون مضامین غلط و گمراه‌کننده باشد که متأسفانه کتاب قرآن فاقد آن می باشد.

البته باید توجه نمود همانطور که قبلا گفته شد مکتوب شدن کتب ادیان مخصوصا کتاب قرآن بلافاصله انجام نشده و یک فاصله طولانی مابین بعثت پیامبر و نشر کتاب وجود داشته است و افرادی متفاوت در تدوین ومندرجات کتب مذهبی دست داشته اند.

یکی از روحانیون اسلامی بخش شیعه که در ضمن مدرس حوزه علمیه نیز می باشد به نام سید کمال حیدری معتقد است که قرآن در زمان عثمان جمع و تکمیل نشده بلکه در

دوره خود پیامبر این کتاب تدوین گردیده است و از این رو کتاب کنونی کامل نیست. حیدری همچنین می گوید در اصول کافی بنا بر روایت مجلسی این است که کتاب قرآن مشتمل بر سه جلد بوده است و او ادعا کرده که دو کتاب بعدی همراه با ظهور امام زمان منتشر خواهد شد.

در جائی که مسئله امام زمان خود زیر سئوال است (در یک مورد آیت اله خمینی به طور غیر مستقیم ظهور ایشان را بی معنا دانست که در صفحات بعد به آن بیشتر اشاره می شود) چگونه می توان پذیرفت که امام زمان بعدها دو کتاب باقیمانده را با خود خواهد آورد و به قول خمینی چرا احکام اسلام باید روی زمین بماند. این ادعا که حیدری نقل قول نموده اساسا بر هیچ گونه موازین عقلی استوار نمی باشد.

در اظهارات متفاوت دیگری تدوین و جمع آوری قرآن را به خلیفه عثمان و بعضا علی نسبت داده اند و حتی گفته می شود که در زمان خلفای اموی قرآن مجددا مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحاتی در آن به وجود آورده اند که بعضی آن را فقط از نقطه نظر دستوری و علائم راهنمای خواندن دانسته اند و معتقدند که هیچگونه تغییر لغوی در آن انجام نشده است.

حیدری در رابطه با امام زمان که مورد قبول آیین شیعه می باشد می افزاید اهل تشیع در مقام اثبات امام زمان بسیار ضعیف عمل کرده‌اند و به جای اینکه در مقام اثبات برآیند صرفاً با یک یا چند روایت مسأله را می خواهند حل کنند.

اهل تسنن نیز در کل عقیده دارند که امام حسن عسگری اصلاً فرزندی نداشته است و امام زمان (مهدی) را نفی می کنند اگر چه تعداد دیگری نیز عقیده دارند که مهدی در

خردسالی به قتل رسیده است و از بابت جلوگیری از تنش و مسائل دگر به شایعه غیبت او متوسل گردیده اند.

کمال حیدری در رابطه با فلسفه و فهم و برداشت از دین معتقد است که اصول فلسفه و تفسیر در باب مسائل روز و هرچه که در رابطه با زندگی بشر است باید مستقل باشد نباید تحت سیطره قرائت از دین باشد چون قرائت از دین اینک دارای اشکالات اساسی است و هر کدام از ما برداشت متفاوتی از آموزه های دینی داریم. وقتی متولیان دینی برای فلاسفه خط قرمز تعیین می کنند و می گویند نباید در این مقوله ها وارد شویم این اسمش فلسفه نمی تواند باشد فلسفه و فلاسفه باید آزاد باشند که در کمال آرامش و بدون هیچگونه محدودیتی هر اصول و مذهبی را نقد کنند چون اصول فلسفه بر اساس عقلانیت بنا گردیده است.

در این رابطه حیدری نقل قولی از فارابی حکیم مشهور می گوید: کار حکمای فلاسفه از دین و پیامبر نیز بالاتر است چون با زبان خرد و عقلانی سخن می گویند و به طور عمیق وارد مباحث می شوند در صورتیکه دین این گونه نیست و مسائل را طوری مطرح می کنند که عامه پسند باشند.

حیدری در دنباله صحبتش می گوید اگر تلاقی وجود دارد این مربوط به برداشت با قرائت های گوناگون از دین است. در حالیکه مخالفان ما را متهم می کنند (اخیرا عده ای دیگر از علمای حوزه علمیه قم حیدری را به خاطر اظهارات و عقایدش تکفیر کرده اند) که شما با دین مسئله دارید و ما را تکفیر می کنند. بنابراین اینکه عده ای خود را حق می دانند و دیگران را باطل می پندارند این یک معضل و مشکل اساسی است که در دین اسلام وجود دارد و تبعات و اضرار آن از تفسیر خارج می باشد.

حیدری در دنباله سخن می گوید: یک عالم دینی اگر به تمامی مبانی دین که تلفیقی از فلسفه , منطق , و کلام فقه , علوم , معارف, حدیث, ادبیات است آشنا نباشد او جاهل است همانطور که یک مسئله فیزیکی از پدیده شیمیائی اش جدا نیست بنابراین دین نیز همین گونه است و باید مشتمل بر تمام موارد بالا باشد مشگل این است که علمای امروز تنها با فقه می خواهد پیش برود و جامعه نمی تواند آنرا بپذیرد. این جمله اخیر حیدری اخیرا از سوی بسیاری از اندیشمندان و منتقدان پذیرفته شده است که روحانیت شیعه نمی تواند با مسائل فقهی مشگلات جامعه مسلمانان را حل نماید.

در غرب پژوهش گران دینی همیشه به دنبال گذشته و مطالب منتشر شده پیرامون مذاهب می نگرند. آنها سال های سال به مطالعه متون مذهبی موجود در کتابخانه ها می پردازند تا حقایق بیشتری در باره آیین و دین های موجود در دنیا از جمله اسلام کسب کنند و از این بابت در طول دهه ها کتب متعددی از اسلام شناسان غربی در سراسر جهان منتشر گردیده است. اما در فضای جمهوری اسلامی این گونه نگرش و انتقاد ها با مخالفت نهاد های دینی مواجه می شود. این نهادها از جمله حوزه علمیه قم باز شدن بحث پیرامون مسائل دینی را بر نمی تابند و اصرار می ورزند که این گونه بحث ها فقط در حیطه علمای شیعه می باشد.

روح اله خمینی که مرجع شیعیان در جمهوری اسلامی بود و توانست با کمک پیروانش و همراهی و کمک متفق القول غربی ها از جمله امریکا رژیم پهلوی را ساقط نماید در جزوه های مربوط به ولایت فقیه که بعد ها به صورت کتاب چاپ و منتشر شد مطالب بسیاری را بازگو و نشر کرده که منتقدان بسیاری نوشته هایش را بسیار سطحی فاقد ارزش های

انسانی دانسته اند به عنوان مثال او در این کتاب و در قرن بیستم هنوز از قانون اسلامی جزیه صحبت می کند که باید اجرا شود. قانون جزیه مقدار پولی بوده که در صدر اسلام و بعد تا اواخر حکومت عثمانی از مسیحیان به زور دریافت می کرده اند.

خمینی هنگامیکه در عراق سکونت داشت در بخشی از کتاب ولایت فقیه و در رابطه با امام زمان نوشته بود که از غیبت صغری تا کنون هزار و چند صد سال می گذرد و ممکن است که صد هزار سال دیگر نیز بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت امام زمان تشریف بیاورند در این مدت آیا احکام اسلام باید روی زمین بماند و اجرا نشود؟

ناگفته نماند این نوشتار او در پاسخ به آنانی بوده که عقیده داشته و هنوز هم دارند که در هیچ وقتی رهبری حکومت اسلامی جایز نیست به جز امام زمان بر مسند خلافت اسلامی تکیه زند و او بالاخره روزی ظهور خواهد کرد و از این رو در محله ای در قم به نام جمکران تشکیلات وسیعی ساخته‌اند و در کنار آن نیز چاهی وجود دارد که پیروانش مرتب درخواست ها و نامه های خود را در آن انداخته و معتقدند که امام زمان آن نامه‌ها را مطالعه می نماید.

روح اله خمینی به طور غیر مستقیم به مخاطبان خود می گوید که امر امام زمان ضمانت اجرائی ندارد و با ذکر تاخیر صد هزار ساله این امر را بر پیروانش مشتبه ساخته که چنین موضوعی صحت ندارد و برخیزید و خود حکومت اسلامی را اجرا نمایید.به این ترتیب خمینی به نحو زیرکانه ای مسئله ورود یا ظهور امام زمان را منکر می شود.

سید کمال حیدری در مورد روایات اسلامی می گوید: که

معمولاً به این صورت اتفاق افتاده است که راوی زمانی شروع به صحبت و شرح روایت نموده است که مدتها از زمان وقوع واقعه گذشته است و طبیعتا نمی تواند جزئیات صحیح را ذکر کند. در هز زمان فردی از فرد دیگر سخنی را یافته که در هر دوره چیزی بر آن کم و یا اضافه گردیده است و از همین رو اغلب فاقد ارزش میباشند.

او همچنین در رابطه با انسان و پذیرش دین به نکته بسیار جالبی اشاره می کند اینکه در دین اسلام فرشته ای به نام شیطان وجود دارد که از درگاه خداوند رانده و مغضوب واقع گردیده است اما خدا آزادی نامحدودی به او اعطا کرده است. علیرغم اینکه شیطان سر از فرمان خدا پیچیده و در جهت مخالفت قدم برداشته است خدا به او این امکان را داده که اقداماتش علیه بشر همانطور که خواسته است باشد و این مطلبی است که در کتاب قرآن نیز به آن اشاره شده است. حال با این توصیف اگر فردی بخواهد صرفا سخنانی در رد مذهب بگوید محکوم به حبس و زندان و یا حداقل تکفیر از دیگر علما خواهد شد در حالیکه خداوند متعال به مخلوق خود که از فرمانش سرپیچی کرده است (شیطان) آن چنان آزادی برایش اعطا نموده است.

حیدری می گوید: مسئله اینکه پیامبر خاتم انبیا است و بعد از او پیامبری نخواهد آمد این نیز یک فکر درون دینی است و علمای اسلامی بنا به قرائت خود شان از دین اسلام چنین ادعائی را می کنند و در خارج از محدوده اسلام این قرائت پذیرفتنی نیست و اثبات آن بسیار مشگل است.

لازم به ذکر است که موارد و مسائل بسیاری در مذهب شیعه وجود دارد که مورد تکفیر و مذمت مذاهب سنی و اهل سنت است در حالیکه هر دو شیعه و سنی از پیروان

دین اسلام می باشند.

علمای شیعه به مراتب بیش از علمای سنی از بحث و گفتگو می گریزند و به نظر می رسد که علاقه چندانی به مباحثه پیرامون اختلاف های مذهبی ندارند. حوزه علمیه قم به تاسی از حکومت جمهوری اسلامی عمل می کند و در باب مذاکرات مذهبی با جامعه اهل سنت روش سیاسی را انتخاب کرده و با تبعیت از حکومت مرکزی استقلال فکری خود را از دست داده است. سید کمال حیدری در مقطعی به این مسئله نیز اشاره کرده است.

در رابطه با روایات بد نیست اشاره ای کوتاه به شرح و داستان هابیل و قابیل نماییم که در کتاب شیعه از جمله بحار الانوار تالیف مجلسی به آن نیز اشاره شده است. در روایات به نقل از علامه مجلسی آمده است که آدم و حوا دارای دو پسر و دو دختر می گردند و طبق دستور خداوند هر یک ملزم به ازدواج با خواهران خود می شوند.

در دیگر احکام و روایات اسلامی داریم که اصولاً ازدواج با محارم از جمله خواهر بالقوه حرام می باشد به عنوان مثال از امام جعفر صادق روایت گردیده است که به کلی این روایت ها (روایت های شبیه به مجلسی) غلط بوده است و یا از جانب محمد باقر از دیگر امامان مذهب شیعه روایت این چنین است که از جانب خدا چند حوری عازم زمین گشتند تا با پسران آدم و حوا ازدواج نمایند. به ترتیب مسأله قتل هابیل به دست قابیل نیز مورد سئوال قرار می گیرد چرا که مطابق بعضی از روایات انگیزه قتل هابیل به دست برادرش این بوده که قابیل نمی توانسته با خواهر زیبای خود ازدواج کند و بر طبق روایت امام محمد باقر اگر چندین حوری زیبا فرستاده شده است دیگر انگیزه ای برای قتل نمی توانسته وجود

داشته باشد.

معذالک علیرغم تناقضات آشکار در روایات اسلامی, سخنان علامه مجلسی, امام جعفر صادق, امام محمد باقر هر سه از معتبر ترین افراد در زمینه روایات اسلامی می باشند و گفته های آن‌ها در اکثر کتب مذهبی شیعه به کرات منتشر گردیده است.

این گونه تناقضات که در روایات اسلامی به وفور یافت می شود نمی تواند منبع و بنیان محکمی برای ادله و پاسخ گوئی اندیشه های اسلامی باشد اما روحانیون اسلامی اصرار بر صحت اینگونه روایات می کنند و کمتر به حکم عقل استناد می کنند که در باره حکم عقل تعدادی از روحانیون شیعه به این مسئله نیز اعتراف می کنند.

موضوع حکم عقل اگر به درستی و متناوب اجرا می شد شاید بسیاری از مسائل و معضلات قوانین اسلامی قابل حل و فصل می شد و جوامع اسلامی می توانست از بنیان و پشتوانه قابل قبولی در جامعه بین الملل برخوردار باشد.

بحث های بسیاری وجود دارد که قوانین اسلامی با معیار های امروز بشری منطبق نیست و صرفا ساخته و پرداخته مبلغین و ملایان اسلامی در گذشته و قرن جاری میباشد. از جمله موضوعات می توان مسئله موسیقی و رقص را نام برد که ملایان آن را حرام شمرده اند. ماخذ و منبع این گونه محدویت ها نه تنها در کتاب مسلمانان قرآن وجود ندارد بلکه روحانیون نیز در مطرود شمردن موسیقی و رقص اجماع کاملی ندارند و هر یک تفسیر و مستندات خود را در طی قرون به صورت کتابت تحریر و منتشر نموده اند.

با توجه به اینکه بعضی از مدرسین حوزه علمیه قم منابع فکری خود را از روحانیون دوران حکومت صفویه گرفته بنابراین طلاب بسته به اینکه از کدام حوزه دینی فارغ التحصیل می گردند می توانند اندیشه های متفاوتی در باره موسیقی و رقص در اسلام را به جامعه تزریق نمایند. تمام نظریات اسلامی در مورد رقص و آواز بر می گردد به حدیث ها و روایات اسلامی که متشکل از هزاران عقیده و اظهار نظر است و در کل بعضی متناقض همدیگر می باشند.

در بخشی از آیه ۶ سوره لقمان این چنین آمده است:
و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله
در این سوره تفسیر و معانی مختلفی از آن به عمل آمده است عده ای آنرا حمل بر ممنوعیت آواز کرده اند در گفتاری دیگر آنرا منع سخنان بیهوده تفسیر کرده اند و در کلامی دیگر آنرا مبتنی بر این دانسته اند که منظور نهی منکرات و موسیقی و غنا بوده است. اغلب این تفاسیر در حالی بیان می شود که موضع صریحی در قرآن وجود ندارد به اینکه موسیقی حرام می باشد.

مستندات روحانیون درباره منع موسیقی, بیشتر تکیه بر حدیث و روایات از افرادی است که در جوامع اسلامی اصحاب پیامبراطلاق می شدند و هریک برآورد و تفسیر های گوناگونی چه از طرف خود و یا از آیات منتشر شده در قرآن دارند به عنوان مثال ابوبکر خلیفه اول مسلمانان در نهی یکی از آلات موسیقی آنرا نی شیطان نامیده است.

با این ترتیب می توان گفت ماخذ قرآن کمتر مورد توجه روحانیون مخصوصا از طبقه شیعه قرار گرفته است و ادله آنها بیشتر متوجه روایات اسلامی است و بر اساس همین روایات که اغلب بی منطق و عاری از گفتمان خرد و دانش است

محدویت هائی به شکل قانون در دولت های اسلامی تدوین و تصویب می نمایند که منشا مشگلات عدیده ای برای جوامع و مردم گردیده است.

یکی از عواملی که باعث شده روحانیون اسلامی و یا اصحاب و جانشینان پامبر در ترک و گناه شمردن موسیقی و رقص پافشاری کنند به این صورت بوده است. در موقع سخنرانی های مذهبی در گذشته آواز و صدای زنگ کاروان ها با طبل و دهل و سر و صدا نزدیک می شده اند و در نتیجه بسیاری از مستعمان از جای خود برخاسته و به دیدن کاروان می رفتند و از اینرو اصحاب دینی جهت جلوگیری از این دست اتفاقات که ظاهرا صورت خوشی نداشته با ذکر روایت و حدیث های جعلی خواسته اند که از این گونه اعمال مسلمین جلوگیری به عمل آورند در غیر اینصورت هیچ دلیل عقلانی وجود ندارد که ترنم موسیقی باعث گمراهی بشر بشود.

تمام این نظریات و گفتارهای اسلامی که تماما در مطرود کردن هنر موسیقی و رقص است کلادر تضاد با نظریات پزشگان نیز می باشد که در مواردی شنیدن موسیقی ملایم را آرام بخش روح و روان انسان دانسته اند که می تواند به عنوان یک قوه درمانی به کار گرفته شود. حتی در موارد بسیاری شنیدن موسیقی نوعی محرک خواب به شمار می آید که در درمان بي خوابی نیز می تواند موثر باشد.
از جمله منفعت هائی که در باره رقص گفته شده در درجه اول نوعی ورزش محسوب می شود که می تواند توسط هر فردی در منزل انجام شود که باعث سلامتی جسم و رفع ناراحتی از انسان است. بنابراین این اندیشه که صرفا رقص و موسیقی را غنا دانسته و آنرا در مخالفت با خدا و دین اسلام بدانیم و یا اینکه این گونه حرکات باعث اختلال در زندگی و

جوامع بشری شده صرفا یک ادعا می باشد که پایه و ملاک درستی ندارد.

نگاهی به پرنده هائی که در دل طبیعت وجود دارند بکنید که اغلب آنان در هنگام بهار و در فصل رویش و سرسبزی گیاهان شروع به خواندن آواز و ترنم خاص خود می کنند. صبحگاهان پرندگان خوش الحان نغمه های شادی سر می دمند که نشان خدا را در بر دارد. بشر با الهام از پرندگان بوده که موسیقی را به وجود آورد چرا که نغمه پرندگان باعث آرامش انسان می گردد و روح و روان آدمی را صیقل می دهد .

یکی از تناقض هائی که علمای اسلامی در تعاریف خود دارند دوگانه بودن تفسیرهایشان در مسئله تلقین است. همانطور که در بالا متوجه شدید علمای مذهبی شنیدن موسیقی را حرام می دانند و اصلا بر این باور نیستند که موسیقی می تواند افسردگی را درمان کند در حالیکه آنان عقیده دارند که دعا و نیایش و یا قرائت قرآن با صدای بلند می تواند عاملی برای شفای امراض باشد. اینکه دعا و نیایش در رابطه با بهبود بیمار چگونه تعریف شده به جملات ذیل توجه نمایید.
اشخاصی وجود دارند که به واسطه تلقین های مذهبی و باورهایشان ممکن است که در اهداف و نیات خود موفق شوند. همچنین بنا برگفته کارشناسان در زمینه روان شناسی یک فرد بیمار که دارای افسردگی توام با بیماری در بدن است با امید و چنگ انداختن به یک باور دینی این احتمال وجود دارد که از میزان افسردگی او کم شود و این مسئله پذیرفته شده که بیماری تنها به فعل و انفعالات ناهنجار ارگان ها وابسته نیست بلکه به عوامل روحی نیز بستگی دارد.

شخص بیمار در اثر تلقین های مثبت از بعضی جهات ممکن است که بهبود یابد. تلقین مثبت علاوه بر دعا و نیایش می تواند دلداری و جملات شیرین امیدوار کننده نیز باشد که نهایتا این گونه افکار مثبت به قسمت ضمیر ناخودآگاه در مغز منتقل می شود. در رابطه با ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه به بحث انسان و رویا های صادقانه مراجعه شود.

به تجربه ثابت شده است که میزان و نسبت افسردگی و پژمردگی تناسب مستقیمی با شدت درجه بیماری در افراد دارد. در این رابطه روحانیون مذهبی بدون اشاره به مسائل روانشناسی و روحیه در افرادبیمار معتقدند که دعا و نیایش به درگاه خدا باعث شفای بیماران خواهد شد.

مثال دیگری را در رابطه با افراد عاشق می توان زد چنانچه عاشق از معشوق دور باشد رنج جدائی را نمی تواند تحمل کند و بر اثر افسردگی زیاد بعضی از ارگان های بدن او نیز تحت تاثیر قرار گرفته و واکنش منفی نشان خواهند داد.
همچنین امروزه بر اثر تحقیقات پزشکی ثابت شده است که برخی از سکته های قلبی ناشی از استرس بیش از حد است که منجر به لخته شدن خون در رگ های منتهی به قلب گردیده و در نتیجه اختلالاتی از جمله حمله قلبی را باعث می شود.

دین و جهاد

جرجی زیدان مؤلف مشهور لبنانی, کتابهای بسیاری در امور اسلامی تدوین و منتشر نموده است. او در باره خصوصیات دوران ابتدائی اسلام نکته های جالبی را درکتاب مشهور خود به نام تاریخ تمدن اسلام آورده است. کتاب مذکور در ۵ جلد منتشر گردیده است. جرجی زیدان در صفحات ۲۰۲ جلد اول در مورد رهبران آن زمان از جمله ابوبکر خلیفه اسلام می

گوید: ابوبکر به مسلمانان همیشه هشدار می داده که دست از جهاد برندارید چون قومی که دست از جهاد بردارد خوار می شود از این رو مسلمانان فصل های بهار و تابستان و پاییز را به امر جهاد اختصاص داده بودند و هر از گاهی به یکی از ممالک مجاور خود می تاختند.

بنا بر روایت ویل دورانت تاریخ نگار مشهور در صفحه ۱۹۷۰ کتاب تاریخ تمدن آمده است که عمر خلیفه دیگر مسلمین نیز از ابوبکر تبعیت نمود و یکی از کشورهائی که سپاهیان تحت امرش به فرماندهی عمروعاص اشغال نمود مملکت مصر بود. هنگامیکه عمروعاص در بهت و حیرت آن همه ثروت و مکنت بود یکی از خواص از او درخواست کرد که کتابهای موجود کتابخانه اسکندریه را به او ببخشد.

عمروعاص در این رابطه به خلیفه مسلمین عمر نامه نوشت و از او صلاحدید خواست عمر در پاسخ گفت اگر مندرجات کتاب‌ها موافق کتاب خداست که احتیاجی به آن‌ها نداریم و اگر مخالف آن است که به کار نمی خورد همه را بسوزانید و عمروعاص دستور داد که کتاب‌ها را بین چهار هزار حمام های شهر تقسیم نمایند تا به مصرف سوخت جهت کوره به کار رود. به این ترتیب کتابهائی که ازحملات مسیحیان متعصب در امان مانده بود در زمان استیلای سپاهیان اسلامی اینچنین سرنوشت وحشتناکی پیدا می کند.جرجی زیدان در جلد دوم صفحه ۶۴ تاریخ تمدن اسلام به مسأله معدوم



کردن کتابخانه‌های ایرانی در هنگام جنگ مسلمانان اشاره نموده است از جمله اینکه خلیفه مسلمین عمر در طول زمامداری خود پس از حمله به ایران نیز دستور از بین بردن کتابخانه های ایرانی را به سعد وقاص فرمانده لشگریان عرب داده بود چرا که او عقیده داشت هرآنچه انسان نیاز دارد در کتاب قرآن موجود است و مسلمانان و غیر مسلمانان را نیازی به کتاب و کتابخانه نمی باشد. عمر در پاسخ سعد نوشت همه آن‌ها را در آب بریزید چه اگر در آن رستگاری هست خدا ما را به بهتر آن راهنمائی فرموده و اگرگمراهی در آن بوده خدا ما را از آن گمراهی رهائی داده است. سعد بن وقاص سپس فرمان داد کتاب‌ها را درآب انداخته و یا بسوزانند و به این ترتیب بود که علوم ایرانیان از بین رفت. جنگ و پیروزی مسلمانان منحصر به ایران و مصر نبود بلکه آنها به سراسر مناطق تحت تسلط روم (بیزانس) نیز حمله کرده و شهرهای بسیاری را به اشغال خود در آوردند و بر طبق دستورات عمر هر مکانی را که گشودند کتابهای آنجا را نیز سوزاندند.

نکات تلخ بالا درباره جهاد در حقیقت باید سرمشقی برای مسلمانان و همچنین جهادگران تندروی اسلامی باشد که در سالهای اخیر منشاء گرفتاری های بسیاری برای مردم به ویژه مسلمین در سرزمین های عراق و سوریه و افغانستان گشته اند.

تندروهای جهادگر اسلامی گوئی در عصر خلیفه عمر بن خطاب زندگی می کنند و تنها اندیشه ای که بر سر دارند جنگ بر علیه هم نوعان خود است. در این ماجراهای اسف بار عده کثیری از مسلمانان در عراق و افغانستان و یا سوریه , سومالی به علت حملات انتحاری اعضای جهادگر گروه های تروریستی القاعده و حکومت اسلامی داعش و گروه

طالبان, الشباب به ناحق کشته شده‌اند.

مطالب و تبلیغات جهادی تبعات و تاثیر بسیار مخربی در جوامع مسلمین داشته است. چنانچه رهبران مذهبی چاره نیندیشند و به اصلاح امور کتابهای مذهبی اسلامی نپردازند همچنان این آموخته ها در دسترس نسل های آینده قرار خواهد گرفت و حوادث غم انگیز دیگری به وقوع خواهد پیوست. هر کودک مسلمانی که به دنیا بیاید ممکن است که در معرض تهدید این نوشتارهای ضد بشری قرار گیرد و ذهن و اندیشه و زندگی اش همگام با اندیشه های جهاد جنگ طلبانه قرار گیرد.

در پاسخ به اینکه چگونه می توان گروه های تروریستی را مهار و منزوی نمود که بعضا به نام اسلام اقدامات ضد بشری انجام می دهند باید گفت قدم اول باید از سوی رهبران مذهبی برداشته شود و کلیه کتابهای رسمی موجود از جمله قرآن اصلاح گردند. اصلاحات انجام شده از سوی علما راه را بر دولت های مسئول هموار خواهد کرد تا با استناد به مفاهیم اصلاح شده کتابهای رسمی اسلام تندرویهای اسلامی را سد نماید.

دولت های اسلامی به این ترتیب می توانند وسعت عمل قانونی بسیاری داشته باشند که جلوی نشر افکار تخریبی گرفته شود و نسل های آینده را به سوی صلح و همزیستی مسالمت آمیزسوق دهند. در پناه صلح و همزیستی و گفتگو است که ملت ها می توانند مشگلات خود را در رابطه با مسائل دینی و ارضی حل کنند مطلبی که در قرن بیستم بیش از هرزمان دیگر مورد نیاز و طالب صلح دوستان جهان می باشد.
امروزه دوران صلاح الدین ایوبی یا خالد بن ولید سرداران نامور

اسلامی که بخشی از اروپا را فتح کردند سر آمده و گذشته است, مرزها مشخص شده‌اند دیگر کسی نمی تواند و حق ندارد که با هر حربه ای که در دست دارد به آنسوی دنیا چشم طمع بدوزد. باید مجامع رهبران مذهبی این اندیشه های غلط را از ذهن پیروان خود پاک کنند باید به جای آن دوستی و مَحبت را جایگزین کنند. اگر مکتبی بخواهد ایدئولوژی خویش را با ترفند های ناهنجار به دیگران بقبولاند باید توجه کند این شیوه ها مردود است به قول شاعر معروف ایرانی سعدی که می گوید: مشگ آن است که خود گوید نه آنکه عطار گوید.

کشور های اسلامی باید به تعامل و سازش با غرب فکر کنند باید به مراودات اقتصادی بین شرق و غرب فکر کنند باید سعی کنند که دستاورد های هنری و کشاورزی خود را ترویج و توسعه دهند و آنها را جایگزین صادرات اندیشه های اسلامی نمایند اندیشه هائی که در بسیاری جهات بحران آفرین بوده اند. در این باره مردم ایران شاهد بوده اند که جمهوری اسلامی بیش از چهل سال از صدور انقلاب اسلامی اش به ممالک دیگر چه ضربه های جبران ناپذیری به اقتصاد و امنیت کشور وارد آورده است.

اندیشه های قرون وسطائی که آیین اسلام باید در سراسر جهان گسترده و پخش شود باید به کنار گذاشت و با دنیا تعامل کرد و همزیستی مسالمت آمیز را پذیرفت باید این گونه افکار غلط را از کتاب های مذهبی پاک نمود. روحانیون باید ذهن خود را از دشمنی با غرب پاک نمایند.

همانطور که بیان شد حکومت اسلامی مستقر در ایران متأسفانه با روش های مختلف سعی کرده است نه تنها نوع حکومت خود را برای دیگر اقوام در منطقه خاورمیانه تبلیغ

نماید بلکه با حمایت های مالی و تسلیح گروه های شبه جهادی و یا ناراضی در کشورهای منطقه و یا با دخالت های مستقیم ایده برتری جویانه و گاه جنگ طلبانه خود را تا کنون ادامه دهد.

از بین بردن مخالفان سیاسی چه شهروندان ایرانی و خارجی و دخالت در امور کشور های همسایه تماماً با پول و سرمایه مردم ایران صورت می گیرد بدون اینکه آنان هیچ گونه مشارکتی در تصمیم گیری های ذکر شده داشته باشند. متأسفانه این قبیل تلاش های مخربانه جز اتلاف وقت و هدر دادن سرمایه مردم هیچ ثمر دیگری برای ایرانیان به همراه نداشته است علاوه بر آن در عرضه بین المللی باعث محدویت های فراوان برای شهروندان ایرانی در زمینه های تجاری, مسافرت و مخدوش شدن چهره ایران در عرصه بین الملل گردیده است.

جمهوری اسلامی به جای اینکه در راستای اصول همزیستی مسالمت آمیز و داد و ستد با کشورها قدم بردارد عملاً عرصه را تبدیل به میدان جنگ نموده و با اعمال و کژ رفتاریهای سیاسی و نظامی مردم کشور خود را به گروگان گرفته است به طوریکه هیچگونه سر سازش با دیگر کشور های غربی از خودنشان نداده و در نتیجه عدم تعامل با کشور های قدرتمندی که در عرصه اقتصادی حرف اول را می زنند امکان رشد اقتصادی و تجارت مردم ایران را با دنیا بسیار محدود و کوچک نموده و از این منظر خسارت های کلانی به جامعه مردم بخصوص بازرگانان, بخش خصوصی و کسبه خرد وارد نموده است.

این شیوه کشور داری در دنیا که به هیچ وجه نمی تواند اثرات مثبتی بر زندگی مردم داشته باشد کماکان بیش از

چهل سال است که ادامه داشته و ارمغان آن برای کشور و مردم تورم بسیار بالا, گرانی مواد غذائی, رشد بیکاری بالا, فرار و مهاجرت جوانان مخصوصاً تحصیل کرده های دانشگاه را سبب گردیده است. بنا به اعتراف اکثر مسئولان اداری وزارت خانه ها, درصد خط فقر در میان مردم از سال ۲۰۱۵ به بعد به طرز وحشتناکی صعود کرده است به طوریکه بیش از چهل میلیون نفوس کشور در زیر خط فقر زندگی سخت و پر مشقتی را طی می کنند. ارزش پول کشور به پایین ترین حد ممکن رسیده است و در مقایسه با ارز های بین المللی اگر هردلار که در چهار دهه قبل ارزشی متعادل با یازده تومان داشته است اینک به بیش از ۳۰ هزار تومان رسیده است.

جمهوری اسلامی در طول چهل سال حکومت, قسمت اعظم درآمدهای نفتی را به جای اینکه صرف کشور و توسعه زیر ساخت ها نماید برای ساخت انواع موشک های دوربرد نظامی و پروژه های هسته ای اتمی و کمک های سخاوت مندانه تسلیحاتی و مالی به گروه های مذهبی حماس در فلسطین, گروه حزب اله در لبنان, رژیم بشار اسد در سوریه , گروه حوثی در یمن نموده است که در نتیجه تنش و منازعات در منطقه را شدت بخشیده است.

در رابطه با ناکارآمدی جمهوری اسلامی و انرژی هسته ای بیشترین مناقشات و گرفتاریها را در سطح بین المللی برای کشور و مردم داشته است. جاه طلبی های مقامات ارشد کشور و تهدید های موشکی برای کشور های منطقه گسترش یافته به نحوی که غربی ها تحریم های بسیار سخت از جمله ممانعت فروش نفت را از سال ۲۰۱۵ میلادی به اجرا گذاشته اند. جمهوری اسلامی بر طبق شواهد های زیاد قصد ساخت بمب هسته ای را داشته است و این موضوع می تواند باعث تشویق دیگر سران منطقه برای از

سرگیری و ساخت تسلیحات هسته ای باشد و دنیا را در معرض خطرات بیشتر جنگ های هسته ای قرار دهد.

اقدامات مخربانه جمهوری اسلامی در زمانی شدت یافته که ازآنسو ملت های جهان هم اکنون در محاصره زراد خانه های هسته ای روسیه, امریکا, فرانسه, اسراییل, انگلستان, هند , پاکستان, چین, کره شمالی قرار گرفته اند. دنیا بر این باور است که اضافه شدن حتی یک کشور به لیست دیوانگان هسته ای درصد و ضریب جنگ اتمی را بالاتر خواهد برد.

سیاست مداران نادان دنیا از جمله ولادیمیر پوتین رهبر دیکتاتور و دائم العمر روسیه به دلیل شکست فاحشی که در تجاوز به کشور اوکراین داشته است اخیرا دنیا را تهدید به حمله هسته ای نموده است. مردم دنیا به طور شبانه روزی باید در ترس و بیم حملات احتمالی هسته ای از سوی حاکمان نادانی همچون پوتین بسر برند.

اگر چه میزان سرمایه گذاری های جمهوری اسلامی در مسائل هسته ای به درستی معلوم نیست اما بنا به اظهارات بعضی از تحلیل گران سیاسی و اقتصادی از جمله منصور فرهنگ که زمانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد بوده این مبلغ در حدود پانصد میلیارد دلار برآورد شده است. سرمایه گذاری بیهوده و کلانی که تا کنون هیچ دستاوردی برای ایرانیان نداشته است اما باعث تنش و برخوردهای بسیاری در داخل و یا خارج کشور با قدرت های بین المللی مثل امریکا و یا همسایگان خود گشته است. سرمایه گذاری کلان در امر هسته ای می توانسته در جهت بهبود اقتصاد و معیشت مردم ایران و همسایگان فقیر از قبیل افغانستان به کار گرفته شود تا از بروز و ظهور گروه های تروریست مثل القاعده, طالبان جلوگیری نماید.

ایران متلاطم

ایران یکی از کشورهائی است که به مدت چهل سال دستخوش بحران و ناآرامی ها بوده است. حوادث کشور که از ابتدای سال ۱۳۵۶ شروع گردید باعث دگرگونی و ناملایمات سیاسی و اقتصادی بسیاری شد و از سوئی کانون بحران های سیاسی و اقتصادی مبدل گردید.

کشور ایران در گذشته فراز و نشیب و ناملایمات بسیاری را طی کرده است. اگر مختصری به تاریخ آن بیندازیم این کشور از سال ۱۹۰۵ میلادی در اندیشه کسب دموکراسی و برپائی مجلس مردمی تلاش فراوانی نموده است. مردم ایران خسارات بسیاری متحمل و عده بسیاری در راه کسب آزادی و دموکراسی قربانی گشتند. ایرانیان در این سالها که بخش هائی از کشورشان توسط نیروهای روسیه تزاری و انگلیسی اشغال شده بود ناظر بر دخالت های فراوان این دو در امور سیاسی کشورشان بودند.

ایرانیان علیرغم حکومت های ضعیف و بعضا فاسد قاجار در پی تلاش های فراوان میهن دوستان و آزادیخواهان موفق به کسب پارلمان مردمی شدند. اگر چه دیری نپائید که پارلمان ملی با تحریک بعضی از روسای با نفوذ مذهبی و درباریان فاسد حکومت قاجار و با همکاری روسها تخریب و ویران گشت.

با آغاز جنگ جهانی اول که سرچشمه آن بیشتر توسعه طلبی بود چندین کشور از جمله روسیه تزاری و انگلیس و آلمان و دولت عثمانی را درگیر نبرد نمود. ایران علیرغم بی طرفی به واسطه محاصره و اشغال نظامی دستخوش

حوادث غم انگیزبسیاری از جمله قحطی و بیماریهای واگیردار گردید که تلفات بسیاری در پی داشت.

در کوران مبارزات مشروطه که از سال ۱۲۸۴ شروع شده بود مردم توانستند تا حدودی به آزادی های نسبی دست یابند و حتی قادر شدند با اتکا به آن, قدرت روحانیت شیعه را کاهش دهند. چندی بعد مظفرالدین شاه پس از امضای قانون مشروطیت بر اثر بیماری درگذشت و با روی کار آمدن فرزندش محمد علیشاه بخت و اقبال از مردم و کشور برگشت. قوای استبداد با همکاری روسها و انگلیسی ها اختلالات و بحران های بی سابقه ای در وضع سیاسی و معیشتی مردم به وجود آوردند به طوریکه در پی حوادث تلخ قحطی در ایران عده کثیری از مردم به علت فقر شدید و گرسنگی جان دادند.

احمدکسروی نویسنده معروف و مولف کتاب تاریخ مشروطه ایران که به حق از آثار با ارزش و تاریخی ایران بوده است ناظر بسیاری از حوادث تلخ مشروطه بود. او شاهد زنده رویداد های انقلاب مشروطه بود. مهارتش در سخن گوئی به گونه ای بوده که هیچک از روحانیون عصر او تاب و توان آن را نداشتند که با او مناظره و بحث نمایند چون او تاریخ و مذاهب را به خوبی می شناخت.

متأسفانه یکی از کجروی های او اجرای مراسم کتاب سوزان در منزلش بود. کتابهای ادبی از جمله رباعیات عمر خیام, بوستان و گلستان و در کنارش کتب مذهبی از قبیل حلیه المتقین از جمله کتابهائی بود که طعمه آتش گردیدند. طبیعی است که ادبا و شاعران کشور بر او خرده گرفتند و حتی جمعی از ملایان بر او افترا زدند که او قرآن را نیز سوزانده است. سرانجام او و همکارش به دست افراطیون

گروه فدائیان اسلام توسط شخصی معمم به نام نواب صفوی به قتل رسید. اما پیش بینی های احمد کسروی در مورد جاه طلبی های روحانیت شیعه بعدها درست و به وقوع پیوست.

در ایران بین سالهای ۱۲۹۸-۱۲۹۶ هجری شمسی برابر با ۱۹۱۹-۱۹۱۷ سا ل میلادی نزدیک به ده میلیون نفر از ساکنان مناطق کشور بر اثر قحطی و گرسنگی جان سپردند. در فواصل این سالها سوداگران داخلی از جمله تنی چند از مقامات فاسد دربار به نیابت از احمد شاه قاجار هزاران تن غله را به قیمت های بالاتری به اتباع و قوای اشغالگر انگلیس فروخته اما حاضر نشدند به کمک هموطنان گرسنه خود بروند.

دولت های ضعیف وقت آنچنان در پیچ و خم مسائل و بوروکراسی و فساد حاکمان وقت مشغول بودند که هرگز نتوانستند به یاری مردم گرسنه بشتابند چرا که شرکت های نفتی انگلیسی با عدم پرداخت سهمه ایران از درآمد نفت که میلیون ها پوند بود عملاً سد راه اقدامات دولت گشته و باعث اتلاف و مرگ و میر ساکنان بخش های مختلف کشور گردیدند. بیماریهای عفونی از قبیل وبا, تیفوئید در میان مردم گرسنه بیداد می کرد و هر روز تلفات بسیاری بر جای باقی می گذاشت.

محمد قلی مجد نویسنده کتابی به نام The great famine and genocide in persia است. او یک محقق ایرانی است که در کشور امریکا زندگی می کند.
آقای قلی مجد علت و عوامل قحطی در طی سالهای ۱۲۹۸-۱۲۹۶ را به تفضیل در کتاب خود برشمرده است که به بخشی از آن اشاره می کنیم.

یک موسسه خیریه امریکائی که در رابطه با کمک های غذائی برای بسیاری از مردم قحطی زده ایران بوده در مقطعی می خواسته که با خرید گندم از صاحبان آنها به مردم استمداد کند در جریان یک معامله ای, شخصی که مباشر شاه قاجار بوده رقم بسیار بالائی را برای فروش گندم متعلق به احمد شاه مطالبه کرده بود. بر طبق اظهارات مامور خرید موسسه خیریه امریکائی در ملاقات اولیه, مباشر بهای نود تومان برای یک خروار گندم و در مرحله دوم گفتگو در روز بعد قیمت را تا صد تومان افزایش می دهد. مباشر احمد شاه با توجه به اینکه هویت خریدار را می دانسته این قیمت بالا را مطالبه کرده بود.

در آن مقطع مسلما احمد شاه می دانسته که مردم نیاز مبرم به نان دارند و در گرسنگی بسر می برند اما حرص و طمع او در کسب پول اجازه نمی داده که به کمک رعیت تحت حکومتش بشتابد اما در عوض بیگانگانی نظیر موسسه خیریه امریکائی باید دل به حال مردم بیچاره بسوزانند و به کمک مردم گرسنه بشتابند. مردم ایران نیز از اینجهت به او لقب احمد کاسب داده بودند او در آن ایام سیاه قیمت گندم را حتی تا دویست تومان در هر خروار بالا برده بود. این گونه حوادث دردناک وقایع شرم آوری است که در تاریخ قاجاریه به ثبت رسیده است.

در سال ۱۳۴۲ توسط محمد رضا پهلوی شاه وقت ایران, تغییرات اساسی در کشور به اجرا در آمد که از آن جمله اصلاحات ارضی و تقسیم زمین های زراعی برای دهقانان و همچنین اعطای حق رای به زنان بود که برای اولین بار در تاریخ ایران رخ داد. متعاقب آن ملایان شیعه در ایران به هدایت آیت اله خمینی مخالفت شدیدی با برنامه های شاه ایران از خود نشان دادند و حتی منجر به بروز شورش هائی

در سال فوق گردید که عده زیادی کشته شدند.

روح اله خمینی مسبب شورش ها شناخته شده دستگیر و به عراق تبعید گردید و نهایتا بین سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ با استفاده از ضعف دولت مرکزی و تحریک مردم به شورش های خیابانی, ملایان به سرکردگی خمینی توانستند قدرت کامل را در ایران قبضه نمایند.

بعد از پایان جنگ اول جهانی, تغییرات چندی در کشورهائی روی داد که از جمله انقلاب مردم روسیه علیه تزار روس و همچنین انقلاب روشنفکران ملت عثمانی بود که به برقراری حکومت های جدیدی منجر گردید. ایرانیان نیزشاهد چند دگرگونی به ویژه در حکومت های بعد از سقوط خاندان قاجار بودند اگر چه کشور به سختی از گرداب جنگ بیرون رفت ولی حکومت جدید ایران بعد از آن تا سال ها نتوانست آنطور که می بایستی پا به پای همسایه عثمانی خود و یا روسیه بلشویکی پیش برود و طولی نکشید که سرآغاز جنگ دوم جهانی تمام تلاش های حکومت ایران به جز در پاره ای بدون ثمر و ناتمام بر جای باقی ماند.

اندیشه آزادی و دمکراسی که ایرانیان در سالهای قبل از جنگ اول جهانی پایه گذارش بودند هیچوقت به جز چند دوره کوتاه تحقق نیافت به ویژه در سال ۱۹۷۸ با انقلابی به رهبری آیت اله خمینی, کشور دچار بحران های عمیق و ریشه داری گردید که ضربه مهلکی به رشد دمکراسی وارد گردید و همچنین باعث محدودیت های مذهبی و قومی در میان جوامع مختلف ایران و ازدیاد افکار و خرافات مذهبی شد.

بر پایه همین اندیشه های مسئولان حکومتی به ویژه رهبری

مذهبی آیت اله خمینی بود که جنگ ۸ ساله ایران و عراق درگرفت و دلیل عمده اش آن بود که در سال ۱۳۵۷ شمسی صدام حسین رهبر عراق به توصیه محمد رضا شاه رای به اخراج آیت اله خمینی از عراق داده بود. خمینی پس از قبضه قدرت در ایران در صدد انتقام جوئی برآمد. او براین عقیده بود که مسلمانان عراق باید قیام کرده و حکومت وقت عراق به رهبری صدام حسین را براندازند. اگر چه براثر این جنگ مردم دو کشور خسارات بسیار و قربانیان بسیاری را متحمل شدند اما باعث رونق تسلیحاتی کشورهای اروپائی و امریکا و روسیه گردید که از طرفین جنگ سود های مالی هنگفت بردند.

در دهه ۱۳۷۰ شمسی آیت اله هاشمی رفسنجانی چهره مذهبی شناخته شده و معروفی که در صحنه سیاسی جمهوری اسلامی حضور قدرتمندی داشت. نیروهای تحت امر او در وزارت اطلاعات باعث و بانی جنایات از پیش طراحی شده ای تحت نام قتل های زنجیره ای گردیدند که بعد از مدتی کوس رسوائی آن در سراسر دنیا پیچیده شد. در این قتل ها افراد سرشناس سیاسی و فرهنگی از جمله داریوش فروهر و همسرش, دکتر سامی , تقی مختاری به فجیع ترین وضع سلاخی و کشته شدند.

هاشمی رفسنجانی نزدیک به دو دهه قدرت سیاسی و نظامی فعال در کشور بود و می توان گفت که رهبر واقعی کشور به معنای تمام او بوده. او در عرصه جنگ عراق و ایران و همچنین تبیین سیاست داخلی و خارجی یکه تاز تمام و عیار بود. از دیگر ماجراجوئی های او حذف مخالفین با اجرای چندین ترور سیاسی توسط عوامل ماموران سیاسی اطلاعات در خارج از کشور بوده که از مهمترین آن می توان حادثه قتل رهبران حزب دمکرات را نام برد که درپی جدا

سازی استان کردستان از ایران بودند.

در امور داخلی کشور, سلب آزادی مخصوصا از مطبوعات و حذف چهره های سیاسی از صحنه قدرت را می توان به کارنامه تلخ دوران سیاسی او نیز اضافه کرد. در یک برهه از تاریخ زندگی سیاسی رفسنجانی, آیت اله خامنه ای به عنوان ولایت فقیه با پشتیبانی گروه های تندرو در سپاه انقلاب اسلامی و بسیاری از روحانیون سرشناس در جامعه توانست گوی سبقت از رفسنجانی را برباید و در صحنه قدرت یکه تازی نماید. او توانست رفسنجانی را نه تنها حذف سیاسی بلکه بنا به شواهد و گفته هائی او را نیز حذف فیزیکی نماید.

در یکی از روزهای دیماه سال ۱۳۹۵ شمسی هاشمی رفسنجانی را در استخری در شمال تهران تنها و بیهوش یافتند. او ساعتی بعد در راه بیمارستان شهر جان سپرد. بعد از مرگ رفسنجانی سیاست و ترفند های او در دو اداره موازی با هم یعنی وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه انقلاب اسلامی کماکان دنبال و باعث بحران و ناهنجاریهای اقتصادی , سیاسی بسیاری در عرصه کشور گردید.

یکی از روزنامه های با نفوذ درایران به نام جمهوری اسلامی که از بدو سرنگونی حکومت پهلوی فعال بوده است اغلب نکاتی را در سرمقاله های خود می نویسد که از جمله می توان به چاپ مقالاتی در باره ناکارآمدی مسئولان حکومتی اسلامی اشاره نمود. این روزنامه اخیرا در بخشی از گزارش های خود اذعان نموده است که در ایران حکمران توانمندی وجود ندارد و گروه های مافیائی گوناگون کشور را در کنترل خود دارند. روزنامه همچنین به انتصاب های فامیلی اشاره می کند که صرفا بر روابط تکیه دارند تا دانش و تخصص و

متاسفانه ارکان کشور را در اختیار گرفته اند.

بر اساس آمارهای مستقل نشر شده در این روزنامه نیمی از مردم از دین رویگردان شده اند و نگرش مردم به سمت و سویی است که بر خلاف فکر و اندیشه بنیان گذار رژیم جمهوری اسلامی (خمینی) بوده است. این روزنامه که در هر نشریه اش عکسی از آیت اله خمینی را در بالای صفحه خود منتشر می نماید می نویسد میل به مهاجرت در ایران شدیدا افزایش گشته و مصرف مشروبات الکل و مواد مخدر در بین جوانان نیز گسترش یافته است که نشانگر ناامیدی و سرخوردگی این طبقه از جامعه است. اخیرا معاون وزیر کشور در یک همایشی اشاراتی کم و بیش به این گونه گزارشات نموده و ضمن تایید آن افزوده است که نگرش مردم به سوی حکومت از نوع سکولار شدیدا افزایش یافته و این را یک خطر جدی برای قدرتمندان جمهوری اسلامی دانست.

لازم به تذکر است که بر طبق شواهد موجود میزان شرکت کنندگان در نمازهای جمعه در اکثر شهرهای بزرگ ایران به نحو چشمگیری کاهش پیدا کرده است که این مسئله نشانه از دین گریزی مردم در جامعه امروز ایران است و این موضوع به خوبی نشان می دهند که تلاش های دولت مداران جمهوری اسلامی در طول چهل و چند سال حکومت خودکامه نتایج برعکس داشته است.

در این رابطه همچنین می توان به میزان بسیار کم شرکت کنندگان در رای گیری ریاست جمهوری اسلامی اشاره نمود که بر طبق آمارهای رسمی منتشر شده افرادی که به ابراهیم رئیسی رای مثبت داده اند کمتر از یک چهارم کل واجدین شرایط رای گیری بوده است. این مطلب به وضوع می رساند که بیش از نیمی از مردم واجد شرایط در انتخابات

شرکت ننموده اند. ابراهیم رئیسی از طبقه روحانیون و از جمله کسانی بوده که در حوادث و قضایای اعدام بسیاری از اعضای گروه های سیاسی در سال ۱۳۶۷ نیز مشارکت داشته است.

در طول دهه ها و در رابطه با گزارش روزنامه جمهوری اسلامی, بعضی از جراید, گزارش های تخلفات و سواستفاده های مالی بسیاری را فاش کرده اند که به نقل از تنی از دست اندرکاران دولتی و نمایندگان مجلس از جمله احمد توکلی نماینده و عضو تشخیص مصلحت نظام بوده است.

توکلی در این رابطه می گوید: که کشور به مرحله فساد سیستماتیک رسیده است. محمود صادقی دیگر عضو پیشین مجلس نیز می گوید با گذشت چهار دهه وضع کشور در موضوع مبارزه با فساد بدتر از قبل گردیده است.
در ذیل به شرحی از گزارشات فساد مالی در حکومت جمهوری اسلامی می پردازیم که بعضا در جراید کشور منتشر گردیده است.

پرونده ۱۲۳ میلیارد تومانی فاضل خداد و محسن رفیق‌دوست (با احتساب دلار ۴۰۷ تومانی در زمان اختلاس) که بیش از ۳۰۲ میلیون دلار است
پرونده سه هزار میلیارد تومانی محمود خاوری و مه آفرید خسروی
پرونده اختلاس سعید مرتضوی ۳۲۵۰ میلیارد تومان،
پرونده سواستفاده مالی بابک زنجانی ۱۸۰۰۰ میلیارد تومان
پرونده بنیاد شهید ۸۰۰۰ میلیارد تومان،
پرونده گم شدن دکل نفتی ۵۲۰ میلیارد تومان،
پرونده اختلاس صندوق خیریه فرهنگیان ۸۰۰۰ میلیارد تومان

پرونده املاک نجومی, ۲۲۰۰ میلیارد تومان،
پرونده عدل هاشمی و صفا, ۸۰۰ میلیارد تومان،
پرونده عباس ایروانی, ۴۰۰۰ میلیارد،
پرونده بانک سرمایه, ۱۰ هزار میلیارد تومان،
پرونده شرکت سپید استوار آسیا, ۶۵۰ میلیون یورو،
پرونده ناپدید شدن ۲۰ هزار میلیارد تومان, شهرداری تهران
پرونده هلدینگ یاس, ۱۳ هزار میلیارد تومان،
پرونده وزارت صنعت در واردات خودرو, هزارمیلیارد تومان
پرونده مؤسسه مالی ثامن الحجج, ۱۲ هزار میلیارد تومان

در رابطه با فساد های مالی جمهوری اسلامی با ارقام دلار و یورو به چند نمونه ذیل توجه نمایید.

پرونده فساد پتروشیمی, پرونده پتروشیمی با نام مرجان آل اقا که بنا به روایتی نزدیک به ۶ میلیارد یورو و به روایت قاضی جمهوری اسلامی حدود ۸ میلیون یورو بوده است پرونده فساد ۳ میلیارد دلاری فولادمبارکه, در این رابطه جالب است بدانید که مدیران این شرکت بر اساس داده‌های ارائه شده از سوی مجلس اسلامی, یک‌میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان در وجه دفاتر ائمه و ستاد اقامه نماز جمعه, ۱۷۰ میلیارد تومان صرف خرید های شخصی برای مدیران شرکت, مبلغ ۲۲ میلسارد تومان به صدا و سیمای جمهوری اسلامی, پرداخت ارقام بسیار بالا برای مشاوره های نامعلوم, همچنین ۹۵۰ میلیون تومان در وجه حوزه علمیه، بنیاد غدیر و ساخت مسجد پرداخت کرده است. مشخص نشده است یک شرکت دولتی که درآمدش می بایستی بر طبق مقررات و قوانین به خزانه دولتی واریز گردد چگونه خودسرانه هزینه کرده است. بر طبق گزارشات واصل شده تعداد تخلفات غیر قانونی مدیران شرکت بیش از ۹۰ فقره بوده که به بخشی از آن در بالا اشاره گردید.

در کنار تخلفات بالا که اشاره شد, سرنوشت ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی کسب شده در دوره ۸ ساله دولت محمود احمدی نژاد نحوه و چگونگی هزینه شدن آن همچنان در بوته ابهام است.

محمود بهمنی رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد نیز در اظهاراتی رسمی عنوان کرد که قریب ۱۴۸ میلیارد دلار در حساب خارج از کشور آقازاده‌ها وجود دارد. آقازاده عنوانی است که به فرزندان مسئولین جمهوری اسلامی در خارج از کشور داده شده است. در این رابطه شاید بی مناسبت نباشد که ذکر شود بر طبق گزارشات دولتی در مطبوعات, اکثر بانکهای دولتی بیش از یازده میلیارد دلار زیان های انباشته دارند. این مسئله بیشتر در ارتباط با وام های کلان و نجومی است که به وابستگان مقامات اسلامی پرداخت شده و اینک قسمت اعظم وام ها به واسطه فرار یا ورشکستگی صوری و مسائل مشکوک دیگر غیر قابل برگشت است.

گزارشات بالا تنها بخش کوچکی از صدها پرونده فساد، رانتخواری و اختلاس آشکار شده در سال‌های اخیر در کشور است. کل رقم پرونده های ریالی بیش از ۱۰۴ هزار میلیارد تومان است که با احتساب میانگین هر دلار دو هزار تومان به رقم پنجاه و دو میلیارد دلار بالغ می شود.

محمد فرزانگان، استاد کرسی اقتصاد خاورمیانه در مرکز پژوهش‌های خاورمیانه دانشگاه فیلیپسِ ماربورگ در آلمان، طی یک بررسی که منتشر کرد، زیان ایرانیان از تبعات بی‌کفایتی جمهوری اسلامی را تنها بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ یعنی به مدت ده سال یک و نیم تریلیون دلار تخمین

زده است(دلار ۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰)

طی سال‌های اخیر هر ساله بین ۴ تا ۲۰ میلیارد دلار ارز دولتی با نرخ ۴۲۰۰ تومان بین برخی شرکت‌های وابسته به ارگان های مذهبی و در رابطه با دولت تقسیم شده که اغلب آنها سر از بازار آزاد دلار درآورده و به بهای چند برابر فروخته شده است.

حاتم بخششی سران جمهوری اسلامی به گروههای خارج از کشور از قبیل حماس, حزب اله لبنان, گروه های شبه نظامی شیعه در عراق که بیش از صد ها میلیون دلار در سال می باشد. علاوه بر اینها هزینه های سرسام آور تشکیل سپاه قدس در خارج از کشور و دخالت های ده ساله نظامی در سوریه و یمن را نیز باید اضافه نمود

در حال حاضر بخشی از کسری بودجه دولت ابراهیم رئیسی از طریق چاپ پول بی‌پشتوانه جبران می‌شود که آثار و تورم چهل درصدی زیانبارش را درشش ماهه اول سال ۱۴۰۱ به نحو وحشتناکی نشان داده است.

یکی از معاونان تشکیلات دادگستری جمهوری اسلامی به نام اصغر جهانگیر می گوید: سالانه نزدیک به یک میلیون نفر در ارتباط با جرائم سرقت دستگیر می شوند. او می افزاید این تفکر اشتباه است که اعمال بزه کاری با بگیر و ببند حل می گردد. او معتقد است که باید کلیه دستگاهها در کشور در اعمال پیشگیری از جرم شرکت داشته باشند چرا که مشگلات و معضلات اجتماعی به طرز وحشتناکی ابعاد گسترده ای پیدا کرده است.

اینکه مسئولان کشوری در ایران به این گونه اعتراف ها

دست می زنند نشان دهنده آن است که دست اندرکاران کشور در طول دهه ها با قوانین و اقدام های نابخردانه و غلط و بعضا تعمدا چه در سیاست داخلی یا خارجی جامعه ایران را به سمت و سوی اضمحلال سوق داده اند.

از سوی دیگر دانشجویان و استادان بسیاری در دانشگاه های کشور در مقابله با واپس گرائی و فساد گسترده جمهوری اسلامی دست به مبارزات مدنی می زنند که در خیلی اوقات منجر به زندانی یا اخراج دانشجو و استاد می گردد.

بیژن عبدالکریمی استاد فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی که از سوی حکومت جمهوری اسلامی از سمت خویش اخراج گشته بود طی سخنانی که در دانشگاه الازهرا و در مهر ماه ۱۴۰۱ و در بحبوبه تظاهرات و اعتراضات مردم صورت گرفته می گوید: یک مشت نیروی نادان که به مدت 40 سال گفتمان انقلاب را خفه کرده‌اند پشت مسأله هستند و اگر این شرایط اصلاح نشود تمام خون شهیدان از بین خواهد رفت چنان که تا به امروز بسیاری از ارزش‌های انقلاب ۵۷ پایمال شده اند.

عبدالکریمی مشگل جامعه و حکومت را سلطه تفکر سنتی می داند (اشاره به روحانیت سنت گرا که بخش عمده و کلیدی ارکان کشور را در دست دارند) او در ادامه می گوید:

در تاریخ تفکر ما و در فلسفه اسلامی هیچ‌گاه تفکر تاریخی وجود نداشته است به استثنای اشارات بسیار مبهمی که در تفکر فارابی و ابن عربی وجود دارد. از این دو استثنا بگذریم، این سنت نظری هیچ‌گاه تفکر تاریخی نداشته و همواره اسیر ذات‌گرایی ارسطویی بوده است و درکی ندارد که پدیدارها

دگرگون می‌شوند, لذا دختر امروز، دختر جامعه گذشته نیست و نمی‌توانیم با اندیشه‌های عقلانیت فقهی گذشته با جامعه امروز برخورد کنیم.

این استاد دانشگاه در ادامه می گوید: به دلیل همین فقدان نظری است که گفتمان انقلاب و حوزه‌های علمیه، فکر کردند که با فقه‌الاصغر حوزه‌های علمیه می‌شود به درک فقه‌الاکبر و روح، جهان‌بینی، اصول، مبادی و مولفه‌های بنیادین جهان‌کنونی رفت. به همین دلیل گفتمان انقلاب نتوانست عالم جدید را به‌رسمیت بشناسد و فکر کرد مدرنیته یک امر عارضی و شوخی است.

بیژن عبدالکریمی در رابطه با اخراجش از دانشگاه پیش از این گفته بود در جائی که من حکم به برگشت به دانشگاه را گرفتم آنها (تندروها) حکم را نادیده و از برگشت من جلوگیری نمودند. به این می گویند حکومت قلی خانی (اشاره ایشان به حسینقلی خان والی پشتکوه لرستان است که مقارن با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بوده. حسینقلی خان شخص سفاک و ستمگری بوده که جملگی رعایا دهقانان از ظلم و ستم او شکایات بسیاری کرده بودند و علیرغم آن همه پیشینه ستمکاری و ناعدالتی که در حق مردم منطقه کرده بود همچنان به حکومت و یکه تازی ادامه می داد).

زن جوانی به نام کاترین اشکدوم که خود را یک شهروند یهودی فرانسوی می داند اخیرا دورانی از زندگی جنجالی اش را در ایران تحت پوشش یک مسلمان شیعه بسر برده است. او که خود را بر خلاف عقاید جمهوری اسلامی یک تحلیل گر وقایع معرفی می کند در ماه مارچ ۲۰۲۲ در یک مصاحبه که با بی بی سی لندن انجام داد گفته بود که من

یک فرد سکولار هستم و عقیده دارم که مذاهب روایت ها را مخدوش می کنند و آنچنان افراطی می شوند که بنیان های سالم یک جامعه که باید بر اساس صلح و مسالمت جوئی باشد هدف نفرت پراکنی ها واقع می شوند. او می افزاید به باور من افراد افراطی که در حقیقت پیرو فاشیزم مذهبی هستند وجود دارند و باعث انحراف عقاید مردم می شوند و از همین منظر است که در بخشی از جوامع ایران مخصوصا افرادی که به جمهوری اسلامی بسیار نزدیک و وابسته هستند یهودی ستیزی در بعد بسیار وحشتناکی وجود دارد.

بهشت مردان

از زمانیکه انسان توانست زندگی خود را بهبود بخشد و جامعه پر جنب و جوششی را پایه گذاری کند دارای حکومت هائی شدند که با توجه به معیارهای آن زمان دارای قدرت و اختیارات گسترده ای بودند. اشرافیت در حد بالائی بر این حکومت ها مستولی و از انجام هزینه های گزاف برای جلا و جبروت خود دریغ نمی کردند.

 برای کسب ثروت همانطور که در قبل اشاره شد با اشاعه جنگ و تجاوز به قلمرو دیگران مال و ثروت بی شمار به یغما می بردند. یکی از مسائل ناهنجاری که در گذشته ها به وجود آمد سنت برده داری بود که طبقه حاکمه و اشراف به واسطه ثروتی که داشتند بیشترین بهره را از آن می بردند اما سایر طبقات مردم که اکثرا از کشاورزان و کسبه خرد و اصناف بودند در این مقوله جائی نداشتند و از دسترنج خود بسیار بهره مند نبودند. در آن زمان برده داری شاید یکی از مهمترین رکن حکومت ها بوده که در سراسر جهان آن روز گسترش یافته بود. حکومت های فاتح درهر جنگی که واقع می شد تعداد بی شماری از زنان و جوانان را به اسارت

گرفته و تحت نام کنیز و غلام در قصر و کاخ های اشرافی از آنها بعضا استفاده های غیر اخلاقی می نمودند.

حکایت برده داری آنچنان در تار و پود جوامع اشرافی مخصوصا حکومت های آنزمان پیچیده شده بود که همگان آن را یک اصل ازلی می دانستند و بر این تفکر بودند که تا زمانی که انسان زنده است برده داری نیز به قوت خود باقی خواهد ماند.

بر همین اساس بود که بعضی از پیامبران صاحب کتاب اصل برده داری را به هیچ وجه نفی نکرده و از آن برائت کامل نشد اگر چه اقداماتی که بیشتر شباهت به پند و اندرز دارد به صورت ضعیفی به آن پرداخته که درکتب مذکور درج گردیده است که آنهم درفصل هائی با تعریف و حکایات بهشت و جهنم در تعارض می باشد و کراهت برده داری را نفی نمی کند.
همچنانکه در عصر حاضرحکومت های اسلامی نظیر آنچه که در ایران بر سر کار است به هیچوجه صراحتاً برده داری را نفی نکردند چرا که در کتب مذهبی اسلامی مسئله برده داری نهی نشده و از نقطه نظر مقامات روحانی نیز مطرود اعلام نمی شود چون آنها پیرو محض سنت های دیرینه اسلامی هستند که در زمان شکوفائی اسلام خرید و فروش برده بسیار رایج بوده است.

دیگر ادیان و مذاهب از قبیل بها در کتاب اقدس مسئله برده داری را تحریم و مذموم برشمرده است, همچنین آیین هندو داشتن برده را باطل می داند. در دهه ۱۹۷۰ برخی از پیروان مذهب هندو به دولت وقت در زمینه ممنوعیت برده داری مساعدت های زیادی به عمل آوردند. در آیین های مسیحیت و یهود برده داری مرسوم بوده و در طول تاریخ هیچگونه

منعی در داشتن برده از سوی رهبران مسیحی و یهود صورت نگرفته است از این رو در کتب عهد عتیق انجیل و تورات با قوانین برده داری روش مسالمت آمیز داشته و به هیچ وجه محکوم نشده فقط در مقاطعی صرفا به نشر پیام هائی در جهت رفتار مسالمت آمیز با بردگان بسنده شده است.
بنابراین رویه و عملکرد ادیان اسلام, مسیحیت و یهود در این رابطه همسان بوده است.

روحانیون اسلامی نیز صرفاً به همان مطالب کلیشه ای که در کتاب‌های مذهبی اسلامی وجود دارد اشاره می کنند که مذهب اسلام در صدد اصلاح کردن قوانین برده داری بوده و از همین رو به مناسبت های مختلف پیروان خود را تشویق به آزاد کردن بندگان خود می کرده است. اما سئوال این است که چرا اسلام به جای آن همه اصلاحیه و قانون مداری در مورد رفتار با بردگان به یکباره آنرا محکوم و غیر الهی اعلام نکرده مگر نه این است که خداوند اهل عالم را یکسان آفریده و هیچ تفاوتی به جز برتری در علم و دانش نباید بین مخلوق خدا باشد.

مسئله مهمی که در این رابطه با برده داری و اصل خلقت انسان در ذهن انسانها به وجود می آید این است که اساسا خدای توانا که بشر را آفریده چگونه می تواند عده ای را مستثنی کرده و به آنها برچسب برده بودن بزند و اینکه باید در خدمت توانگران باشند و نیازهای غیر انسانی آنان را از هر جهت فراهم نمایند.

آیین اسلام مدعی است برای بهبود زندگی بشر به وجود آمده است و تنها با تقوا ترین آن‌ها برترین مردم روی زمین است.نکته اخیر از اصول و قوانین اسلامی است اما از سوی دیگر تلویحا برده داری را پذیرفته و صرفا تشویق به آزاد کردن

آنها می نماید. به نظر اندیشمندان, علما در اجرای قوانین اسلامی همیشه دوگانه عمل کرده‌اند در جائی تشویق به جنگ‌ها و گرفتن اسیران زن و مرد وجود داشته که طبعا منفعت مالی فراوان برای پیروان خود به همراه داشته و در جای دیگر سخن از تقوا و فضیلت آمده است که فقط در آیین اسلام می توان آنرا یافت.

از نظر اخلاقی اندیشه برده داری در تعارض با نظام خلقت است و اگر یک دستورالعمل آسمانی و مستند وجود می داشت به طور قطع پدیده برده داری در آن مذموم تلقی می گردید ولی از آنجاییکه مکاتب مذهبی آن را به عنوان یک اصل پذیرفته و فقط اکتفا به توصیه و آزاد سازی برده نموده اند این مطلب را می رساند که ادیان از جانب خدا نبوده است و تنها از سوی پیشگامانی بوده که داعیه اصلاحات جوامع را در سر داشته اند و بر همین اصل وجود برده داری را به عنوان یک پدیده مرسوم در جوامع آنروز قبول کرده اند.

علیرغم توسعه علوم و اخلاق انسانی در جوامع امروزی مسئله برده داری به شکل و نوع دیگری مرسوم است. مردمان بسیاری در دنیای امروز وجود دارند که تحت شرایط بد زندگی ناگزیر از تحمل این پدیده هستند که برایشان تحمیل می شود. در بعضی از کشور های خاورمیانه و در میان سرزمین اعراب حقوق انسان های زیادی به علت قومیتشان نادیده گرفته می شود و در جامعه ای که زندگی می کنند عملا یک شهروند درجه دو یا سه به حساب می آیند واز سایر حقوق مادی که دیگر افراد جامعه برخوردارند محروم می باشند.

در کشور های ثروتمند عربی خدمت کارانی از کشورهای جنوب شرق آسیا وجود دارند که غیر مسلمان هستند اغلب

اینان با ساعات کار طولانی و حقوق ناچیز کمتر از ۱۵ دلار روزانه در خانواده های ثروتمندان مشغول به کار می باشند. همچنین در بعضی از کشور های آسیائی دختران و زنان جوان در دام خلاف کاران بین المللی می افتند که با ترفند های مختلف از این زنان بهره برداری جنسی می کنند.

قسمت اعظم از درآمد زنان کارگر جنسی به جیب افراد تبهکار رفته و در موارد بسیاری آنان نیز تحت اذیت و آزار قرار گرفته اند. اگر چه پدیده روسپی گری در بسیاری از جوامع امروز امری اجتناب ناپذیر است و اصولا طریق مدون و کارآمدی برای مبارزه با آن وجود ندارد ولی زنان کارگر جنسی حداقل این حق را باید داشته باشند که از سوی دولت های متبوعه تحت مراقبت های مدنی و پزشگی قرارگیرند تا امنیت انسانی این گونه افراد بازیچه دست افراد نابکار نگردد.

حکایت بالا نشان از نوعی برده داری مدرن در دنیاست و به دلیل مشگلات انبوهی که دولت ها دارند کمتر به این گونه ناهنجاریهای اجتماعی می پردازند.دستاورد های بشر در زمینه تکنولوژی و اختراعات بسیار شگرف بوده و چه نیک می بود که در زمینه اخلاق انسانی همین گونه عمل می گردید و توجه بیشتری به انسانیت مبذول می شد.

در این رابطه مماشات و ندیده گرفتن قبح داشتن کنیز و برده همین بس که ملایان به نقل از کتاب‌ها و منابع اسلامی گذشته برای پیروان دین حکایات شیرین نقل می کنند و آن‌ها را با وعده های دلچسب امیدوار می سازند.

در این گونه حکایات به افراد مسلمان وعده های پاداش گونه در بهشت داده می شود که کنیزان , غلامان (برده های بهشتی) و زنان صاحب جمال تحت نام حوری تا ابد در خدمت

آنان خواهند بود. در جای دیگر بعضی از ملایان اسلامی که دستی در تالیف کتب دارند پاداش های بهشت را به وجه خیلی مبالغه آمیز برای خوانندگان به تصویر می کشند مثلا اینکه یک لحظه آمیزش جنسی در بهشت برای مردان مدت ۴۰ سال به طول می انجامد (از نوشته های آیت اله دستغیب شیرازی).

در بهشت توصیف شده در کتاب های مذهبی منحصرا صحبت از پاداش ها ی جنسی و خوراک های ماکول دارد که به افراد واجد شرایط و فقط به مردان اعطا می شود و زنان از این گونه حقوق های بهشتی محروم هستند. این گونه پاداش ها که بسیار هوشمندانه طراحی شده است در واقع یک نوع انگیزه مادی بوده و فقط به مردانی وعده داده می شد که در گذشته عازم جنگ های مذهبی بودند.

از نقطه نظر صاحبان قلم دلیل اینکه پاداش های جنسی از سوی ملایان برای زنان بیان نمی گردد همانا نگرش متفاوت آنان نسبت به زن است که عقیده دارند زنان در زمره یاران شیطان قرار دارند و حتی در حدیث هائی از قول پیامبر جعل کرده و می گویند که در جهنم نگریستم اکثریت از زنان بودند.

در واقع زن ستیزی از سوی روحانیون دین اسلام منحصر به یکی دو تا نبوده و حتی امروزه مشاهده می کنیم که در قوانین مذهب اسلام حقوق زنان نیم حقوق مردان است که این مسئله در تعریف ارث و قوانین و در کتب مذهبی بسیار مشهود می باشد و یا در جای دیگر قوانین ازدواج و طلاق که بیشتر در انحصار مردان است. از جمله اینها می توان به حق انحصاری مردان در امر ازدواج همزمان با ۴ زن و همچنین حق آمیزش جنسی مکرر با زنان تحت قوانین صیغه نام برد.
در رابطه با حقوق زنان متاسفانه باید اذعان داشت که

مطالب بسیاری وجود دارد که در کتب مذهبی از قبیل قرآن به آن اشاره شده است به عنوان مثال می توان از حق کتک زدن زنان توسط مردان اسم برد که این مسئله به هیچوجه در جامعه امروزی قابل قبول نیست اینکه زن به علت نافرمانی از شوهر مستحق کتک باشد. این ها از جمله معضلات جامعه مسلمانان است که رهبران دینی باید در باره آن اندیشه و دست به اصلاحات لازمه بزنند.

محمد باقر مجلسی یک روحانی در عصر صفویان و در قرن یازدهم سال شمسی در اصفهان می زیسته است. او یکی از مروجان مکتب شیعه در اسلام است که توسط امام جعفر صادق در قرن هفتم میلادی پایه گذاری گردید (اگر چه بعضی از علما وجود شیعه را بعد از درگذشت پیامبر اسلام می دانند) که برای قرن‌ها در تقابل با دیگر شاخه های اسلام بوده است. مجلسی از جمله در یکی از کتابهای مشهور خود به نام بحار الانوار به نحو مبالغه آمیزی در توصیف بهشت و بهشتیان می گوید هر فردی که منکر بهشت باشد کافِر و جای او در جهنم است.

مجلسی سعی می کند که با تهدید, خوانندگان را بهراسد, ترسی که تا آخر عمر با آنان زیسته و ناچار به قبول قوانین شرع اسلام باشند. آنان در کتب مذهبی خود به انحا و بهانه های گوناگون ترس را در خوانندگان گسترش می دهند. او ترس را برای خوانندگان خود القاء می کند ترس از مرگ, ترس از مجازات های جهنم, ترس از خدا و این گونه مطالب هراس انگیز تمامی ندارد زیرا که ملایان به این موضوع واقف هستند اگر ترس را از مسلمانان بگیرند آنها دیگر تسلیم گزافه و خرافه گوئی ملایان نخواهند گردید. مسلمانان قریب به صد ها سال است که با واژه ترس خو گرفته اند و این مسئله اینک به امری عادی تبدیل شده است.

پدیده ترس از نظر روان شناسی نکته بسیار مهمی است که می تواند در خیلی از افراد تاثیر منفی بگذارد و آنان را ناخواسته تسلیم به قبول نظریات غیر واقع بکند مخصوصاً افراد کم سواد که درک عمیق و درستی از دین, جامعه, زندگی و دنیای خود ندارند. احساس ترس و بیم کم و بیش در همه انسان‌ها وجود دارد و اگر این احساس تقویت شود راه نفوذ نیز گشوده خواهد شد. به این ترتیب به فرد قبولانده و القا می شود اگر توصیه های دینی را نپذیرید آتش جهنم سوزان و لهیب آن دامنگیر تان خواهد شد و تا ابد در آن زندگی فاجعه باری خواهید داشت.

در رابطه با جهنم و عذاب های دهشت آور که تشریح شده است گناهکاران در آتش عظیم دوزخ روزانه دهها بار سوزانده خواهند شد و یا گرفتار جانوران وحشتناک از قبیل مار و افعی و اژدها می گردند. تشریح اینگونه توهمات در افراد ترس ایجاد می کند و بشرذاتا هراس دارد و ترس یک احساس ناخودآگاه است که به سراغ همه می آید. بسیاری از خلافکاران در جوامع وجود دارند که با ایجاد ترس در فکر سواستفاده می باشند.

گاهی اوقات والدین کودکان خود را از یک هیولای خیالی می ترسانند چون که می خواهند کودک را از انجام عملی باز دارند. تصورش را بکنید یک دزد در یک خیابان خلوت و در هنگام تاریکی به منظور سرقت جلوی شما را سد کند و با در دست داشتن یک سلاح سرد مثل چاقو تهدید به کشتن کند مواجه شدن با این گونه مسائل برای بعضی ها ترسناک است و ممکن است که فرد تسلیم تهدید شخص زورگو گشته و خواسته نامشروع او را برآورده نماید.

القای وجود جهنم خیالی به طور قطع به خاطر ترساندن

است اینکه افراد از انجام بزهکاریها منع شوند و ایجاد ترس بهترین شیوه ای بوده که ملایان اسلامی به کار گرفته اند. مسئله ایجاد ترس بیشترین تاثیر را در افراد داشته است مخصوصا طبقه عوام و کم سواد که همیشه در محاصره انواع و اقسام خرافات بسر می برند.

مجلسی در جای دیگری می نویسد که شما اگر از کیش و آیین شیعه باشید به مراتب بهتر از دیگران از نعمات بهشت برخوردار خواهید شد و حتی از جانب خدا می گوید سعی بر این است که از شیعیان کمتر کسی وارد جهنم شود و از همین رو است که خدا مجازات های حداقل از قبیل فشار قبر , سختی در جان دادن را بر شیعیان روا می دارد تا از گناهان آن‌ها کاسته و روانه جهنم نگردند.

سایر ملایان شیعه نیز همین تمثیلات را به گونه دیگری مطرح می کنند به عنوان نمونه اگر شما در مراسم های زیارتی , عزارداری دعاهای مخصوی را دهها بار تکرار نمایید و یا اگر یک نماز مخصوص را روزی چند بار بخوانید و هزار صلوات در روزهای معینی بگویید کلیه گناهان شما بخشیده خواهد شد. اینان به مومنان شیعه اینطور القاء می کنند که شما می توانید مرتکب گناه شوید اما اگر احکام ذکر شده بالا را انجام دهید گناهانتان بخشوده خواهد شد.

مجلسی در توصیف بهشت می گوید هشت طبقه است و برای هر یک نیز نمای خیره کننده ای بیان می کند او همچنین به طرز حیرت انگیز و عجیبی برای خوانندگان کتابهایش فواصل بین ساختمانها و قصر های بهشتی را به میزان ۵۰۰ سال راهپیمائی ترسیم می کند و یا در باره بزرگی قصر ها می گوید که یک مرکب سوار باید یک روز اسب براند تا از ابتدا و انتهای قصر خارج شود.

مجلسی از آنجائیکه آشنائی به اصول اولیه و ساده ریاضیات نداشته نتوانسته فواصل را به متر یا کیلومتر تخمین بزند و از این رو از فرمول اسب سواری و یا چند صد سال راه رفتن به عنوان واحد اندازه گیری استفاده می کند. او می گوید حصار و دیوار هائی که در میان قصرها وجود دارد تماماً از طلا و نقره ساخته شده‌اند درب های قصر تماما از یاقوت درست شده و وسعت درب های بهشت را دگر بار با ابعاد پانصد سال راه پیمائی اندازه گیری می کند. از آنجائیکه انسان ذاتا به جواهرات گرانبها علاقمند است و آرزوی آن را دارد که صاحب مقداری از آن بشود مجلسی با سخاوت فراوان قصرهای از جنس طلا و یاقوت به مومنان البته پس از مرگ تقدیم می کند.

او در توصیف کشتی های بهشتی می گوید تمام از یاقوت درست شده و آن چیزی که کشتی را می راند از مروارید است اما او دچار مشگل بزرگی نیز بوده و نتوانسته تشخیص دهد که چه منبعی کشی را می راند آیا موتور , بادبان و یا پارو زنانی هستند که کشتی را می رانند؟

همانطور که در بالا اشاره شد مجلسی برای شیعیان ارجحیت مخصوصی قائل می شود و آن‌ها را از سایر مسلمانان منفک می سازد و می گوید که شیعه پس از مرگ برایش دو بهشت ویژه وجود دارد که نام های آنها جنت النعیم و جنت المادی است. او همچنین در توصیف زمین بهشت آنرا پوشیده از گل های زعفران, و سنگریزه های مروارید می داند.

مجلسی با چنین توصیف هائی و با استفاده از نام های طلا و مروارید و یاقوت که مورد علاقه مردم است خواسته که آنان

را اغوا و به سوی دین جلب نماید. او همچنان تعریف و توصیف های دیگر از بهشت برای خوانندگان خود به نمایش می گذارد از آنجمله درختان دارای تنه طلا و شاخه هائی که از جنس مروارید هستند یا اهل بهشت نیازی به آن ندارند که به سوی غذا بروند بلکه طعام و ماکولات خوشمزه به سراغ آنان می آید. به عنوان مثال او از مرغ هائی بریان شده سخن می گوید که پرواز می کنند و به سوی بهشتیان می آیند و آنان را ترغیب به خوردن گوشت کباب شده می کنند.

مجلسی همچنین از سوی فرد دیگری که گویا برای چند روزی به بهشت رفته بود نقل می کند که او در گوشه ای از قصر بهشتی داخل استخری شده که نه تنها مو های زاید بدن او را زدوده بلکه موی سر و محاسن نیز اصلاح و مرتب شده است. در این رابطه ملائی نیز چنین اظهار می دارد که شبی در خواب می بیند که وارد باغی گردیده که حوضی از آب زلال وجود داشت و دختران عریان دور تا حوض نشسته و رئیس آنها یک دختر بسیار زیبائی بوده است.

مجلسی همچنین به نکته بسیار جالب دیگری اشاره می کند اینکه مومنان بهشتی نیاز به عبادت و خواندن نماز ندارند و بر هیچکس واجب نیست که احکام دینی و مذهبی را اجرا نمایند. نکته اینکه مسلمانان اگر در دنیا احکام نماز را به جا نیاورند پس از مرگ به مجازات های سنگین در جهنم تنبیه خواهند شد. او مشخص ننموده چرا احکام خدا در این دنیا واجب و در بهشت غیر واجب است. او همچنین در باره موسیقی و نوشیدن شراب سخن می گوید اینکه هروقت بخواهند می توانند از آن‌ها بهره مند شوند. او در توصیف حوریان و زنان زیبای بهشتی سخن می گوید که دارای سینه های برجسته و گرد و زیبا هستند و در هنگام همخوابگی هیچوقت بکارت خود را از دست نمی دهند.

در یکی از کتب مذهبی قد حوری هفتاد ذرع قید شده است (هر ذرع برابر با یک متر و چهار سانت است و با این حساب قد حوری بیش از ۷۲ متر بوده است و چنین به نظر می رسد نویسندگان این گونه نوشتار ها مبنای ریاضی بسیار ضیعفی نیز داشته اند و نمی توانسته اند قد و اندازه حوری و قصر و دروازه ها را به درستی محاسبه کنند) او مدت زمان لذت از حوری را هفتاد سال می شمارد اما یکی دیگر از روحانیون شیعه به نام دستغیب شیرازی این مدت را سی سال تقلیل داده و به چهل سال رسانده است (باز در اینجا تاکید ملایان بر لذت و کامجوئی بوده تا بتوانند افراد را شیفته و جذب اسلام نمایند). در پایان مجلسی از قول پیامبر اسلام می افزاید که هیچکس قبل از شیعیان وارد بهشت نخواهد شد.

جرجی زیدان نویسنده مشهور لبنانی در تاریخ تمدن جلد پنجم صفحه 103 می گوید: پیروان هر دینی دوست دارند احکام مذهبی را مطابق میل خود تفسیر و تاویل نمایند به عنوان مثال می توان از اختیار کردن ۴ زن توسط مردان نام برد. لازم به ذکر است که در قوانین اسلامی به مرد مسلمان اجازه داده می شود که علاوه بر حق داشتن صیغه های متعدد (ازدواج موقت) با چهار زن ازدواج دائم نماید.

زنان نیمی از مردم جهان هستند اینکه در کتب ادیان, زن نقش پیامبر را ندارد باعث سئوال است که خداوند به چه دلیل پیامبران را از میان مردان انتخاب می کرده است آیا جز این است که بگوییم نویسندگان و بانیان مذهب مردان بوده اند که در یک جامعه مردسالاری زندگی می کرده اند و زنان همیشه نقش درجه دوم را به عهده داشته اند؟ برهمین اساس زن نمی توانسته یک پیامبر باشد در حالیکه ما همه به یک خدای عادل و مهربان قائل هستیم که انسانها را از یک بطن و ریشه آفریده است.

بر طبق اصول و تعریف های یک نواخت در کتاب‌های شیعه و سنی, خداوند فقط مردان مومن را را وعده بهشت می دهد بهشتی که در آن مردان می توانند شراب بنوشند و با زنان زیبای حوری عشق ورزیده و کامجوئی کنند و یا از کاخ و قصر های باشکوه جواهر نشان استفاده و لذت ببرند و غذا های مأکول صرف کنند و میوه های همیشه تازه میل نمایند و صاحب غلام و کنیزان متعددی باشند.

همچنین یک مرد مسلمان از خود ممکن است که سئوال کند برخی از نعمت های بهشتی که در روی کره زمین وجود دارد فقط اغنیا می توانند بهره مند گردند و فقرا می بایست نظاره‌گر باشند. در پاسخ به آن‌ها گفته می شود که این نعمات در دنیا جزو منکرات و از گناهان کبیره محسوب می شود اما در این دنیا مومنان اگر پرهیز کار باشند می توانند با کمال آزادی از نعمات ممنوعه و منکرات در آن دنیا استفاده نمایند. اینکه منکرات در دنیا تبدیل به نعمات در آن دنیا شود معمای بزرگی است که فقط ملایان می توانند آنرا پاسخ داده و کشف نمایند.

در کنار بهشت, وعده جهنم برای کسانی داده می شود که منکر خدا باشند و یا اینکه دین اسلام را قبول نکنند و یا از منکرات دنیا مثل شراب استفاده نمایند. در رابطه با پذیرش دین اگر چه در کتاب قرآن ذکر شده است که در انتخاب دین اجباری نیست اما ملایان اصرار بر مجازات افرادی دارند که از قبول دین اسلام خودداری نمایند چون بنا بر روایات اسلامی افراد کافر مستحق مجازات هستند و یا اینکه اگر فردی آیین های غیر از اسلام را قبول کند به جهنم خواهد رفت.

در دیگر ادیان غیر از اسلام روایات گوناگونی پیرامون بهشت و جهنم به پیروان خود ارائه نموده اند اگر چه تماما آنها از یک

نظریه پیروی می کنند ولی گاها تفاوت هائی با یکدیگر دارند. به عنوان مثال در مذهب یهودیان اعتقاد بر این است که افراد شرور به جهنم نخواهند رفت و زندگی آنها با مرگ پایان می پذیرد

در آیین های منشعب شده ازهندوئیسم از قبیل بودا برخی به مسئله تناسخ عقیده دارند اینکه بشر پس از مرگ روحش در قالب جسم جدید به دنیا برمی گردد ولی شاخه های دیگری از آیین هندو یا زردتشتیان معتقد به بهشت و جهنم می باشند و همانند مسلمانان و دیگر مذاهب عقیده دارند که افراد نیکوکار به بهشت و بدکار به جهنم روانه خواهند گردید.

همانطور که در بالا ذکر شد مطرح کردن بهشت و جهنم در کتب ادیان خیلی هوشمندانه ساخته و پرداخته شده است مخصوصا در آن دورانی که جنگ و ستیز های فراوان بین اقوام و قبایل وجود داشت و این خود یک قوه محرکه بسیار سازنده ای بوده است که خیلی از مردان را جذب و روانه جنگ می نموده است.

در آن ایام برای تهییج مردم به جنگ وعده غنائم فراوان داده می شد اینکه دختران و زنان زیبای خصم را می توان به بردگی و در خدمت نیازهای جنسی گرفته و یا در صورت کشته شدن از نعمات بهشت برخوردار گردید. بنابراین پیام ملایان به مسلمان عازم جنگ این بوده که در هر دو حالت خواه پیروزی یا کشته شدن نعمت های بهشتی برایتان مهیا خواهد بود.

اما واقعیت تلخ با این گفتمان ها خیلی فاصله دارد بهشت و جهنم همین جا در زندگی و در دست انسانها است که با به

وجود آوردن جنگ و کشتارهای دسته جمعی جهنمی سوزان برای مردم به پا کرده اند در صورتی اگر صلح و سازندگی را پیشه کنند جهنم فوق تبدیل به بهشت خواهد شد. در حقیقت خدای همه انسانها به مردم جهنم و بهشت آنچه که ملایان می گویند عرضه نکرده بلکه این دنیای بزرگ را هدیه داده تا انسانها با کار و کوشش خود و با صلح و همزیستی آن را تبدیل به بهشت کنند.

شخصی در انتقاد به مطرح کردن پاداش های بهشتی برای مسلمانان می گفت ادیان در این دنیا قادر نیستند که خواسته های مردم را برآورده کنند اما وعده های شیرین و وسوسه انگیز در آن دنیا می دهند و این نشان دهنده آن است که قصد گریز از پاسخگوئی را دارند. روحانیون راه حلی برای معضلات, بیکاری, فقر و مصائب مسلمانان ندارند و در نظر ندارند که هیچگونه مسئولیتی در قبال مسلمانان به عهده بگیرند.

آنها پاسخ هر گونه مشگلی را در دنیای دیگری می جویند چرا که می خواهند به سادگی از کنار مسائل مسلمین بگذرند. آنها دربیان ادله خود ناتوان می باشند و از همین رو نمی توان به اینان اعتماد کرد و اصولا گفتارشان در باره بهشت و جهنم تماما از تخیلات واهی و بیهوده سرچشمه می گیرد.

منتقدی در تهران پایتخت کشور ایران از زندگی حال بعضی از مقامات جمهوری اسلامی می گوید که در خانه های مجلل و در بهترین محیط از شهر زندگی می کنند اتومبیل های آخرین سیستم سوار می شوند ولی ناتوان از اداره کشور هستند. یکی از این مرفه های بی درد در پاسخ به اعتراض مردم می گوید که مردم یمن با یک لنگ و تکه ای نان زندگی را می

گذرانند. (اشاره به علی اکبر ولایتی از مشاوران نزدیک آیت اله خامنه ای)

برطبق گفه و آمارهای رسمی ادارات دولتی, نیمی از مردم در زیر خط فقر زندگی می کنند یعنی این دسته ازمردم در اداره معیشت خود و اهل فامیل دچار مشکلات جدی می باشند و در مواجه با گرانی روز افزون و تورم بالا درمانده شده اند و از همین رو گاهگاهی سر به شورش بر می دارند اما در پاسخ گلوله های آتشین دریافت می کنند.

در جریان شورش سال ۲۰۱۹ برابر با ۱۳۹۸ شمسی در تهران و بر طبق گزارشگران جوامع مدنی قریب ۱۵۰۰ نفر در آبان ماه کشته و تعداد زیادی زخمی و مجروح برجای ماند و علاوه برآن عده کثیری از جوانان دستگیر و زندانی گردیدند. در حادثه اخیر خسارات قابل توجهی به اموال دولتی وارد آمد که دولت وقت مسئولیت آن را به گردن شورشیان انداخت در حالیکه ویدئو و فیلم های چندی در فضای مجازی پخش گردید که حاکی از دخالت ماموران لباس شخصی در تخریب اماکن بود.

در رابطه با زندگی اشرافی مقامات مسلمان تنها نمی توان به کشور ایران بسنده کرد و با یک جستجو و نگرش کوتاه می توان این اشرافیت را در جاهای دیگر و مناطق مسلمان نشین و در قاره آسیا پیدا نمود. درکشورهائی نظیر امارات و عربستان شاهزادگان سلطنتی در قصر های مجلل زندگی می کنند گاهی اوقات برای خریدن اشیای مورد علاقه خود میلیون ها دلار در کشور های غربی به ویژه انگلستان پول خرج می کنند.

بهترین خانه های اشرافی با مساحت بسیار در اروپا که در

میان درختان سرسبز محصور هستند با نام شاهزادگان عرب در ارتباط است. برخی از شاهزاده های عربی هنگام مسافرت در هتل های گران قیمت با خدم و حشم به سر می برند و از فروشگاه های لوکس و گران قیمت شهر خریداری می کنند اغلب نیزدر طی اقامت جهت خوشگذرانی سری به کازینو های شهر نیز می زنند.

 در سال ۲۰۱۵ قصر متعلق به لوئی چهاردهم که درفرانسه است توسط یکی از شاهزادگان عربستان سعودی به مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار خریداری شد که درب های ورودی آن از جنس طلا ساخته شده است.

یک کشور کوچک مسلمان که به نام بروئنی Brunei شهرت دارد جزیره ای است که در همسایگی اندونزی و فیلیپین واقع شده. سلطان این جزیره نفتی ثروتمند در کاخ باشکوه و مجللی روز را به سر می کند که دارای ۱۸۰۰ اتاق است. از ویژگی های این سلطان همین بس که علاقه و اشتهار زیادی به زر دارد و از همین رو تمام ظروف و سرویس های غذاخوری او از طلا می باشد, حتی هواپیمای شخصی او نیز با میلیون ها دلار طلا و جواهرات زینت داده شده است.

 مطابق اخبار چاپ شده در مطبوعات خارجی حسن البلقیه سلطان بروئنی نیز یک کلکسیون گران قیمت از اتومبیل های لوکس دارد که به تعداد چهار هزار و ارزش آن به چهار میلیارد دلار تخمین زده شده است.
 سلطان مذکور در استفاده از زنان زیبا در حرمسرای خصوصی خود گوی سبقت از سلاطین عثمانی را ربوده است و جالب اینجا است که او موافق سرسخت اجرای قوانین شریعت اسلام از جمله گردن زدن مجرمین, سنگسار کردن زنان به جرم زنا (داشتن رابطه نامشروع با غیر از

همسر) و بریدن دست دزدان است و در همین رابطه بعضی از سران اروپائی و فعالین حقوق بشر او را به خاطر اجرای قوانین بدوی اسلامی سرزنش بسیار کرده اند و اظهار داشتند که در عصر مدرن امروزی چنین روش های قرون وسطائی نباید در دنیا الگو شود.

زن از منظر مبلغان اسلامی

طلبه ملائی به نام سید کماالدین مرتضویان که خود را ملقب به فارسانی می داند و در دوره قاجار می زیسته در یکی از نوشتار های سخیف خود به نام ام الفساد به طور تمام و کمال به تکفیر و مذمت و هجو زنان پرداخته است. او معتقد است که زنان برای دو کار خلق شده اند که اولی زاییدن اولاد و دوم برای اطفای شهوت مردان است. مرتضویان یکی از دلائل اینکه زن را مادر فساد دانسته این چنین شرح می دهد. حوا هنگامیکه آفریده شد چون شهوت پرست بوده با نافرمانی از خدا و خوراندن میوه ممنوعه به حضرت آدم باعث شده که هر دو مجازات و به زندگی در روی زمین محکوم شوند.

مرتضویان در نوشته اش و در هر صفحه برای مذمت شمردن زن حدیث های مجعول و ساختگی آورده است که منتسب به پیامبر یا دیگر امامان و روحانیون و ملاهای عهد گذشته است. به عنوان مثال او از محمد پیامبر حدیثی نقل می کند که زنان پیرو شیطانند و یا رابط بین شیطان و مردان هستند و اینکه خطرناک ترین زنان همسران شمایند که همخوابه و مملوک تو هستند. کمال الدین مرتضویان به معنای دیگر دختر محمد یعنی فاطمه که بسیار مورد علاقه پیامبر بوده و او را دوست می داشته است و به عقد علی در آورده است از جمله زنانی می شمارد که ام الفساد قلمداد می شوند(ص

۸ ام الفساد). در کتاب ام الفساد این مرد نادان (مرتضویان) حتی به مادرش که او را از بطن خود به دنیا اورده توهین کرده و او را دشمن و همراه با شیطان می داند.

در کنار این الفاظ توهین آمیز نسبت به بانوان می بایست از خشونت فیزیکی علیه زنان یاد کرد. خشونت علیه زنان مختص جامعه مسلمانان نمی باشد و در جوامع اروپا و امریکا یا افریقا پدیده کتک زدن زن توسط همسران وجود دارد. یک روحانی اسلامی به نام مجلسی که مولف کتابهائی از قبیل بحار الانوار می باشد تفسیر جالبی درباره مطلب منتشره در قرآن دارد او می نویسد اینکه در کتاب قرآن بر این موضوع صحه گذاشته شده است معنی و مفهوم آن این است که اگر زنان شما نافرمانی کردند بعد از ۲ اخطار زبانی چنانچه مسئله حل نشد در مرحله سوم آنها را کتک بزنید منتها نه به صورت شدید بلکه با دست به آنها ضربه سبک بزنید.

جرجی زیدان در جلد ۴ ص ۲۲۲ تاریخ تمدن اسلام نقل می کند یکی از دلائل اینکه عناصر مذهبی زنان را در زمره افراد درجه دوم می شماردند تاثیرپردازی رهبران اسلامی در طول تاریخ بوده است به عنوان مثال بعضی از خلفای اسلامی همیشه به دیگران تاکید می کرده‌اند که رشته امور را به دست زنان نسپارید زیرا زنان فتنه انگیزند همانند منصور خلیفه عباسی که به پسرش تاکید می کرده که زنان را در کارها مداخله مده و یا دیگر خلیفه مسلمین علی به طور مکرر مشورت با زنان را نهی می کرده است و یا دیگری به نام هادی تهدید به کشتن کسانی می نماید که زنان را به مشاوره بطلبند.

سید کمال حیدری از استادان مشهور حوزه علمیه شهر قم در ایران می گوید: که در قرآن تمام خطاب ها به افراد از

جنس مذکر است و زنان به هیچ وقت طرف خطاب نمی باشند. با توجه به اینکه خداوند مرد و زن را از یک جنس آفریده است اما در قرآن اشاره ای به زن نمی شود. اگر چه حیدری به طور صریح این مطلب را موشکافی نمی کند اما مشخص است که نگاه روحانیون اسلامی به زن همیشه با تبعیض و عناد بوده است.

دلائل زن ستیزی در دین اسلام بیشتر ناشی از داستان افسانه آفرینش بوده که در آن گفته شده حوا از دستور الهی مبنی بر نزدیک نشدن به درختی سرپیچی کرده و در عین حال از میوه آن تناول نموده است. حوا همچنین آدم را تشویق به خورده میوه درخت نموده و به همین سبب آدم مورد سرزنش واقع می شود که چرا به توصیه حوا گوش کرده است. ملایان و کج اندیشان مذهبی ادیان در گذشته همواره در پی آن بوده اند که مقام زن را به پایین ترین حد ممکن تنزل دهند و از این رو بوده است که دست به جعل روایات و داستانهائی از قبیل حوا و ماجرای درخت سیب زده اند.

در متون مذهبی و تاریخ گذشته باستان داریم که چگونه مسیحیان علاوه بر خواهان تسلط بر جوامع یهود نسبت به کاهش فعالیت زنان کوشا بوده‌اند و در اجرای این امر نیز جنایاتی مرتکب شده‌اند که از آن جمله می توان به قتل زن دانشمند به نام Hypatia نمود که استاد ستاره شناسی در مصر باستان بوده که شاگردان بسیاری داشت و کپلر دانشمند معروف نظریه او را در زمینه گردش ستارگان و سیارات منظومه شمسی مستدل دانست.

در طول تاریخ, علمای مذهبی مسیحی و اسلامی تلاش های بسیاری کرده‌اند که زنان مصدر کار نباشند و اگر چه در

جوامع کنونی که دین مسیحیت حاکم است این موضوع در باره زنان به مقدار متنابعی کاهش پیدا کرده اما در جوامع مذهبی اسلامی با توجه به شدت حاکمیت و استبداد اسلامی, زنان شهروندان درجه دوم محسوب گشته از حقوق مدنی که مردان برخوردارند محروم هستند که در باره جزئیات آن می توان به تفضیل سخن گفت.

بدبختانه در طول تاریخ, مذهبی های متعصب اسلامی نشان داده اند که با پیشرفت زنان در رابطه با تحصل سر عناد دارند و به هیچوجه حاضر نبودند که فرزندان دختر را برای کسب علم و دانش روانه مدرسه کنند.آنها حتی در عصر حاضر در مقابل قوانین تحصیل اجباری برای بچه ها تمکین کرده و به بهانه های متفاوت از قبیل به به اجرا در آوردن قوانین شرعی و ازدواج زودرس دختران بین سنین ۹ تا ۱۲ سال از تحصیل آنان جلو گیری می کنند. به عنوان نمونه در افغانستان ملایان حاکم بر کشور تحصیل دختران را بر طبق احکام اسلامی جایز نمی دانند.

عناصر مذهبی متمکن که در جوامع کشور های غربی زندگی می کنند با امکاناتی که دارند مدارس مخصوص اسلامی تاسیس می کنند و از رفتن دختران به آموزشگاه های دولتی جلوگیری می کنند که در بعضی مقاطع دولت های غربی مجبور می شوند که قوانین سخت تری نسبت به رفتار والدین اعمال کنند چرا که اگر خانواده ای مذهبی ترجیح داده که در غرب زندگی کند باید مطیع قوانین حقوق بشر و آموزش و پرورش آن کشور باشد.

ازدواج زودرس دختران یکی دیگر از معضلات جوامع اسلامی است. آنها عقیده دارند چون دختران در سن نه سالگی بالغ می شوند باید تابع قوانین اسلامی باشند و آمادگی دارند که

وظایف همسری را به عهده گرفته و ازدواج کنند. این گونه ازدواج در جوامع سنتی و عقب افتاده متاسفانه رایج است و دولت های محلی نیز بعضا با سکوت خود صحه بر این گونه کارها می گذارند.

مطابق آمارهائی که از طرف یکی از خبرگزاریها در داخل ایران در سال ۲۰۲۱منتشر گردیده است قریب به ۱۰ هزار مورد ازدواج دختران ده تا چهارده سال انجام شده است. جالب توجه است که این گونه آمار ها در مراکز رسمی کشور نیز به ثبت رسیده است . همچنین برطبق گزارشات منتشر شده, بسیاری از ازدواج های زودرس به ثبت نمی رسند و آمار چنین ازدواج هائ بسیار بالاتر از ارقام ثبت شده می باشد.

در بعضی موارد والدین, دختر نو بالغ خود را به افراد سنین بالاتر شوهر می دهند که در میان آنان ۵۰ تا ۷۰ ساله وجود داشته است. بنا بر گزارش مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۰۶ منتشر گردید حدود ۱۵۰ میلیون دختر زیر ۱۸ سال از طریق ازدواج با سالمندان وادار به ارتباط جنسی گردیده اند.

در کشور های اروپائی از قبیل آلمان مسئله ازدواج دختران نو بالغ همیشه مورد بحث مقامات کشور بوده است. اگر چه در آلمان قوانین ازدواج تصریح نموده است که ازدواج زیر ۱۸ سال اکیدا ممنوع است اما برطبق گزارشات فعالین حقو ق بشر کمابیش ازدواج های زیر ۱۸ سال در این کشور انجام می گیرد که در مواردی دولت نسبت به فسخ آنها اقدام نموده است.

پیرو همین گزارش و در رابطه با سازمانهای زیربط, ختنه دختران در جوامع اسلامی یکی دیگر از مصائب و بدبختی

های دنیا است. مطابق آمار منتشر شده از سازمان یونیسف درسال ۲۰۰۰ فقط در آفریقای جنوبی, مصر, سودان سالانه ۳ میلیون دختر ختنه می شوند. آمارهای بالا از این سنت غلط نیز در سایر نقاط جهان بسیار تکان دهنده است که توسط سازمان بهداشت جهانی منتشر گردیده است. اعمال ختنه باعث می شود که زنان همانند مردان از مسائل زناشوئی کامیاب نگردند.

علم و قرآن

اصولا از نظر یک صاحب تفکر, علم مطلبی است که به واسطه آن شخص به مبحثی که نامعلوم یا مبهم بوده آگاهی پیدا می کند. علم می تواند در باره هر موضوعی باشد درباره اجرام آسمان در باره جانوران در باره محیط زیست, انسان ها و درباره باور و اعتقاد های مردم چه از نقطه نظر مذهبی و یا غیر مذهبی این می تواند تعریف علم تلقی شود. بنابراین به طور کلی می توان علم را نوعی آگاهی دانست.

نکته مهمی که در رابطه با علم وجود دارد یک عالم یا فردی که به علم مربوطه احاطه و آگاهی دارد اگرچه قادر است که پندار و گفته هایش را در معرض دید دیگران قرار دهد و یا به صورت کتاب منتشر کند اما نمی تواند به اجبار اگاهی های خود را به دیگران بقبولاند بنابراین عالم مربوطه اندیشه های خود را به صورت مکتوب نشر و عرضه می نماید که ممکن است مورد توجه خواننده قرار بگیرد و از این منظر عده ای را جذب مطالب خود نماید و یا اینکه احتمال دارد که نتیجه معکوس داشته باشد.

اینکه نویسنده کتاب بخواهد شخص مخالف خود را تهدید

کند به اینکه اگر نظر و نوشته های او مورد قبول واقع نشود ممکن است مردم دچار حادثه شوند و یا مورد لعن و نفرین قرار گیرند اصولا خارج از اخلاق و کرامات انسانی می باشد. بنابراین می خواهیم نتیجه بگیریم که خداوند, خالق تمام هستی در جهان و با آن همه دانش اعجاب انگیز اگر کتابی توسط پیامبران برای ارشاد و راهنمائی مردم فرستاده است چگونه امکان دارد که مخلوق خود را تهدید به عذاب کند این اصلا با منطق خدا که صاحب کرامات و فضایل بی شمار است منطبق نیست و نمی توان قبول کرد که او کتابی فرستاده و در صورت عدم پذیرش کتاب مردم را به عذاب و جهنم تهدید نماید.

این بسیار ساده اندیشی است که دنیائی به این عظمت که منظومه شمسی جز بسیار کوچکی از آن است صرفاً برای این خلق شده است که انسان تحت آزمایش خداوند قرار بگیرد و بعد هم به واسطه اعمال نیک و بدشان روانه بهشت و جهنم شوند.

تکامل و پیشرفت دو موضوع بسیار شناخته شده در نزد دانشمندان و خردمندان این عصر است و کاملا با ساختار طبیعت و دنیا سازگاری دارد. بنابراین قوانین و دیدگاه های گذشته که در تقابل با تکامل و پیشرفت باشند نمی توانند باعث بهبود زندگی و سعادت بشر گردند. مردم دنیا که پیرو آیین های گوناگون گذشته هستند باید بیشتر در امر دین تعقل و تفکر کنند. آنها باید بیشتر کتاب بخوانند و استدلال و نظرات نویسندگان دنیا را مطالعه نمایند. زندگی و سعادت بشر در بیشتر و بهتر دانستن است.

این مطلب بدون شک موضوعی است که انسانهای روی کره زمین باید آنرا سرلوحه اعمال خویش قرار دهند اینکه اگر

مسائل و مباحث مذهبی بدون مطالعه پذیرفته شود امری خسارت بار و زیان آور است. باید همانطور که عقل سلیم حکم می کند و همانطور که در کتاب قرآن نیز آمده و شاید یکی از درست ترین و بهترین آیه های کتاب است در پذیرفتن آرا و عقاید تفکر کرده و بهترین آن را انتخاب کنیم همانگونه که در سوره زمر آیه ۱۸ پیامبر آمده است که: الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولیک الذین هدا هم الله و اولیک هم اولوالالباب.

ترجمه آیه به این شرح است کسانی که به سخن ها گوش می دهند و از بهترین پیروی می کنند افرادی هستند که خداوند هدایتشان کرده و آنها جزو خردمندان می باشند

تروریست های مذهبی

به دستور رهبر تروریست های القاعده, اسامه بن لادن در ماه سپتامبر ۲۰۰۱ نوزده نفر از اعراب مسلمان که پانزده نفرشان شهروندی عربستان سعودی را داشتند با رخنه به فرودگاههای ایالات متحده توانستند چندین هواپیمای مسافربری را ربوده و با کمال قساوت و بیرحمی, دو هواپیما را با تمامی سرنشینانش به دو برج بلند در نیویورک بکوبند. در این حوادث مرگبار بیش از سه هزار نفر جان خود را از دست داده و در اثر انفجار, برج های مذکور تماما فرو ریخته و تلی از خاکستر صدها متر از اطراف ساختمان را فرا گرفت.

اینکه تبعات این وقایع دردناک چه بازتاب و عکس المعل هائی در میان جوامع گذاشت مطلب و گفته بسیار است اما آنچه که مهمتر از همه بود یک کارزار تبلیغاتی گسترده علیه مسلمانان در دنیا به راه افتاد و چه بسیار افراد بیگناهی که تاوان عمل گروه جنایتکار بن لادن را پرداختند.

از آن روز شوم که نزدیک به بیست سال می گذرد هر از چند گاهی جوامع مسلمانان, مساجد و شهروندان عادی مورد هجوم افراد خشمگین قرار می گیرند و به قتل می رسند. درواقع بن لادن و گروهش با افکار عقب افتاده و با حربه جهاد قصد داشتند که ضربه مهلکی به یک کشور غربی بزنند اما غافل از آن بودند که دهها برابر آن زیان و خسارات جانی و مالی نصیب مسلمانان می گردد که از جمله می توان حملات آمریکا به افغانستان و عراق را نام برد. بعد از گذشت بیست سال از آن واقعه دردناک هنوز هم کسانی پیدا می شوند که تحت تاثیر نوشته ها, کلام های ضد نژادی و ضد مذهبی قرار می گیرند و دست به اعمال تروریستی علیه مسلمانان می زنند.

در آخرین مورد در ماه ژون ۲۰۲۱ درایالت انتاریوی کانادا و در شهر لندن فرد بیست ساله ای سوار برخودروئی سنگین چهار عضو مسلمان خانواده ای را که بیشتر آن زن بودند به زیر گرفت و باعث مرگ آنان گردید. این قتل فجیع که مشخص شد هدفمند و در رابطه با مذهب و نژاد پرستی بوده است. در تحلیل این قضیه دردناک می توان گفت که این مسأله بر می گردد به کشور های مسلمان نشین که بعضا در آن اعمال خشونت آمیز رخ می دهد, افراد خارجی را می ربایند و به اکیپ توریست های خارجی حملات مرگبار می کنند و یا به مراکز مذهبی جوامع غیر مسلمان خسارت وارد می کنند.

از آنسو در کشور های اسلامی نظیر جمهوری اسلامی عده ای به بهانه تظاهرات حمایت از دولت شعار های غیر واقع گرایانه سر می دهند به عنوان مثال ما کاخ سفید را تبدیل به مسجد یا حسینیه خواهیم کرد و حتی بعضا پا را فراتر می گذارند و عکس هائی از یک شهر اروپائی قبل و بعد منتشر می کنند که دهها مناره و گنبد و مظاهر اسلامی در شهر

پدیدار گشته و در فضای مجازی منتشر می نمایند و رهبران مذهبی و دولت های مسلمان نیز مبارزه جدی در جهت حذف این گونه کج رویها به عمل نمی آورند.

در اواخر ماه آگوست 2021 گروه تروریستی القاعده یکبار دیگر در شهر کابل نزدیک به 170 نفر از مردم افغان را که در اطراف فرودگاه کابل اجتماع کرده بودند به وسیله عامل بمب گذاری انتحاری به قتل رساندند. در این حادثه مرگبار قریب ۱۳ نفر از نظامیان امریکائی که در حال خروج از کشور بودند نیز به قتل رسیدند. از آنجائیکه گروه القاعده ظاهرا پیرو دستورات و فرامین اسلامی می باشد عقیده دارد که با این ترورهای کور, احکام ناب اسلامی را به مورد اجرا می گذارد.

گروه دیگر تروریستی داعش تحت رهبری ابوبکر بغدادی برای چندین سال برخی از شهرهای عراق را تحت سلطه داشت. آنها در طول خلافت خودخوانده شان مرتکب جنایت های بسیار و در سبعانه ترین حالت, آدم دزدی, خرید و فروش اسرای زن از طایفه ایزدی و انهدام آثار باستانی با ارزشمند در عراق را مرتکب شدند.

القاعده مرتکب قتل و ترور افراد بی گناه افغانی به شیوه های وحشیانه می شود و ادعا می کند که دستورات خدا و پیامبر را اطاعت و به کار بسته است. در این رابطه شک و تردیدی نیست که عقل و منطق حکم می کند این گونه شیوه جنایت و آدم کشی بر خلاف اصول بشراست و این تفکر که خداوند به عنوان منشاء خلقت هیچگونه تضاد و یا دشمنی با مخلوق خود یعنی انسان ندارد و به هیچوجه توصیه قتل و جنایت به پیامبران را نداده است چرا که اگر غیر از این می بود اساساً چه لزومی داشته که دست به خلقت انسان بزند و بعد دستور کشتن او را بدهد.

بنابراین گروه های توریست تحت نام داعش یا القاعده یا طالبان و گروه های مشابه که در نقاط جهان مرتکب جنایت و آدمکشی می شوند و افراد بی گناه غیر نظامی را به قتل می رسانند بدون شک از قانون الهی سرپیچی کرده و تحت تاثیر القائات و تبلیغات ضد بشری قرار گرفته اند که از حلقوم ملایان اسلامی بیسواد متحجر بر می خیزد.

حکومت های اسلامی که در کشورهای عربی و یا خاورمیانه می باشند و در پیشبرد اهداف غیر انسانی و به دلائل مختلف افراد و شهروندان بی تقصیر را به جرم های سیاسی و مذهبی دستگیر و بعضا به زندان های طویل مدت و یا اعدام محکوم می نمایند اینان نیز همانند گروه های توریستی از قانون الهی سرپیچی کرده‌اند چرا همانطور که بیان شد خداوند به انسان زندگی بخشیده اما اینان زندگی را از انسان‌ها به دلائل واهی سلب می کنند. حکومت هائی که عنوان اسلامی را بر خود یدک می کشند تظاهر به دین داری و خدا پرستی می کنند در حالیکه عملاً بر ضد قانون خدا عمل می کنند.

عقاید مذهبی و سیاسی

یکی از روحانیون اسلامی شیعه در عراق به نام ایاد جمال الدین ادعا نمود که پیش از آمدن دین اسلام در جامعه دو رنگی و ریا وجود خارجی نداشت اما در زمان پیامبر و حاکمان مذهبی با پیش کشیدن مسائل مذهبی و جهنم و بهشت خواستند که بر مردم تسلط داشته باشند. او می افزاید اینکه شما مسلمان یا یهودی یا مسیحی باشید به حکومت وقت ربطی ندارد کشور باید با قانون شهروندی اداره شود تا ریا کاری رواج پیدا نکند و همه در برابر قانون یکسان باشند در صورتیکه در قانون شرع اسلام همگان یکسان نیستند و

مسلمان بر یهودی و دیگر پیروان ادیان و مذاهب برتری دارد.

جمال الدین می افزاید پیامبران برای ترویج اخلاق آمدند نه اینکه بر دنیا حکومت بکنند. اگر هر دینی و مسلکی بیاید و بگوید که من می خواهم حکومت الله را پیاده کنم و بخواهد منطق و برداشت خود را بر عموم تحمیل کند این باعث شورش و تزلزل در جوامع خواهد شد. کشور باید با حکم قانون, عدالت و قوانین مبتنی بر رعایت حقوق همه شهروندان جامعه اداره گردد.

ایاد جمال الدین در ادامه می گوید هر گروه و فردی اگر به دنبال حکومت شریعت است نگاهی به حکومت طالبان ها در افغانستان و حکومت شیعیان تحت ولایت فقیه در ایران بیندازد. در حوادث اخیر در عراق که ابوبکر بغدادی در پی حکومتی به سبک اسلام بود مردم و قبایل مذهبی غیر اسلام از ترس جان به دیگر نواحی پناه بردند چرا که گروه ابوبکر بغدادی که به داعش معروف است آنها به نام الله و با ذکر بسم اله مردم را سرمی بریدند. این وقایع توحش آمیز امر تازه ای نیست و قبلا چنین اتفاقات موحشی روی داده است همانگونه که سردار مسلمان تونسی نیز یک میلیون کودک پسر و دختر سوری را به بردگی کشاند و مرتکب جنایت ها گردید.

محمود احمدی نژاد که زمانی از مسئولان طراز اول جمهوری اسلامی بوده است و حتی زمانی صدای اعتراض مردم را در سال ۱۳۸۸ مشتی خس و خاشاک نامیده بود هم اکنون به واسطه بعضی از اظهاراتش مورد غضب روحانیون اسلامی واقع شده است. او که به مدت ۸ سال سکان ریاست جمهوری کشور را به عهده داشت و جزو حلقه یاران نزدیک رهبر جمهوری اسلامی بوده اینک در صف منتقدان نظام

جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

او در یکی از سخنان اخیر گفته بود که مردم در سیاست و اداره کشور از حقوق خود محروم هستند. منظور احمدی نژاد از این سخنان بیشتر متوجه روحانیون طراز اول حکومت بوده که بعضا با اشاره به آیات و روایات اسلامی مردم را صاحب هیچگونه اختیاری ندانسته و حکومت را هدیه ای الهی می دانند که از جانب خدا به حاکم فقیه اعطآ گردیده است.
احمدی نژاد در انتقاد از روحانیون صاحب مقام می گوید:
آن‌ها با تکیه بر روایات جعلی اسلامی اعمال غلط خود را توجیه می کنند و به هیچوجه جوابگوی اعمال خویش نمی باشند.

ارتداد در اسلام

یکی از عجیب ترین قوانین در اسلام خروج فرد از دین است که بنا بر روایات ذکر شده توسط ملایان, فردی که از دین اسلام خارج شود به اصطلاح مرتد تلقی گردیده و باید اعدام گردد.

یک کارشناس اسلامی در این باره در یک مناظره تلویزیونی گفته بود که حضرت عزرائیل درهنگام قبض روح لوحه ای دارد که در آن اسامی همه وجود دارد و اگر به فرمان الهی اسمی از آن محو شود وظیفه دارد که جان آن شخص باید گرفته شود. در پاسخ به این کارشناس باید گفت بسیار خوب اگر قبض روح و گرفتن جان اشخاص از جمله وظایف عزرائیل و ناشی از فرمان خداوند است پس چرا شما افراد حکومتی در کار خدا دخالت کرده و جان انسان‌ها را به دلائل مختلف می گیرید؟

مسائل مطرح شده در باره قوانین مجازات در باره فرد مرتد در حالی اجرا می شده که اسلام برای گرویدن پیروان مسیحی و یهودی به نفع خود برنامه های گسترده ای انجام می داده و در بعضی موارد پیروان اسلامی برای پیش بردن مقاصد تبلغاتی خود مبادرت به جنگ می کردند. اکثر کارشناسان اسلامی این پدیده غیر انسانی را در رابطه با مسائلی می دانند که بیشتر می توان آن را پدیده سیاسی در عصر خود دانست. رهبران مذاهب اسلامی در آن زمان برای اینکه از خروج پیروان دین جلوگیری نمایند و مانع از این شوند که افراد به دین های دیگری گرایش پیدا کنند این گونه قوانین ضد انسانی را برقرارکردند و در واقع این فرامین به هیچوجه از سوی پرودگار صادر نگردیده است.

منتقدین و مخالفین اعدام مرتد می گویند هر اندیشه و مسلکی که در اثر خروج افراد و اعضا به آن ضربه بخورد پس ارزش ماندن در آن وجود ندارد چرا که اساس و بنیاد آن ضعیف و سست است.

یکی از مفسرین اسلامی اخیرا در دفاع از قانون مجازات اسلامی دلائل و برهان جالبی را مطرح کرده بود که در ذیل آمده است این فرد که نامش عبدالفتاح خدمتی است یکی از تلویزیون های اسلامی را از طریق بخش ماهواره ای اداره می کند, او می گوید: غیر از اسلام دین دیگری پذیرفته نخواهد شد زیرا این آخرین نسخه ادیان است، او ضمن برشماردن دلائلش در این باره می گوید آیا می شود تلفن همراه آخرین سیستم در بازار باشد و ما بخواهیم تلفن ده سال پیش را خریداری کنیم؟ بنابراین آخرین دین و مدرن ترین دین مورد پسند خدا، دین اسلام است چون که بعد از همه ادیان دیگر آمده است.

در کتاب قرآن هیچ موردی در جهت اعدام یک فرد از دین برگشته یا مرتد ذکر نشده و وجود ندارد. بنابراین هر فردی بر اساس حق انتخاب میتواند دین و مذهب مورد نظر خویش را برگزیند و بالطبع بر اساس این گزینش انجام کارهائی در رابطه با دین بر عهده اش است اما اگر بعد از مدتی دریافت که انتخابش درست نبوده بر اساس همان حق انتخاب، میتواند عقیده خویش را عوض کند.

اساسا اینکه افراد اجازه نداشته اند که از دین خود روی برگردانند منحصر به اسلام نبوده است چرا که در تاریخ عهد ساسانیان و در زمان خسرو پرویز پیروان دین زرتشت از گرویدن به دین مسیح منع شده بودند و در صورت گرایش مستوجب مجازات های مرگ بودند (تاریخ سبئوس ص ۵۰) اما پیروان ادیان مختلف در آن زمان در اجرای مراسم های دینی خود کاملا آزاد بودند.

در مثالی دیگر از قرآن پیرامون سوره مائده آیه شماره ۵۰ می پردازیم که از قول خداوند نوشته شده, ای کسانیکه که ایمان آورده اید یهود و نصاری (مسیحی) را دوست خود قرار ندهید.

با کمی دقت در محتوا و فحوای این جمله از کتاب کاملاً به بعد سیاسی آن پی خواهید برد که در به وجود آوردن آن نقش داشته است مخصوصاً زمانیکه اختلافات پیروان اسلامی با دیگر ادیان به اوج خود رسیده بود. درواقع قبل از نزول آیه فوق, مسأله و اختلافی بین مسلمانان و اقوام یهود و مسیحی وجود نداشته بلکه میان هر دو پیروان سلسله مشارکت هائی چه در جنگ و یا اقتصاد وجود داشته است و هر دو از وجود یکدیگر در پاره ای از اوقات بهره می برده‌اند.

همچنین در رابطه با مسیحیان نیز به عنوان مثال می توان از کمک و یاری عرب های مسیحی نام برد که در جنگ مسلمانان بر علیه امپراطوری روم در کنار شان بودند. از سوی دیگر آیین یهود و مسیحی مورد قبول مذهب اسلام می باشد بنابراین دو آیین ابراهیمی و برگرفته از جانب خدا است حال چگونه می شود که خداوند آیین و مخلوقات خود را از جهاتی مورد بی مهری قرار دهد و در باره آن‌ها این چنین آیه ای نزول کند؟

سعدی در اشعار خویش نه تنها به خلقت انسان توسط خداوند اذعان می دارد بلکه مقام انسان را در جایگاه بسیار والائی نیز قرار داده است و اینگونه به انسانها درس می دهد که انسان مخلوق گرامی خداوند است و همه از یک اساس و بنیاد به وجود آمده اند. بنابراین کاملا مشهود است که انسان آفریده پروردگار است و خالق مخلوق خویش را دوست می دارد. اگر عده ای در مقام دین و مذهب بی شرمانه فتوا می دهند که به علت خروج از دین جان انسانها را باید گرفت مشخص است که بر خلاف اراده خدا عمل کرده است و فرد صادرکننده فتوا می تواند به سبب تحریک و تهییج قتل مطابق قوانین مدنی تحت تعقیت قضائی قرار گیرد.

نقش خرافات در مذاهب

فرخنده دختر نوجوان کابلی در یک تراژدی جانسوز بدست عده ای نادان و اوباش زنده سوزانده شد.

این واقعه وحشتناک در اسفند سال ۱۳۹۳ برابر با ماه مارس ۲۰۱۵ در شهر کابل و در مقابل صدها تن از تماشاگران و نظاره گران سنگدل رخ داد. فرخنده در آن روز شوم با تعدادی از ملایان زیارتگاه دوشمشیره به بحث و جدل پرداخته بود

اینکه چرا در ازای دریافت پول, دعا و تعویذ به زنان می فروشند که هیچ سودی برایشان ندارد. ملاهای تعویذ نویس در پاسخ به او تهمت بی دینی می زنند و در هیاهوی بسیار به مردم اطراف بانگ بر می آورند که فرخنده اقدام به سوزاندن کتاب قرآن نموده است.

به ناگاه مردم نادان بر سر فرخنده ریخته و او را کتک بسیار می زنند بدن بیجان او را در خیابان به زیر اتومبیل انداخته و در پایان در رودخانه مجاور زیارتگاه پرت کرده و چند اوباش دیگر جسم ناتوان او را آتش می زنند. آنها حتی یک لحظه به او مهلت نمی دهند که از خود دفاع کرده و بگوید که ملایان بر او تهمت زدند و آتش زدن قرآن حقیقت نداشته است.



زندگی فرخنده به این گونه با همدستی ملایان مذهبی نمای تعویذ فروش با همیاری اراذل و اوباش کابل به پایان می رسد.

در واکنش به قتل فرخنده, مولوی ایاز نیازی امام جمعه شهر این حرکت ضد انسانی اوباش را توجیه کرده و از مقامات می خواهد که از کنار این مسئله بگذرند اما زنان شجاع کابل روز بعد پس از اطلاع از قضیه به خیابانها می ریزند و از دولت اشرف غنی تقاضای قصاص مجرمین تبهکار را می نمایند. دولت به ناچار تحت فشار تظاهرات عظیم زنان کابل, تعدادی

از مجرمان را دستگیر و علیرغم سرزنش امام جمعه و بعضی از ملایان نسبت به محاکمه آنان اقدام و چهار نفر را به اعدام و تعدادی نیز به حبس محکوم می شوند.

علیرغم بی گناهی فرخنده و محرز شدن جنایت, ملایان کابل با نفوذ و مداخلات بسیار, دولت بی کفایت اشرف غنی را وادار به تجدید نظر در احکام صادره می کنند و در نتیجه مجازات افراد دستگیر شده تقلیل می یابد و ظاهرا به مدت کوتاه زندان بسنده می شود.

خرافات از معضلات امروزه جوامع اسلامی است که در ابعاد بسیار وسیعی طیف های گوناگونی از مردم را به بند کشیده است و این مسأله نه تنها افراد مذهبی بلکه دیگر طبقات گوناگون جامعه را نیز در برگرفته است.

دعا نویسی در ایران و یا به صورت دیگری تعویذ نویسی در افغانستان بسیار رایج می باشد. فرد دعا نویس چند جمله به زبان عربی را در تکه کاغذی نوشته آن را در جوف پارچه ای قرار داده و به متقاضیان مخصوصا زنان می فروشند.
خریدار در این توهم بسر می برد که با آویختن دعای مذکور در گردن خود یا فرزندش از هر گونه بلایای آسمانی, امراض, چشم زخم, بخل و حسد دیگران در امان خواهند بود.

در مورد خرافات که اغلب دربین پیروان مذهبی به ویژه از نوع شیعه اسلامی وجود دارد یک بحثی است که افراد در هنگام مرگ می توانند از کمک امامان خود برخوردار شوند و از آتش دوزخ نجات یابند به عبارتی نوعی امداد های غیبی قلمداد می شود که حتی در میان طبقاتی از مردم و در زمان حیات اعتقاد بر آن رایج می باشد.
درواقع متولیان دین امروزه با تبلیغ در میان پیروان خود از آنان

می خواهند که هر چه می توانند نذورات و کمک های خود را به قبور درگذشتگان که از جمله امامان مقدس اند فزونی بخشیده تا ازکمک های غیبی امامان برخوردار شوند.

در ایران اغلب متولیان قبور مقدس تحت پوشش بنیاد های مذهبی در ایران هستند و از ثروت های افسانه ای نیز برخوردارند چرا که از درآمدهای کلان نذورات صاحب شرکت های بزرگ سرمایه داری گشته اند.

هر روزه هزاران زوار مسافر به قصد پرداخت نذورات نقدی روانه این گونه اماکن می شوند.اغلب پیروان مذکور با این اندیشه که گناهان آن‌ها بخشوده خواهد شد بخشی از سرمایه و ثروت خود را صرف اماکن مقدس می نمایند چرا که ملایان به آنها می گویند هرگز نگران خشم و غضب خدا نباشند تا مادامیکه به بذل و بخشش خود ادامه بدهند. به مسافران این گونه گفته می شود که امام مذکور شفاعت او را نزد خدا خواهد نمود و از همین منظر است که این گونه افراد پس از ادای نذر اغلب هراسی از آن ندارند که گاهی دچار لغزش گردند و حقی را ناحق کنند.

آیین های مذهبی در طول سال به کرات در ایران برگزار می گردد و گردانندگان و متولیان, مردم را تشویق به شرکت در مراسم می نمایند. آنها به مردم وعده می دهند اگر دعا و خیرات نقدی انجام دهند از گناهان آنان کاسته خواهد شد. بعضی از این نذورات نظیر خمس و زکات در قالب قوانین اسلامی گنجاینده شده است که در فصل های قبلی کتاب به آن اشاره شد.

اهمیت برگزاری مراسم مذهبی به ویژه سوگواری برای مرگ امامان شیعه به قدری است که حتی در هنگام همه گیری

بیماری جهانی کرونا, کووید ۱۹ هنگامیکه دولت جمهوری اسلامی محدود هائی اعلام نمود سبب تشنج و اعتراضات بسیاری از سوی ملایان گردید به طوریکه عملاً با اعلامیه های صادره از منابع دولتی به مبارزه برخاستند و از پیروان خود خواستند که اهمیتی به دستورات دولت ندهند.

آنان فیلم ها و عکس‌هائی از پیروان خود را نشان می دادند که بر آستانه قبور مقدس بوسه و دست به دعا و نیایش می زنند. ملایان و مقلدان آنها بدون توجه به مقررات و پروتکل های بهداشتی و بدون ماسک و رعایت اصول و قوانین مقرر شده برای همه گیری کرونا دست به تجمع و عزاداری می زنند بدون اینکه آگاهی داشته باشند که رفتار آنها باعث اشاعه ویروس گشته و بیماری کرونا را گسترش می دهند.

متأسفانه به واسطه این گونه اعمال غیر بهداشتی, کشور برای مدتها در وضعیت ناهنجاری قرار داشته و میزان مرگ و میر و تلفات روزانه بعضا از مرز ۷۰۰ نفر در روز عبور کرده و برای ماههای متوالی سیستم بهداشت و مراکز درمانی کشور عملاً در وضعیت فلج کننده ای بسر برد.

اخیرا یکی از صاحب نظران در مورد احکام اسلامی صحبتی داشت اینکه چگونه اغلب قوانین اسلامی در زندگی امروزه بشر اصلاً کاربرد چندانی ندارند و علمای اسلامی به هیچ وجه حاضر به اصلاح آن در کتاب‌های مذهبی نمی باشند. یکی از احکام مورد نظر ایشان در باره غسل بود اینکه افراد می بایست به مناسبت هائی حکم غسل را انجام دهند و آن عبارت است از استفاده از یک ظرف و ریختن آب به ترتیب به قسمت هائی از بدن است.

عمل غسل به طریق سنتی به این طریق است که ابتدا

سرو گردن بعد یک سمت بدن و سپس نیمه دوم شستشو داده می شود. او می افزاید این گونه احکام در مواقعی صادر شده بودند که فرد به صورت ابتدائی به مقدار اندکی آب دسترسی داشته و به ناچار برای شستشوی کامل بدن مطابق حکم سنتی اسلامی عمل می کرده. حال که در شهر ها غالباً از دوش حمام استفاده می شود ضرورت انجام چنین حکمی با آن سلسله مراتب ذکر شده لزومی ندارد که شامل شهرنشینان گردد.

در رابطه با احادیث اسلامی و گفته های شفاهی که از هر نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده است بحث و جدل فراوان است. اگر چه در قرآن به مبحث غسل به صورت کلی پرداخته شده اما روحانیون اسلامی با تفسیر و برداشت متفاوتی به این مسئله در روایاتشان اشاره نموده اند و کماکان اصرار می ورزند که احکام باید به همان شکلی اجرا شود که از قبل توسط علمای صاحب نظر گفته و نوشته شده است و غیر قابل اصلاح و تغییر می باشند.

جرجی زیدان در جلد سوم تاریخ تمدن اسلامی و در صفحه ۹۸ در مورد جعل احادیث می نویسد در دوران خلفای راشدین و پس از قتل عثمان خلیفه سوم مسلمانان چند دستگی بین مسلمانان به وجود آمد که بعضا برای پیشبرد مقاصد سیاسی هر یک از گروه متخاصمین نسبت به جعل احادیث مبادرت کردند. به عبارتی می توان گفت که این اعمال در زمان بعد از فوت پیامبر اسلام رخ داد و بیشتر همانطور که بیان شد در جهت اغراض قدرت طلبی و تعیین جانشینان بعد از پیامبر بوده است. مسأله جعل احادیث به دوران پس از خلفای راشدین نیز گسترش پیدا می کند و یکی از دلائل ستیزه جوئی بین پیروان مذاهب اسلام قلمداد می شده است.

پیام خداوند

ادیان و مکاتب مختلف در هردوره از زمان وجود داشته اند. معمولا مدعیان مذاهب سعی می کردند که از اشتباهات و خطاهای گذشتگان اجتناب نمایند و در تدوین قوانین مذهبی دقت بیشتری داشته باشند و رهنمود های بهتر و کاملتری در اختیار پیروان خویش قرار دهند.

این مسئله با افکار تکامل یافته انطباق دارد چرا که زندگی انسانها اساسا برشیوه و بنیاد تکامل نهاده شده است و این چرخه در همه ابعاد ازکائنات گرفته تا در طبیعت و زندگی انسانها متبلور گردیده است. به یک نهال تازه و نوپا بنگرید که خرد و ناتوان است. از نهال نگهداری می شود و بعد از مدتی رشد قابل توجهی می کند و پس از سالی به یک درخت جوان تبدیل شده و بعدها قوی و تنومند گشته گل و میوه می دهد.

سرنوشت انسان از طرف خدواند نیز به این گونه تعبیه گردیده است که همسان طبیعت است. مراحل رشد و تکامل که در ویژه گی های طبیعت وجود دارد در دل خود پیام آفریدگار را دارد و به انسان درس میدهد تا آن‌ها دریابند که چگونه می توانند رشد و تکامل یابند. اساس خلقت چه طبیعت و چه انسان بر پایه رشد و تکامل است همانگونه که دنیای بیکران و لایتناهی و کهکشانها هنوز هم در حال توسعه است و پایانی برآن متصور نمی باشد.

وجود طبیعت یک سرمشق برای انسان است اگر بذر گیاه در محیط سالم رشد کند به ثمر خواهد نشست و میوه خواهد داد مشروط به اینکه خاک و کود مناسب و آبیاری صحیح

داشته باشد. انسان نیز به همین گونه است یک طفل نوزاد در یک محیط سالم رشد و تربیت انسانی خواهد داشت در غیر این صورت کج رفتار و در آینده یک عنصر نامطلوب برای جامعه خواهد گردید.

یک بستر پاک و تمیز و آب حیات بخش برای تولید گل و گیاه لازم است در حالیکه یک مرداب و آب آلوده که روان و جاری نمی باشد بستر نامناسبی برای تولید پشه های موذی و خونخوار می باشد.این یک پیام و درس بزرگ طبیعت خدا برای ما انسان‌هاست. بنابراین وظفیه انسانی حکم می کند که در درجه اول دولت ها, مسئولان یک کشور برای ساختن یک بستر جامعه سالم بکوشند چرا که در دراز مدت به نفع همگام خواهد بود.

در رابطه با مبارزه و صرف بودجه های هنگفت برای مبارزه با جرم و جرائم Nadelma یکی از افراد مرتبط با برنامه های امریکا برای مبارزه با مواد مخدر گفته بود که یک تریلیون دلار در اینجا و کشور های امریکای جنوبی هزینه شده که در نهایت نتوانسته جوابگو باشد. او در ادامه می افزاید بهتر آن می بود که ما این پول را صرف زندگی, آموزش و پرورش خانواده های درگیر مواد مخدر می کردیم تا نیازشان به این گونه مسائل کمتر شود. او می افزاید تصورش را کنید وقتی که تقاضا برای جنس زیاد باشد محال است که بتوان جلوی تولید آن را سد نمود.

حقایق تلخ

از جمله سئوالاتی که انسانهای خیراندیش از خود و یا دیگران می کنند این است که چرا جوامع بشری علیرغم این همه پیشرفت, هنوز باید در میان ترس و بیم زندگی کنند و نگران فردای خود و فرزندانشان باشند؟ چرا حکومت ها با

صرف هزینه های نجومی در پی ساخت تسلیحات مرگبار هستند؟ ما همه روزه شاهد کشته شدن صدها و هزاران نفر هستیم که در جنگ و نزاع بین اقوام و یا کشورها وجود دارد. چرا باید میلیون ها کودک در سراسر دنیا از سوتغذیه و گرسنگی رنج ببرند؟ چرا باید میلیون ها کودک وجود داشته باشد که به جای نشستن در پشت نیمکت مدرسه در کارگاهها مشغول کار باشند؟ چرا این همه تلاش و کوشش ها صرف بهتر زیستن جوامع نمی گردد؟

اصولا فلسفه و تشکیل سازمان ملل متحد مگر نه آن بوده که کشور ها هم زیستی مسالمت آمیز را پیشه کنند و در جهت رفاه حال انسانها بکوشند. وظیفه و نقش رهبران دنیا و همچنین رهبران مذهبی چه است؟ آیا نباید تلاش های موثر بین المللی در جهت بهبود زندگی جامعه بین المللی باشد؟

رهبر مذهبی کاتولیک های جهان پاپ فرانسیس در سفر خود به عراق دیداری با آیت اله سیستانی روحانی با نفوذ شیعه در مارس ۲۰۲۱ داشت که می تواند نقطه امیدی باشد اما کافی نیست و این موضوع مهم باید از سوی تمامی رهبران مذهبی دنیا دنبال شود. مذاهب دنیا باید راه عاقلانه ای جستجو و با یکدیگر تعامل کنند و این امر باید از سوی رهبران سیاسی دنیا حمایت شود که متاسفانه تا این لحظه تلاش چندانی از سوی آنان صورت نگرفته است.

در مقایسه ادیان با یکدیگر اینکه چه مقدار هریک تلاش بر صلح و همزیستی مسالمت آمیزدر بین پیروانشان داشته اند متاسفانه باید گفت که پیروان دین اسلام در این مقوله عقب تر از سایرین بوده اند. دلیل آن هم وجود خشونت و درگیری های فرقه ای محلی و حتی منطقه ای در جوامع مسلمانان بوده است.

در یک قرن گذشته میزان خشونت و درگیری ها در ممالکی که مسلمانان می زیسته اند بالابوده است به ویژه در کشور های افغانستان, هندوستان, ایران, لبنان, اسراییل, عراق, یمن, عربستان, سوریه, شاهد مرگبارترین حوادث و خشونت های قبیله ای و قومی بوده است. آیین اسلام در میان پیروان خود نتوانسته یک دلی و هماهنگی بوجود آورد از دل این مذهب تا کنون دهها فرقه اسلامی بیرون آمده و رشد کرده اند که هرکدام قرائت و تعریف انحصاری درباره دین اسلام دارند که به طور وحشتناکی در تعارض با یکدیگر می باشند.

سایر ادیان در مواجه با مسائل همزیستی مسالمت آمیز چنان پرونده روشنی ندارند به عنوان مثال می توان از آیین بودا و پیروان او در برمه نام برد که به دفعات گوناگون بر علیه مسلمانان اقلت برخاستند. در آخرین واقعه که در برمه (میانمار) روی داد نزدیک به یک میلیون نفر از طایفه مسلمانان موسوم به روهینگا از ترس اینکه کشته شوند به کشورهای همسایه گریختند.

قصه مسلمانان اقلیت روهینگا از سال ۲۰۱۶ ببعد به طور مستمر ادامه داشته و رهبران سیاسی و نظامی از جمله آنگ سوچی در این زمینه متهم به نادیده گرفتن حقوق شهروندان کشور شده است. جالب توجه است که آنگ سوچی جایزه صلح نوبل را قبلا دریافت کرده بود و در باب اتفاقاتی که اخیرا در برمه رخ داد منتقدین و فعالان حقوق بشر خواستار پس دادن جایزه نوبل از سوی او گشتند.

سال ها بعد از مرگ پیامبر اسلام, پیروان او دچار اختلاف های شدید گشتند و به مرور زمان از هم فاصله گرفته و منشعب از یکدیگر گشتند. هرکدام از مسلمانان سنی,

شیعه شاخه هائی از اسلام می باشند. از فرقه های منتسب به شیعه می توان از زیدیه و امامیه نام برد و یا از فرقه های حنفی, مالکی شافعی و سلفی که از گروه سنی منشعب گردیده اند در حالیکه همگان بر یک پیامبر توافق دارند. در طول تاریخ جنگ های مذهبی بسیاری بین آنان اتفاق افتاده و دنباله این اختلاف ها تا قرن ها بعد نیز توسعه و گسترش یافت و باعث جنگ های خونین گشت که از آن جمله می توان جنگ های عثمانیان پیرو مذهب سنی و دولت صفوی پیرو شیعه در ایران را نام برد.

مذاهب سنی اساسا شیعه را قبول ندارند و آن را یک بدعت تاریخی قلمداد می کنند. آنها معتقد هستند که آیین های مذهب شیعه تماما ساختگی هستند از قبیل عزاداری برای امام سوم شیعیان و یا آیین های قمه زنی که خود نماد عریان خشنوعت است و تنها پیروان مذهب شیعه می باشند که با قمه و شمشیر خود را زخمی می کنند. همچنین ساختن زیارتگاههای اشرافی و گوناگون برای رهبران و امامان شیعه نمونه دیگری از بدعت است که توسط سنی ها تکفیر گردیده است. اعتقاد شیعیان به ظهور یکی از امامان به نام مهدی (امام دوازدهم غائب) در مذهب سنی نیز جائی ندارد و آن را خلاف سنت پیامبر و دین اسلام تلقی می کنند.

خشونت و جنگ در بعضی از پیروان آیین اسلام به عنوان یک منطق تلقی می گردد به عنوان مثال فرقه سلفی عقیده دارد که تمام احکامی که پیامبر در هزاران سال قبل تدوین و نشر کرده معتبر و باید به اجرا گذاشته شود و در اجرای آن فرامین با دیگر آیین های غیر از اسلام باید همانند گذشته جنگ و ستیز انجام شود و پیروان ادیان مسیحی, هندو و دیگر شاخه های منشعب شده از اسلام مثل شیعه باید از

بین بروند یا اینکه جزیه (مالیات) پرداخت نمایند.
به عنوان نمونه یکی از اعمال خشونت بار پیروان سلفی در عراق تحت رهبری شخصی به نام ال ابوبکر بغدادی در سالهای ۲۰۱۵ و بعد از آن منجر به قتل عام و اسارت پیروان ایزدیان گردید. دار و دسته توریست ابوبکر بغدادی گذشته از قتل عام مردم, زنان و دختران شان را نیز به اسارت برده و در شهرهای تحت تسلط خود در عراق و سوریه به عنوان کنیز به فروش گذاشتند.

نادیا مراد یک دختر جوان ساکن منطقه سنجار درشمال عراق همانند دیگر دختران هم سن و سال خود در مدرسه درس می خواند. او آرزوهائی شیرینی در سر داشت اما ناگهان طوفان ویران کننده گروه تروریست های اسلامی ابوبکر بغدادی (داعش) در سال ۲۰۱۴ دهکده محل سکونت او و دیگر پیروان ایزدی را در هم کوبید. آنها برای سالها هرگز روی آسایش ندیدند, خانواده نادیا همگی به طرز وحشیانه قتل عام شدند و بیش از سیصد هزار نفر از پیروان ایزدی منطقه سنجار آواره دشت و کوهها گشتند.

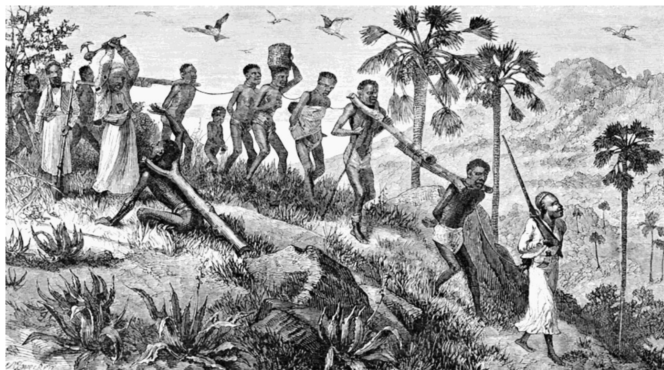
بر طبق قوانین خود ساخته اسلامی جهاد, ابوبکر بغدادی و اعضای حکومت خود کامه اش دختران ایالت سنجار را به اسارت بردند. آنها با قساوت قلب, نادیا و دیگر دختران ایزدی را مورد بهره برداری جنسی قرار دادند. نادیا سرانجام پس از ۳ ماه اسارت و تجاوز های وحشیانه توسط مردان داعش موفق شد که بگریزد. او با کمک تنی چند سرگذشت خود و غم انگیز مردمان ایزدی را در کتابی به نام آخرین دختر منتشر نمود و دل صاحبان قلم را پریشان و اشک به صورت دبیرکل سازمان ملل متحد آورد.

گوشه هائی از تاریخ اسلام

در سال ۶۶۰ میلادی سی سال پس ازاین که دین اسلام

توسط محمد به مردم شبه جزیره عربستان عرضه گردید, رهبران اسلامی معروف به گروه خلفای بنی امیه یا امویان به مدت تقریبی نود سال حاکمان سرزمین وسیعی بودند که در اثر جنگهای متعدد تسخیر و غارت کرده بودند. شیوه حکومت داری حاکمان که پایه و اساس آن بر قدرت و زور شمشیر بود دیری نپایید که به واسطه ظلم و تعدی بسیار برجان و مال مردم دستخوش تزلزل و ناپایداری گردید.

قیام مردم مخصوصا در سرزمین های ایرانی به ویژه خراسان باعث گردید که قدرت از امویان به خلفای عباسی منتقل گردد. عباسیان اگرچه با این عنوان میراث دار قدرت اسلامی شدند که تبعیض و ستم را ریشه کن ساخته و به جای آن عدالت ترویج کنند اما دیری نپایید که جوامع تحت امر خلفای عباسی پی بردند که حکومت جدید اسلامی سراب و فریبی بیش نبوده و در این ره به بیراهه رفته اند. خلفای عباسی بر سرزمین های متعددی از شرق تا غرب حکمروائی می کردند و مراکز خلافت آنان که بعضا در دمشق و یا بغداد بوده است در پرتو ثروت های افسانه ای که با زور از مردم و حکومت های محلی دست نشانده کسب کرده بودند با ارقام نجومی آن زمان چشم ها را خیره اما دلهای



سلاطین اسلامی را بسان سنگ کرده بود.ظلم و جور بی نهایت و غارت و چپاول اموال رعیت تحت عنوان مالیات های اسلامی خزانه خلفای عباسی را مملو از زر و سکه کرده بود که در یک مورد بالغ بر نهصد میلیون درهم بوده است. خلفای اسلامی و عمال آنها به عیش و نوش و زندگی در کاخ های افسانه ای شب را به صبح میرساندند. خلفای عباسی سپیده دم به نماز و عبادت پروردگار عالم می پرداختند و در نیمه روز حکم بر تاراج اموال و قتل بسیاری می دادند و هنگام شب در بستر ماهرویان به عیش و باده گساری مشغول می شدند. شاعران و نویسندگان آن دوره در کتابهایشان از آن به عنوان افسانه های هزار و یکشب یاد کرده اند.

در رابطه با فساد گسترده حاکمان عباسی در بغداد, جرجی زیدان نویسنده معروف لبنانی در تاریخ تمدن اسلامی جلد پنجم می گوید: درگذشته و در زمان شکوه و عظمت دوران اسلامی, بغداد و قرطبه و قاهره و فسطا نیز مرکز کارهای زشت از قبیل همخوابگی مردان با یکدیگر بوده است. او می افزاید در دوره خلافت امین و متوکل این اعمال به اوج خود رسیده بود.

بر همین اساس و حقایق تلخ و دهشت انگیز است که مسئولان مذهبی اسلامی باید در اساس و بنیان کتابهای مذهبی و مقدس خود تجدید نظر کنند و اصلاحات لازمه را بر اساس حقوق بشر جایگزین گفتار ها و عقیده های ضد انسانی کنند تا گروه های تندرو یاغی از قبیل داعش و القاعده نتوانند با استناد به مفاهیم این گونه کتابها با جان و مال و حثیت مردم مسلمان و یا غیر مسلمان بازی کنند و آنچنان فجایع و جنایت هائی را ببار آورند که در تاریخ به تلخی ثبت شده اند.

همه دولت های اسلامی باید با تشکیل واحد های هماهنگ و ضد تروریست در مقام مقابله با این فرقه های جنایتکار بین المللی برآیند اگر چه تشکیل و تاسیس سازمانهای مربوطه مستلزم آن است که ابتدا اختلافات بین دولت های اسلامی در زمینه های مختلف مذهبی و سیاسی و نظامی حل گردد در غیر این صورت مطرح کردن این گونه اندیشه ها و راه حل های عملی جز خیالی بیش نیست.

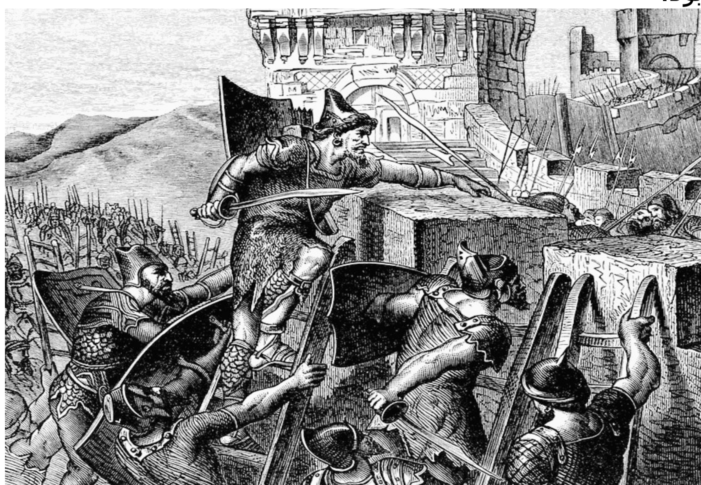
در منازعات یمن که از سال ۲۰۱۵ آغاز گردید کشورهائی نظیر عربستان در فعل و انفعالات سیاسی و حکومتی جانب پیروان سنی در یمن را عهده دار می شود و از آنسو جمهوری اسلامی مدافع شیعیان حوثی در این سرزمن است و حاصل و نتجه آن جنگی بی حاصل است که تا کنون دهها هزار کشته و خانه های ویران بسیاری که بر سر ساکنانشان خراب گشته است.

گرسنگی و فقر بر مردم نواحی یمن مستولی گشته و سازمان ملل حیران و اندیشناک از اینکه چگونه باید به این فجایع پایان داده شود. مصائب مردم در این منطقه بسیار است و می توان نتیجه گرفت که شاید اگر منازعات سیاسی در یمن خارج از حیطه آیین و مذهب می بود خیلی زود تر و با روش های بدون جنگ و خونریزی حل می گردید.

اصولا برخی از جنگ ها بین کشور ها مخصوصا در ناحیه خاورمیانه جنگ بین مذاهب است. متاسفانه منازعات و تخاصم بیشتر در قالب قوم گرائی و یا تعصبات دینی ظاهر شده و با حس برتری جوئی نسبت به مذاهب دیگر جنگ های ناخواسته به ملت ها تحمیل می شود. در قضایای یمن صد ها کودک جان خود را در بمباران توسط عربستان

سعودی و یا امارات از دست می دهند قربانیانی که هیچگونه دخالتی در منازعات مذهبی و سیاستی بین رژیم و گروه های درگیر از جمله جمهوری اسلامی, اقوام حوثی ها و عربستان سعودی نداشته اند.

در یک فاصله زمانی و بسیار طولانی عثمانیان که وارث خلافت های اسلامی بودند بر طیف وسیعی از دنیا حکومت می کردند از سرزمین های یمن تا عربستان و از کرانه های رود نیل و فرات تا تنگه جبل الطارق گرفته تا اتریش و مجارستان نیمی از کشورهای اروپائی در ید قدرت عثمانیان بود.



حکومت های عثمانی که تابع سنت اسلامی بودند در جایگاه مخالفت با دیگر گروه های منشعب شده از اسلام از قبیل شیعه نیز قرار داشتند. در طول ادوار تاریخ آنها نسبت به قتل عام عناصر و پیروان شیعه ساکن در خاک عثمانی دست به اعمال خشنونت آمیز زدند و با فرستادن ماموران خود به

مناطق تحت تصرف خود باعث قتل بسیاری از شیعیان شدند. در نتیجه باقیمانده پیروان شیعه ترجیح دادند که خاک عثمانی را ترک نمایند و تعداد کثیری از آنان خانه و کاشانه خود را رها کرده و به سوی مرز های ایران رهسپار شدند.

سلسله وقایعی که در دوران حکومت سلطان سلیم عثمانی در سالهای ۱۵۱۴ مقارن حکومت صفویان رخ داد, باعث جنگ های متعددی گردید که ریشه و بنای آن تماما مذهب بود. کشتار شیعیان در مراکز تحت سلطه عثمانی باعث گردید که در مقاطعی عوامل حکومت صفوی در ایران نیز دست به عمل متقابل بزنند که در نتیجه منجر به قتل تعداد زیادی از پیروان مذهب سنی گردید.

بعد از شکست فاحش دولت عثمانی در جنگ های بین المللی و از هم پاشیده شدن امپراطوری عثمانیان, دولت زودگذر ترکان جوان که بعد از آن تشکیل شده بود پرونده سیاه قتل عام پیروان مذهب ارامنه را در کارنامه خود به یدک کشیدند.

در سالهای ۱۹۱۵ و بعد از آن و در دوره آخرین سلطان عثمانی عبدالحمید و به عاملیت وزرای انقلابی بنام های جمال پاشا, انور پاشا و طلعت پاشا تعداد کثیری از ارامنه توسط عوامل دولتی به قتل میرسند که تاریخ نویسان آن را بالغ بر یک میلیون نفر می شمارند.

تعدادی از ارامنه در جنگ جهانی اول همپای متفقین بر علیه دولت عثماني در جبهه های جنگ می جنگیدند از آنسو تعداد بسیاری از ارامنه در ارتش عثمانی مشغول به خدمت بودند اما دولت ترکان جوان با نادیده گرفتن جوانب امر به بهانه حضور بخشی از ارامنه در نیروهای متفقین اقدام به

مجازات بسیاری از شهروندان ارامنه نمودند.

رویداد های فوق و قتل عام شهروندان ارامنه بسیار دور از انسانیت بوده است. مردم و شهروندان عادی ارامنه که در شهرهای مختلف تحت حکومت عثمانی زندگی می کردند به نوعی تاوان می پردازند. در کشتار های دسته جمعی عده کثیری از زنان و اطفال بیگناه وجود داشته اند که هیچ گونه تقصیری نداشته اند و تنها علت قربانی شدنشان وابستگی قومی و مذهبی به ارامنه بوده است.

نکته مهمی که در این فجایع وجود داشته است حتی با بودن تعداد زیادی از سربازان ارمنی در ارتش عثمانی و خدمات آنها به دولت, حکومت عثمانی هیچگونه ترحمی نسبت به زنان و اطفال بیگناه به عمل نیاورده است و دولت علاوه بر ضبط مال و اموال شان, آنها را مجبور به کوچ می کند. رانده شدگان با راهپیمائی طولانی در بیابانها به حال اسفناکی در آمده و در بسیاری موارد سربازان عثمانی ضمن هتک حرمت زنان ارامنه از کشتن آنها نیز خودداری نکردند. در این رابطه تعداد بسیاری از کودکان ارامنه در کوره راهها و قصبات از فرط گرسنگی به تکدی واداشته شدند.

نوئل باربر نویسنده انگلیسی و مولف کتاب فرمانروایان شاخ طلا از قول سفیر امریکا در قسطنطنیه چنین می نویسد:
در ملاقاتی که با انور پاشا وزیر جنگ دولت ترکان جوان روی داد به او گفتم ماموران شما ظاهرا از کنترل خارج شده اند و یک سری اعمال خشونت آمیز که منجر به قتل شده بر علیه مردمان ارامنه انجام داده اند و من می دانم که سخت است که بتوان افراد زیر دست را کنترل کرد. انور پاشا در پاسخ گفت آقای سفیر شما انتظار نداشته باشید که من افراد زیر دست خود را مورد سرزنش قرار دهم و فرمان اقدامات برعلیه

ارامنه قبلا از طرف دولت صادر گردیده است. طلعت پاشا نیز همین عقاید را داشت و گفته بود که من در عرض سه ماه توانستم مسئله ارامنه را حل کنم کاری که سلطان عبدالحمید در مدت سه سال نتوانست انجام دهد.

او در پاسخ به سئوال یک خبرنگار آلمانی در باره ارامنه اظهار داشت ما را سرزنش می کنند که چرا میان ارامنه بی گناه و گناهکار تفاوت قائل نشده ایم باید بگویم این غیر ممکن است چون کسانی که امروز بی گناه هستند ممکن است فردا گناهکار باشند و بعد با گستاخی به سفیر امریکا می گوید شنیده ام عده ای از ارامنه خود را نزد شرکت های آمریکائی بیمه عمر کرده اند من از این شرکت ها می خواهم صورت اسامی را برای ما بفرستند چون همه آنها مرده اند و کسی را هم از خود باقی نگذاشته اند بنابراین این وجوه بیمه عمر به دولت عثمانی تعلق دارد.

یحیی دولت آبادی نویسنده و پژوهشگر دوران قاجاریه در خاطرات خود که در چهار جلد کتاب تحت عنوان حیات یحیی منتشر کرده اظهار می دارد که نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر از اقوام ارامنه به صورت آواره و گرسنه در شهرهای حلب و نواحی عراق وجود داشتند چرا که اموال آنها توسط دولت عثمانی ضبط شده بود. در یک مورد ما قصد داشتیم به تعدادی از کودکان کمک کنیم که وضعیت رقت انگیز آنها دل هرمسافری را به درد می آورد. این کودکان با کمترین پوشش و البسه مندرس در خرابه هائی زندگی می کردند و برخی از شدت گرسنگی بر روی زمین افتاده بودند. هنگامیکه در نظر داشتیم به کودکان کمک کنیم شدیدا مورد اعتراض سربازان عثمانی قرار گرفتیم.

اقلیت ارامنه به طرز بی رحمانه ای مورد هدف دولت ترکان

جوان عثمانی قرار گرفته بودند که نهایتا نسل کشی آنان بوده است. آقای حسن جمال روزنامه نگار و مولف کتاب ۱۹۱۵ نسل کشی ارامنه (Ermeni Soykirimi 1915) نوه جمال پاشا یکی از رهبران ترکهای جوان بوده که به او لقب معمار نسل کشی ارامنه داده اند. حسن جمال می گوید: این واقعا یک بدنامی برای ترکیه است که هنوز هم سعی می کند از آن بگریزد و به فراموشی بسپارد. بیش از یک میلیون نفر از ارامنه جان خود را از دست داده اند و پدربزرگ من جمال پاشا در این فاجعه شرکت مستقیم داشته است. کشتار ارامنه از روز ۲۴ آوریل سال ۱۹۱۵ به دست وزیر کشور کلید خورد و در اولین ماه سال قتل عام, بیش از ۲۵۰۰ از روشنفکران جامعه ارامنه را در محلی گردآوری و قتل عام کردند. در شهر پالو که اینک فقط نشانی از آن باقی مانده درجلوی چشمان وحشت زده زنان و دختران, مردان را سرمی بریدند و اجساد آنان را در رودخانه مجاور شهر می انداختند به نحویکه به واسطه کثرت مردگان دهانه زیر پل رودخانه مسدود گشته بود. فتیان ستین (Fethiye Cetin) بازمانده یکی از اعضای خانواده قربانیان است که هنوز دارد برای کسب حقوق ارامنه در ترکیه مبارزه مدنی می کند.

قبل از اینکه عثمانیان بر سرزمین های بسیاری تسلط پیدا کنند اقوام ارامنه هزاران سال بود که در نواحی آسیای میانه با حفظ زبان و فرهنگ خود زندگی می کردند. پس از سلطه سیاسی و جغرافیائی عثمانیان, ارامنه به ناچار خود را با قوانین دولت تطبق دادند و در ۶ منطقه در قسمت شرقی



خاک عثمانی شروع به کسب و کار کردند. آنها اگر چه از نظر عثمانی ها شهروند درجه دوم محسوب می شدند ولی مشگل شدید و حادی نداشتند.در هنگام شروع جنگ اول جهانی تعداد زیادی از ارامنه در خدمت ارتش عثمانی و در جبهه های نبرد همراه با متحدین خود آلمان و اتریش بودند. بعد از شکست سنگین عثمانی ها در جنگ, این موضوع که تعدادی از ارامنه در ارتش تزار علیه ترک ها بوده اند جو بسیار خطرناکی را بر علیه ارامنه به وجود آورده بود. دولت عثمانی از طرفی بیش از ۸۰ درصد از مناطق تحت سلطه خود را در اروپا و آسیا از دست داده و این سرآغازی بود که دولت های محلی تحت سلطه عثمانی از جمله ارامنه نسبت به استقلال خود دست به اقدام بزنند.

در این فاصله نهضت ترکان جوان تحت وزرای عثمانی طلعت , انور و جمال پاشا شکل گرفت آنها می خواستند که ملی گرائی خشن نظامی را جایگزین امپراطوری عثمانی کنند. در ابتدا آنها ارامنه را مورد هدف قرار دادند و عملیات پاک سازی را با شیوه های ظالمانه شروع کردند. پس از خلع سلاح سربازان ارمنی در ارتش, نسبت به اعدام دسته جمعی اقدام و خانواده های آنان را وادار به کوچ اجباری به طرف سوریه و عراق کردند. تاریخ نویسان و محققان فرانسوی می گویند که بیش از ۳۰۰ کاروان از زنان و کودکان خردسال در گروه های ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفری با پای پیاده مجبور به مهاجرت شدند. عده کثیری از اطفال و زنان در راهپیمائی



طولانی ۱۰۰۰ کیلومتری از شدت گرسنگی یا بیماری و سختی راه جان سپردند و تعداد زیادی دست به خودکشی زدند. همچین تعداد بسیاری از دختران جوان و کودکان در بعضی از روستاهای مسیر راهپیمائی توسط اوباش و راهزنان به اسارت گرفته شدند. تاریخ هرگز این ظلم و جنایت را که در حق زنان و اطفال بیگناه انجام شده فراموش نخواهد نمود.

جنایت های دولت های عثمانی هنوز به پایان نرسیده بود. در زمانیکه مصطفی کمال پاشا قهرمان ملی رهبری کشور را بعد از دولت ترکان جوان به عهده گرفته بود موفق شد که در جنگ با سایر دول متخاصم پیروز شود. در سال ۱۹۲۲ او به اسمورنا (ازمیر) حمله نظامی کرد. اسمورنا همانند دیگر شهرها مجموعه ای از ملل ترک, یونانی, ارمنی بود که در کنار هم زندگی می کردند. قدمت ماندگاری یونانیان و ارامنه قبل از اینکه تحت سلطه امپراطوری عثمانی در آیند در این مناطق به صدها سال قبل و به قرن ۱۴ برمی گشت.

علیرغم اینکه مصطفی کمال پاشا اعلامیه ای داده بود که هیچکس نباید معترض اقوام غیر ترک شود معذالک نظامیان به این اعلامیه وقعی نگذاشتند و بی رحمانه شروع به کشتار و آتش زدن خانه های اقوام یاد شده نمودند. ظرف یک روز سراسر خیابانهای اسمورنا آکنده از اجساد قربانیان بی دفاع شده بود.

مصطفی کمال آنشب در حالیکه در مهمانی دوستان و هواداران بسر می برد اظهار داشت که کشور اینک از وجود بیگانه ها پاک و تصفیه شده و از این پس متعلق به ترک ها می باشد. اظهارات مصطفی کمال پاشا در هنگامی بیان می شد که او فراموش کرده بود و یا شاید مطلع نبود که

شهر قسطنطنیه (استانبول) توسط یونانیان قبل از میلاد مسیح بنا شده بود یعنی حتی قرن ها قبل از اینکه دولت عثمانی متولد شود.

مصطفی کمال دستور داد که جوانان ارامنه و یونانی در شهر به اردوگاه های کار اجباری منتقل شوند و بقیه زنان و کودکان شهر را ترک کنند. در اثر کوشش های خبرنگاران که شرح وقایع را به سرعت منتشر کردند دولت های انگلیس و امریکا وساطت کرده و کشتی های خود را جهت انتقال نزدیک به دویست هزار زن و کودک بی پناه به بندرگاه شهر آوردند.



در گوشه ای دیگر از دنیا وقایع تلخ و تاریخ کشتار تکرار می شود. در جریان جنگ جهانی دوم به دستور صریح رهبر نازی های آلمان تعداد کثیری از اقلیت های یهودی به قتل می رسند. هیتلر قبل از شروع جنگ در جلسات خود با فرماندهان نظامی آشکارا از این عمل دفاع کرده و خواستار

آن شده بود که در حمله به لهستان شهروندان یهودی باید از بین بروند.

در آن روزگار لهستان بیشترین شهروندان یهودی را در خاک خود داشت. حمله برق آسای نیروهای نازی آلمانی به لهستان فرصت هر گونه گریز و فرار را از ساکنین یهودی گرفته بود اگر چه تعدادی از آنها که شامل بچه ها بودند در سال ۱۹۴۲ به طریقی به ایران می گریزند.

خانم میخائیل دکل در کتابی به نام بچه های تهران به تشریح این واقعه پرداخته است که چگونه نزدیک به ۵۰۰ نفراز افراد یهود در شهر و محل اقامت خانواده اش توسط نازیها کشته شدند و همچنین قریب به هزار کودک و نوجوان یهودی که پدر او یکی از آنها بوده مورد پذیرش و مهمان نوازی ایرانیان قرار گرفتند.

برای چندین قرن شهر اورشلیم (بیت المقدس) شهر یهودیان و مسیحیان و فلسطینیان بوده است. بعد از ظهور اسلام در قرن ششم میلادی و گرویدن اعراب ساکن در اورشلیم به دین اسلام, تنش و نزاع بین گروههای مذهبی مخصوصا مسلمانان و یهودیان و مسیحیان شدت گرفت. در طول قرن ها چندین بار شهر اورشلیم دستخوش حوادث جنگ و خونریزی گردید گاهی به دست رومیان و مسیحیان گاهی مسلمانان تسخیر شد. اورشلیم اینک تحت کنترل دولت یهودی است اما بعد از گذشت قرن ها از تولدش هنوز نتوانسته در سایه آرامش استوار و پابرجا باشد.



در توافق هائی که با میانجیگری بریتانیا انجام گشته بود اورشلیم به چهار قسمت بین مسلمانان, یهودیان, مسیحیان و ارامنه تقسیم شد. علیرغم اینکه مسیحیان و دیگر بخش های مذهبی از قبیل ارتدوکس, پروتستان, کاتولیک ها و ارامنه در حفظ مقدسات خود در شهر توافق خردمندانه کرده بودند ولی مسلمانان و یهودیان به هیچ عنوان نتوانستند در کنار هم به طور مسالمت آمیز زندگی کنند و هرکدام از طرفین به تسلط کامل بر اورشلیم اصرار می ورزند. از همین رو است که هر از گاهی آتش جنگ بین آنان زبانه کشیده و سرپناهی تخریب و عده ای بی گناه مقتول می گردند.

بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که برای پایان مناقشات اعراب مسلمان و یهودیان, برخورد های نظامی راه چاره نیست و رهبران تندرو هر دوطرف باید مصالحه را بپذیرند. شهر اورشلیم باید یک منطقه آزاد اعلام گردد و همه اقوام در آن به کار و کسب و زندگی بپردازند.

در باره سکونت اقوام مسلمان و غیر مسلمان همان روش تقسیم که قبلا برای اورشلیم صورت گرفته است باید به اجرا گذاشته شود. طرفین دعوا مخصوصا اسراییل باید به مرز های قبل از منازعه در سال ۱۹۶۷ برگردند و دو دولت مستقل یهود و فلسطین با نظارت سازمان ملل در منطقه وجود داشته و پیمان صلح دائمی بسته شود.

اقوام فلسطینی و یهود باید بر اساس رای گیری, دولت های جدید خود را انتخاب نمایند چرا که بخشی از رهبران کنونی فلسطین به ویژه گروه های تندرو اسلامی موسوم به حماس و همچنین دولت راستگرای اسرائیل نمی توانند ضامن صلح در منطقه باشند.

در سال 1975 عروس خاورمیانه شهر بیروت به مدت پانزده سال شاهد خشونت بار ترین اختلاف قومی و مذهبی بین گروه های سیاسی مسلمانان و مسیحیان بود. شهر عملاً به دو قسمت تقسیم شده بود در جنوب مسلمانان و در شمال مسیحیان از درون خانه و ساختمانهای تخریب شده به سوی هم تیراندازی می کردند. در وقایع خونین لبنان بیش از یکصد هزار نفر جان خود را از دست داده و بیش از یک میلیون نفر نیز به مهاجرت اجباری تن در دادند.

یکی از دلائل جنگ بین مسلمانان و مسحیان را می توان ناشی از عدم تعادل جمعیت گروه های مذهبی دانست. عدم توازن از آنجا شرو ع شد که بخشی از فلسطینیان مسلمان به لبنان پناهنده شده بودند و مسیحیان مارونی این را نپذیرفتند. این مسئله آغاز ترور و قتل های سیاسی گردید که متعاقب آن جنگ های داخلی را در پی داشت. دخالت های مستقیم سوری ها و غیر مستقیم اسرائیلی ها نیز مزید بر علت جنگ های داخلی لبنان بوده است.

منبع تمامی این اختلافات خونین همان وجود گرایش به مذهب و قوم گرائی است که هرکدام خود را برتر از دیگری دانسته است. وجود ابنیه های تاریخی و دعوی طرفین بر مالکیت اماکن مقدس سبب تشدید منازعات شده و هر یک از طرفین قصد داشته که سیطره و حاکمیت مذهبی خود را تحمیل نماید. طرفین منازعات هیچوقت به این امر خدا واقف نبوده اند اینکه خداوند انسانها را یکسان و از یک گوهر آفریده وهیچ کدام را برتر از دیگری خلق نکرده است. تمام ملک زمین متعلق به خدا است و باید این اندیشه را از ذهن بیرون نمود که مکان اورشلیم متعلق به قوم خاصی می باشد.

در واقع رهبران, سلاطین, حاکمان مذهبی بوده اند که دیوار بین انسانها را حائل کردند و مسبب اختلاف هائی شدند که می توانسته وجود نداشته باشد. وجود ابنیه و بناهای باستانی که بعضا به آن هویت مذهبی بخشیده شده می توانسته خارج از اساس بنیان مذاهب در جهت منافع ساکنین مورد استفاده قرار گیرد.امروزه ملاحظه می کنید که میلیون ها نفر توریست به سرزمین فراعنه مسافرت می کنند تا از بناهای تاریخی ساخته شده قبل از میلاد بازدید کنند و به تبع آن کشور و ساکنان از منافع مالی نیز بهره مند می شوند. اگر چنانچه بناهای اهرام ثلاثه را نیز به نحوی به مذاهب اسلام و یهود مرتبط می دادند به طور یقین آن ناحیه نیز دستخوش حوادث و منازعات پیروان مذهبی میگردید.

در رابطه با گرویدن به آیین اسلام باید این حقیقت تلخ را اذعان داشت که گسترش دین بیشتر اوقات با زور شمشیر انجام می پذیرفته است. به عنوان نمونه می توان از حمله خلیفه مسلمین به نام عمر بن خطاب و لشگریان تحت امر او به سرزمین ایران نام برد که در زمان حکومت ساسانان و در

قرن هفتم میلادی رخ داده است.

تاریخ نگاران وقایع جنگ را به این گونه نوشته اند که پیامبر اسلام رسولی به ایران فرستاد و خسرو پرویز شاه وقت با رسول بی احترامی کرده بود. بعدها عمر این مسئله را بهانه ای برای تعرض به ایران دانست اگر چه وقایع نویسان علت اصلی را فقربیش از حد اعراب و چشم طمع به سرزمین حاصلخیز ایران می دانستند و این موضوع حقیقت داشته که ایران نیز در عصر ساسانیان از دارائی و ثروت بسیاری برخوردار بوده است.

در قضایای حکومت اسلامی که خلافت به جانشینان پیامبر تفویض گردید مردم شاهد لشگر کشی اعراب مسلمان به کشور ایران بودند که به خونریزی و قتل و کشتار و به بردگی کشاندن خیل زیادی انجامید که در کنار آن غارت گنج عظیمی را به همراه داشت که چشم اعراب فقیر بادیه نشین از دیدن آن همه ثروت متحیر گشته بود. در واقع از ابتدای تشکیل آیین اسلام این اولین و بزرگترین تهاجم قبایل اسلامی به یک سرزمین بزرگ بود که بعدها سنگ بنای دیگر جنگ و نبرد ها را در پی داشت که قرن ها دامنگیر ملل دنیا شد و تماما در جهت افزونی خاک و ثروت و تحکیم برده داری بوده است.

مسلمانان پس از قدرت گیری اسلام در پی آن بودند که سرزمین های اسلامی را وسعت بخشند. همچنین ترویج و تبلیغ دین اسلام از دیگر اهداف خلفای اسلامی بوده است. آنها حق خود می دانسته اند که دین اسلام را در بین اقوام دیگر گسترش دهند و از بابت تحقق این امر از هیچ گونه خشونت و قتل ابائی نداشته اند.

جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلام جلد چهارم صفحه ۳۳ به دلائل حمله از سوی عمر پرداخته است که به این شرح است.

عمر خلیفه مسلمین گفته بود خداوند کشور پهناور عجم (فارس) برای آن آفریده که عربها آن‌ها را به اسیری بگیرند. عمر هر چند اسیری گرفتن از اعراب را نهی کرده و گفته بود که مسلمان اسیر مسلمان و دیگران نمی شود. پس از اینکه عمر با اعمال قدرت و به زور شمشیر بسیاری از ایرانیان را به سوی اسلام سوق داد تغییری در نگرش اولیه اش که به ایرانیان داشت داده نشد.

متأسفانه باید اذعان نمود از این نوع تناقضات در فرهنگ اسلامی آن زمان به وفور وجود داشته است که نه تنها از زبان عامه بلکه از لسان فرمانروایان و حاکمان اسلامی نظیر عمربن خطاب به پیروان اسلامی بیان می گردیده است.

عده بسیاری را عقیده بر این است که پیروان دین اسلام حتی در عصر حاضر برای خود حقوقی را قائل می گردند که دیگران اجازه ندارند و نمی توانند آن را دارا باشند و این مسئله باعث تنش و منازعات بین پیروان مذاهب می گردد.

البته این دیدگاه به درستی نیز وجود دارد که نمی توان تمام تقصیرات را به گردن مذاهب انداخت و بشر را ازمسئولیت هائی که دارد مبرا دانست. انسان در واقع دارای نیروهای چند جانبه ای است که از درون او را به دنبال مقاصد خوب و بد هدایت می کند از جمله اینها می توان حس احترام, حق شناسی, قدرت طلبی, جاه طلبی, تعصب و دهها مورد دیگر نام برد. انسان شخصیت بسیار پیچیده ای دارد و اشتباه است که ادعا شود انسانها خود را شناخته اند و اگر مقوله

ساختار فیزیکی ارگان های اندام انسان را نیز به آن اضافه کنیم این معادله بسیار پیچیده تر می شود.

انسان ذاتا حریص و مال پرست است اگرچه درجه و میزان آن در افراد کم یا زیاد است اما یک واقعیت درونی است که هیچکس نمی تواند ادعا کند که من از آن مبری هستم. این روحیه مال پرستی از صفات درونی انسان است که از بدو تولد در او نهادینه می شود و ازهمان سنین کودکی خود را نشان می دهد. این پدیده با تربیت درست شاید میزان آن به مقدار قابل توجهی کاهش پیدا کند ولی از بین نمی رود و تا اندازه ای که زیانی برای دیگران نداشته باشد در وجود شخص متبلور است. متاسفانه عامل مذهب این گونه خصایص ناهنجار را در شخص شدت می بخشد به نوعی که تعصب کور دینی یکی از صفات خطرناک یک شخص مذهبی قلمداد می شود.

در سال های حکومت ناصرالدین شاه قاجار شخصی به نام علی باب بنیان گذار مکتبی موسوم به آیین بهائی گردید که در آن زمان توانست پیروانی را گرد خود جمع آوری نماید. ملایان سنت گرای اسلامی در ایران اصولا مخالف هر نوع تبلیغ مذهب ولو از نوع جا افتاده و رسمی اش مثل عیسوی و یهود بودند. ملایان بالطبع با پدیده جدیدی که سعی داشت گسترش پیدا کند مبارزه نابرابری را شروع کردند و با کمک دولت وقت توانستند آنها را سرکوب و رهبر دین بهائی را اعدام نمایند.

عمل اعدام رهبر گروه باعث شد که عده ای از پیروان دین مذکور سعی نمودند که دست به عمل متقابل زده و در صدد ترور شاه و عده ای دیگر باشند که در قضیه اعدام باب دست داشته بودند.

ازآن زمان ببعد جامعه بهائیان در ایران دچار مشگلاتی گشتند و با آغاز ظهور جمهوری اسلامی در ایران مصائب فوق بسیار فراتر از گذشته گسترش داده شد. حکومت های اسلامی در بسیاری موارد بهائیان را واجد شرائط برای تحصیل و کار درادارات دولتی نمی داند و باعث اخراج آنها گشته اند همچنین بر طبق گزارشات سازمان عفو بین الملل عده زیادی از بهائیان را به جرم های جاسوسی و از این دست اتهامات به جوخه اعدام سپرده اند.

از جانب مطبوعات هر چند گاهی خبر توقیف و دستگیری عده ای از بهائیان منتشر می شود بعلاوه کسب و کار آنان نیز تعطیل گشته و در پاره ای موارد مسئولان قضائی جمهوری اسلامی مبادرت به ضبط اموال آنان نموده اند. تمام این اعمال ناقض حقوق اولیه بشر بوده است که بر طبق آن تمام افراد و عموم مردم درهرجامعه جدا از عقیده و مذهب باید از حق کار, زندگی تحصیل برخوردار باشند و همگام با دیگر سایر شهروندان باید از آزادیهای مدنی و اجتماعی استفاده نمایند. متاسفانه مسئولان جمهوری اسلامی علیرغم امضای کنوانسیون های بین المللی که باید حافظ جان و مال شهروندان خویش باشند ناقض آن عمل کرده و عده زیادی از اعضای جامعه بهائیت را به دلایل و عقاید مذهبی روانه زندان ها و اموالشان را ضبط نموده اند.

دولت جمهوری اسلامی آشکارا از مذهب شیعه دفاع می کند و بیشترین مزیت و برتری را برای پیروان خود اختصاص می دهد که از نظر روشنفکران دینی در دنیا پذیرفته نمی باشد هر چند که دولت های جمهوری اسلامی تا کنون نتوانسته اند حتی انتظارات جامعه خودی شیعه را نیز برآورده کنند و گرانی و بیکاری و فقر در سطح آمار بالائی قرار دارد که منجر به شورش و تظاهرات و عکس العمل خشونت آمیز

ماموران حکومت را باعث شود که از آبان سال ۱۳۹۸ به این سو شدت یافته و تا کنون قریب به دو هزار نفر جان باخته اند.

اگر چه ادعای اینکه جمهوری اسلامی در حال حاضر در اکثریت بسر می برد بعد از چهل سال زیر سئوال رفته است معذالک دولت یا پارلمان اگر از طریق رای گیری دموکراتیک انتخاب گردد موظف است که حقوق تمام اقشار کشور را محترم شمرده و هیچگونه تبعیض و ستمی در قبال پیروانی که گرایش به هر دین و مذهبی دارند روا نکند و مدافع حقوق تمام شهروندان باشد.

حکومت اسلامی طالبان در افغانستان

پس از سرنگونی دولت تروریستی طالبان در ۲۰۰۱ و روی کار آمدن دولت جدید که با همکاری آمریکا انجام شد گروه طالبان همواره سودای حکومت برافغانستان را در سر می پروراند و با ترور و آدم کشی و جنگ های پارتیزانی علیه دولت وقت و در کنار آن با انجام سلسله مذاکراتی با امریکائیها در پی اهداف خود بودند.

در دنباله همین افکار متحجرانه بود که گویندگان و مجریان شبکه های تلویزیونی مخصوص در شهر کابل توسط این گروه ترور و کشته و یا زخمی می گشتند. علاوه بر این گروه طالبان در مبارزه با دولت اشرف غنی نیز خسارت های زیاد بر زیر ساخت های کشور وارد نموده و به دانشگاه ها و مراکز تحصیلی و سازمان های دولتی حملات مسلحانه کرده و با انفجارهای انتحاری گروه زیادی از مردم کوچه و بازار را به خاک و خون کشیدند.

در همین حال که این مطالب تحریر می گردد اخبار از تراژدی دیگری خبر می دهد که در پی بمب گذاری گروهک های طالبان و داعش در یک مدرسه دخترانه به نام سید شهدا در غرب شهر کابل باعث قتل و زخمی شدن نزدیک به ۱۵۰ نفر کودک شده اند. تنها گناه این کودکان آن بود که می خواستند در مدرسه درس بخوانند و در آینده مملکت خویش سهیم باشند. اما از آنجائیکه طالبان و دیگر گروه هایترویست فعال در کابل از پایه و اساس مخالف شرکت زنان در اداره جامعه می باشند تحصیلات دختران را تحمل نمی کنند و با این روش های ناجوانمردانه دخترکان معصوم را قتل عام می کنند تا به مقصود های شیطانی شان دست یابند.

ناتاشا دختر جوان افغانی و تحصیل کرده خارج برای خدمت به هموطنانش به کشورش آمده بود اما افراد طالبان او را در یک حادثه بمب گذاری به قتل رساندند. در افغانستان دختران شبیه به ناتاشا بسیارند که قربانی کینه جوئی این گروه آدمکش تروریست گشته اند. آن‌ها به جرم اینکه در تلویزیون برنامه اجرا می کنند و یا در کسوت خبرنگاری به فعالیت های روزنامه نگاری مشغول می شوند مورد حمله جنایتکاران طالبان می شوند.

تعدادی از جوانان افغانی تحصیل کرده از بیم طالبان از کشور گریخته و به خارج پناه برده‌اند همانند فرحناز خبرنگاری که از ترس و هراسی که طالبان برای او به وجود آورده بود در پی تلفن های مکرر و پیام های تهدید آمیز طالبان از کشور متواری گردید و به امریکا پناهنده شد. علاوه برزنان دهها مرد جوان افغانی نیز به علت فعالیت در رسانه‌های اجتماعی افغانستان مورد حمله طالبان ها قرار گرفته و کشته شده‌اند.

الیاس جوانی متاهل که دارای یک دختر کوچک بود در

ماشین شخصی خود به علت بمب گذاری کشته شد. بعد ازآن حادثه مرگبار دختر ۲ ساله اش هرگز دست های نوازشگر پدر را به خود ندید.

دختر جوان دیگری که از بیم طالبان به ایران پناهنده شده است از بی مهری ها سخن می گوید برخی به او می گویند تو نباید در اینجا باشی چون افغانی هستی. دختر جوان باچشمانی اشکبار می گوید همانگونه که خورشید به ایران می تابد به افغانستان نیز می تابد و من امیدوارم که روزی صلح و ثبات به افغانستان برگشته و من به کشور خود مراجعت کنم.

گروه تروریستی طالبان که بیشتر تمایل به مذهب سنی سلفی دارند در یک دوره حکومت پنج ساله که از سال ۱۹۹۶ شروع شد محدویت بیش از حدی در مورد پوشش زنان اعمال می کردند. آنها علاوه بر حجاب معمول که در سایر دول اسلامی بر قرار است پوشش صورت را نیز اجباری کرده بودند و اگر زنان در معابر بدون حجاب مورد نظر آنان ظاهر می گردیدند برایشان تنبیه با شلاق در نظر گرفته می شد. آنها حتی پا را از این فراتر گذاشته و ورود دختران به مدارس را ممنوع کرده و اجازه تحصیل برای آنان را قدغن کرده بودند. حتی در مواردی دولت طالبان داشتن تلویزیون در منازل را ممنوع کرده و در یک اقدام نمادین تلویزیونهائی را از درختان آویزان کرده و در معرض نمایش قرار داده و یا اقدام به شکستن دستگاه می نمودند.

مولوی رحیم وزیر فرهنگ حکومت طالبان گفته بود روحانیون افغان مخالف تماشای تلویزیون و تصویر برداری می باشند و بر ما ثابت شده که ضررش بیشن از نفع است. او می گوید اگر ما حتی یک برنامه اسلامی به اجرا بگذاریم چه تضمینی

وجود دارد که مردم به سراغ شبکه های دیگر نروند که پر از مفاسد است.

از دیگر اقدامات مخرب این گروه تخریب آثار باستانی در افغانستان بوده است که اعتراض های جامعه بین المللی را درپی داشت.در ماه مارچ ۲۰۰۱ در استان بامیان گروه طالبان که در مصدر قدرت بودند ۲مجسمه باستانی بودا را با دینامیت منفجر کردند. ارتفاع این مجسمه ها ۳۵ و ۵۳ متر بود و تماما توسط هنرمندان قرن چهارم در دل کوه ایجاد شده بود. قبل از تخریب, گروه های مذهبی در خارج از کشور به طالبان پیشنهاد دادند که با هزینه خود حاضر به انتقال مجسمه ها به کشور ثالثی می باشند که با این تقاضا موافقت نشد.

این مسئله نشان می دهد که گروه های مذهبی اسلامی در افغانستان به هیچ وجه سر سازگاری با دیگر گروه های قومی و دینی را ندارند اما در مقام شعار همیشه سخن می گویند که ما قادر به اداره جهان و کنترل دنیا می باشیم. آنها با این اعمال و افکار متحجرانه ثابت می کنند اگر روزی به قدرت منطقه تبدیل شوند بر اساس سنت ها و فرامین اسلامی که در کتابهای مذهبی اسلامی نگارش گردیده است با برافراشتن پرچم جهاد و صدور احکام اسلامی به کشورهای منطقه تعرض خواهند نمود تا به خیال خود پرچم اسلامی را در دنیا به احتزاز در آورده و آنها را به محکوم به پرداخت جزیه نمایند.

یکی دیگر از افراد متحجر مذهبی به نام کلبدالدین حکمت یار در افغانستان که برای مدتی از مهره های اصلی در مبارزه با عوامل روسها در افغانستان بود در یک زد و بند سیاسی با گروه های تروریست طالبان, با احمد شاه مسعود فرمانده

مجاهدین افغانی و قهرمان ملی کشور وارد درگیری سیاسی و نظامی گردید. یکی از دلائل این معارضه با احمد شاه مسعود این بود که گلبدالدین در سال ۱۹۹۲ با نیت سرنگونی و بدست گرفتن قدرت از دولت دکتر نجیب به شهر کابل حمله موشکی کرد در حالیکه نیروهای ملی مخالف تصمیم گلبدالدین و معتقد بودند که پس از اخراج نیروهای اشغالگر روسی باید بر طبق پیشنهادات از رویه حکومت انتقالی و انتخابات سراسری پشتیبانی کرد.

حکمتیار از سوی سازمان ملل متحد مسئول کشته شدن دهها هزار نفر از مردم کابل شناخته شد و باعث گردید که جنگ های داخلی اوج بگیرد و نهایتا با کمک های او نیروهای مرتجع و تروریست طالبان در سال ۱۹۹۶ قدرت را برای مدت ۵ سال به دست گرفتند در حالیکه احمد شاه مسعود در ملاقات با مسئولان وقت دول اروپا به رشد تروریسم طالبانی هشدار داده بود. او دو روز از قبل حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ توسط عوامل تروریست طالبان و داعش در خاک افغانستان به قتل رسید.

پس از اینکه گروه تروریستی طالبان در افغانستان موفق به تشکیل حکومت اسلامی گردیدند از آنجائیکه ریشه در تفکرات متحجرانه و تروریستی داشتند علاوه بر اعمال قوانین زن ستیزانه و ضد حقوق بشری برای مردم افغان, پناهگاه و ملجا بسیار مطمئی برای گروه های تروریستی جهان از جمله القاعده گشتند. پس از آن القاعده در سال ۲۰۰۱ یک رشته عملیات تروریستی هماهنگ از جمله حمله به دو ساختمان بلند در نیویورک را انجام داد که باعث شد دولت وقت امریکا به سرپرسی جرج بوش به افغانستان حمله نظامی نموده و در صدد ریشه کن نمودن گروه های تروریستی از جمله خلافت طالبان در افغانستان بر آمد.

بعد از دفع نسبی تروریست های طالبان و القاعده, دولت های ملی در افغانستان به سرپرستی حامد کرزای از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ و اشرف غنی از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ تشکیل گردیدند. به واسطه ضعف و ناکارآمدی این دولت ها به خصوص دولت اشرف غنی آنها ناچار شدند با طالبان به توافق نامه ای دست یابند که در آن تاکید شده بود که این گروه باید به جای جنگ و خشنونت رفتار صلح آمیز را دنبال کند و با دولت وقت افغانستان مذاکرات صلح آمیز پیشه کنند. اگر چه دولت اشرف غنی در افغانستان در موارد بسیاری حسن نیت نشان داد و حتی در مقطعی هزاران زندانی طالبان را از زندان آزاد نمود اما متأسفانه گروه طالبان روش خدعه و نیرنگ را درپیش گرفتند و با به کارگرفتن زندانیان آزاد شده حملات تروریستی خود را شدت بخشیدند.

دولت ضعیف و ناکارآمد اشرف غنی در افغانستان به صورت یک ارگان شکننده ای در آمده بود و علیرغم کمک های مالی و تسلیحاتی و آموزشی بسیار امریکا و اروپا نتوانست در مبارزه با تروریستم طالبان و داعش موفق شود. احیای ساختار ضعیف سیاسی و اقتصادی با کندی صورت گرفته علاوه برآن چند دستگی, فساد اداری و دیگر عوامل سبب رشد نابسامانی های فراوان گشت و نهایتا با فرار اشرف غنی و چند تن از دستیارانش از کابل منجر به روی کار آمدن دوباره تروریست های طالبان شد و یکبار دیگر کابل و ولایت های دیگر افغانستان شاهد حکومت نالایق و فاشیستی و عقب مانده طالبان گردید.

حضور امریکا و نیروهای اروپا مقارن با تشکیل دولتها در افغانستان بود که از سال ۲۰۰۱ ببعد انجام گشته بود. امریکائیها بعد از سالها در افغانستان به دلائل بیشماری نتوانستند ریشه تروریسم طالبان و داعش و القاعده را در

افغانستان کور نمایند و سرانجام در سال ۲۰۲۱ بعد از بیست سال افغانستان را ترک کردند. قبل از ترک کامل افغانستان, دولت امریکا به سرپرستی دونالد ترامپ با تمهیداتی با طالبان مذاکره نمود تا بلکه با کمک آنها بتوانند حداقل از تروریسم گروههای نظیر القاعده و داعش خلاصی یابند مخصوصا اینکه بعضی از رهبران طالبان پیشنهاد داده بودند حاضرند برای دستیابی به حکومت در جهت منویات امریکا که دفع القاعده و داعش بود همکاری نمایند.

بر همین اساس گروه ترویستی داعش با ۱۸۰ درجه چرخش به دشمنی با طالبان روی آورد و در اولین اقدام تلافی جویانه, مردم بی گناه را هدف قرار داد. حادثه وحشتناک بمب گذاری انتحاری در فرودگاه کابل که اواخر ماه آگوست ۲۰۲۱ به وسیله داعش رخ داد مقارن بود با پیروزی طالبان و تسخیر مراکز قدرت در کشور که قریب به ۱۷۰ نفر از مردم افغان و چند تن امریکائی در این حادثه تروریستی قربانی گشتند که بسیاری از آنها جوانان سرخورده و مایوسی بودند که راه چاره را در خروج از کشور می دیدند.

گروه طالبان اینک در راس قدرت هستند آنها کمافی السابق همانند گذشته موارد ایذائی را آغاز کرده‌اند و مانع حضور هنرمندان و نویسندگان در عرصه اجتماعی گشته و بیم آن می رود که دستاورد های حداقلی و آزادی اندیشه و بیان که بدست آورده بودند به طور کامل از بین برود. اینک بیشترین هراس و نگرانی ها از ناحیه زنان افغانستان است که در طول سالها مبارزات مدنی اندک موفقیتی از آزادیهای اجتماعی به دست آورده بودند و هراس از اینکه تلاش های آزادی خواهانه آنان بار دیگر در زیر گام های طالبان لگد کوب خواهد شد.

بعد از مدت کوتاهی از تسلط مجدد طالبان بر کشور

افغانستان, گزارش های رسیده از سازمان عفو بین الملل نشان می دهد که گروه های تروریستی طالبان صدها نفر از افراد مسلمان را به جرم اینکه دارای مذهب شیعه هستند به قتل رسانده اند که در استان غزنی و دایکندی رخ داده است. اقدامات ضد بشری در حالی اتفاق می افتد که همزمان گروه تروریستی داعش دو مسجد شیعیان را در ولایت قندوز و قندهار نیز مورد حمله بمب گذاری قرار داده و قریب به صد نفر کشته و دهها نفر زخمی گشته اند. گروه تروریستی داعش با کمال وقاحت به جنایت های ذکر شده اعتراف نموده اند.

پاتریشیا گاسمن از گروه دیده بان بشر و مسئول بخشی از این ارگان بین المللی گزارش داده است که گروه های طالبان بسیاری از مردم هزاره را نیز در ایالت های دایکندی و ارزگان از خانه و کاشانه خود کوچانده اند.

یک سال قبل از حاکمیت مجدد طالبان و در سال ۲۰۲۰ سازمان ملل متحد گزارشی را منتشر نمود مبنی بر اینکه آنان از راه های متعدد غیر مشروع نظیر کشت خشخاش و تبدیل آن به تریاک و تهیه سایر مواد مخدر و ارسال آن به خارج از افغانستان کسب درآمد می کند.

بر طبق ارزیابی سازمان ملل متحد مناطق زیر کشت خشخاش در حدود ۲۲۵ هزار هکتار بوده که در زمین های تحت اشغال گروه طالبان شامل ایالت های هلمند و فاریاب و سرپل قرار دارد. این ارقام حیرت آور مطابق اعلام کارشناسان معادل ۸۰ درصد تولید خشخاش و تریاک در دنیا می باشد. در مقام مقایسه ایالت هلمند بالاترین میزان کشت خشخاش را دارد و بر طبق همین گزارش ها مناطق تحت کشت خشخاش نسبت به سال های قبل بیش از ۳۵ درصد

رشد و میزان تریاک تولید شده توسط طالبان به رقم شش هزار تن در سال افزایش یافته است.

بر طبق گزارشات واصله در ایالت غوریان هرات, طالبان ها مردی را به جرم فروش مشروبات الکلی دستگیر کردند. یکی از افراد مسلح طالبان که به نظر می رسد فرماندهی گروه را عهده دار است با هیجان و حرارت بسیاردر باره فرد دستگیر شده می گوید این مرد مسبب آلوده و فاسد کردن جوانان در جامعه است . در رابطه با وجود مراکز تولید تریاک و هروئین در افغانستان بر هیچکس حتی منابع غربی پوشیده نیست که چگونه گروه های طالبان محصولات مرگ آفرین خود را برای فاسد و آلوده کردن جوانان سراسر دنیا به طرق گوناگون صادر کرده‌اند.

عدم ممنوعیت مواد مخدر یا حرام نکردن آن در اسلام به نظر می رسد که این مواد در صدر اسلام به صورت تفریح و اعیتاد وجود نداشته اگر چه بازرگانان عرب در تجارت تریاک به عنوان داروی مسکن نقش داشته اند. در نتیجه روحانیون مذهب اسلامی فرمان یا حکمی در ممنوعیت آن صادر نکرده اند و کاملا مشهود نیست اگر مواردی در سرزمین عربستان مشاهده می گشت آیا همانند مشروبات الکلی آنرا حرام به شمار می آوردند؟ وانگهی طالبان ها بیشتر از آنکه به فساد مواد مخدر بیندیشند به درآمد بادآورده و کلان ناشی از فروش مواد توجه کرده اند. رئیس دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC) در کابل به رویترز گفت: طالبان بر تجارت تریاک افغانستان به عنوان یکی از منابع اصلی درآمد خود حساب کرده‌اند.

همچنین برطبق گزارش‌های سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ درآمد طالبان از تریاک بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار بوده است.

اخیرا مقامات هندی از کشف میلیونها دلار مواد مخدر خبر دادند که در ماه سپتامبر 2021 رخ داده بود. گزارش مذکور خاطرنشان می سازد که محموله فوق از افغانستان وارد بندرعباس و از آنجا وارد ایالت گجرات گشته است.

در این رابطه اگر چه امریکا در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ میلیاردها دلار صرف مبارزه با تولید خشخاش در افغانستان نموده ولی در عمل حکایت از شکست برنامه های آمریکا داشته است. این برنامه‌ها عمدتا شامل تشویق کشاورزان به کشت محصولات کشاورزی و مواد غذائی نظیر گندم بوده است.

نکته قابل بحث دراین موضوع این است که سران مذهبی در اسلام حاضر به حرام نمودن این محصولات مرگبار نمی باشند و عمده دلیل آن است که در کتب مذهبی صدر اسلام اشاره ای به آن نگردیده و یا حرام اعلام نشده است. در حالیکه بر اساس حکم عقل, علمای اسلامی تمام کشور های اسلامی باید بپذیرند که می توان در تغییر احکام اسلامی که به نفع جامعه و بشریت باشد قدم های بسیار برداشت و مصرف این گونه مواد را بجز در مصارف پزشگی و داروسازی به گونه صریح و شفاف حرام اعلام کرد.

در رابطه با کشت تولید مواد مخدر از قبیل خشخاش (مواد اولیه برای تولید تریاک و هروئین) بیش از نیم میلیون کشاورز در افغانستان زمین های زراعی خود را به تولید خشخآش اختصاص داده‌اند و در همین موضوع بزرگترین باند زنجیره ای متشکل از کشاورزان, فرماندهان نظامی, گروه تروریستی طالبان و دیگر گروه های شب نظامی, دولتی ها و قاچاقچیان تشکیل گردیده است که هرکدام سهمی از این تجارت نامیمون را برای خود قائل شده اند.

مشابه همین اعمال در کشورهای امریکای جنوبی وجود دارد که می توان از مواد مخدر کوکائین نام برد که از مشتقات گیاهی به نام کوکا است. کشاورزان در کشورهای امریکای جنوبی از قبیل پرو, اکوادور, بولیوی, آرژانتین, کلمبیا در تولید و کشت این گیاه به طور انبوه دست دارند و با پول و حمایت کارتل های قاچاقچی همچنان به کشت و تولید کوکا ادامه می دهند. تلاش های دولت های متبوع این حوزه ها و شگردهای مختلف از قبیل مبارزه و دستگیری اعضای باندها و یا انفجار و نابود کردن زمین های زراعی تا کنون نتیجه رضایب بخشی نداشته است. در این راستا تولید ۲۰۰۰ تن کوکائین در سال ۲۰۱۷ نشان از گستردگی این نوع مواد افیونی در جهان است.

چنین حجم عظیمی از کوکائین در سطح بالا نمایانگر آن است که تقاضای بسیاری برای مصرف این مواد وجود دارد. در سال ۲۰۱۴ Vice news یکی از کانال های خبری مستندی تکان دهنده منتشر نمود مبنی بر اینکه کارتل های مواد مخدر در کلمبیا چگونه کشاورزان منطقه پرو را زیر نفوذ و تسخیر خود دارند و آن‌ها را با حربه پول و تهدید وادار به کشت و تولید کوکا در میلیونها هکتار زمین می کنند.

یکی از دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در امریکا به نام Ethan Nadelman در باره مبارزه امریکا با کارتل های مواد مخدر در امریکای جنوبی می گوید: از زمانیکه نیکسون برنامه مبارزه با مواد مخدر را اعلام کرد حدود چهل سال می گذرد و در طی این مدت نزدیک به یک تریلیون دلار در این باره خرج شده و ما نه تنها نتیجه مثبتی عایدمان نشده بلکه ورود این مواد به امریکا ۲۵ برابر فزونی داشته است.

او می افزاید این یک اشتباه و هدر دادن منابع ما بوده است

و این همه امکانات می بایستی صرف امنیت و بهبود حال بی خانمان, خلاف کاران, بهداشت و سطح رفاه افرادی می شد که قربانیان این مهلکه بوده‌اند تا سطح گرایش به مصرف این مواد پایین بیاید چون تا مادامیکه تقاضا در سطح بالا وجود دارد تولید کوکائین نیز وجود خواهد داشت و از بین نخواهد رفت.

بر طبق آمارهای فعالان مدنی که در کشور مکزیک مشغول به خدمات رسانی می باشند نزدیک به پانصد هزار زن درمکزیک به امر خودفروشی مشغول هستند. این فعالان مدنی اشاره می کنند که دلائل وفور این همه زن در امر فحشا را باید در مفقود شدن دختران و زنان جستجو کرد که هرساله به تعداد بسیاری توسط باند های مافیائی مکزیک صورت می پذیرد که علاوه بر فعالیت های تولید مواد مخدر در امر فحشا نیز شرکت گسترده ای دارند و متأسفانه دولت های مرکزی در مکزیک به دلائل بسیاری از جمله ساختار فاسد و ناکارآمدی قادر به مبارزه با این معضل بزرگ اجتماعی نمی باشند.

تضییع حقوق مسلمانان چین

در سال ۲۰۲۱ گزارش هائی از مراکز حقوق بشر منتشر شد مبنی بر اینکه دولت چین برای محدویت کردن اقوام اقلیت اسلامی موسوم به اویغورها برنامه هائی را در نظر گرفته است. اقلیت مذهبی اویغور بیشتر در منطقه شین جیانگ و در شمال غربی مستقر هستند و مطابق برآوردی که انجام شده تعدادشان به حدود ۱۰ میلیون نفر می رسد. لازم به ذکر است که در چین اقلیت های مذهبی دیگری نیز وجود دارد و ظاهرا با مقامات و دولت های محلی چین تعارضی ندارند. دولت چین تمامی افراد اویغور را در ساختمانهای

دولتی که با برجک های نگهبانی و دیوار بلند و مجهز به سیم خاردار است زندانی و اقدام به تعلیمات اجباری برای آنان کرده است. ایغورها حق بیرون آمدن از این اردوگاهها را ندارند و مشخص نیست تا چه زمانی آن‌ها در این مکان های محصور باید زندگی کنند.

در گزارش های دیگری آمده که زنان و مردان ایغور ساعاتی از روز را به کار می پردازند و نیز گفته می شود که اغلب کارها در رابطه با کالاهای تولیدی می باشد که در این باره هیچ گزارشی از نحوه برداخت حقوق بابت اجرت کار در دست نیست. زنان و مردان مسلمان ایغور به طور کامل از انجام فرائض مذهبی خود محروم شده‌اند و همچنین خانه و اماکن عمومی آنان از قبیل مساجد نیز تخریب گشته اند. تعدادی از مسلمانان اویغور که به کشور های دیگر پناهنده گردیده اند از تماس با بستگان درجه یک خود محروم گشته اند.
سدام یک ایغور جوان که در استرالیا زندگی می کند همسر و فرزندش در چین است که اجازه ندارد به شوهرش بپوندد. سدام در حالیکه مرتعش و گریان بود قصه تلخ خود را در تلویزیون استرالیا تعریف می کرد که چگونه بیش از دو سال است او تلاش می کند که خانواده اش را نزد خود بیاورد اما دولت چین گذرنامه همسرش را توقیف کرده است گفته شده که دولت چین تمامی گذرنامه های اویغورها را توقیف نموده است.

مطابق اطلاعات حاصل شده هدف دولت چین از این کار ممکن است یک نوع نسل کشی تلقی شود مخصوصا که گزارشات تایید نشده ای منتشر شده است که دولت در عقیم سازی مردان و زنان جامعه ایغور اقداماتی پنهانی انجام داده است.

مقامات چینی در پاسخ به نگرانی های جوامع مدنی و بعضی از دولت ها که اقدامات اخیر چین را زیر سئوال برده بودند گفته است که ما در جهت حذف ایده های تندرو که ممکن است به حوادث تروریستی منجر شود کار می کنیم و در نظر داریم که با تهدیدات توریسی مقابله و عقاید اسلامی را که با فرهنگ و قوانین چین مطابقت ندارد از ذهن افراد پاک کنیم.

البته اینکه یک دولت بخواهد از قبل تدابیری را اتخاذ نماید که از حوادث ناخواسته جلوگیری کند اقدامی قابل قبول تلقی می شود اما اگر اقدامات مذکور بخواهد آزادی های اجتماعی افراد را در همه ابعادش سلب نماید متناقض قوانین حقوق بشرمی باشد. جدا کردن بچه‌ها از والدین و سپردن آنان به پرورشگاههای دولتی به هیچ وجه با معیار های اصول انسانی سازگار نیست بعلاوه سلب مالکیت از اموال و ملک خصوصی اقلیت اویغور نیز بعد دیگری از این ماجرای غم انگیز است. مطمئنا راه های معقول تری وجود دارد که می تواند نگرانی مقامات چینی را مرتفع نماید از جمله برقراری جلسات ویژه با رهبران مذهبی و مشورت با آنها که منجر به یافتن راههای بهتری گردد.

اصولا در رابطه با اقلیت های مذهبی و نفی گرایش به اعمال خشونت آمیز و تندروی, ساز و کارهای بهتری وجود دارد که می تواند بسیار موثر واقع شود. یکی از این روش ها در وهله اول زبان نرم عاری از خشونت است دوم جلسات همیاری و مشاورت مسئولین با اقوام مورد نظر می باشد سوم بررسی مسائل و مشگلات اقتصادی است که این مورد اخیر بسیار تاثیر گذار است اینکه دولت باید سعی و اهتمام براین داشته باشد که در تخصیص منافع و آبادانی کشور نفع همه مردم را درنظر گیرد و از هر گونه تبعیض اجتناب نماید و در کنار اینها

آموزش کودکان در مدارس در جهت میهن دوستی و اینکه یک کشور برای همه است و همه برای یک کشور می تواند شوق بسیار در جوامع اقلیت ایجاد کند به نحویکه آنها احساس کنند همانند دیگر شهروندان حقوقشان محترم شناخته می شود و نباید نگرانی داشته باشند.

گسترش این گونه مبانی فکری در جهت حقوق مردم و در میان کلیه طبقات باعث تشویق و افزایش حس میهن دوستی شده و در نتیجه کار و کوشش را برای آبادانی کشور از اعم واجبات برخواهند شمرد و همچنین باعث رشد امنیت بهتر برای کشور و مردم خواهد گردید چرا که در این گونه جو و فضا افکار و آمال تروریستی جائی برای رشد نخواهد داشت.

در این مورد می توانیم مثال های روشنی بیاوریم, اگربه منطقه سیستان و بلوچستان در ایران مسافرت نمایید به صورت واضح و عریان فقر مطلق را در تک تک چهره های مردم این مناطق به ویژه روستا نشینان خواهند دید. مردمی که حتی فاقد آب آشامیدنی سالم هستند آن هم در زمانی که می توان با خرید دستگاههای مخصوص از رطوبت هوا آب مورد نیاز را تهیه نمود. فرزندان این انسانهای محروم در کلبه های خشتی درس می خوانند و یا خانواده ها باید کیلومترها پیاده بروند تا به یک مرکز درمانی دسترسی پیدا کنند و یا جوانانشان در اوج بیکاری بسر می برند و دهها مصائب و کمبود و سختی های معیشتی که حاکم بر زندگی اهالی این سرزمین است.

درکنار اینها مسائل مذهبی نیز مزید بر علت گردیده چرا که اکثریت ساکنان سیستان و بلوجستان گرایش به مذهب سنی اسلامی دارند و این مسئله دلچسب مقامات عالیه

اسلامی پایتخت نشین نمی باشد که اصولا نظر خوشی نسبت به پیروان سنی مذهب ندارند. همه این عوامل باعث شده که یاس و ناامیدی در این ناحیه از ایران سایه گسترده و ساکنانش بعضا به اعمال خلاف قانون از قبیل قاچاق روی آورده و یا اینکه دست به اقدامات ضد دولتی بزنند و بحران های اجتماعی برای خود و ساکنان به وجود آورند. مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی بدون اینکه در صدد ریشه یابی و منشا بحران در این منطقه باشند با اتهام و برچسب های گوناگون به مردم منطقه اقدام به دستگیری افرادی می کنند که بعضا در اقدامات علیه دولت فعالیت داشته اند و آنها را به اعدام و یا زندان های طویل المدت محکوم می کنند.

علیرغم اینکه دین اسلام وجه مشترک مذاهب گوناگون اسلامی است معذالک مروجان و مسئولان مذهبی شیعه در جمهوری اسلامی سعی دارند که حقوق دیگر ادیان به ویژه تسنن را رعایت نکنند. از جمله مواردی که می توان مثال زد محدویت سفر درباره بعضی از رهبران اهل تسنن به داخل و خارج از کشور می باشد. عدم برخورداری اهل تسنن در کاندیداتوری ریاست جمهوری کشور از دیگر حقوق ضایع شده مردم این منطقه است که این مسأله صریحا در اصل ۱۱۵ قانون اساسی کشور ذکر و نوشته شده که رئیس جمهور باید معتقد به مبانی مذهب رسمی شیعه باشد.

در زمان خلفای عباسی اقوام مسیحی و یهودی حتی به مناصب وزیری دست یافته بودند به عنوان مثال بعضی از خلفا از قبیل هادی و مامون یا خلفای فاطمی در مصر نسبت به اقوام و اقلیت های مذهبی نگاه مثبت داشته‌اند و آنان را در اداره کشور مشارکت می دادند. اما در قرن بیستم زمامداران شیعه در ایران دعوی دموکراسی می نمایند ولی نقطه نظرات منفی و شک آمیز به دیگر ادیان دارند و هرگز

نخواسته اند که آنان را در امر اداره کشور مشارکت دهند.

رسالت واقعی یک فرد مذهبی

مسلمانان جهان روزی چندین بار نماز بر پا نموده و در مراسم های مذهبی شرکت می کنند. آنان در مراسم ماه رمضان روزه می گیرند و پس از طی سی روز جشن عید فطر برپا می کنند و در پایان پس از این که رخصت یافته در این تفکر هستند که با انجام عبادات همه مسئولیت های دینی خود را انجام داده و در نزد خدا گرامی شمرده خواهند شد و پروردگار نیز پاداش آنها را در دنیای دیگر عطا خواهد کرد.

آیا به راستی یک مسلمان با انجام فریضه های دینی از قبیل آنچه که در بالا گفته شد بکلی از مسئولیت مبرا است؟ آیا صرفا با انجام نماز و روزه می توان گفت که دین خود را نسبت به خالق خویش ادا نموده ؟ آیا براستی پروردگار عالم نیاز به دعا و عبادات مسلمانان دارد؟ آیا پروردگار انسانها را فقط برای آن آفریده که به عبادت و نیایش مشغول باشند؟ آیا هرگز از خودمان پرسیده ایم که پروردگار برای چه نیازمند عبادت انسانها است؟ مگر خداوند همانند بعضی سران متکبر و خودخواه است که می خواهد انسانها همیشه و هرروز عبادتش کنند!

در پاسخ باید گفت خدا نیازی به عبادت ندارد بی نیاز ازهرچه دعا و نیایش است و حتی بی نیاز از ستایش است که دوستدارانش گاهی برزبان می آورند اما می خواهد که ما آدمیان واقعا انسان دوست باشیم طبیعت خود را دوست داشته باشیم و برای کسب ثروت و پول دیگران را فدای امیال خود نکنیم. خدا هرگز انتظار ندارد که در اماکن دینی و مسجد و کلیسا مورد عبادت واقع شود بلکه از شما انتظار

دارد که در این مکانها گره از کار یکدیگر بگشایید و به فکر تهیدستان باشید و از شما می خواهد که دست یاری به کودکی دراز کنید که برای قوت خود و خانواده اش کار می کند و از آموزش و تحصیل وامانده است. انتظار خداوند از شما آن است که برای کودکان, کلاس درس فراهم کنید مخصوصا آنهائی که در کلبه های پوشالی فاقد نیمکت مشغول تحصیل هستند. خدا از شما انتظار دارد که به جای پرداختن به مراسم حج در مکه هزینه های آن را صرف ساختن درمانگاه برای بینوایان نمایید.

خدا مخلوق خویش را دوست می دارد و از همین روست که به طور طبیعی امکانات فراوانی را برایش به وجود آورده است. پس اگر خدا انسان‌ها را دوست دارد ما نیز باید مخلوقش انسان یا همنوع خود را دوست داشته باشیم و با اعمال درست و نیکی و احسان نسبت به نیازمندان و مستمندان موجب خشنودی اش شویم.

سیمون دوبوار نویسنده فرانسوی در این باره می گوید: زندگی فرد تا زمانی ارزشمند است که با عشق، دوستی و شفقت برای دیگران ارزش قائل باشد.

گل و گیاه نشانه های خدا در روی زمین هستند. همه خلق عالم طبیعت زیبا را دوست دارند. علت وجود پاک و بی غل و غش طبیعت می باشد که در آن بخل و ریا وجود ندارد.
انسانها از وجودش بهره می برند و از دیدنش آرامش پیدا می کنند.

آب از دیگر مظاهر طبیعت, زلال و شفاف که هر قطره اش برای بشر نعمت است و انسان بدون آن نمی تواند دوام

بیاورد. این ها گوشه هائی از طبیعت خداست که ضمن خدمت به بشر راه زندگی درست را نشان می دهد اما متاسفانه بسیاری از ما شناخت درستی از طبیعت نداریم و نمی توانیم و یا نمی خواهیم که پیام طبیعت یا پیام خدا را درک کنیم.

در مطلب بالا صحبت از روزه به میان آمد در این مورد بهتر است که عقیده و نظرات افراد غیر مسلمان را بشنویم که در ماه رمضان اقدام به گرفتن روزه می کنند. دیدگاه آنان از روزه به کلی متفاوت است و برخلاف عده زیادی از مسلمانان که صرفاً روزه را یک امر دینی و عبادت تلقی کرده که جایگاه انسان را در پیش خدا بالا می برد افراد غیر مسلمان نظرات دیگری دارند که در ذیل آمده است.

جایاویکرمه از شهر ولیگاما در کشور سریلانکا عقیده دارد که او به این علت روزه می گیرد که می خواهد همبستگی خود را با جامعه مسلمان ابراز دارد. او که پیرو مذهب دین بودا است در پاسخ به حملات انتحاری و کورکورانه عوامل تروریستی داعش که منجر به قتل بسیاری گردید هر ساله در ماه رمضان اقدام به روزه گرفتن می نماید و اعتقاد دارد که جامعه مسلمانان در سریلانکا نباید به خاطر عده ای تروریست فدا شوند.

در این رابطه ماریان ساکن شهر کلمبو که به مسیحی است به جایاویکرمه پیوسته و هر ساله در ماه رمضان روزه می گیرد. ماریان معتقد است که روزه گرفتن حس همبستگی را در انسان بیدار می کند و به شما می آموزد در اطراف شما نیز عده ای ممکن است وجود داشته باشند که دچار فقر باشند و شما با روزه گرفتن و احساس گرسنگی در طول روز احوال انسانهای فقیر و تنگدست را بهتر درک خواهید کرد. در

واقع یکی از نکات مثبت روزه گرفتن, توجه به فقرا و مستمندان است که به واسطه اقتصاد نابسامان و یا عدم توجه دولت ها در وضعیت بد و فلاکت باری ایام را به سختی می گذرانند.

نظیر ماریان و جایاویکرمه بسیار هستند که معتقد به عمل روزه می باشند. برخی نیز معتقد هستند که روزه گرفتن مثل آن می ماند که شما تمرینات سخت ورزشی می کنید تا بتوانید چند کیلو از چربی های اضافه را آب کنید و آن را کاری مثبت می دانند.

غرض از مطرح کردن مطالب بالا این بود که هر فعالیتی که به نفع انسان‌ها باشد طرفداران بیشماری می تواند داشته باشد حتی اگر این فعالیت به عنوان بخشی از واجبات یک دین باشد. بنابراین نکات مثبت در مذاهب قابل انکار نیست و استقبال از روزه توسط غیر مسلمانان نشان می دهد که اعمال خوب همیشه و هر جا و تحت لوای هر دین و مذهب از آن استقبال می شود.

این موضوع می تواند پیامی برای رهبران مذاهب باشد که دین خود را از هر گونه خرافات و آلایش پاک کنند و نکات و جنبه های مثبت آن را گسترش دهند تا بتوانند علاقمندان بسیاری را جلب آموزه های خود نمایند. هر مکتب و دینی باید در جهت رشد و تعالی انسان باشد, باید زندگی فرد را به سوی خوشبختی و نیک اندیشی و سلامتی رهنمون شود, باید فرد را از جنگ و ستیزه جوئی دور نگهدارد, باید به او بیاموزد که دین صرفاً انجام اعمال فیزیکی برای جلب و قرب داشتن در نزد خدا نیست, باید به او آموخته شود که زرق و برق مساجد و معابد نمی تواند در گسترش خداشناسی کمک کند در این باره اندیشمندی می گفت

این بت ها هستند که به زر و زیور نیاز دارند کلام خدا و گسترش نامش نیازی به آن ندارد در حقیقت آیین های شرک و بت پرستی هستند که به زر آراسته شده اند.

دین باید الگوی فرد باشد اینکه به همنوع خود کمک کند فارغ از هر اندیشه و مذهبی که دارد باید به این بیندیشد که دیگر مذاهب را محترم شمرده تا در پیروانش ایجاد نفرت نکرده و سعی بر این ننماید که با تهاجم و اذیت و آزار, نظر خود را به دیگران تحمیل نماید مخصوصاً در کشورهائی که اقلیت های مذهبی وجود دارند و جزو پایه های قدرت سیاسی در کشور محسوب نمی گردند. اما متأسفانه این چنین نیست و در بعضی کشور ها از جمله پاکستان, افغانستان, ایران, میانمار (برمه), چین, نیجریه, اریتره, لیبی, هندوستان, سودان, سومالیا, عراق, یمن آزار و اذیت, محدویت ها, تبعیض جنسیتی, آموزشی و بعضا حمله و جسارت به افراد وجود دارد که به جرح و ضرب و یا قتل عده ای منجر شده است.

بر طبق آمار های منتشره از سوی پژوهش گران, جوامع یهودیان, هندوها و مسلمانان در معرض آزار و اذیت بیشتری نسبت به سایر ادیان قرار دارند. نقطه حائز اهمیت در این آمار آن است که هر یک از این گروهها به وسیله دیگری تحت آزار و اذیت قرار می گیرند که در این مورد تخاصم و دشمنی بین هندو ها و مسلمانان, یهود و مسلمان وجود دارد که دارای قدمت و ریشه تاریخی است.

عده زیادی از مسلمانان و مومنین دیگر مذاهب شکوه از کار دنیا می کنند و در نماز و عبادات و راز و نیاز های خویش از خدا سئوال می کنند چرا چنین وضع اسفناکی به وجود آمده

است, فقر و فلاکت نصیب مردم شده و یا چرا جنگ وجود دارد. در پاسخ به این گونه شکوه ها و شکایات, اغلب روحانیون مذهبی اظهار می دارند که این نصیب و قسمت و خواست خدا است و باید آن را پذیرفت. بعضی ملایان می گویند خداوند درنظر دارد که بندگان خود را امتحان و میزان مقاومت را در آنها بسنجد.

جمعی دیگر از ملایان در خطبه ها و سخنرانی در منابر, شکوه و ناله سر می دهند که خداوند بر مردم خشم گرفته برای آنکه معصیت و گناه زیاد شده و فسق و فجور در جامعه فراوان گشته است. حتی عده ای از ملایان شیعه عقیده دارند که باید فسق و فجور و معصیت و گناه افزون یا وسایل ارتکاب گناه را شدت بخشید تا شرایط ظهور امام زمان (مهدی) زودتر فراهم شود.

 مومنین شیعه برای او هرساله جشن می گیرند و برای آمدنش استغاثه و شیون می کنند. عده دیگر از مومنین از اینکه او خود را نشان نمی دهد شکوه و شکایت دارند اینها از ظلم و تعدی حکومت و ناتوانی دولت ها در مهار فقر و تبعیض و نابسامانی ها و گرانی و تورم در جامعه جزخدا و یا مهدی ملجا و پناه دیگری نمی توانند پیدا کنند چرا که حکومت جواب شکوه و شکایت آنها را درست پاسخ نمی دهد و در مقاطعی نیز با خشونت با آنها رفتار کرده و یا به زندان و حبس های طولانی مجازاتشان می کند.

این دختر نوجوان با پای قطع شده که شاید در حدود ۱۵ سال سن داشته باشد از کشور سوریه است سرزمینی که در طول هزاران سال تاریخ شاهد تلخی ها و ناکامی ها و جنگ هایی بوده که به ساکنانش تحمیل گشته است.

این نوجوان همانند بسیاری از نونهالان هم سن و سال خود مسلما آرزوهائی در سر داشته است اینکه تحصیل کند مشغول کار گشته و ازدواج نماید و صاحب فرزندانی گردد. آیا این دختر سزاوار آن بود که به چنین روزی دچار گردد, آیا این خواست خدا بوده که این دختر نوجوان مسلمان با پای قطع شده که در اثر جنگ های داخلی رخ داده اینچنین به زندگی ادامه دهد؟



دوست عزیز کسی که هنوز بر اعتقادات اسلامی خود مصمم هستی اندکی در این عکس تامل و در ذهن خود حقایق را جستجو نما کی مقصر است و چه کسانی باید مرهم زخم برآلام و درد های این دختر و هزاران دختر دیگرقرار دهد که درآتش جنگ سوختند چه کسانی باید از لهیب سوزان آتش جنگ جلوگیری نماید تا این دختر و نظایر او بتوانند در آرامش زندگی و تحصیل علم و دانش کنند و به هموطن خود خدمت کنند.

در پاسخ این همه سئوالات باید گفت انسانها باید خود چاره ساز باشند ملت هر دیار و کشوری باید مسئولیت بقا و خوشبختی خود و خانواده اش را عهده دار گردد آنها که

مسئولیت اداره کشور را به عهده می گیرند مسئول هستند, نهادهای بین المللی مسئول می باشند.

امروز همه شاهد این فجایع هستیم این دختر نوجوان با پای قطع شده نشان دهنده آن است که همه ما قصور کرده ایم و نتوانسته یا نخواسته ایم وظایف خود را به درستی انجام دهیم. این خواست خدا نیست و در آینده هم نخواهد بود این خواست ما انسانها است که دچار مصیبت و بلا می شویم و اگر افراد مسئول به ویژه رهبری گروه های مذهبی و اسلامی و سران و نمایندگان مجالس کشور ها و نهادهای بین المللی اقدام عاجل ننمایند همه ما به مصیب های وحشتناک بیشتر دچار خواهیم شد که خلاصی از آن میسر نخواهد بود.

باید اعتراف کرد که در این برهه از زمان نمایندگان گروههای مذهبی به ویژه اسلام, یهودیت , بودا و هندو در دنیا بیش از هرکس دیگری نیز مسئولیت سنگین دارند چرا که آنها می توانند راهگشای معضلات جوامع باشند, آنها می توانند با هدایت صحیح پیروان دین و با اصلاح و بازنگری در قوانین مذهبی به ویژه در مذهب اسلام تاثیر شگفتی در بهبود و اصلاح جوامع داشته باشند و انسانهای روی کره زمین را از بلایا و هرج و مرج رهائی بخشند. آنها باید قوانین و نوشته های کتب مذهبی را متناسب با نظم نوین جوامع تغییر دهند و ذهن پیروان خویش را نسبت به دیگر ادیان ملایم کرده, وجود همدیگر را تحمل نموده و حتی پا را فراتر از آن گذاشته و در جهت همکاری و دوستی اقدام نمایند تا جنایت کارانی از قبیل داعش و طالبان و القاعده و بوکوحرام محیط رشد و نمو نداشته باشند.

همانگونه که پیامبران در جوامع گذشته قوانین مذهبی را با

توجه به موقعیت دوران خود تدوین و منتشر کردند امروز نیز می توان آن قوانین را با توجه به زمان حال تغییر داد. این اندیشه که تغییر قوانین مذهبی در مخالفت با خدا و رسولان خدا ست باید آنرا به کنار گذاشت. اگر رسولان دینی در این دنیا و زمان حال زندگی می کردند افکار و اندیشه های مذهبی خود را به طور یقین متناسب با وضع جوامع امروز نشر می دادند.

در طبیعت, هر عنصر و گیاه و موجود زنده دچار تغییر می شود. جنین درون شکم مادر, یک سلول کوچک است و بعد از مدت زمانی دچار تغییرشده رشد و تکامل پیدا می کند تا به هیبت انسانی در آید. این پدیده تکامل در رابطه با خلق انسان قانون خداوند است و به ما می آموزد که زندگی با تغییر و رشد و تکامل ادامه پیدا می کند و اینکه بر گشت به گذشته, سکون و عدم تکامل در تناقض با قانون خدا و خلقت است. خدا از دل و جان طبیعت زیبایش این چنین برای ما پیام فرستاده و ما وظیفه داریم که به آن عمل کنیم تا مشگلات بسیاری از جوامع دنیا برطرف گردد.

در این رابطه حرف و سخن بسیار است که به پاره ای از آن‌ها اشاره می کنیم. به عنوان نمونه پاکستان یک بستر بالقوه برای رشد تروریسم است, می پرسید به چه دلیل این ادعا را مطرح می کنید؟ درجواب باید گفت جمعیت پاکستان در حال حاضر 220 میلیون نفر است که این در آینده نزدیک به رقم 350 میلیون خواهد رسید. خانواده های بسیاری در پاکستان وجود دارند که به دلائل مختلف مذهی و اقتصادی, فرزندآوری بالا را دوست دارند و از طرفی این خانواده‌ها از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار نیستند.

کمبود مدارس دولتی در مناطق دور افتاده از دیگر مشگلات حکومت است و در کنار آن افراد افراطی طالبان در بعضی

مناطق اقدام به تخریب مدارس دولتی دخترانه می کنند. با توجه به این مسائل خانواده های مناطق فقیر نشین که به مدارس دولتی دسترسی ندارند به ناچار فرزندانشان را به مدارس مذهبی شبانه روزی رایگان می فرستند که به وفور یافت می شوند. اساس تفکرات این مدارس بر پایه جهاد است و دانش آموزان با ایدئولوژی اسلامی افراطی از نوع طالبان از مدارس فارغ التحصیل می گردند.

مدارس دینی متأسفانه با دید اندک و کوته بینی که دارند خرافه های مذهبی را به بچه های معصوم آموزش می دهند. این بچه ها بسیار آمادگی خواهند داشت که جذب گروه های تروریست طالبان و یا القاعده و نظایر آن در آینده شوند. دولت های پاکستان متاسفانه با مسامحه و سهل انگاری و بعضا تعمدا نظارت درستی بر شیوه اداره این مدارس ندارند و گروه های تروریست در این مدرسه ها به راحتی نفوذ کرده و امیال شیطانی خویش را پیش می برند.

اگر دولت های پاکستان نتوانند بر تفکرات مدارس دینی طالبانی فائق آیند دیر یا زود کشور در معرض تهاجم های طالبانیسم قرار خواهد گرفت و همان بر او خواهد رفت که بر افغانستان رفته است.

کشور پاکستان مأمن امنی برای اسامه بن لادن رهبر تروریست های القاعده بود که در سال 2011 و حمله ناگهانی نیروهای امریکائی به قتل رسید. او به همراه دهها تن از همراهانش در مخفی گاهی در منطقه ای به نام ابوت آباد در ۵۰ کیلومتری شهر اسلام آباد تحت حمایت افراطیون طالبان زندگی می کرد.

اسامه به مدت ۹ سال با حمایت بخشی از نیروهای امنیتی

و گروه های مذهبی تندرو در پاکستان پناه داده شده بود بدون اینکه مواجه با مزاحمتی شود. همچنین باید اشاره شود که پاکستان مأمن امنی برای طالبان های تروریست بود که سرانجام باحمایت گروه های تندرو مذهبی و مقامات امنیتی پاکستان و استیصال امریکائی ها مجددا توانستند حکومت های وقت را در افغانستان سرنگون ساخته و بار دگر قدرت را در دستان ناپاک خود گیرند.

امروزه در جهان میلیون ها کلیسا, معابد, مساجد, زیارتگاه های مذهبی وجود دارند که بانیان و زوار و مومنین تصورشان بر این است که در جهت خشنودی خدا ساخته شده است. همه این اندیشه را در ذهن دارند که پروردگار درعالم دیگر برایشان نعمت و پاداش ارزانی خواهد نمود. اینها فکر می کنند که خداوند تاجر است و به جای دعا و نیایشی که دریافت می کند در ازایش اسکان در بهشت و قصرهای فیروزه ای با یاقوت سرخ همراه با حوری های ماه پیکر اهدا خواهد نمود.

خدائی که قادر است میلیون ها نظیر کره زمین بیافریند آیا محتاج دعا و نیایش شما است و انتظار دارید که برایتان کارگشائی انجام دهد یا می خواهید که دشمن تان را نابود کند؟ مراکز مذهبی مسجد و کلیسا در عین سادگی باید مامن جلسات برای همدلی و حل مشگلات مومنین باشد باید مکان شور و مشورت باشد که مصائب و مشگلات جامعه را بازبینی و در حد امکان در رفع آنها بکوشد و به مساعدت نیازمندان بپردازند.

خدای آفریننده و خالق موجودات زنده, به ما انسانها هوش و معرفت و بینائی داده که در دنیا به جستجو بپردازیم و ناگفته ها و معما های خلقت را کشف کنیم و در پی اهدافی باشیم

که زندگی برای انسان را آسوده تر و لذت بخش تر نماید.

خوشبختانه عده ای در پی عملی شدن این اهداف سختی ها به خود راه دادند و به نتایج والا و مثبت رسیدند و امروز ما شاهد آن هستیم که تحت کار و کوشش و مطالعه دانشمندان و متفکران در طی قرون انسان ها به ابزار و وسائلی دست یافته اند که زندگی و سعادت خیل از انسانها مرهون دستاورد های اینان است. در واقع این دسته از مردم , دانشمندان و متفکران, دانش پژوهان که صاحب عقاید مختلف بودند سخن و پیام خدا را درک کردند و در پی آن رفتند که خواست خدا بوده است و می توان به جرئت بیان کرد که مومنان واقعی اینها بوده اند که به بشریت خدمت والا کرده اند.

حال عده ای سئوال می کنند که وظیفه و یا توان همگان نیست که پای در جای دانشمندان گذارده و همانند آنان عمل کنند, بلی درست است وظیفه مردمان و افراد عادی همانطور که مکرر گفته شد می توانند از جهاتی دگر منشا خوبی ها و کارهای نیک در قبال همنوعان باشد. شاید این گفته شیرین سعدی را بیاوریم که می گوید:
بنی آدم اعضای یکدیگرند- که در آفرینش همه از یک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار - دگر عضوها را نماند قرار
تو کزمحنت دیگران بی غمی- نشاید که نامت نهند آدمی

Human beings are members of each other who are all one essence in creation.
If a member is in pain, there will be no rest for other members.
If you are careless over the suffering of others then you are not a human.

می توان به جرئت گفت که سعدی در آن زمان درک بسیار عمیقی از پدیده خلقت داشته است که هر صاحب نظری را به تحسین وا می دارد. در واقع ما انسان های عادی که خود را مخلوق خداوند می دانیم باید سخنان سعدی را ارزشمند تلقی کرده و از آن پیروی کنیم که درنهایت همان مقصود و خواست خداوند می باشد که برتر از صدها سال عبادت و دعا و نیایش می باشد.

آنها که دست تضرع به آسمان برداشته اند و از خدا می خواهند که گناهانشان را ببخشاید باید به این سخنان سعدی فکر کنند باید تعقل به خرج دهند و عملا در جهت نیکوکاری گام برداشته و اگر توانائی مادی و معنوی دارند اندکی از آن را در خدمت به خلق خدا صرف کنند. خدا از مخلوق خود خواسته های معقول طلب می کند و هیچگونه انتظار دیگری از انسان ندارد چرا که بی نیاز است و این ما انسان ها هستیم که نیازمند همدیگر هستیم و باید هر یک به فراخور حال در جهت برطرف نمودن نیازمندیهای تهیدستان و فرودستان اقدام کنیم.

این را هم باید اضافه نمود اگر هم پاداش و حسابرسی وجود داشته باشد و اگر پس از مرگ شما را فرا خوانند به طور یقین از شما خواهند پرسید که چرا برای اندک مالی به دروغ شهادت دادی و برای تصرف اندوخته انسانی او را به قتل رساندی و برای ازدیاد قدرت و جاه و مقام خلقی را در بند کردی و آزادی اش را از او سلب کردی!

خداوند و کارگزارانش از تو نخواهند پرسید که چرا عبادت نکردی, دعا و نیایش انجام ندادی و یا به زیارت مکه و مدینه نرفتی, عبادت خدا نباید از روی عجز و خوف و ترس از مجازات

جهنم باشد, ما باید آفریده های خدا را تحسین کرده و سپاسگزار باشیم اگر چه پروردگار به آن هم نیازی ندارد و آنچه که طالب آن است صداقت و درست کاری بشر است اینکه به همنوع خود ظلم و ستم نکنیم و فرد نیکوکاری در جامعه باشیم.

پیامبر دین اسلام محمد نیز گفته جالب و شنیدنی دارد که متاسفانه کمتر مورد استفاده علما و مردم متعقد به اسلام قرار میگیرد, او گفته است: یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است.

 خداوند پیام همزیستی و نوع دوستی برای انسان را درقالب طبیعت بیان کرده است و انتظار دارد که ما انسانها آن را با شعور و احساس خود درک کنیم دنیای خود را بشناسیم و ازآن الگو و سرمشق گرفته و از پی آن برویم.

 خدا ما را به این وسیله رهنمون کرده است, گردش منظم ستارگان و کرات و خورشید حیات بخش و طبیعت زیبائی که باید در حفظ آن بکوشیم اما در این باره قصور ورزیده ایم و اگرنخواهیم که به خود آییم و نیرو و توان و انرژی و ثروت خود را صرف نابودی همدیگر کنیم بر خود ستم روا داشته ایم و بدانید که دعا و نیایش و استغاثه اثری ندارد همانگونه که در طی هزاران سال نیز نداشته است. هرچه که بر انسانها روا شود ازنتایج اعمال بد و نادرست بوده است.

یک ضرب المثل عامیانه مشهور می گوید اگر باد بکاری طوفان درو خواهی کرد و به راستی نیز این چنین است, رخداد های نامیمون روی کره زمین همه نتیجه عملکرد بد انسانها می باشد.

روسیه بعد از فروپاشی بلوک شرق

بعد از جنگ دوم جهانی, آلمان نازی شکست فاحشی را متحمل گردید و شیرازه کشور بکلی از هم گسیخته و متفقین کشور را به چهار ناحیه تحت سلطه خود درآوردند. در بخش شرقی که تحت کنترل شوروی بود دولت استالین یک حکومت نوین موسوم به آلمان شرقی به وجود آورد که پایتخت آن در نیمی از شهر برلین واقع شده بود. به این ترتیب آلمان عملا به دو کشور شرقی و غربی تقسیم گردید.

در چنین شرایطی, اهالی برلین شرقی و دیگر شهرهای جدا شده تصمیم گرفتند که به بخش غربی تحت کنترل متفقین امریکائیها, فرانسویها, انگلیسی ها بروند. چندین میلیون از آلمانی ها به بخش غربی مهاجرت کردند و دولت نوپای آلمان شرقی با کمبود پرسنل و کارگران ماهر مواجه گردید که تاثیر بسیار منفی در تولیدات کارخانه ها گشت.

براساس این واقعیت ها مسئولان آلمان شرقی با صلاحدید روسها تصمیم گرفتند که با احداث یک دیوار طولانی از پدیده مهاجرت شهروندان عاصی جلوگیری به عمل بیاورند. در کنار احداث دیوار بتنی و نسبتا بلندی که شهر برلین را به دو نیمه کرده بود ساز و کارهای عجیب و حشتناکی از جمله سیم های خاردار, تفنگ های دوربین دار خودکار, برجک های نگهبانی, محوطه مین گذاری شده و سگ های دست آموز نیز به کار گرفته شده بود.

در طول ۲۹ سال پایداری دیوار ۱۵۵ کیلومتری, صد ها نفر به جرم سعی در فرار توسط نگهبانان به قتل رسیدند تا اینکه در سال ۱۹۹۰ با فروپاشی کمونیزم بین الملل, برلین شرقی و دیگر شهرهای تحت حکومت آلمان شرقی رهائی پیدا کرده و

به طور کامل به آلمان ملحق گردیدند و حکومت دست نشانده روسها به این ترتیب متلاشی شد.

آلمان شرقی به سبب انزوا و جدائی از بلوک غرب در جهات بسیاری از نقطه نظر دانش و تکنولوژی نسبت به آلمان غربی عقب مانده بود و این جدائی اجباری که به توسط رهبران بی خرد سیاسی کشور های روس و آلمان شرقی ایجاد شده بود از نقطه نظر اقتصادی و صنعتی باعث عدم توازن دو ناحیه گشته و شهروندان به مدت طولانی دچار معضلات اجتماعی و سیاسی گشتند. در کنار آن مقامات امنیتی کشور (استازی) آلمان شرقی بسیاری از شهروندان را زندانی و یا به قتل رسانده بود.

پس از فروپاشی کمونیسم به سرکردگی روسها در سال ۱۹۹۰, تعدادی از کشور های دست نشانده شوروی از قبیل چکسلواکی, لهستان, بلغارستان و مجارستان اعلام استقلال نمودند بعلاوه دولت های محلی نظیر بوسنی و هرزگوین که تحت امر دولت یوگسلاوی بودند به علت فروپاشی ناشی از کمونیسم روسها نیز در صدد برآمدند همانند ۵ استان دیگر یوگسلاوی استقلال خود را اعلام کنند.

اقدام مقامات محلی بوسنی سبب شد که دولت مرکزی صرب ها در شهر بلگراد به رهبری اسلوبودان میلوسویچ جنگی ناخواسته را به اهالی مسلمان بوسنی و هرزگوین تحمیل کند. تحمیل جنگ در موقعی انجام شده بود که استقلال اقوام برخی ایالت ها از قبیل مقدونیه (مسدونیا) , اسلوونیا بدون جنگ و خون ریزی انجام شده بود و عمده دلیل آن بود که اکثریت ساکنین این ایالت ها جزو پیروان آیین مسیح بودند. شایان ذکر است که بین صربستان و اسلوونیا برخورد جزئی کوتاهی صورت گرفت که تاثیر چندانی در اعلام

استقلال نداشت. صربستان تلاش می کرد که استانهای سابق یوگسلاوی را پس از مرگ مارشال تیتو مجددا با هم متحد نماید اما رهبری خودکامه صربها به هیچوجه برای متحد های سابق یوگسلاوی قابل قبول نبود.

قریب به چهار سال دولت مرکزی (صربستان) در جنگ با ایالت بوسنی و هرزگوین بود. یکی از ناگوارترین حوادث جنگ کشتار مسلمانان مناطق بوسنی و هرزگوین در ایالت سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ بود که منجر به قتل عام ۸ هزار نفر در این منطقه شد اما دولت صربستان این موضوع را به کرات انکار نمود.

سرانجام با دخالت امریکا و جامعه اروپا استقلال بوسنی و هرزگوین رسمیت یافت اما مسلمانان بوسنی و هرزگوین در مجموع بیش از یکصد هزار نفر کشته دادند. رهبر صربستان و فرمانده تحت امر او به نام ژنرال ملادیچ پس از خاتمه جنگ متواری گردیدند اما بعد از چندین سال بدام افتادند هردو به علت ارتکاب جنایات جنگی علیه مسلمانان در دادگاه بین المللی لاهه محکوم و زندانی گردیدند. میلوسویچ در سال ۲۰۱۰ در زندان درگذشت.

پس از مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ میلادی خروشچف که از رهبران حزب کمونیست و از نزدیکان استالین بود توانست به قدرت برسد و رهبری صدر هئیت جماهیر شوروری را به عهده بگیرد. او بر خلاف استالین در جلسه حزب سران کمونیست پرده از جنایت های استالین برداشت و آن را نکوهش کرد . سخنان خروشچف مدتی بعد به بیرون درز پیدا کرد و روزنامه های دنیا نکاتی از آن را منتشر کردند. پس لرزه های سخنان افشا گرانه خروشچف باعث شد که مردم سرزمین های تحت سلطه شوروی اعتراض های گسترده

ای را بر پا کنند که از آن جمله می توان لیتوانیا , بلاروس , لهستان, استونیا را نام برد.

خروشچف پس از آن دستور داد که زندانیان اردوگاه های کار اجباری را آزاد کنند همچنین نام استالین را از کتابهای درسی نیز حذف نمایند. جسد استالین از کنار مزار لنین(بنیان گذار اولیه دولت کمونیست شوروی) برداشته شد و شهر استالینگراد به نام قدیمی خود ولگا گراد تبدیل گردید.

خروشچف در اثر فشار سران کمونیست نتوانست ایده های اصلاح گرایانه خود را به پایان برساند و مجبور شد که با دیوار کشی بین برلین غربی و شرقی موافقت نماید و بدین ترتیب کشمکش بین شرق و غرب رو به ازدیاد نهاد به طوریکه در مقطعی به ایجاد پایگاه های هسته ای شوروی در کوبا و ترکیه برای امریکا منجر شد که می توانست امکان یک درگیری اتمی را در منطقه رقم بزند. خروشچف در سال ۱۹۶۴ از قدرت برکنار گردید و سرانجام در سال ۱۹۹۳ درگذشت.

لئونید برژنف در سال ۱۹۶۴ بعد از خروشچف به مقام دبیر کل حزب کمونیست در شوروی رسید و از جمله اقدامات تنش زای او لشگر کشی به چکسلواکی بود که در پی اصلاحات ملی بودند. یکی از دلائلی که منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شورروی در سال ۱۹۹۰ گردید آگاهی مردم از جنایت های استالن در دوران حکومتش بود. بنا بر گزارش های بسیاری که در روسیه منتشر شده بود در دوره زمامداری استالین نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر اعدام و یا مفقود و یا در اردوگاههای کار اجباری جان خود را از دست داده بودند. بعدها جزئیاتی از اردوگاههای کار اجباری نظیر گولاک بر طبق اسناد منتشر شده در سال 1991 در اختیار مردم قرار

گرفت. در این اردوگاه نزدیک به سه میلیون نفر تحت شرایط سخت غیر انسانی دوران وحشتناکی را سپری کرده بودند.

پس از تحولاتی که در دوره گورباچف رهبر شوروی در سال ۱۹۹۰ به وجود آمد باعث گردید که دیوار برلین فرو بریزد و کشورهای بلوک شرق آزادی خود را با جدائی از اتحاد جماهیر شوروی به صورت استقلال و بعضا گرایش به غرب اعلام کردند. در این راستا قدرت بلامنازع روسها چنان عرصه دستخوش و فروپاشی گردید که حتی ایالت هائی که داعیه استقلال نداشتند نیز علم خودمختاری و استقلال بر پا داشتند که از جمله مسلمانان ایالت چچن را می توان نام برد. بعد ها ولادیمیر پوتین با حملات سبعانه ای که به شهرهای تحت این ایالت از جمله گروزنی نمود توانست با کشتار عده زیادی از جنگجویان چچنی آن‌ها را تحت سلطه دولت خود در آورد.

ولادیمیر پوتین افسر سابق کاکاب سازمان مخوف جاسوسی دوران جنگ سرد در شورورى که در پی تمهیداتی توانسته بود رهبری روسیه را کسب کند در پی آن برآمد که حیثیت و اقتدار سابق روسها را برگرداند. اولین هدف او کشور مستقل اوکراین در مرز روسیه بود که مدتها پیش همانند دیگران از اقمار شوروی جدا و مستقل شده بود.

در سال ۲۰۱۴ اوکراین سعی بر این داشت که مواضع صلح جویانه و آشتی پذیری با دولت روس داشته باشد. رئیس جمهور اوکراین تمایل خود را به روسیه نشان داده و در صدد بود که روابط حسنه ای با روسها داشته باشد. در پی تحریکات روسیه در دو شهر شرقی اوکراین, مقامات این شهرها الحاق به روسها را عملا آغاز کردند. این مسئله سبب شد که دولت مرکزی اوکراین واکنش سختی نشان

دهد و با آنان از در جنگ در آید.

ولادیمیر پوتین نیز به بهانه حمایت از شهروندان روس ساکن در این دو شهر از فرصت بدست آمده استفاده و جزیره کریمه متعلق به اوکراین را به خاک خود الحاق نمود هر چند روسها ادعا کردند که بیش از نود درصد از ساکنین جزیره تمایل داشته اند که به روسها ملحق گردند. مسئله کریمه باعث گردید دولت های غربی از جمله امریکا سلسله تحریم هائی علیه روسها اعمال نمودند. لازم به توضیح است که سازمان ملل الحاق جزیره کریمه را به روسها فاقد مشروعیت می داند.

دولت اوکراین نیز در اندیشه آن بود که به اتحاد ناتو بپیوندد و این مسأله حساسیت بیشتر روسها را برانگیخته و در پی تنش های بسیاری که چندین سال طول کشید نهایتا باعث شد که پوتین به نیروهای ارتش خود دستور حمله به اوکراین را صادر نماید. حمله مذکور در روز بیست و سوم فوریه سال ۲۰۲۲ انجام گردید و روسها با بمباران و شلیک موشک و توپخانه ها بسیاری از شهرهای بی دفاع اوکراین را ویران و دهها مراکز درمانی و بیمارستان هدف حملات وحشیانه قرار گرفتند. هزاران تن از شهروندان اوکراینی جان خود را از دست داده و بیش از پنج میلیون نفر از شهرها و خانه های خود آواره شده و به کشور های همسایه از جمله لهستان, رومانی و اسلواکیا پناه بردند. بدینسان ارتش روسیه بدون توجه به معاهده های سازمان ملل متحد عملا به خاک اوکراین تجاوز نظامی نمود.

اگر چه اتحادیه اروپا و ناتو به دلائل اجتناب از جنگ همه جانبه از دخالت های مستقیم خودداری نمودند اما سلسله کمک های فراوانی از جمله تسلیحات جنگی روانه اوکراین

نمودند تا در مقابله حملات روسها از خود دفاع نماید. در این راستا امریکا نیز کمک های تسلیحاتی و مالی بسیاری را روانه اوکراین نمود. سه هفته بعد از جنگ, دولت اوکراین اعلام کرد که روسها بیش از ۲۵۰۰ مورد از زیرساخت های کشور را ویران کرده اند.

دولت های اروپائی و امریکا تحریم های شدیدی را علیه روس به مرحله اجرا در آوردند از آن جمله نفت و گاز و بلوکه کردن سرمایه ها و دارائی های روس و ممنوعیت انجام معاملات بازرگانی در سراسر اروپا و امریکای شمالی بود. شهروندان روسیه در پی تعرضات ارتش پوتین به اوکراین تظاهرات بسیاری در شهرهای مرکزی از جمله مسکو به راه انداختند که بیش از دوازده هزار نفر از مردم به اتهام اغتشاش توسط نیروهای روسی دستگیر و به زندان افکنده شدند. در راستای اعتراض به حملات روسیه به اوکراین ۱۴۳ کشور جهان در مجمع عمومی سازمان ملل در یک اقدام نمادین عمل روسیه مبنی بر تجاوز نظامی به اوکراین را محکوم نمودند.

پوتین رهبر دائم العمر روسیه درحالیکه درگیر منازعات خود با غرب و همزمان اشغال اوکراین است بعد از شش ماه جنگ تحمیلی خود بر اوکراین و بدون دستیابی به اهدافش به نظر می رسد ناتوان تر ازهمیشه است و از این منظر اخیرا چند بار غرب را تهدید به حمله هسته ای نموده است. او از اینکه غرب با تسلیحات متنوع به کمک اوکراین آمده اند عصبانی است و مبادرت به نظرات غیر مسئولانه می کند. اکثر سیاست مداران جهان اظهار داشته اند او باید روزی به خاطر جنایات جنگی که در اوکراین مرتکب گردیده محاکمه گردد.

در رابطه با قدرت مخوف تسلیحات هسته ای که متاسفانه

چندین کشور بر آن تسلط یافته اند باید خاطر نشان کرد که امروزه یک بمب هسته ای برابر با هزار کیلو تن قدرت تخریبی است. دو بمب اتمی که در پایان جنگ دوم جهانی در دو شهر ناکازاکی و هیروشما از سوی امریکا انداخته شد فقط ۱۵ کیلو تن قدرت تخریبی داشت اما همین مقدار نیز باعث کشتار عظیمی گردید که بیش از صد هزار نفر قربانی حاصل آن فاجعه بود و هنوز آثار و تبعات تشعشات اتمی در نسل های بعدی وجود دارد.

حیف و میل مواد غذائی

در باره مبارزه با فقر در کشور های عقب افتاده و جهان سوم باید به نکته قابل تاملی اشاره کرد اینکه قصور مردم غرب را در این رابطه نمی توان از نظر پنهان داشت. به عنوان مثال بر طبق گزارش‌ها در امریکا حدود ۴۰ درصد مواد غذائی در سال به هدر می رود.

یک خانواده امریکائی سالانه حدود 1500 دلار مواد غذائی را دور می ریزد. سوپر مارکت های بزرگ بخش مهمی از این دور ریز ها را انجام می دهند. به عنوان مثال, عمده کالاهای غذائی برچسب تاریخ مصرف دارد و این تاریخ مصرف برای مواد غذائی مثل گوشت و یا شیر اگر عقلانی باشد برای برخی معنی نداشته و زائد است.

اگر در مناطق آسیائی برنج بیشترین دور ریز را دارد این مورد در اروپا شامل غلات می باشد که در صدر جدول قرار گرفته. در بریتانیا سالانه 900 هزار تن نان دور ریخته می شود که در این مورد می توان مصرف نان توست در رستوران‌ها, مراکز اغذیه فروشی را مثال زد. در رابطه با دورریز مواد غذائی در کشور ایران صحبت از آمار و ارقام ۳۵ میلیون تن مواد غذائی

است که سالیانه هدر می رود.

ماشین آلات نان پزی, نان های توست را پس از پخت با دستگاه مخصوص برش و تقسیم کرده و به شکل منظمی در می آورند. معمولاً برش اول و آخر این تقسیم شکل و فرم مناسبی ندارد و رستوران‌ها و مراکز اغذیه فروشی قطعات نا مساوی نان توست را به سادگی دور می ریزند چرا که معتقدند نمی توان از آن ها برای تهیه ساندویچ استفاده نمود. اگرچه عده ای آدم با ذوق از دور ریز های نان استفاده کرده و در صنعت نوشابه سازی از آن بهره می برند و یا در ژاپن برای خوراک دام هایشان استفاده می کنند و حتی معتقدند که طعم گوشت حیوانات بر اثر مصرف این گونه مواد دورریز خوشمزه تر هم می شود.

علیرغم این اقدامات که به صورت اندک انجام می پذیرد باید پذیرفت که این پدیده مشگل بزرگی است که در سرتاسر اروپا وجود دارد و شاید دولت ها می باید برای رفع آن ایده های کارسازی به کار ببرند. کارشناسان می گویند ما می توانیم از این دور ریز ها برای خوراک دام استفاده کنیم و آنها جایگزین ذرت و سویا نمود.

متأسفانه معضل دورریز مواد غذائی جهانی است و منحصر به امریکا, اروپا و آسیا نمی گردد. حدود یک سوم مواد غذائی تولیدی در دنیا به مصرف نمی رسد و سر از زباله دانی در می آورد. کارشناسان هزینه مواد غذائی هدرشده را در دنیا نزدیک به هزار میلیارد دلار تخمین می زنند. در عین حال باید توجه داشت که برای این حجم انبوه از مواد غذائی هدررفته نیز به میزان قابل توجهی آب و سایر منابع مصرف شده است.

مطابق آمار سازمان ملل نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر از ساکنان ۴۳ کشور از گرسنگی و سوتغذیه رنج می برندکه بیش از ده درصد کل جمعیت جهان است.

سلیا مادر 41 ساله در برزیل می گوید: او دیگر قادر نیست غذای روزانه خود و بچه هایش را تامین کند چون بنا به دلائل بسیاری قیمت ها در برزیل افزایش شدیدی پیدا کرده است. او می گوید من بیشتر شبها گرسنه می خوابم تا بتوانم شکم بچه هایم را سیر نگه دارم.

گردانندگان موسسات خیریه بین المللی نیز از افزایش قیمت ها شکایت می کنند. آن‌ها می گویند در کشورهای امریکای لاتین تورم بسیار بالا رفته است و دهها میلیون نفر از مردم به ویژه کودکان در روز وعده های غذائی ناچیزی دریافت می کنند . کشور های امریکای لاتین پس از همه گیری کرونا در سال 2020 و گذشت یکسال آثار و تبعات بد اقتصادی را دارند تجربه می کنند. به گفته وال استریت ژورنال در برزیل , کلمبیا پرو, شیلی اوضاع اقتصادی بسیار وخیم است همه چیز از افزایش 60 درصدی اقلام غذائی نظیر برنج در برزیل خبر می دهد. مسئله فوق نیز در امریکای شمالی به وقوع پیوسته و افزایش قیمت ها را به دنبال داشته است.

برطبق گزارشات سازمان بین المللی یونیسف هرروز بیش از ۱۵ هزار کودک بر اثر گرسنگی جان می سپارند. سازمان ملل متحد و یونیسف علیرغم سعی و تلاش خود در مواجهه با فجایع و گرسنگی قادر نیستند که به طور نسبی با گرسنگی و آوارگی مردم مقابله کنند. آنها کمک های ناچیزی از سوی دولت ها و مردم دریافت می کنند که نمی تواند جوابگوی صد ها میلیون آواره و گرسنه در سراسر جهان باشد.

سازمان جهانی کار آماری را منتشر کرده که گویای آن است در سال ۲۰۰۴ نزدیک به ۲۱۸ میلیون کودک به کار اجباری گرفته شده اند که از این تعداد نزدیک به ۲ میلیون برای اعمال فحشا و سواستفاده جنسی بوده است. بدبختانه این وقایع اسفناک در عصری رخ می دهد که ۱۹۲ کشور پیمان نامه های مربوط به رعایت حقوق کودک را امضا نموده اند.

رهبران ادیان و مذاهب با قدرت و نفوذی که بر صد ها میلیون پیروان خود دارند به راستی اگر طالب کمال و همزیستی مسالمت آمیز و صلح گونه ای می باشند که از سوی مصلحان و پیامبران خویش به ارث برده اند می توانستند از ظهور فجایع گرسنگی آن هم در قرن بیستم جلوگیری کنند.

در آیین و مذهب اسلام, اصلی به نام قانون فتوا وجود دارد که با یک پیام و دست نوشته می توانند میلیون ها مسلمان را وادار به انجام امور خیریه در امر مشخصی کنند اما متاسفانه تاریخ هیچ گونه پیام و یا فتوائی از این دست را در صفحات خود سراغ ندارد که در این باره دستور داده باشد اما به کرات شاهد فتواهای تاریخی از علمای اسلام هستیم که برای کشتن افراد بوده که از جمله می توان از فتوای قتل سلمان رشدی اسم برد که از سوی آیت اله خمینی رهبر جمهوری اسلامی صادر شده بود.

گرمایش کره زمین و مسئولیت های کشورها

وجود گرمای بی سابقه اخیر در بسیاری از مناطق دنیا این هشدار را به ما می دهد که اگر کشور ها تصمیم درستی در مسئله تولید گازهای گلخانه ای اتخاذ نکنند سبب مسائل عدیده ای خواهد گردید که به ضرر محیط زیست و سلامتی

بشر است. در طول دهه های گذشته بارها موارد زیان آوری رخ داده که خسارات جانی و مالی فراوانی به بار آورده است. در رابطه با فرآیند های طبیعی که انجام می شود طبیعت در پی خنثی کردن گازهای گلخانه ای می باشد. به عنوان مثال, برگ درختان به طور دائم در جذب گاز CO2 می کوشند و به جای آن اکسیژن تولید می کنند. در فصل پاییز برگ‌ها فرو می ریزد و خوراک و تغذیه منابع درون زمین می شوند. این یک فرآیندی است که به طور دائم انجام می شود. چنانچه به جای ازیاد درختان جنگلی از تعداد آنان کاسته شود در چرخه منظم طبیعت نارسائی غیر قابل جبرانی ایجاد می گردد که در نهایت به ضرر و زیان محیط زیست و جان انسان‌ها منتهی خواهد شد.

 آمار های متعددی نشان داده که آتش سوزی های مکرر در جنگل ها اتفاق می افتد که دلیل عمده آن به علت گرمایش کره زمین است که متأسفانه رو به فزونی می باشد. دو عامل ذکر شده بالا سبب کاهش فرآیند طبیعی منابع جنگلی گردیده و در نتیجه باعث ازدیاد گازهای گلخانه ای می گردد که وجود CO2 دی اکسید کربن در حجم بالا حاکی از نیایج زیانباری می باشد. نشست اقلیمی گلاسکو در اسکاتلند اکتبر ۲۰۲۱ برگزار شد. در این نشست که اکثر کشور ها حضور داشتند دبیر کل سازمان ملل متحد هشدار داد که این آخرن فرصت برای همه ماست که به نجات کره زمین بشتابیم.

از هنگامیکه بشر موفق به اختراعات بسیاری در صنایع گردیده صدها سال سپری گشته است. انسانها توانسته اند با تکیه بر علم و تکنولوژی اختراعات اولیه را تکمیل کرده و تغییرات شگرفی را در صنایع ایجاد نمایند. علیرغم تلاش های بسیار, متخصصین و دانشمندان دریافته اند که در استفاده از

ذخایرکره زمین زیاده روی بسیار صورت گرفته که در نتیجه منجر به افزایش میزان دی اکسید کربن دراتمسفر کره زمین شده و این پدیده می رود که حیات کره زمین را در معرض خطر جدی قرار دهد.

در این زمینه به عنوان مثال می توان از استخراج و تولید ذغال سنگ توسط کشورهای چین, امریکا, هندوستان نام برد. ذغال سنگ یکی از منابع سوختی فسیلی است که آلودگی های محیط زیستی بسیاری به جای می گذارد و درصد بالائی دی اکسید کربن منتشر می کند. متاسفانه در سالهای قبل که ذغال سنگ می توانست از چرخه سوخت و سوز خارج گردد اینک به دلائل مختلف از جمله حمله روسیه به اوکراین میرود که به کارگیری آن مجددا افزایش یابد. بر طبق گزارشاتی که در جرائد اخیرا منتشر شده تولید ذغال سنگ در حدود ده درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. دلیل عمده مصرف ذغال سنگ به واسطه بحران صادرات گاز روسیه به اروپا می باشد که اینک قطع گردیده است

کارشناسان از کشورهای مختلف در گردهمائی ها و سمینار های گوناگون در سراسر دنیا اظهار داشته اند که باید در جهت اصلاح این وضع بغرنج کوشید و در یک دوره از زمان کشورها باید از قوانین جدیدی تبعیت نمایند که در نتیجه آن میزان غلظت دی اکسید کربن در جو کره زمین کاهش یابد در غیر این صورت مردم سراسر دنیا شاهد گرمای بی سابقه ای خواهند شد که می تواند باعث آب شدن یخ های قطبی گشته و سطح آب اقیانوس و دریا ها را افزایش بدهد, و این به معنای آن است که بنادر و شهرهای ساحلی در خطر غرق شدن قرار خواهند گرفت. کارشناسان همچنین افزایش طوفان های دریائی مکرر در نقاط مختلف

دنیا را بی مناسبت با وقایع بالا نمی دانند که در نتیجه باعث خسارات فراوان مالی و جانی گردیده است. آنها مصرانه از کشورهای صنعتی درخواست کرده اند که در جهت کاهش سوخت های فسیلی اهتمام ورزند.

در همین لحظات که این نوشتارها بر روی کاغذ می آید آتش سوزی های وحشتناکی در مناطقی از کشورهای یونان, ترکیه و امریکا و کانادا رخ داده است. این آتش سوزیها تنها یک دلیل عمده دارد و آن نیز به علت گرمای بی سابقه در این مکان هاست که در نتیجه میلیونها هکتار از جنگل های سرسبز دنیا طعمه آتش گردیده است. علاوه بر طوفانهای دریائی که تا کنون دهها مورد از آن قبلاً اتفاق افتاده است و منشاء خسارات عظیم جانی و مالی بوده است.

برطبق شواهد و گزارشها یخ های عظیم مناطق قطبی از مکان خود شناور گشته و به سوی آبهای آزاد روانه هستند. محققان امور هواشناسی و دانشمندان که از دهه ها پیش به طور مکرر به دولت ها اخطار می دادهاند اینک اظهار می کنند حتی با تشریک مساعی همگان بعید به نظر می رسد که از رشد دمای کره زمین جلوگیری نمود و این به معنای آن است که کره زمین شاهد رویداد ها و فجایع غیر قابل انتظار باشد.

محیط زیست در طی دهه ها اکتشافات, تولیدات و مصارف نفتی و سوخت و سوز زغال سنگ و منابع فسیلی آسیب های فراوانی دیده است. کشورها در انتقال از مصارف سوخت های فسیلی به منابع سبز از قبیل ساخت و ساز نیرو گاههای خورشیدی, انرژی تولیدی ازتوربین های بادی, تولیدات اتومبیل های برقی به کندی عمل کردهاند و حتی پیش بینی نمی شود که تا سال ۲۰۳۰ بتوان برای همیشه

خودروهای بنزینی را به کنار گذاشت که نقش بسیار بزرگی در آلوده کردن هوا و تولید دی اکسیدکربن داشته و در افزایش گرمایش زمین نقش داشته اند اگرچه فاکتوری های دیگری از جمله گاز متان نیز نقش بسزائی در گرمایش زمین دارد که از تجزیه گیاهان در مرداب حاصل می شود. مقدار دی اکسید کربن در جو کره زمین در طی دو قرن گذشته دو برابر گشته است که این خود به تنهائی عامل مهمی در افزایش حرارت زمین می باشد.

افزایش دمای زمین حتی به اندازه ۱ درجه تبعات خطرناکی دارد که متأسفانه دولت ها به آن کم توجهی کرده‌اند. شنیدن خبرهای آتش سوزی جنگل ها و قطع و انهدام درختان سبز که بزرگترین منبع برای جذب دی اکسید کربن هستند بسیار دردآور می باشد درختانی که هر یک به تنهائی مقادیر ۲۰ کیلو CO_2 را سالانه جذب خود می کنند اما بدبختانه درختان قربانی قطع بی رویه و یا طعمه آتش سوزی های ویرانگر گشته اند.

پایان



همانگونه که پیامبران در جوامع گذشته قوانین مذهبی را با توجه به موقعیت دوران خود تدوین و منتشر کردند امروز نیز می توان آن قوانین را با توجه به زمان حال تغییر داد. این اندیشه که تغییر قوانین مذهبی در مخالفت با خدا و رسولان خدا ست باید آنرا به کنار گذاشت. اگر رسولان دینی در این دنیا و زمان حال زندگی می کردند افکار و اندیشه های مذهبی خود را به طور یقین متناسب با وضع جوامع امروز نشر می دادند.

در طبیعت , هر عنصر و گیاه و موجود زنده دچار تغییر می شود. جنین درون شکم مادر, یک سلول کوچک است و بعد از مدت زمانی دچار تغییرشده رشد و تکامل پیدا می کند تا به هیبت انسانی در آید. این پدیده تکامل در رابطه با خلق انسان قانون خداوند است و به ما می آموزد که زندگی با تغییر و رشد و تکامل ادامه پیدا می کند اینکه بر گشت به گذشته , سکون و عدم تکامل در تناقض با قانون خدا و خلقت است. خدا از دل و جان طبیعت زیبایش این چنین برای ما پیام فرستاده و ما وظیفه داریم که به آن عمل کنیم تا مشگلات بسیاری از جوامع دنیا برطرف گردد.